



«

»



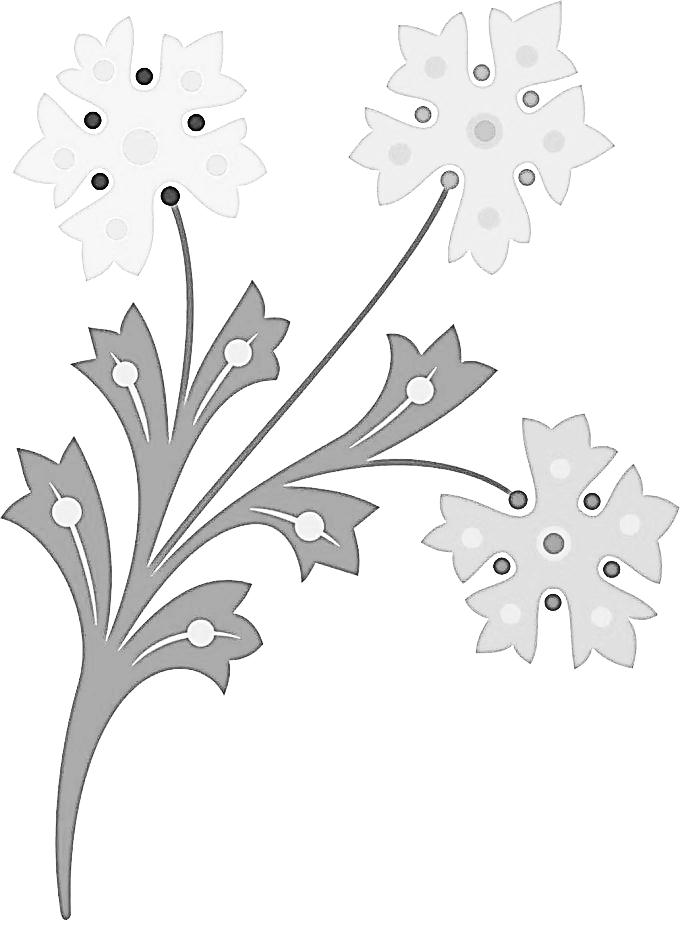
ويرايش اول: **خرداد 1391**





مندرجات:

* تعريف پروژه
* هدف و موضوع پروژه
* فرآيند اجراي پروژه
* آمار داده‌ها و نتايج
* محصول پروژه
* فهرست مطالب
* متون گزينش‌شده
* اصطلاحات



**تعريف پروژه**

# هدف و موضوع پروژه

با تأسيس واحد جديدي در معاونت جامعه و روحانيت كه به وضعيت روحانيون شاغل توجه ويژه‌اي نمايد، نياز به دستورالعمل‌هايي براي اشتغال روحانيت به شدّت احساس شد. توليد دستورالعمل و آيين‌نامه نيز محتاج منابعي است كه يكي از آن‌ها فرمايشات و دستورات بنيانگذار انقلاب اسلامي ايران، امام راحل و راهنمايي‌هاي راهگشاي مقام معظم رهبري، آيةالله‌العظمي خامنه‌اي مي‌باشد.

در اين راستا پروژه‌اي تعريف شد كه در قالب اين پروژه، تمامي فرمايشات اين دو بزرگوار جمع‌آوري و بررسي شده و مطالب مرتبط با «اشتغال روحانيت» استخراج و طبقه‌بندي گردد و به عنوان منابع خام در اختيار واحد جديدالتأسيس قرار گيرد.

تسريع در فعّال‌سازي واحد مزبور ايجاب كرد كه اين پروژه به سرعت آغاز شده و در زمان كوتاهي به نتيجه و محصول برسد. از اين رو، برنامه‌ريزي‌ها به سرعت انجام گرفت و از فعاليت‌هاي مقدماتي و مطالعاتي اوليه صرف‌نظر گرديد. بدين‌ترتيب تمامي فرآيند به يك كارشناس واگذار شده و تصميم‌گيري‌ها به او محوّل گشت.

منابع مورد استفاده آخرين نگارش نرم‌افزارهاي «مجموعه آثار امام خميني» و «حديث ولايت» مشتمل بر بيانات و مكتوبات مقام معظم رهبري كه هر دو به وسيله «مركز تحقيقات كامپيوتري علوم اسلامي» توليد شده است، در نظر گرفته شد.

نرم‌افزار نخست مورد تأييد «مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني» مي‌باشد كه كتاب «صحيفه نور» مشتمل بر سخنراني‌ها، پيام‌ها و مكاتبات امام به صورت كامل در آن درج شده و نرم‌افزار ثاني نيز به اهتمام «دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آيةالله‌العظمي خامنه‌اي» توليد شده است. از اين رو، منابع مناسبي براي اجراي پروژه مذكور به نظر رسيده‌اند.

در معرفي نرم‌افزار دوم ذكر شده است: «[مشتمل بر] متن كامل بيانات، سخنراني‏ها، خطبه‏ها، مصاحبه‏ها و ديدارهاي رهبر معظم انقلاب از شهريورماه 1366 تا آبان 1389 شمسي و متن كامل مكتوبات، پيام‏ها، نامه‏ها، پاسخ‏ها، تقديرها، دستخط‌ها و يادداشت‏ها، ابلاغ‏ها، انتصاب‏ها، موافقت‏نامه‏ها و حكم‏هاي مقام معظم رهبري از آبان‏ماه 1367 تا آبان‏ماه 1389 شمسي». از همين رو، اطلاعات مربوط به سال 1390 از طريق سايت معظّم‌له دريافت شده و به مجموعه افزوده شد و دامنه پژوهش تا خرداد 1391 توسعه پيدا كرد.

# فرآيند اجراي پروژه

اجراي پروژه به سه مرحله تقسيم شد:

1. مرحله آغازين: تهيه فيش‌هاي اوليه
2. مرحله مياني: تحليل و آناليز فيش‌ها
3. مرحله نهايي: طبقه‌بندي و نهايي‌سازي

در مرحله نخست، منابع تهيه شده و كليدواژه‌گزيني صورت گرفت. پس از بررسي منابع به دست‌آمده بر اساس كليدواژه‌هاي اوليه، كليدواژه‌ها بهينه و اصلاح شده و پس از نهايي شدن، جستجوي اصلي صورت گرفت. داده‌هاي به دست آمده از جستجو مطالعه و غربال شد، تا فيش‌هاي نهايي استخراج شود.

1. تهيه منابع
2. تعيين كليدواژه‌هاي اوليه
3. جستجوي كليدواژه‌ها
4. بررسي اجمالي نتايج به دست آمده
5. تعيين كليدواژه‌هاي نهايي
6. جستجوي كليدواژه‌هاي نهايي
7. ملاك‌گزيني براي غربال‌گري
8. غربال نتايج به دست آمده و تعيين فيش‌هاي نهايي

در مرحله مياني، فيش‌هاي نهايي به دقت مطالعه و بررسي شده و واژه‌هاي كليدي آن‌ها استخراج مي‌شود. اين واژه‌كليدها نقش تبيين فيش را بازي كرده و به نوعي «موضوع» فيش را بيان مي‌نمايند. پس از پايان دور اول انتخاب واژه‌هاي كليدي، يك‌بار ديگر تمام فيش‌ها مطالعه شده و واژه‌ها اصلاح مي‌شوند. زيرا در مسير اولين دور بررسي، هنوز آخرين فيش‌ها مورد بررسي قرار نگرفته‌اند. از اين رو، در سير دوم، تجربه بيشتري در واژه‌گزيني وجود دارد.

پس از نهايي‌سازي واژه‌هاي كليدي، اين واژه‌ها استخراج و تفكيك شده و مترادف‌سازي شده و طبقه‌بندي مي‌گردند. بر اساس اين طبقه‌بندي، اصطلاحاتي ساخته مي‌شوند كه نظام موضوعات نهايي را شكل خواهند داد. فيش‌هاي اطلاعاتي به تبع اين نظام موضوعات طبقه‌بندي خواهند شد. اين كار نياز به نرم‌افزاري مناسب دارد.

1. تهيه نرم‌افزار مناسب فيش‌نويسي
2. تبديل و انتقال فيش‌ها از نرم‌افزار اوليه به نرم‌افزار فيش‌نويسي
3. انتخاب و ثبت واژه‌هاي كليدي در هر فيش اطلاعاتي
4. ويرايش فيش‌ها و اصلاح و تنظيم پاراگراف‌هاي اطلاعات
5. بررسي مجدّد واژه‌هاي كليدي و اصلاح نهايي
6. استخراج واژه‌هاي كليدي از فيش‌ها با حفظ ارتباط داده‌اي
7. استخراج فهرست غيرتكراري از واژه‌هاي كليدي
8. تهيه نرم‌افزار طبقه‌بندي اصطلاحات و موضوعات
9. طبقه‌بندي واژه‌هاي كليدي و اصطلاح‌گزيني

سپس در مرحله نهايي، فيش‌ها بر اساس طبقه‌بندي موضوعي نظم مي‌يابند و ذيل هر اصطلاح درج مي‌گردند. اطلاعات از نرم‌افزار مذكور خروجي گرفته شده و به نرم‌افزار تهيه گزارش منتقل مي‌شوند كه در اين پروژه نرم‌افزار Word مي‌باشد. ساير اصطلاحات در انتهاي اَسناد ذكر شده و به فيش‌ها مرتبط مي‌گردد. كدهايي براي فيش‌ها در نظر گرفته مي‌شود كه ارجاع به آن‌ها ساده گردد. در نهايت ويرايش نهايي اطلاعات صورت گرفته و متن براي استفاده چاپ مي‌گردد.

1. انتخاب طبقه‌بندي اصلي موضوعي (اجمالي) براي نظم دادن اطلاعات
2. درج فيش‌ها ذيل طبقه‌بندي موضوعي
3. انتقال اطلاعات به نرم‌افزار Word
4. درج ساير اصطلاحات در انتهاي متن و ارجاع
5. درج آمارها و شمارش داده‌ها
6. ويرايش، تنظيم و نهايي‌سازي گزارش
7. انتشار نسخه اول گزارش

نمودار (فلوچارت) تمامي فرآيند در صفحه بعد درج شده است.

تهيه منابع (خريد نرم‌افزارها)

تعيين كليدواژه‌ها

جستجوي كليدواژه‌ها

بررسي نتايج جستجو؛ آيا كليدواژه‌ها مناسب است؟

خير

ملاك‌گزيني و غربال نتايج و انتخاب فيش‌هاي مرتبط

تهيه نرم‌افزار فيش‌نويسي (Access)

تبديل و انتقال فيش‌ها به نرم‌افزار فيش‌نويسي

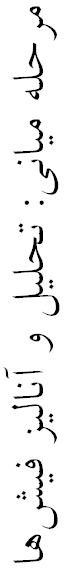
استخراج واژه‌هاي كليدي از متن فيش

بله

بررسي مجدّد؛ آيا اصطلاحات مناسب است؟

خير

بله



ويرايش فيش‌ها و تنظيم پاراگراف‌ها

استخراج واژه‌هاي كليدي از فيش‌ها

استخراج فهرست غيرتكراري واژه‌هاي كليدي

طبقه‌بندي واژه‌هاي كليدي و اصطلاح‌گزيني

انتخاب طبقه‌بندي اصلي موضوعي براي نظم دادن فيش‌ها

درج فيش‌ها ذيل طبقه‌بندي موضوعي

تهيه نرم‌افزار طبقه‌بندي اصطلاحات و موضوعات

انتقال اطلاعات به نرم‌افزار Word

درج ساير اصطلاحات و ارجاعات، آمارها، ويرايش و تنظيم نهايي و پرينت



# آمار داده‌ها و نتايج

از 926,75 ركورد اطلاعاتي كه در نرم‌افزار «مجموعه آثار امام خميني» وجود دارد، با جستجوي كليدواژه‌هاي انتخابي 341,3 فيش به دست آمد و از 556,44 ركورد موجود در نرم‌افزار «حديث ولايت» تعداد 553,1 فيش استخراج شد. ماحصل بررسي سايت Leader.ir نيز از آذر 1389 لغايت خرداد 1391 تعداد 120 فيش مرتبط بود.

كليدواژه‌هاي اوليه: «اشتغال»، «شغل»، «روحاني»

پس از بررسي نتايجي كه از جستجوي كليدواژه‌‌هاي اوليه به دست آمد، كليدواژه‌هاي نهايي ذيل انتخاب شده و براي استخراج فيش‌ها مورد جستجو قرار گرفت:

1. روحاني
2. روحانيت
3. آخوند
4. طلبه
5. طلاّب
6. حوزوي
7. حوزويان
8. روحانيون
9. علما
10. اهل علم
11. روحانيين
12. مدرسين
13. معممين
14. معمم
15. عالم ديني

تعداد فيش‌هاي يافت شده از كتاب «صحيفه نور» كه حاوي كليدواژه‌هاي فوق مي‌باشند به قرار ذيل است:

| **كليدواژه** | **تعداد** |
| --- | --- |
| روحاني | 678 |
| روحانيت | 865 |
| آخوند | 148 |
| طلبه | 97 |
| طلاّب | 327 |
| حوزوي | 1 |
| حوزويان | 0 |
| روحانيون | 1046 |
| علما | 578 |
| اهل علم | 143 |
| روحانيين | 147 |
| مدرسين | 129 |
| معممين | 52 |
| معمم | 57 |
| عالم ديني | 4 |

دليل اين‌كه از كليدواژه‌هاي «اشتغال» و «شغل» صرف‌نظر شد، عدم استعمال معتني‌به اين واژگان در منابع مورد نظر بود. بنابراين به نظر رسيد بايد تمامي منابع مرتبط با روحانيت ملاحظه گردد، تا آن‏چه به حوزه اشتغال و فعاليت روحانيون مرتبط است شناسايي شود.

پس از بررسي فيش‌هاي يافت‌شده، در سير غربال اين اطلاعات، مشاهده شد كه تصريح به مراتب اشتغال و كار روحانيون در دستگاه‌هاي دولتي بسيار كم است و از سوي ديگر، بسياري از وظايف و تكاليف براي روحانيت معيّن شده كه فراتر از مسئوليت دولتي و اشتغال حكومتي است.

از اين رو، گستره و دامنه پروژه توسعه يافت و موضوع از «اشتغال روحانيت» به «وظايف روحانيت» تبديل گشت. با توجه به اين موضوع وسيع‌تر غربال‌گري انجام شد و فيش‌ها انتخاب گرديد.

جستجوي كليدواژه‌هاي مذكور در نرم‌افزار «حديث ولايت» آمار ذيل را در اختيار گذاشت:

| **كليدواژه** | **تعداد** |
| --- | --- |
| روحاني | 411 |
| روحانيت | 356 |
| آخوند | 54 |
| طلبه | 139 |
| طلاّب | 231 |
| حوزوي | 23 |
| حوزويان | 1 |
| روحانيون | 295 |
| علما | 351 |
| اهل علم | 56 |
| روحانيين | 0 |
| مدرسين | 43 |
| معممين | 11 |
| معمم | 16 |
| عالم ديني | 17 |

در سايت اينترنتي «دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آيةالله‌العظمي خامنه‌اي» نيز از آذر 1389 لغايت خرداد 1391 تعداد 82 مطلب تحت عنوان «بيانات» ثبت شده است كه آمار جستجوي كليدواژه‌ها در آن به قرار ذيل است:

| **كليدواژه** | **تعداد** |
| --- | --- |
| روحاني | 16 |
| روحانيت | 12 |
| آخوند | 4 |
| طلبه | 9 |
| طلاّب | 8 |
| حوزوي | 2 |
| حوزويان | 1 |
| روحانيون | 13 |
| علما | 55 |
| اهل علم | 0 |
| روحانيين | 0 |
| مدرسين | 0 |
| معممين | 0 |
| معمم | 0 |
| عالم ديني | 0 |

براي غربال اطلاعات نياز به ملاك است. ملاك‌هايي كه بر اساس آن بتوان ارتباط يا عدم ارتباط فيش‌هاي اطلاعاتي با موضوع پروژه را تعيين نمود.

در مرحله «ملاك‌گزيني» مواد ذيل در نظر گرفته شده و بر اساس آن غربال صورت گرفت. تنها فيش‌هايي استخراج شده و در گستره فعاليت قرار مي‌گيرند كه واجد يكي از شرايط ذيل باشند:

1. هر مطلبي كه «وظيفه» يا «تكليفي» را متوجه قشر «روحاني» و «معمّم» بداند.
2. هر مطلبي كه «وظيفه» يا «تكليفي» را متوجه «حوزه علميه» بداند.
3. هر مطلبي كه از ارتباط «نظام اسلامي» با «حوزه علميه» يا قشر «روحاني» سخن بگويد.
4. هر مطلبي كه بيانگر و توصيف‌كننده «شغل روحاني» باشد.
5. هر مطلبي كه درباره مسئولين «عقيدتي، سياسي»، «نمايندگان ولي‌فقيه» يا «امامت جمعه» و «جماعات» باشد.
6. هر مطلبي كه توصيه به «طلاّب» محسوب شود، از جهت آينده‌اي كه در خدمت به «نظام اسلامي» دارند.
7. هر مطلبي كه نسبت «روحانيون» با «مردم» را توصيف كند، از جهت نقش «مردم» در «انقلاب اسلامي».
8. هر مطلبي كه در نسبت «دين و سياست» سخن رانده باشد.
9. هر مطلبي كه اهداف و فعاليت‌هاي «دشمنان نظام اسلامي» عليه «روحانيت» يا «حوزه علميه» را تبيين نمايد.
10. هر مطلبي كه درباره «مسئولين» نظام بوده و اشاره‌اي به قيد «روحاني» در آن شده باشد.

بر اساس اين ملاك‌ها، هر مطلبي كه در چارچوب فوق جاي نگرفت حذف شد و هر آن‏چه در اين چارچوب قرار داشت، به عنوان فيش‌هاي نهايي به مرحله بعد منتقل شد.

آمار نهايي فيش‌ها را مي‌توان در جدول ذيل مشاهده كرد:

| **منبع** | **پيش از غربال** | **پس از غربال** | **نهايي** | **ريزش** |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| صحيفه نور | 3341 | 214 | 212 | 2 |
| حديث ولايت | 1553 | 199 | 212 | 1 |
| سايت رهبري | 120 | 14 |
|  | **5014** | **427** | **424** | **3** |

و آمار نهايي كليدواژه‌ها و اصطلاحات به شرح ذيل است:

| **گوينده** | **كليدواژه‌ها** | **غيرتكراري** | **اصطلاحات** | **سرشاخه‌ها** | **اجمالي** |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| امام | 516 | 285 | 182 | 3 | 55 |
| رهبري | 914 | 398 | 252 | 3 | 48 |
|  | **1430** | **683** | **434** | **6** | **103** |

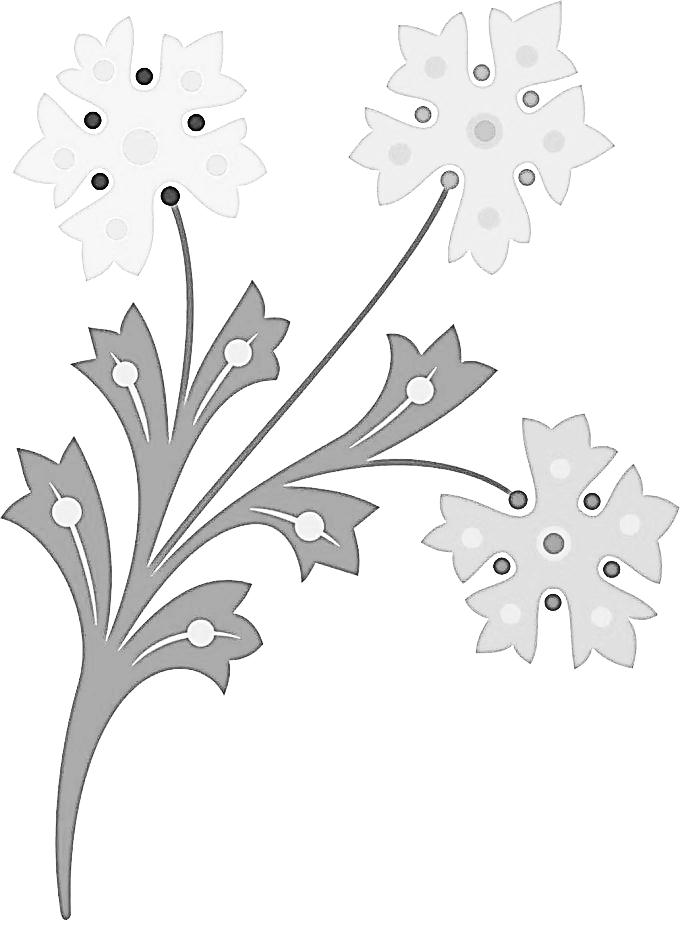
اصطلاحات اجمالي آن دسته از اصطلاحاتي هستند كه جهت طبقه‌بندي و مرتّب‌سازي فيش‌ها هنگام چاپ و نشر گزينش شده‌اند. اين اصطلاحات به دليل وجود تعداد مناسبي فيش در ذيل خود و طبقه‌بندي منطقي‌اي كه ايجاد مي‌كردند انتخاب گرديده و در داخل متن محصول و لابه‌لاي فيش‌ها درج شده‌اند.

تعداد اصطلاحات اجمالي نهايي كه از ادغام دو دسته اصطلاحات اجمالي استخراج شده به دست آمد 68 مورد مي‌باشد كه تمامي 449 عدد فيش در ذيل اين فهرست درج شده است. 25 عدد از فيش‌ها به ضرورت درج در ساير طبقات اصطلاحات تكرار شده است. تعداد فيش‌ها بدون تكرار تنها 424 عدد است.

در نمودار ذيل نسبت اطلاعات جمع‌آوري شده از امام راحل بر اساس سرشاخه‌هاي انتخابي ملاحظه مي‌شود.

در اين نمودار نيز نسبت اطلاعات جمع‌آوري شده از فرمايشات مقام معظم رهبري بر اساس سرشاخه‌هاي انتخابي ديده مي‌شود.

نمودارهاي فوق بيانگر نسبت تأكيد مطالب بر عناوين و اصطلاحات ذكر شده هستند. مشابه همين نمودارها را مي‌شود براي تمامي اصطلاحات ترسيم نمود، تا با دقت بيشتري ترتيب و اولويت موضوعات را نشان دهد.



**محصول پروژه**

# فهرست مطالب

نظام اصطلاحات توليد شده از واژه‌هاي كليدي، در نهايت پس از «اجمالي‌سازي»، يعني انتخاب پاره‌اي از اصطلاحات كه به خوبي بتواند متن را پوشش بدهد و نظم منطقي در آن ايجاد كند، تا حدّ امكان ادغام شد. اصطلاحات استخراج شده از فرمايشات امام راحل و مقام معظم رهبري با يكديگر تطبيق داده شده و فهرستي را فراهم نمود كه مي‌تواند فرمايشات هر دو بزرگوار را در كنار هم نظم دهد.

آن‌چه در اين بخش ملاحظه مي‌فرماييد، ابتدا نمايي اجمالي از دو نظام اصطلاحات به صورت مستقل و در نهايت فهرست تطبيقي و ادغام‌شده‌اي از آنهاست كه به متن فرمايشات ارجاع و اشاره مي‌كند. اعداد داخل پرانتز تعداد فيش‌هاي ذيل هر عنوان را نشان مي‌دهد.

## نظام اصطلاحات استخراج شده از فرمايشات امام راحل

1. خودسازي روحانيت (55)

1/1. حفظ شأن روحانيت (17)

1/1/1. وابستگي آبروي اسلام به روحانيت (14)

2/1. لزوم زهد و پرهيز از رفاه‌طلبي (6)

3/1. عدم تخلّف از موازين (21)

4/1. تهذيب نفس و مراعات تقواي الهي (7)

5/1. آگاهي به مسائل روز (1)

6/1. اهتمام به شغل روحانيت (3)

2. خدمت روحانيت به مردم (33)

1/2. تبليغ و منبر (5)

1/1/2. نيازسنجي و مخاطب‌شناسي (1)

2/2. آبادسازي مساجد به عنوان پايگاه اسلام (3)

3/2. اتكاي روحانيون به مردم (2)

4/2. آگاهي‌بخشي سياسي (11)

1/4/2. ايجاد استقامت و اميد در مردم (3)

2/4/2. هدايت مردم در انتخاب نامزدها (5)

5/2. جلوگيري از اختلافات و ايجاد وحدت (5)

6/2. تربيت و اصلاح جامعه (6)

3. خدمت روحانيت به نظام اسلامي (143)

1/3. شبهه جدايي دين و سياست (36)

1/1/3. اتهام آخوند سياسي (6)

2/1/3. اتهام استبداد ديني (4)

2/3. حضور روحانيت در صحنه (4)

3/3. حضور روحانيت در حاكميت (73)

1/3/3. عدم دخالت روحانيت در امور اجرايي (نظر قديم) (6)

2/3/3. حضور روحانيت در اداره نظام (نظر جديد) (49)

1/2/3/3. دليل ضرورت حضور روحانيت در امور اجرايي (6)

2/2/3/3. احتياج نظام به روحانيون (41)

1/2/2/3/3. احتياج به قاضي در دستگاه قضايي (10)

2/2/2/3/3. احتياج دانشگاه‌ها به روحاني (5)

3/2/2/3/3. حضور روحاني در مجلس شوراي اسلامي (2)

4/2/2/3/3. ضرورت حضور روحانيون در خبرگان (3)

5/2/2/3/3. احتياج جبهه‌ها به روحاني (1)

6/2/2/3/3. احتياج آموزش و پرورش به روحاني (1)

7/2/2/3/3. حضور روحانيت در اصلاح اقتصاد (1)

8/2/2/3/3. امامت جمعه (5)

9/2/2/3/3. رسيدگي به امور اوقاف (1)

10/2/2/3/3. حج (2)

11/2/2/3/3. حضور در كمسيون‌ها و شوراها (2)

12/2/2/3/3. حضور در صداوسيما (1)

13/2/2/3/3. مراكز نظامي (3)

14/2/2/3/3. روحانيت در وزارت اطلاعات (1)

15/2/2/3/3. شوراي نگهبان (2)

3/3/3. وظيفه نظارت روحانيت بر مسئولين نظام (8)

4/3/3. عدم عذر از كوتاهي در ياري نظام (3)

5/3/3. عدم دخالت در امور خارج از صلاحيت (3)

4/3. ضرورت تغيير محتواي نظام به تبع تغيير عنوان (2)

5/3. وظيفه حوزه علميه (17)

1/5/3. تربيت قاضي و مبلّغ (5)

2/5/3. حفظ فقاهت در حوزه (3)

3/5/3. آموزش زبان خارجي (1)

4/5/3. توجه به تهذيب طلاّب (1)

5/5/3. پرهيز از تشريفات در حوزه علميه (2)

6/3. تلاش استكبار جهاني عليه نظام و روحانيت (11)

1/6/3. ندادن بهانه به دست دشمن (4)

2/6/3. شناسايي عوامل نفوذي دشمن در روحانيت (2)

## نظام اصطلاحات استخراج شده از فرمايشات مقام معظم رهبري

1. خودسازي روحانيت (45)

1/1. لزوم زهد و پرهيز از رفاه‌طلبي (38)

1/1/1. توجه به التزامات لباس روحانيت (11)

2/1/1. ساده‌زيستي و دوري از تشريفات (15)

3/1/1. تقوا و اخلاص در عمل (12)

2/1. آماده‌سازي خود براي خدمت (6)

1/2/1. كسب آگاهي‌هاي سياسي و قدرت تحليل (4)

2/2/1. فراگيري زبان‌هاي زنده دنيا (1)

3/2/1. آموزش نظامي (1)

3/1. عدم عذر در كوتاهي (1)

2. خدمت روحانيت به مردم (71)

1/2. تبليغ و هدايت مردم (58)

1/1/2. ضرورت اهتمام به تبليغ و فرصت‌هاي پيش رو (7)

2/1/2. توجه به محتواي تبليغي (2)

3/1/2. اهميت منبر و تبليغ چهره به چهره (12)

4/1/2. زندگي در ميان مردم (6)

5/1/2. ارتقاء ايمان و اعتقاد مردم (9)

6/1/2. مخاطب‌شناسي و نيازسنجي (14)

7/1/2. تربيت و پرورش انسان‌ها (2)

8/1/2. آگاهي‌بخشي سياسي (3)

9/1/2. ترويج اميد و اطمينان در جامعه (3)

2/2. ايجاد وحدت و پرهيز از اختلاف (7)

3/2. احياء دين و اقامه شعائر الهي (6)

3. روحانيت و نظام اسلامي (102)

1/3. نقش روحانيت در استقرار نظام (11)

1/1/3. آبروي روحانيت (6)

2/1/3. خدمت به انقلاب (4)

2/3. انحراف جدايي دين از سياست (11)

3/3. حمايت از نظام اسلامي (75)

1/3/3. دشمني استكبار با نظام (5)

2/3/3. حضور در صحنه و موضع‌گيري در حوادث (3)

3/3/3. حضور در اداره نظام (46)

1/3/3/3. مسئوليت‌هاي دولتي (4)

2/3/3/3. مسئوليت‌هاي صنفي (38)

1/2/3/3/3. مجلس خبرگان (1)

2/2/3/3/3. آموزش عالي (13)

3/2/3/3/3. آموزش و پرورش (1)

4/2/3/3/3. صداوسيما (2)

5/2/3/3/3. مراكز نظامي (11)

6/2/3/3/3. دستگاه قضايي (3)

7/2/3/3/3. حج (1)

8/2/3/3/3. امامت جمعه (6)

4/3/3. نظارت بر نظام (3)

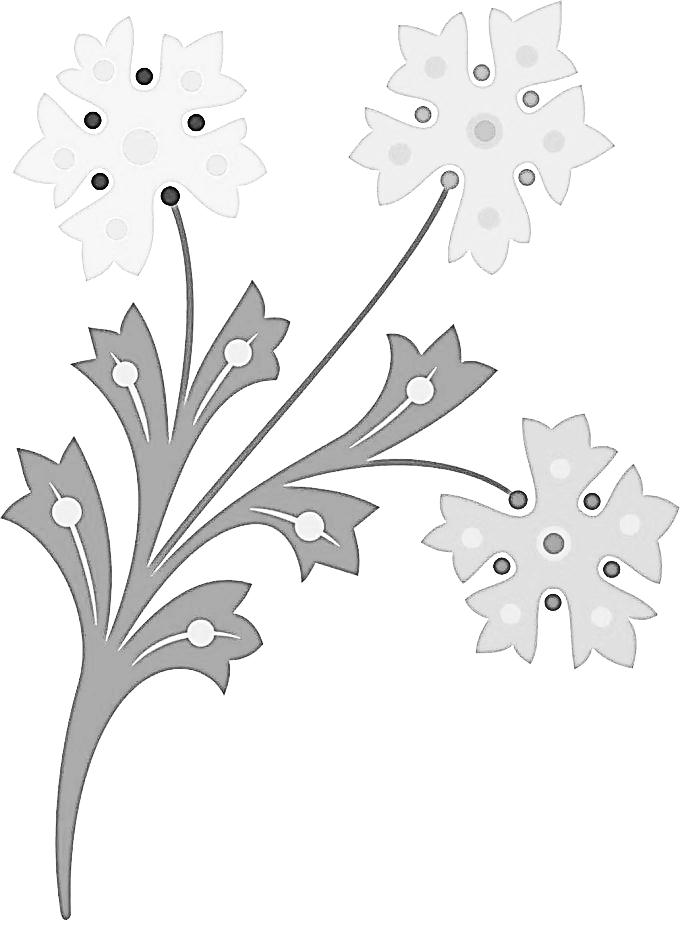
5/3/3. آماده‌سازي حوزه براي ياري نظام (11)

1/5/3/3. تشكيل اتاق‌هاي فكر ديني (2)

2/5/3/3. جمع‌آوري آمار و اطلاعات روحانيت (1)

3/5/3/3. مديريت تبليغ (5)

4/3. استقلال حوزه و روحانيت (5)



**فهرست تطبيقي**

1. خودسازي روحانيت (109)

1/1. حفظ شأن روحانيت و توجه به التزامات لباس روحانيت (38) 101 الي 138

1/1/1. وابستگي آبروي اسلام به روحانيت (24)

2/1. لزوم زهد، ساده‌زيستي و پرهيز از رفاه‌طلبي و تشريفات (21) 139 الي 159

3/1. عدم تخلّف از موازين (21) 160 الي 180

4/1. تهذيب نفس، مراعات تقواي الهي و اخلاص در عمل (19) 181 الي 199

5/1. اهتمام به شغل روحانيت (3) 200 الي 202

6/1. آماده‌سازي خود براي خدمت (7) 203 الي 209

1/6/1. كسب آگاهي‌هاي سياسي و قدرت تحليل (6)

2/6/1. آموزش نظامي (1)

2. خدمت روحانيت به مردم (104)

1/2. تبليغ، منبر و هدايت مردم (50) 210 الي 258

1/1/2. نيازسنجي و مخاطب‌شناسي (15)

2/1/2. ضرورت اهتمام به تبليغ و فرصت‌هاي پيش رو (12)

3/1/2. توجه به محتواي تبليغي (2)

4/1/2. اهميت منبر و تبليغ چهره به چهره (12)

5/1/2. ارتقاء ايمان و اعتقاد مردم (9)

2/2. تربيت، پرورش و اصلاح جامعه (8) 259 الي 266

3/2. آبادسازي مساجد به عنوان پايگاه اسلام (8) 267 الي 274

4/2. اتكاي روحانيون به مردم و زندگي در ميان آنان (9) 275 الي 281

5/2. آگاهي‌بخشي سياسي (17) 282 الي 297

1/5/2. ترويج استقامت، اميد و اطمينان در مردم (6)

2/5/2. هدايت مردم در انتخاب نامزدها (5)

6/2. جلوگيري از اختلافات و ايجاد وحدت (12) 298 الي 308

3. روحانيت و نظام اسلامي (236)

1/3. شبهه جدايي دين از سياست (47) 309 الي 355

1/1/3. اتهام آخوند سياسي (6)

2/1/3. اتهام استبداد ديني (4)

2/3. حضور روحانيت در صحنه و موضع‌گيري در حوادث (7) 356 الي 362

3/3. حضور روحانيت در حاكميت (128) 363 الي 475

1/3/3. عدم دخالت روحانيت در امور اجرايي (نظر قبلي) (6)

2/3/3. حضور روحانيت در اداره نظام (نظر جديد) (96)

1/2/3/3. دليل ضرورت حضور روحانيت در امور اجرايي (6)

2/2/3/3. احتياج نظام به روحانيون (84)

1/2/2/3/3. دستگاه قضايي (13)

2/2/2/3/3. آموزش عالي (18)

3/2/2/3/3. مجلس شوراي اسلامي (2)

4/2/2/3/3. مجلس خبرگان (4)

5/2/2/3/3. احتياج جبهه‌ها به روحاني (2)

6/2/2/3/3. آموزش و پرورش (2)

7/2/2/3/3. حضور روحانيت در اصلاح اقتصاد (1)

8/2/2/3/3. امامت جمعه (11)

9/2/2/3/3. رسيدگي به امور اوقاف (1)

10/2/2/3/3. حج (3)

11/2/2/3/3. حضور در كمسيون‌ها و شوراها (2)

12/2/2/3/3. صداوسيما (3)

13/2/2/3/3. مراكز نظامي (14)

14/2/2/3/3. وزارت اطلاعات (1)

15/2/2/3/3. شوراي نگهبان (2)

3/3/3. وظيفه نظارت روحانيت بر مسئولين نظام (11)

4/3/3. عدم عذر از كوتاهي در ياري نظام (4)

5/3/3. عدم دخالت در امور خارج از صلاحيت (3)

4/3. ضرورت تغيير محتواي نظام به تبع تغيير عنوان (2) 476 الي 477

5/3. وظيفه حوزه علميه (31) 478 الي 503

1/5/3. تربيت قاضي و مبلّغ (7)

2/5/3. حفظ فقاهت در حوزه (3)

3/5/3. آموزش زبان خارجي (2)

4/5/3. توجه به تهذيب طلاّب (1)

5/5/3. پرهيز از تشريفات در حوزه علميه (2)

6/5/3. تشكيل اتاق‌هاي فكر ديني (2)

7/5/3. جمع‌آوري آمار و اطلاعات روحانيت (1)

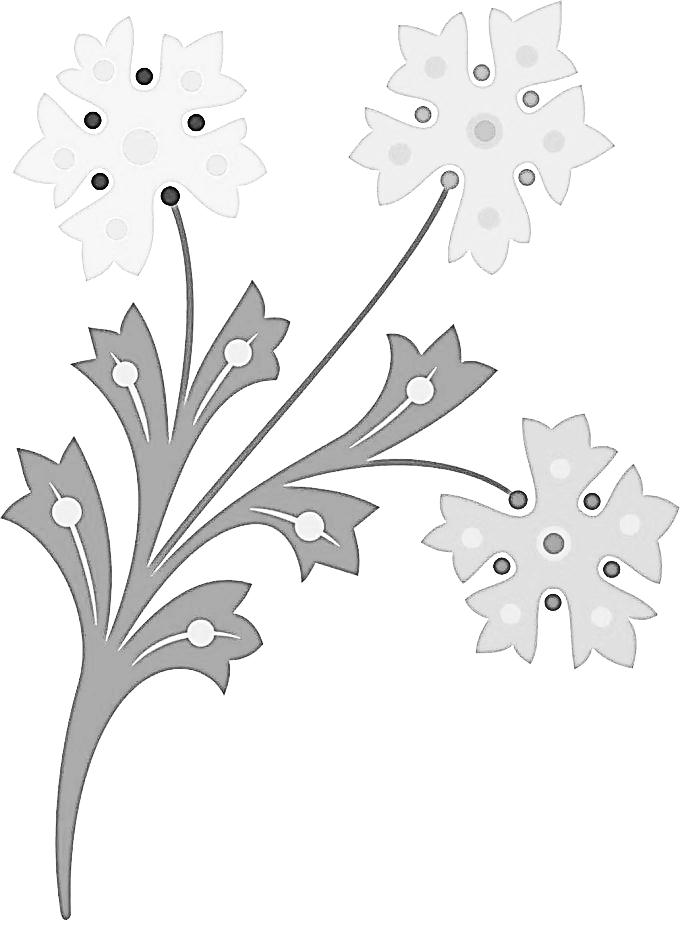
8/5/3. مديريت تبليغ (5)

6/3. تلاش استكبار جهاني عليه نظام و روحانيت (16) 504 الي 519

1/6/3. ندادن بهانه به دست دشمن (4)

2/6/3. شناسايي عوامل نفوذي دشمن در روحانيت (2)

7/3. استقلال حوزه و روحانيت (5) 520 الي 524



**متون گزينش‌شده**

1. خودسازي روحانيت

1/1. حفظ شأن روحانيت و توجه به التزامات لباس روحانيت

101 امام: «علاوه بر اينكه اخوت اسلامي بين همه قشرها بايد باشد، روحانيون يك تكليف فوق اينها دارند. اگر يك روحاني پايش را كج بگذارد مي‏گويند «روحانيين اين طورند»، نمي‏گويند فلان آدم، اگر يك بقالي كمفروشي كند مي‏گويند «آن بقال كمفروشي كرده» نمي‏گويند «بقالها كم فروش‏اند»؛ اين از تبليغاتي است كه شده است. اگر يك روحاني خداي نخواسته، يك خطايي بكند، اين طور الآن وضع شده است كه مي‏گويند روحانيون اين جوري‏اند، مسئوليت، يك مسئوليت بزرگي است كه يكي اگر پايش را غلط بگذارد اين طور نيست كه پاي خودش حساب بشود، پاي روحانيت اسلام حساب‏ مي‏شود، شكست روحانيت اسلام است. اين فرق دارد با آن كه اگر خطايي بكند مي‏گويند كه اين آدم خطا كرده است، نمي‏گويند كه اين صنف خطاكار است. از اين جهت هر خطايي كه از ما و شما آقايان خداي نخواسته، تحقق پيدا بكند علاوه بر آن مسئوليت شخصي كه داريد، يك مسئوليت انساني، مسئوليت اجتماعي، مسئوليت صنفي اين را هم براي اينكه پاي همه حساب مي‏شود؛ بنا بر اين، حساب نكنيد خودتان را يك آدم عادي. حتي طلبه در مدرسه، خودش را حساب نكند كه «خوب، من مثل ساير مردم يك طلبه عادي هستم، اگر يك خلافي بكنم پاي خودم حساب مي‏شود». حتي آن طلبه اي كه در مدرسه دارد درس مي‏خواند، آن هم وقتي كه يك خطايي بكند پاي خودش حساب نمي‏شود، پاي ديگران هم حساب مي‏كنند. مسئوليت بسيار بزرگ است، و اين نمي‏شود الّا اينكه تهذيب در خود انسان و وحدت با همه رفقا، با همه دوستان با همه اشخاص، همه قشرها. در بين روحانيون، ائمه جمعه بيشتر از ديگران مسئول‏اند. سر و كارشان الآن ائمه جمعه با مردم بيشتر است تا سر و كار ساير روحانيون. ائمه جمعه بايد خيلي مواظب باشند كه خداي نخواسته اگر در يك جايي يك چيزي اتفاق افتاد و چه شد، با جهت روحاني‏، جهت پدري حل كنند. اگر خداي نخواسته، يك وقت بنا باشد كه يك اعمال قدرت بخواهد بكند، براي اينكه امام جمعه است، اين پاي خودش حساب نمي‏شود، پاي روحانيت حساب مي‏شود، پاي اسلام حساب مي‏شود. از اين جهت، آنها وظيفه‏شان خيلي خطير است و بايد خيلي ملاحظه بكنند.» [[1]](#footnote-2)

102 رهبري: «يك چيز ديگري كه در باب روحانيت‏ شرط و لازم است كه ما دقيقاً و جداً به آن توجه كنيم، مسئله حفظ قداست روحاني‏ است. روحانيت‏ داراي قداست است. مردم به من و شما كه نگاه مي‏كنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلمان، حساب خاصي براي ما باز مي‏كنند و يك تقدسي قائلند. بعضي از گناهاني كه خودشان مي‏كنند، خيال مي‏كنند ماها نمي‏كنيم؛ بعضي از كارهاي خيري كه خودشان انجام نمي‏دهند، خيال مي‏كنند ما انجام مي‏دهيم؛ خيال مي‏كنند ماها دائم در حال ذكر الهي و توجه به پروردگار- كه غالباً از آن غفلت مي‏شود- هستيم؛ يك چنين تصوراتي در باره ما دارند.» [[2]](#footnote-3)

103 رهبري: «گاهي وجود ما عمامهي‏ها در جاهايي بي‏اثر مي‏شود، يا احياناً خداي ناكرده اثرهاي منفي بر جاي مي‏گذارد؛ اين به‏خاطر اين است كه ما در آن مورد با وظايف و هويت و منش يك روحاني‏ ظاهر نشده‏ايم.» [[3]](#footnote-4)

104 امام: «اين خطر خطر بزرگي است براي ما. و اين خطر را بايد از آن جلوگيري كنيد. چه جور جلوگيري كنيم؟ روحاني‏ به وظيفه روحانيتش، به وظيفه‏اي كه اسلام براي روحاني‏ تعيين كرده، عمل كند؛ پاسدار اسلام به وظيفه پاسداريش عمل بكند. پاسدار انقلاب است نه مخل به انقلاب، معارض با انقلاب. اگر ما يك خلافي بكنيم، روحاني‏ نيستيم؛ يك اشخاص شيطاني هستيم كه صورت روحانيت به خودمان، لباس روحانيت پوشيديم.» [[4]](#footnote-5)

105 امام: «حوزه‏ها بايد توجه داشته باشند كه در اين وقت، در اين حالي كه الآن ما واقع هستيم و دشمنها مي‏خواهند خرده‏گيري كنند، خصوصاً نسبت به اهل علم و علما و فضلا و طلاب، بايد بسيار توجه داشته باشند كه اگر خداي نخواسته در اين زمان- كه اينها مورد بررسي هستند و مورد توجه هستند- اگر خداي نخواسته يك انحرافي از بعض اشخاص مُلَبس به اين لباس واقع بشود، ممكن است اين پاي اسلام حساب بشود. در رژيم سابق اگر چنانچه يك معمَّم، يك مُلَبَّس به اين لباس، يك كار خلاف انجام مي‏داد، معلوم نبود به اسلام نسبت بدهند؛ مي‏گفتند اين منحرف است، اين ساواكي است، اين درباري است. الآن كه رژيم رژيم جمهوري اسلامي است و همه نظرها به شما دوخته شده است، اگر خداي نخواسته يك انحرافي واقع بشود در مدارس، در كميته‏ها، در جاهاي ديگر، در دادگاهها، اين پاي اسلام حساب مي‏شود. گفته مي‏شود كه جمهوري اسلامي است و جمهوري اسلامي هم همينهاست؛ همين است كه مي‏بينيد. و لهذا امروز تكليف ما بسيار سنگين است. تكليف ما حفظ وجاهت اسلام است. تكليف ما اين است كه با اعمال خودمان، با گفتار و رفتار خودمان اسلام را ترويج كنيم و وجاهتش را حفظ كنيم؛ و اگر خداي نخواسته يك انحرافي باشد بايد جلوگيري كنيد. اگر يك شخصي را ديديد كه از وظيفه اهل‏ علم‏، از وظيفه انساني- اسلامي تخطّي مي‏كند، او را نهي كنيد. اگر نمي‏شوند، كنار بگذاريد. بايد همه به وظيفه اسلامي عمل كنيم، به دست ديگران فرصت ندهيم، بهانه ندهيم دست دشمنان كه ما را آلوده كنند و بگويند كه اهل‏ علم‏، يا ديكتاتور هستند يا انحرافات دارند يا براي خودشان مي‏خواهند يك بساطي درست كنند. امروز بسيار مسأله مهم است و با سابق بسيار فرق دارد. بايد آقايان همان طوري كه در تحصيل علم كوشا هستند، در تهذيب اخلاق، در اعمال، در عقايد، در فضايل اخلاقي كوشا باشند؛ كه علم بدون عمل و بدون تقوا بسياري از اوقات مُضرّ است. بايد عالِمْ متّقي باشد و متوجه به خداي تبارك و تعالي باشد تا بتواند جامعه را تربيت كند. بايد خودش تربيت شده باشد تا بتواند جامعه را تربيت كند.» [[5]](#footnote-6)

106 رهبري: «من اين را از اين جهت به شما آقايانِ علما عرض مي‏كنم كه اين جزو مشكلات كار شماست. در راه خدا بايد اين مشكل را هم تحمّل كنيد. شما آقايان بااينكه همه يا اكثر، صرفاً به كارهاي روحاني‏ مشغول هستيد؛ عالم‏ ديني‏ و امام جماعت و مدرّس و واعظ هستيد؛ مشغول تبليغ دين هستيد و كاري به كار اداره كشور هم نداريد؛ اما چون روحاني‏ايد، زير ذرّه‏بينِ چشم بدبينِ و دلِ بدخواه دشمن قرار داريد. با توجّه به اين، روحانيت‏ بايد اعمال خودش را مورد مراقبت شديد قرار دهد: در گفتار، در كردار، در مشي شخصي، در مشي خانواده و فرزندان و كسان؛ البته آن مقدار كه تحت اراده و اقتدار شماست. «لا يكلّف الله نفساً الّا وسعها.» ممكن است كسي با كسي نسبت داشته باشد و بااينكه آن شخص خود را به او منسوب نكند و تحت نفوذ او هم نباشد، امّا برايش مايه دردسر شود. اينكه دست كسي نيست! در آن حدّي كه خداي متعال در قرآن به وسيله پيغمبر خطاب به مؤمنين مي‏فرمايد، بايد رعايت شود: «قوا انفسكم و اهليكم.»» [[6]](#footnote-7)

107 رهبري: «هر شغل و هر مقامي اقتضائاتي دارد؛ انسان بايد آن اقتضائات را قبول كند. التزام به شي‏ء، التزام به لوازمش است. با اين لباس، از برخي از چيزها بايد گذشت. البته در قبال هرچه انسان در دنيا از آن بگذرد، خداي متعال چيزي دارد كه «فيه قرّة اعين»؛ بهترش را خدا مي‏دهد. يك جوان همسن شما فرضاً اگر در خيابان راه برود، با رفيق‏هايش شوخي بكند، قهقهه هم بزند و دنبال يكديگر هم بدوند، كسي نمي‏گويد چرا؛ اما شما كه معمميد، نمي‏شود اين كارها را بكنيد. حالا اين يك مثال كوچك بود؛ از اين قبيل، چيزهايي هست كه انسان وقتي وارد جرگه خاصي شد، بايد به اقتضائات و التزامات آن ملتزم باشد؛ اين‏ها را رعايت كنيد.» [[7]](#footnote-8)

108 رهبري: «برادران عزيزي كه معمم‏ شدند، از اين لحظه به‏طور رسمي مسئوليتشان مضاعف مي‏شود. در نظام اسلامي همه مسئولند؛ «كلّكم راع و كلّكم مسئول عن رعيّته»؛ ليكن بعضي از موقعيتهاي اجتماعي، مسئوليتهاي مضاعفي دارد؛ و لباس ما از جمله آن موقعيتهايي است كه از چند جهت مسئوليتش مضاعف است: اولًا چون لباس علم است و عالم از ديگران مسئول‏تر است؛ بخصوص علم دين است، كه اذاعه علم دين و بيان حقايق الهي، شغل انبياي عظام پروردگار است؛ ثانياً چون مردم معتقدند كه در ملبسان به اين لباس، معنويت و تقوا و ورعي هست. مردمي كه در امور مادّي و معنويشان با احتياط برخورد مي‏كنند، به يك روحاني‏ كه مي‏رسند، احساس اعتماد مي‏كنند. با اين لباس هرجا باشيد، مردم به شما احترام و سلام مي‏كنند؛ وقت نماز بشود، اگر بخواهند از بين خودشان يك نفر را به امامت بگمارند، شما را خواهند گمارد؛ اين‏ها حاكي از اعتماد ديني مردم به اين لباس است؛ اين خود به طور اضافه مسئوليتي را بر دوش ما بار مي‏كند. ما بايد كاري كنيم كه مشمول آن رواياتي نباشيم كه هركس باطن او از ظاهرش كمتر بود، «فهو ملعون».» [[8]](#footnote-9)

109 رهبري: «برادران عزيز و آقايان علماي محترم! اين لباس ما و شأن ما، هميشه داراي مسئوليت بوده است. نه اينكه ما فرض كنيم زماني را مي‏شود پيدا كرد كه در آن، عالم‏ ديني‏ از مسئوليتهاي خطيري كه فوق مسئوليتهاي مردم معمولي بوده، فارغ بوده؛ نه، هميشه اين‏طور بوده است. اين به خاطر طبيعت علم است كه «صنفان من امّتي اذا صلحا صلحت امّتي و اذا فسدا فسدت امّتي»؛ كه اولش فقهاست، بعد هم امراست. تلفيق اين دو هم در زمان ما اتفاق افتاده است، كه واويلاست! پس، مسئوليت سنگيني بر دوش كساني كه اين دو را باهم داشته باشند، قرار دارد.» [[9]](#footnote-10)

110 رهبري: «كساني كه در لباس انقلابند مثل روحانيون‏ و ديگر كساني كه لباسهاي وابسته به انقلاب را دارند بيشتر از ديگران بايد مواظب باشند. همه آحاد جامعه بايد سعي كنند كه صورت جامعه را يك صورت اسلامي قرار بدهند.»[[10]](#footnote-11)

111 رهبري: «در همه شئون روحانيت‏ و وظايفي كه علماي دين و روحانيون‏ و ملبسان به اين لباس دارند، اين اصلاح نفس لازم است و ما بايد اين مسئوليت را حس كنيم. قدم اول اين است كه ما احساس بكنيم مسئوليت اصلاح نفس را داريم؛ اصلاح از لحاظ اخلاقي و روحي و تدارك كردن اخلاص و قصد قربت و اجتناب از گناه؛ همان‏كه امير المؤمنين فرمود: «و لكن اعينوني بورع و اجتهاد و عفّه و سداد»؛ يعني تلاش دائم براي درست حركت كردن و منحرف نشدن و عفت و سداد. اين احساس را بايد بكنيم و به اصلاح فكر و اصلاح بينش و اصلاح سليقه معوج اگر خداي نكرده در ما هست و اصلاح مذاق و مشرب ديني و فقهي و كلامي و سياسي و غيره توجه كنيم.» [[11]](#footnote-12)

112 رهبري: «اين لباس، هزار سال است كه لباس علم مي‏باشد. نمي‏گوييم كه فقط علما اين لباس را داشتند؛ نه، هزار سال است كه زي اهل‏ علم‏ در روحانيت‏ شيعه، از زمان شيخ مفيد و شيخ طوسي تا حالا، محور و مركز اميد مردم براي امور بوده است. يكي از آن‏ها عبارت از تبيين مسائل ديني است. يعني مردم در طول اين هزار سال، همواره از علماي دين توقع داشتند كه برايشان مسائل اسلامي را تبيين كنند. يكي ديگر از چيزهايي كه مردم اميد و انتظار داشتند، اين بوده كه اين‏ها خودشان به آن چيزهايي كه مي‏دانند و به مردم ياد مي‏دهند، عامل‏ترين باشند؛ يعني چيزي را كه ما به مردم مي‏گوييم، بايستي خود عمل كرده باشيم. اين، انتظار مردم است.» [[12]](#footnote-13)

113 رهبري: «اين نظام، نظام اسلامي است و من و شما هم كه معمم‏ هستيم، مظاهر اسلاميم.» [[13]](#footnote-14)

114 رهبري: «بحث معنويت و قداست هم بحث مهمي است. فرق اصلي ما با بقيه كساني كه مدّعايي در عالم دارند، در همين هدف مقدّس است. ما مي‏خواهيم براي خدا، براي دين خدا، براي رضاي خدا و براي اعلاي كلمة اللَّه تلاش كنيم. از آن وقتي‏كه درس خواندن را شروع مي‏كنيم، تا آن وقتي‏كه تبليغ مي‏كنيم، تا آن وقتي‏كه تدريس مي‏كنيم، تا آن وقتي‏كه سِمتي را در حوزه و يا در خارج از حوزه متصدّي مي‏شويم، تلاش و فعّاليت مي‏كنيم چه فعّاليت سياسي، چه فعّاليت اجتماعي، چه فعّاليت علمي هدفمان بايد اين باشد. اين، آن چيزي است كه مي‏تواند ما را موفّق كند و سخن ما را دلنشين و مؤثّر نمايد؛ اين را بايستي براي خودمان حتم و فرض بدانيم.» [[14]](#footnote-15)

1/1/1. وابستگي آبروي اسلام به روحانيت

115 امام: «آبروي اسلام به دست شماست. روحانييني كه در قوه قضاييه و مشغول قضاوت هستند يا مشغول يك كار ديگري هستند، اينها وظيفه‏شان زيادتر از ديگران است. اگر- خداي نخواسته- يك قضاوتي بر خلاف حق واقع بشود- و لو اشتباهاً- اين منعكس مي‏شود كه اينها دارند خرابكاري مي‏كنند.» [[15]](#footnote-16)

116 امام: «اگر هر كس يك جايي- فرض كنيد- يك صورت روحاني‏ به خودش داد و چهار تا از اين تفنگدارها را دور خودش جمع كرد و شروع كرد خلاف آن چيزي كه وظيفه روحاني‏ است عمل بكند، اسلام را به باد داده. امروز نمي‏گويند زيد اين كار را كرده؛ مي‏گويند جمهوري اسلامي اين است. منعكس مي‏كنند، اين جمهوري اسلامي. وظيفه سنگين. مسئوليت سنگين و همه‏تان مسئول خواهيد بود. اگر يكيتان يك كاري بكند، ديگري ساكت باشد، او هم مسئول است. اگر يكي خلاف كرده، همه بايد برويد دنبالش كه آقا چرا؟ لازم نيست كه كُتك كاري بكنيد، مؤاخذه كنيد. اگر يك نفر خلاف كرد، بيست نفر از شماها رفت گفت نكن، اين كار صحيح نيست، تحت تأثير واقع مي‏شود. اگر يك معمّم، يك صورت معمّم، يك كار خلاف كرد، از اطراف، معمّمين هجوم به آن آوردند كه چرا اين كار را مي‏كني؟ نمي‏كند ديگر. اگر من يك خلافي كردم همه‏تان هجوم آوريد كه چرا اين كار را مي‏كني؟ من سر جايم مي‏نشينم. همه‏تان مسئوليد، همه‏مان مسئوليم. امروز مسئوليت، بزرگ است براي ما، ما نصف راه هستيم و من خوف اين را دارم كه قضيه ما قضيه هيتلر بشود.» [[16]](#footnote-17)

117 امام: «اگر از روحاني‏ در اين زمان يك خلاف صادر بشود، مكتب را متزلزل مي‏كند.» [[17]](#footnote-18)

118 امام: «اي آقايان روحانيون! مبادا از روحانيون ...، حالايي كه يك قدرتي پيدا شده است، يك چند نفر تفنگدار دور خودشان جمع كنند و يك كاري بكنند كه اسلام را لكه دار بكنند. امروز اگر از يك روحاني‏ مطلبي صادر بشود كه بر خلاف موازين باشد، آنهايي كه بايد ما را لكه دار كنند مي‏گويند اين هم آخوندها، الآن ديكتاتوري كفش و عمامه! بهانه دست مردم ندهيد. اسلام ديكتاتوري نيست. آنكه ديكتاتور است مسْلم نيست. روحانيت ديكتاتور نيست. آنكه ديكتاتور است روحاني‏ نيست. لكن قلمها برداشته مي‏شود و نوشته مي‏شود كه اينها همانها هستند؛ آن وقت ساواك بود، حالا پاسدار هست. نكند خداي نخواسته يكوقت يك [عملي‏] از شما صادر بشود؛ از ما صادر بشود؛ از روحانيون‏ صادر بشود؛ از كميته‏ها صادر بشود. اينها همه الآن اجزاي مملكت اسلام است. ما ادعا داريم كه يك مملكت اسلامي حالا داريم. الآن اينهايي كه به اسم دادگاه اسلام و كميته اسلام- عرض مي‏كنم- پاسداران اسلام و روحانيين اسلام [هستند]، الآن ديگر آن طور نيست كه مثل رژيم سابق باشد كه اگر شما يك كاري مي‏كرديد به شما نسبت بدهند؛ اگر من يك كاري مي‏كردم به من نسبت بدهند. الآن يك وضعي ما داريم كه اگر خداي نخواسته يك قدم كجي برداريم، اين را به اسم اسلام تمام مي‏كنند.» [[18]](#footnote-19)

119 امام: «امروز اگر خداي نخواسته يك نفر روحاني‏- كه نمي‏كند او؛ يك نفر صورت روحاني‏ بيايد در بينشان واقع بشود يا در كميته‏ها برود و يك خلافي بكند، امروز ديگر نمي‏گويند ساواكي است، امروز مي‏گويند روحاني‏ است دارد اين كار را مي‏كند. ديروز ساواكي اين كار را مي‏كرد، امروز روحاني‏ اين كار را مي‏كند. و همين طور شماها: ديروز بازار بازار طاغوت بود، امروز بازار اسلام است؛ محتوايش فرق كرد؟ نه؛ رباخور همان رباخور، گرانفروش همان گرانفروش، اجحاف كن همان اجحاف كن؛ و همين طور در هر جاي مملكت كه برويم. اگر محتوا تغيير نكند خوف اين است كه مكتب ما مورد اهانت واقع بشود؛ مردم از مكتب ما برگردند. و اين بالاترين شكستي است كه ممكن است بر ما وارد بشود. و الّا فرض كنيد يك كسي هم- اينها هم نمي‏شود اما فرض كنيد شد- اينها روابطشان را با هم درست كردند و امريكا هم پشت سرشان آمد و يك كودتا هم شد و ما را هم همه را كشتند و از بين بردند و خودشان جايش نشستند، اين، شكست مسلك نيست؛ ما شكست نخورديم؛ ما شكست طبيعي خورديم نه شكست معنوي. اما اگر خود ما يك كارهايي بكنيم كه در بين مردم، در بين جوامع، در بين متفكرين، با دامن‏زدن‏ دشمنهاي ما در داخل و خارج بر مسائل، و اسباب اين بشود كه مكتب ما شكست بخورد، اين شكست است كه ديگر جبران ندارد. اين شكستي است كه در مقابل اين، انبيا ايستادند. در مقابل اين، اوليا ايستادند كه اين شكست واقع نشود. جانشان را دادند براي اينكه مكتبشان محفوظ بماند.» [[19]](#footnote-20)

120 امام: «اگر ما با هم مختلف بشويم، اسلام شكست مي‏خورد. اگر در قشر روحاني‏ خداي نخواسته مردم احساس كنند كه اين اختلافات براي دنياست- براي دين كه اختلافي در كار نيست، همه ما، همه ما يك دين داريم، يك قرآن داريم، اگر اختلافي پيدا بشود اختلاف روي اساس دنياست، شيطان است كه اختلاف مي‏اندازد- اگر ساير مردم توجه كنند كه ملّاها روي هواهاي نفساني با هم مختلف هستند، طلبه‏ها روي هواهاي نفساني با هم مختلف هستند، مردم از شما رو برمي‏گردانند. [اگر] از شما رو برگرداندند، اسباب شكست شماست؛ شكست شما شكست اسلام است. وظيفه شما سنگين است آقا! شما بايد با اخلاق خودتان، با اعمال خودتان مردم را دعوت كنيد. شما هادي مردم هستيد. شما بايد چراغ باشيد. شما بايد نور باشيد. تهذيب كنيد نفوس خودتان را. حب دنيا را از نَفْسِتان بيرون كنيد، رأس كل خطيئه است. همه خطاها از حب دنياست، از حب شهرت است. اين حب را از دل خودتان بيرون كنيد، بميرانيد اين حب را؛ زنده بشويد به زندگاني اسلام: زندگاني الهي. شما الهي بشويد. وحدت پيدا بكنيد. صفتان را واحد كنيد.» [[20]](#footnote-21)

121 امام: «آخوندها آن وقت مظلوم بودند. چهره مظلوم چهره محبوب است. شما در آن رژيم هر چه مظلومتر مي‏شديد محبوبتر مي‏شديد. هر كه مظلومتر بود محبوبتر بود. چهره امروز، چهره مظلوميت نيست تا محبوب بشويد. چهره اين است كه وقتي كار دست اينها آمد، هم اينها هم همانند. شما را به صورت ديگر درمي‏آورند. آنها هم كه فرض كنيد كه در اين كاري كه من مي‏كنم يا شما مي‏كنيد، دخالت ندارند، آنها [را] هم پهلوي شما مي‏گذارند با يك چوب مي‏زنند. پس ما مسئوليت اسلام را داريم. مسئوليت مسلمانها را هم داريم. مسئوليت روحانيت هم داريم، همه چيز را. همه مسئول و هر كس سعه نفوذش بيشتر، مسئوليتش بيشتر. كاري بكنيد كه آن اسلام عزيز، كه امروز دست شماست، با يك صورت خوبي تحويل بدهيد به اعقابتان. يك صورت مشوه درست نكنيد كه بگويند همين بود. اسلام نوراني است. با دست ماها مشوه مي‏شود.» [[21]](#footnote-22)

122 امام: «و امروز روزي است كه اگر خداي نخواسته ما در اين نهضت شكست بخوريم، شكست خورديم ديگر تا آخر. يكوقت بود كه ما [پيوسته‏] مي‏گفتيم كه طاغوت هست، ان شاء اللَّه حكومت اسلامي بشود، ان شاء اللَّه امور درست مي‏شود، همه حرفمان اين بود. ملت هم فرياد كردند كه ما اسلام را مي‏خواهيم. اگر خداي نخواسته، حالايي كه اين طور شده، به واسطه كجروي ماها، كجروي طوايف مختلف، كجروي احزاب، بعضي از احزاب، اگر خداي نخواسته از باطن ما را تهي كنند و ما را به جان هم بريزند و مهم نيست، كه به جان هم بريزند، مهم اين است كه با به جان هم ريختن، صورت اسلام را يك جور ديگر جلوه بدهند به دنيا. بگويند سر و كار آنها با دنياست. قلم آنها دستشان هست. همه چيزهاي گروهي، رسانه‏هاي گروهي دست آنهاست. ماها يك ملت ضعيفي هستيم، و جز يك حربه كه ايمان بود، نداشتيم. همه تبليغات مال آنهاست. ما راه تبليغي نداريم. كاري ما نكنيم كه در همه تبليغاتشان و همه جاي دنيا بگويند كه اسلام اين طوري بود كه در ايران بود.» [[22]](#footnote-23)

123 امام: «من به آقايان روحانيين‏ هم كراراً گفته‏ام، حالا هم عرض مي‏كنم كه اولًا مسئوليت شما زياد است، مسئوليت بزرگي به عهده شماست. اين ملت كه همه دارند مي‏گويند نايب الامام و نايب پيغمبر اگر خداي نخواسته از شما يك انحرافي ببينند؛ اين روحانيت‏ را مي‏شكنند. روحانيت‏ اگر شكسته بشود، اسلام شكسته شده است. روحانيت‏، اسلام را نگه داشته؛ اگر اين شكسته بشود، اسلام شكسته مي‏شود. اگر در اين مقطع زمان به دست ما شكسته بشود، ما خيانت به اسلام و قرآن كرديم. خودتان را بپاييد، متوجه باشيد! اعمالتان را با اسلام تطبيق بدهيد. اگر كساني در بين شما خداي نخواسته انحراف دارند، از صف خودتان خارج كنيد.» [[23]](#footnote-24)

124 امام: «امروز آبروي اسلام بسته به اعمال روحانيين‏ است. روحانيين‏ كه مربي انسانها هستند، به جاي انبيا نشسته‏اند، مبعوث از طرف انبيا هستند. آبروي اسلام امروز، آبروي اسلام در ايران امروز، بسته به اعمال همه است، و خصوصاً روحانيون‏. اگر خداي نخواسته از اين طايفه يك اشتباهي صادر بشود، يك خطايي صادر بشود، اين به پاي اسلام تمام مي‏شود. متوجه باشيد كه مسئوليت بزرگ است. همه مسئوليم، همه مسئوليد لكن روحانيون‏ بيشتر مسئولند. مبادا يكوقت اعمالي صادر بشود از اين طايفه، كه همان طور كه گفته مي‏شود، و اشخاص مغرض گفته‏اند و مي‏گويند، كه «ما از زير بار ديكتاتوري رضا خان بيرون آمديم و زير بار ديكتاتوري آخوندها واقع شديم»! آخوند ديكتاتور نيست؛ و ديكتاتور آخوند نيست. اگر رسول اكرم، امير المؤمنين- سلام اللَّه عليه- خداي نخواسته ديكتاتور بودند، آخوند هم بايد ديكتاتور باشد؛ لكن آنها نبودند. آنها هيچ وقت اعمال قدرت را بر غير موضعش نمي‏كردند.» [[24]](#footnote-25)

125 امام: «اگر ما خطا بكنيم، ما خطاكاريم نه اسلام. كاري نكنيد و كاري نكنند و علما كاري نكنند و بزرگان قوم كاري نكنند و متفكران كاري نكنند كه اسلام لكه دار بشود، كه مكتب لكه دار بشود. ما خودمان از بين برويم اشكالي ندارد؛ نهضتمان هم از بين برود اشكالي ندارد؛ لكن اگر خداي نخواسته مكتبمان از بين برود، مكتب كه مكتب توحيد است، مكتب اسلام است، مكتب خداست؛ اگر ما كاري بكنيم كه اين مكتب لكه دار بشود، در دنيا بگويند كه وقتي كه كار به دست خود مردم افتاد، وقتي كار به دست پاسداران اسلام‏ افتاد، گفتند ما پاسداران اسلاميم، اگر كار به دست علماي اسلام افتاد، گفتند ما علماي اسلام هستيم، ما جانشين انبيا هستيم؛ اگر يكوقت خطا واقع بشود، اين مسأله از اين خطاهاي كوچك نيست. امروز مسائل بزرگ است. امروز خطاها كوچكش هم بزرگ است. امروز اسلام در دست ماست، تا ما چه بكنيم. قرآن كريم در دست ماست تا ما چه بكنيم. آيا كاري بكنيم كه به ما بگويند كه اين هم اسلام! پاي اسلام حساب مي‏شود.» [[25]](#footnote-26)

126 امام: «يكوقت مي‏گويند كه فلان آدم اين طوري است، اين اشكالي ندارد؛ فلان شخص اين طوري است. يكوقت اگر بنا شد كه مثلًا در قشر معممين، خداي نخواسته، در قشر علما، خداي نخواسته، يك مطلب خلافي واقع بشود، دو تا مطلب خلاف واقع بشود، مردم مي‏گويند كه خوب، اينها نمايندگان اسلام هستند، نمايندگان اسلام هم همين طورند؛ پس معلوم مي‏شود اسلام اين طوري است.» [[26]](#footnote-27)

127 امام: «الآن يك تكليف بسيار بزرگي به عهده همه ماست. من كه يك طلبه‏ هستم اين تكليف را دارم؛ آقايان هم، كه از آقايان هستند، اين تكليف را دارند؛ ساير قشرها هم دارند؛ كه كوشش كنيم وجهه اسلام و صورت اسلام را آن طور كه هست نمايش بدهيم؛ نه آن طوري كه خلفايي مثل معاويه و يزيد و بعضي، يا بسياري از خلفاي اموي و بني عباس جلوه مي‏دادند. به عنوان اينكه ما نماينده اسلام هستيم كارهايي مي‏كردند كه با اسلام مخالف بود؛ و اسباب اين مي‏شد كه يكوقت وجهه اسلام را در دنيا دگرگون كنند.» [[27]](#footnote-28)

128 امام: «الآن ما در يك امتحان بزرگ واقع هستيم. الآن خدا ما را امتحان مي‏كند كه آيا ما در اين وقتي كه يك مطلبي دستمان آمده، يك قدرتي دستمان آمده است، آيا ما چه مي‏كنيم؟ ما هم همان هستيم به صورت ديگر؟ يا خير، ما روي مقررات عمل مي‏كنيم؟ آني كه مهم است پيش من اين است كه امروز خطر هست در كار، خطر كمونيست در كار اين قدرها نيست؛ هست، ولي اين قدرها نيست. خطر ساواكي ديگر اين قدرها نيست در كار، اين خطرها مهم نيست. اموال شاه سابق برود يا نرود، پيش من چيز مهمي نيست؛ قصرهاي كذا و كذا پيش ما چيز اهميتداري نيست؛ آني كه اهميت دارد اين است كه وجهه اسلام محفوظ باشد؛ صورت اسلام آن طوري كه هست باشد. امروز كه دست ما افتاده يك جوري نمايش ندهيم كه بگويند اسلام اين است.» [[28]](#footnote-29)

129 رهبري: «قشر روحاني‏ بايد خودش به فكر خودش باشد؛ به فكر آن ذخيره باشد؛ به فكر آن آبرو باشد. قاعدتاً هم هست؛ اما مي‏شود بر آن آبرو افزود؛ همچناني كه امام بزرگوار ما، آن هم بر آبروي هزارساله روحانيت‏ افزود. امام، آبروي روحانيت‏ را از زمان شيخ مفيد تا امروز هرچه بود مضاعف كرد و بالا برد. قدرت روحانيت‏ را در مقابله با بديها و ظلم و جور نشان داد؛ كه يك عالم چگونه مي‏تواند وارث موسي و عيسي و ابراهيم عليهم‏السّلام و پيغمبر خاتم صلي الله عليه و آله و سلم باشد.» [[29]](#footnote-30)

130 رهبري: «وقتي‏كه اين آبرو و اين سرايت دين و روحانيت‏ در بين مردم، چنين اثر بزرگي مي‏تواند داشته باشد، پس دو موضوع بزرگ، مورد توقع است: يكي اينكه ما، اعقاب آن اسلاف مطهر و عالم و مقدس، بايد آبروي آن‏ها را حفظ كنيم. به خاطر اينكه اگر اين كار انجام نگيرد و اين نسل، آبروي گذشتگان را حفظ نكند، همان چيزي كه نهادين و بنيادين شده بود، بتدريج زايل خواهد شد و از بين خواهد رفت. اين، طبيعت قضيه است. حال به چه نحو بايد آبرويشان را حفظ كنيم؟ اين خود داستان مفصلي است.»[[30]](#footnote-31)

131 رهبري: «ما نبايد خيال كنيم آبروي نسل فعلي روحانيت‏ موجب اين شد كه مردم به سمت انقلاب اسلامي گرايش پيدا كنند. نه؛ اين اشتباه است. بلكه آبروي هزارساله روحانيت‏، كه يك ذخيره تمام نشدني بود، موجب اين پيروزيها و موفقيتها گرديد. اين آبروي هزارساله، عبارت است از آن اعتباري كه در طول قرنهاي متمادي، از علم و تقواي علماي بزرگ به دست آمده است. يعني علامه حلي در اين مجموعه نقش دارد؛ محقق نقش دارد؛ مجلسي نقش دارد؛ شهيدين نقش دارند، شيخ طوسي نقش دارد، سيد مرتضي نقش دارد؛ شيخ انصاري نقش دارد؛ علماي بزرگ در قرنهاي متمادي در نجف نقش دارند؛ بزرگان قم نقش دارند؛ مرحوم حاج شيخ نقش دارد، و مرحوم آقاي بروجردي نقش دارد. يعني هزاران انسان برگزيده، عمرهايشان را به طهارت و تقوا گذراندند، مجموعه‏هاي علمي سطح بالا به وجود آوردند و آثار علمي ارائه دادند، تا بتدريج يك جامعه و يك ملّت را به روحانيت‏ به صورت بنيادين معتقد كردند. اين نيست كه عده‏اي؛ مردم يك عهد و زمان و نسلي، كسي را بخواهند، امّا نسل بعد نخواهند. وقتي‏كه محبتي، بنيادي و عميق شد، به مثابه خصال انساني، از نسلي به نسل ديگر به ارث مي‏رسد.» [[31]](#footnote-32)

132 رهبري: «روحانيت شيعه، در طول هزار سال به مرور دهور، گنجينه عظيمي از آبرو و حيثيت و وزانت به وجود آورده بود و در عصر ما، آن بزرگ‏مرد عظيم‏الشّأن، آن امام بزرگوار و شخصيت استثنايي و ديگر كساني كه در كسوت روحانيت بودند و در اين راه حركت كردند، از آن گنجينه بهترين استفاده را كردند. اما اين‏طور نيست كه اين ذخيره تمام‏نشدني باشد. اوّلًا بايد اين ذخيره حفظ شود، ثانياً بر آن افزوده گردد. اگر خداي نكرده بر اثر بي‏توجهي‏ها، غفلتها، وقت‏نشناسيها، وظيفه‏نشناسيها و منحرف شدن از خط معمولي روحانيت‏ در طول هزار سال، آن ذخيره هزارساله آسيب ببيند؛ آن الماس گرانبهايي كه بر اثر گذشت قرنها و عصرها و دوره‏ها و مجاهدتها و اخلاصها به وجود آمده بود، خدشه‏دار شود، يا بشكند، باز روزگار زيادي لازم خواهد بود، تا بشود آن‏چنان ذخيره‏اي را فراهم آورد. پس، در اين روزگار، اولين بايدِ ما معممان و متزيّيان به زي علم و روحانيت‏، حفظ آن آبرو و حيثيت هزارساله است كه بحمد اللّه در طول دوران انقلاب، اين آبرو مضاعف شد و چهره روحانيت‏ شيعه، به خاطر گذشت و فداكاري، درخشندگي پيدا كرد.»[[32]](#footnote-33)

133 رهبري: «اگر امروز قدرت و معروفيتمان از هميشه بيشتر است، رسانه و وسيله گفتگوي با مخاطبان و مستمعان، بيشتر در اختيارمان است، دوستان بيشتري داريم، پول و قدرت مالي بيشتري داريم و بقيه اموري كه امروز بيشتر داريم مثل جمعيتمان، آحاد روحانيون‏ از بزرگ و كوچك و از اين قبيل به همين نسبت، مسئوليتمان هم بيشتر است.» [[33]](#footnote-34)

134 رهبري: «تكليف ما جامعه روحانيت‏- كه بنده هم طلبهي در اين مجموعه عظيم روحاني‏ هستم- اين است كه هرچه توان داريم، بر استحكام معنوي جامعه علمي روحانيت‏ بيفزاييم. علماي محترم در اين زمينه، عملًا و فكراً و مشياً و زيّاً وارد شوند؛ زيرا آبروي روحانيت‏، آبروي اسلام و انقلاب- بخصوص آبروي امام- است.» [[34]](#footnote-35)

135 رهبري: «اگر روحانيت ميخواست در حاشيه و در پياده‏رو حركت كند و منزوي شود، دين آسيب ميديد. روحانيت سرباز دين است، خادم دين است، از خود منهاي دين حيثيتي ندارد. اگر روحانيت از مسائل اساسي- كه نمونه برجسته آن، انقلاب عظيم اسلامي است- كناره ميگرفت و در مقابل آن بي‏تفاوت ميماند، بدون ترديد دين آسيب ميديد؛ و روحانيت هدفش حفظ دين است.»[[35]](#footnote-36)

136 رهبري: «امروز اگر روحانيت‏ در قبال حكومت، بي‏اعتنا و بي‏مبالات باشد، هم خودش ضايع خواهد شد و هم حكومت اسلامي تضعيف مي‏شود. حكومت اسلامي، حكومت قرآن و حكومت فقه و فقيه و حكومت علم و عدل است. حكومت براي گسترش آرمان‏هاي اسلامي است. تشكيل حكومت اسلامي، آرزوي همه اولياء اللّه در طول تاريخ بوده است. هر فرد مؤمني وظيفه دارد از آن دستگاه سياسي كه اسلام را ترويج و احكام آن را پياده مي‏كند، حمايت كند. مگر عالِم دين مي‏تواند نسبت به حكومت اسلامي بي‏اعتنا بماند؟! افراد كافر به اسلام، در مقابل حكومت طاغوتي بي‏اعتنا مي‏مانند. «طاغوت» يعني كسي كه در مقابل خدا، دستگاهي برپا مي‏كند: أنداد اللّه، شركاء اللّه. كساني كه خود را بنده مطيع خدا مي‏دانند، براي تحقّق اهداف خدايي تلاش مي‏كنند و صبح و شام در مقابل پروردگار پيشاني خضوع به خاك مي‏سايند كه به آن‏ها توفيق دهد خدمتگزار دين او باشند. اگر اين‏ها در كشور، زمام قدرت را به دست گيرند، همه وظيفه دارند كه مانند يك عبادت، از آنان حمايت كنند.» [[36]](#footnote-37)

137 رهبري: «امروز هر روحاني‏ و هر عمامه‏به‏سر، به مقتضاي تلبس به اين لباس، موظف است از حكومت اسلام و حاكميت قرآن دفاع كند؛ هركس هرطور مي‏تواند. يكي شمشير به دست مي‏گيرد و به جبهه مي‏رود؛ يكي زبان گويايي دارد، به منبر مي‏رود؛ يكي پست قضاوتي يا غير قضاوتي از عهده‏اش برمي‏آيد، آن را انجام مي‏دهد؛ يكي اين كارها را نمي‏تواند بكند، اما اهل مسجد و اهل محراب است اشكالي ندارد همه بدانند كه اين روحاني‏، خود را خادم اين انقلاب مي‏داند. اين، افتخار است. خدمت به اين انقلاب، افتخار است.» [[37]](#footnote-38)

138 رهبري: «ما در حركت اين قطار جمهوري اسلامي و انقلاب اسلامي، بايد دائم سهيم باشيم. نمي‏شود عالم‏ ديني‏ خودش را كنار بكشد و بگويد به من ربطي ندارد. چطور ربطي ندارد؟! حكومت دين، حكومت اسلام، به ما ربطي ندارد؟! اگر در گوشهي از زواياي عالم كه از ما هزاران فرسنگ فاصله داشت، حكومتي بر اساس دين تشكيل مي‏شد، من و شما وظيفه داشتيم كه به آن حكومت كمك كنيم. اقامه دين، وظيفه است. حاكميت دين، هدف مهم همه اديان است؛ «ليقوم النّاس بالقسط». قيام به قسط، قيام به عدل و حاكميت الهي، هدف بزرگ اديان است. اصلًا ائمه ما تمام زجر و مصيبتشان به خاطر اين بود كه دنبال حاكميت الهي بودند؛ و الّا اگر امام صادق و امام باقر يك‏گوشه مي‏نشستند و چند نفر دور خودشان جمع مي‏كردند و فقط يك مسأله شرعي مي‏گفتند، كسي به آن‏ها كاري نداشت.» [[38]](#footnote-39)

2/1. لزوم زهد، ساده‌زيستي و پرهيز از رفاه‌طلبي و تشريفات

139 امام: «من در ملاقاتهاي مكرر به دوستان روحاني‏ اين امر را گوشزد كرده‏ام كه بايد به صورتي حركت كنيد كه متهم به طرفداري از فئودالها و سرمايه‏دارها نشويد» [[39]](#footnote-40)

140 رهبري: «شأن طلبگي اين است كه‏ انسان يك زي متوسطي همراه با قناعت، سلامت مالي و سادگي به طور نسبي براي خودش نگه دارد. سلامت اخلاقي، خيلي مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد.» [[40]](#footnote-41)

141 امام: «آخرين نكته‏اي كه در اينجا ضمن تشكر از علما و روحانيون و دولت خدمتگزار حامي محرومان بايد از باب تذكر عرض كنم و بر آن تأكيد نمايم، مسئله ساده زيستي و زهدگرايي علما و روحانيت متعهد اسلام است كه من متواضعانه و به عنوان يك پدر پير از همه فرزندان و عزيزان روحاني‏ خود مي‏خواهم كه در زماني كه خداوند بر علما و روحانيون منت نهاده است و اداره كشور بزرگ و تبليغ رسالت انبيا را به آنان محول فرموده است، از زي روحاني‏ خود خارج نشوند و از گرايش به تجملات و زرق و برق دنيا كه دون شأن روحانيت و اعتبار نظام جمهوري اسلامي ايران است، پرهيز كنند و بر حذر باشند كه هيچ آفت و خطري براي روحانيت و براي دنيا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حركت در مسير دنيا نيست كه بحمد اللَّه روحانيت متعهد اسلام امتحان زهدگرايي خود را داده است، ولي چه بسا دشمنان قسم‏خورده اسلام و روحانيت بعد از اين براي خدشه‏دار كردن چهره اين مشعلداران هدايت و نور، دست به كار شوند و با كمترين سوژه‏اي به اعتبار آنان لطمه وارد آورند كه ان شاء اللَّه موفق نمي‏شوند.» [[41]](#footnote-42)

142 رهبري: «شما جوانان و اين نسل جديد روحاني‏ كه إن شاء اللّه با تكيه بر كتاب و سنّت و فكر درست اسلامي و استقلال روحيه و بلندنظري و آلوده نشدن به چيزهاي كوچك و حقيري كه متأسفانه خيلي دست و پاها را مي‏گيرد مسائل مادّي، مسائل سياسي، رفيق‏بازي، چيزهاي واقعاً بي‏ارزش و ... بتوانيد پيش برويد. مواظب باشيد به چيزهاي بي‏ارزش مطلقاً خود را دچار نكنيد؛ حيف است. واقعاً امثال شما براي آينده خيلي مي‏توانند مفيد واقع شوند و اين بارها بر دوش شماست.» [[42]](#footnote-43)

143 رهبري: «عزيزان من، يكي از شعارهاي ما قبل از پيروزي انقلاب نه شعارهاي انقلاب، شعارهاي دوستانه خودمان در مجموعه رفاقتي و مجموعه‏هايي كه باهم بوديم، باهم فكر مي‏كرديم و كار و مبارزه مي‏كرديم «ساده‏زيستي» بود؛ زندگي ساده و كمتر بهره بردن از جلوه‏هاي دنيا! بعد كه انقلاب، پيروز شد، سعي كرديم بازهم همين روش، همين شعار و همين مبنا را دنبال كنيم. امام بزرگوار ما خودش مظهر همين معنا بود؛ آدمي بود كه تعيّنات دنيوي، حقيقتاً برايش ارزش نداشت. آدم اين را در آن مرد معنوي و بزرگوار مي‏ديد كه تعيّنات، تعلّقات و تكلّفات دنيوي، اصلًا براي خودش ارزش نداشت! شما كه بحمد اللَّه روشن‏فكر و آگاه و فهميده هستيد، احتياج نمي‏بينم كه اين‏ها را توضيح بدهم. اين كه دارم مي‏گويم، منظورم بهره‏مندي شخصي است؛ معنايش اين نيست كه كشور، كار آباداني و عمران نكند و دنيا را آباد نكند. اين‏ها هميشه، تخليه‏ها و شبهه‏افكنيهاي مخالفين اسلام بوده، مي‏گفتند كه اسلام با دنيا مخالف است؛ يعني دنيا را آباد نكنيم! نه، آن دنيايي كه گفته مي‏شود، دنياي شخصي است؛ يعني خود شما دنبال تكيّف زندگي دنيايي نباشيد و زندگي را ساده بگذرانيد. معنايش اين است. امير المؤمنين، شخصاً زاهدانه‏ترين زندگي‏ها را داشت؛ اما در عين حال، مرتب هم كار مي‏كرد، مزرعه را آباد و چاه آب، جاري مي‏كرد، جهاد مي‏كرد و كشور را اداره مي‏كرد، حكومت به آن عظمت را رياست مي‏كرد، سياست‏گذاري و سياستمداري مي‏كرد. غرض و مراد ما، دل سپردن به دنياست كه البته مقدار زيادي از مشكلات ما ناشي از اين مسئله است! منِ مسئول دولتي و حكومتي، يا من روحاني‏، بايد مواظب باشم بخصوص ما دو صنف، خصوصيتي داريم يك‏وقت گفتند: «واي به حال آن كساني كه هر دو هستند؛ هم مسئول حكومتي، هم روحاني‏ اين‏ها مشكلشان بيشتر و تكليفشان سنگين‏تر است!» توقع مردم، بجا و بحق از آن‏ها بيشتر است؛ خداي متعال هم آن‏ها را بيشتر مورد سؤال قرار خواهد داد، چون اثر عملشان هم بيشتر است. ما بايد بيشتر مواظب باشيم، ديگران هم بايد مواظب باشند، شما هم كه دانشجوييد، يا استاديد، بايد مواظب باشيد، شما هم كه رئيسيد، بايد مواظب باشيد؛ همه بايد مواظب باشند كه به دام تكلّفات و تعيّنات زندگي نيفتند و در اشرافيگري و اين‏ها غرق نشوند. زينت دنيا را به قدري كه خداي متعال قرار داده و مباح است، براي همه‏كس بخواهند. البته «المال و البنون زينة الحيوة الدنيا»، هيچ ايرادي ندارد. نه مال ايراد دارد، نه فرزندان ايراد دارد، نه مقام و اين‏ها؛ ليكن غرق شدن در اين‏ها، عمده كردن و هدف قرار دادن اين‏ها و خود را در تكيّفات و تعيّنات زندگي، منحصر كردن است كه آسيب مي‏زند. چنانچه اين‏ها اصلاح بشود، ما اميدواريم كه إن شاء اللَّه مشكلي نباشد.» [[43]](#footnote-44)

144 امام: «من اكثر موفقيتهاي روحانيت‏ و نفوذ آنان را در جوامع اسلامي در ارزش عملي و زهد آنان مي‏دانم. و امروز هم اين ارزش نه تنها نبايد به فراموشي سپرده شود، كه بايد بيشتر از گذشته به آن پرداخت. هيچ چيزي به زشتي دنياگرايي روحانيت‏ نيست. و هيچ وسيله‏اي هم نمي‏تواند بدتر از دنياگرايي، روحانيت‏ را آلوده كند. چه بسا دوستان نادان يا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزيهاي بيمورد مسير زهدگرايي آنان را منحرف سازند؛ و گروهي نيز مغرضانه يا ناآگاهانه روحانيت‏ را به طرفداري از سرمايه داري و سرمايه داران متهم نمايند. در اين شرايط حساس و سرنوشت‏سازي كه روحانيت‏ در مصدر امور كشور است و خطر سوء استفاده ديگران از منزلت روحانيون‏ متصور است، بايد بشدت مواظب حركات خود بود. چه بسا افرادي از سازمانها و انجمنها و تشكيلات سياسي و غير آنها با ظاهري صد در صد اسلامي بخواهند به حيثيت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند؛ و حتي علاوه بر تأمين منافع خود، روحانيت‏ را رو در روي يكديگر قرار دهند. البته آن چيزي كه روحانيون‏ هر گز نبايد از آن عدول كنند و نبايد با تبليغات ديگران از ميدان به در روند حمايت از محرومين و پابرهنه‏هاست؛ چرا كه هر كسي از آن عدول كند از عدالت اجتماعي اسلام عدول كرده است. ما بايد تحت هر شرايطي خود را عهده‏دار اين مسئوليت بزرگ بدانيم. و در تحقق آن اگر كوتاهي بنماييم، خيانت به اسلام و مسلمين كرده‏ايم.» [[44]](#footnote-45)

145 رهبري: «امروز جامعه ما در شرايطي قرار گرفته است كه بايستي برايش روايات زهد خواند. در نهج البلاغه از زهد زياد گفته شده است؛ اما نشان‏دهنده اين نيست كه زهد عالي ترين تكاليف انسان است؛ خير. در جاهايي زهد بالاتر است و در جاهاي ديگر جهاد و عبادت و تحصيل علم بالاتر است. موقعيت زمان را نشان مي‏دهد و به نظر ما امروز زماني است كه بايستي جامعه را به زهد فرابخوانيم؛ زيرا به سمت تموّل پيش مي‏رود و ثروت در كشور رو به ازدياد است و جايي است كه چنانچه كساني اهل دنيا باشند، مي‏توانند ثروت را از طُرق مختلف به دست آوردند و آن را «علي غير حلّه» كسب و خرج كنند و اگر جمع‏آوري ثروت از طريق حلال هم باشد، مفتون دنيا و دچار عاقبتهاي‏ سوء افتنان شوند؛ بخصوص در حوزه‏هاي علميّه و محدوده‏اي كه معمّمين‏ و روحانيون‏ و علما و طلّاب‏ و فضلا در آن زندگي مي‏كنند.» [[45]](#footnote-46)

146 رهبري: «البته آقايان روحانيون‏ عزيز ما مي‏دانند و بايد دائماً توجه داشته باشند كه عمل، بيش از زبان كارايي دارد. بهترين گويندگان و شيرين‏زبان‏ترين معلمان و واعظان و بيان‏كنندگان، اگر عملشان بلنگد، همه اين شيرين‏زبانيها نقش بر آب خواهد شد. ما بايد عملمان را درست كنيم. معيارها، همان بلندنظري، طهارت، بي‏اعتنايي به ما في ايدي الناس و بي‏اعتنايي به زخارف دنيوي و به بيش از آنچه كه برحسب قواعد اجتماعي به ما تعلق مي‏گيرد، صلابت در بيان و اجراي حقايق و سست نشدن و نلرزيدن دست و پاست.» [[46]](#footnote-47)

147 امام: «از اهم مسائلي كه بايد تذكر بدهم، مسئله‏اي است كه به همه روحانيت و دست‏اندركاران كشور مربوط مي‏شود، و هميشه نگران آن هستم كه مبادا اين مردمي كه همه چيزشان را فدا كردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منّت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران بشوند، زيرا آن چيزي كه مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده‏اند و اسلام را ترويج نموده و جمهوري اسلامي را بپا كردند و طاغوت را از ميان بردند، كيفيت زندگي اهل علم است. اگر خداي نخواسته، مردم ببينند كه آقايان وضع خودشان را تغيير داده‏اند، عمارت درست كرده‏اند و رفت و آمدهايشان مناسب شأن روحانيت نيست، و آن چيزي را كه نسبت به روحانيت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بين رفتن اسلام و جمهوري اسلامي همان. البته من اين نكته را عرض كنم، يك دسته‏اي كه در معرض خطر هستند بايد خودشان را حفظ كنند، ولي همين‏ها هم بايد مواظب باشند كه زايد بر ميزان نباشد. شما گمان نكنيد كه اگر با چندين اتومبيل بيرون بياييد وجهه‏تان پيش مردم بزرگ مي‏شود، آن چيزي كه مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، اينكه زندگي شما ساده باشد، همان طوري كه سران اسلام و پيغمبر اسلام و امير المؤمنين و ائمه ما زندگي‏شان ساده و عادي بود بلكه پايين‏تر از عادي. آنها هم كه جمهوري اسلامي را بپا كردند، مردم عادي هستند، و كساني كه بالا بالاها نشسته‏اند، هيچ دخالتي در اين مسائل نداشته و ندارند. اين مردم بازار و كشاورز و كارگران كارخانه‏ها و طبقات ضعيف- به حسب دنيا و قوي به حسب آخرت- هستند كه اين توقع را دارند كه اگر خداي نخواسته، نفوس اين مردم از ما منحرف بشود، ضرر آن براي ما تنها نيست، بلكه براي اسلام است. و ما بايد حفظ كنيم آنهايي را كه اسلام و جمهوري اسلامي را نگه داشته‏اند و بعد از اين هم نگه خواهند داشت، و حفظ آن به اين است كه زندگي ما ساده و عادي باشد. آنهايي هم كه مي‏خواهند خودشان را حفظ كنند، بايد بدانند كه گاهي با يك اتومبيل پيكان بهتر مي‏توانند محفوظ باشند تا وسيله ديگر. و ائمه جمعه و جماعاتي كه اگر عادي بيرون بيايند ممكن است از بين بروند، بايد به آن مقداري حفظ كنند كه زياد نباشد. و اين طور نباشد كه امام جمعه‏اي وقتي در خيابان مي‏آيد، خيابان را خلوت كنند و هياهو به راه بيندازند، اين طور چيزها حيثيتشان را در جامعه ساقط مي‏كند. بزرگي شما آقايان به دنيا نيست، بزرگي شما به آخرت است، و اينكه پيش خدا آبرومند باشيد. و اين يك مسئله مهمي است كه دخالت در حفظ جمهوري اسلامي دارد و ما بايد خيلي مواظب باشيم، و اهل‏ علم‏ و دولت و دست‏اندركاران بيشتر بايد مواظب باشند، چرا كه همه دنبال اين هستند كه نقطه ضعفي، خصوصاً از اهل‏ علم‏ پيدا كنند و در همه جا مطرح سازند. و ما بايد به گونه‏اي زندگي كنيم كه اگر چنانچه آن را از ما گرفتند، حسرت نخوريم، نه اينكه مثل رئيس جمهور امريكا كه اگر اين مقام را از او بگيرند شايد از حسرت دق كند!» [[47]](#footnote-48)

148 رهبري: «اخلاق ما بايد طبق آن چيزي باشد كه مي‏گوييم و به آن دعوت مي‏كنيم؛ «كونوا دعاة النّاس بغير السنتكم»؛ يعني «باعمالكم». اگر ما به زخارف دنيا بي‏اعتنا بوديم، اگر ما در آن راههايي كه به آن معتقديم و داعي و مبلّغ آن هستيم، قدم ثابت گذاشتيم، اگر ما پايبندي خودمان را به اصول ديني و اصول اسلامي و فرمايشات امام بزرگوار و آنچه كه در نظام جمهوري اسلامي مقرّر است، عملًا نشان داديم، حرف ما در محيطي كه پراكنده مي‏شود، اثر خواهد كرد؛ آن وقت خيلي احتياج به اصرار و فشار و زور نخواهد بود؛ بلكه نفس جاذبه عمل، ديگران را به هماهنگي و همگامي و هماوايي وادار خواهد كرد.» [[48]](#footnote-49)

149 امام: «من از اين دو جهت نگران هستم. يك جهتي كه قبلًا عرض كردم كه زي طلبگي در بين ما ضعيف بشود يا از بين برود. يك جهت ديگر هم اينكه مبادا خداي نخواسته، اختلاف پيدا بشود، كه هر دوي اينها از باب اينكه شما در جايي واقع شديد كه مردم به شما توجه دارند و شما ارشاد مي‏خواهيد بكنيد مردم را، مبادا يك وقتي به واسطه خارج شدن ماها از زي طلبگي مردم را از ما منصرف كنند و انصراف از روحانيت‏ منتهي مي‏شود به انصراف از اسلام.» [[49]](#footnote-50)

150 رهبري: «البته سِمه و خواسته علماي دين عبارت بود و عبارت است و بايد باشد از بي‏رغبتي به ظواهر و مظاهر فريبنده دنيا؛ اين را ما بايد از ياد نبريم؛ اين خيلي مهم است. و الّا دنياي لذيذ و چرب و شيرين كه اشتهاآور است و انساني را كه داراي احساسات است، به خود جذب مي‏كند، چنانچه در اختيار هركسي قرار گرفت، دودستي آن را خواهد چسبيد. اگر ما آن را دودستي چسبيديم، واقعاً فرق ما با ديگران چيست؟ در حالي كه عالِم دين بايستي تفاوتهايي داشته باشد.» [[50]](#footnote-51)

151 رهبري: «اگر امروز خداي ناخواسته در همان رفتار شخصي خودمان چيزي مشاهده بشود كه با آنچه مردم درباره ما گمان مي‏برند، منافات داشته باشد، به ايمان مردم ضربه خواهد خورد و در نتيجه پايه خواهد لرزيد. اين، آن وظيفه اول است. لذا ما واقعاً موظفيم كه بيش از هميشه، جهات الهي و شرعي و آن چيزهايي را كه دستگاه روحانيت‏ با آن‏ها شناخته شده است؛ مثل آزادمنشي، بي‏اعتنايي به زخارف دنيا، بي‏اعتنايي به مال و منال و اقتدار مادّي، ارتباط و اتصال به خدا، ورع و پرهيز از محارم، و توجه به علم كه مردم روحانيت‏ را به علم شناخته‏اند رعايت كنيم. اين‏ها آن وظايف نوع اول است، كه وظايف شخصي ماست؛ بايستي به اين‏ها بپردازيم و به آن اهميت بدهيم.» [[51]](#footnote-52)

152 رهبري: «گاهي از جاهايي گزارشهاي نوميدكنندهي مي‏رسد و در برخي موارد انسان واقعاً عرق شرم بر پيشانيش مي‏نشيند؛ رعايت كنيد. سؤال مي‏كنيم كه چرا ماشين لوكس و نو و مدل بالا؟ مي‏گويند كه اشكال امنيتي داريم! چه اشكال امنيتي؟! آقايان مسئول در شوراي امنيت كشور يا جاهاي ديگر، بنشينند معين كنند و مسئله را در جايي ببُرند؛ من هم اگر بايد دخالت كنم، بگوييد در جايي دخالت كنم. اين چه وضعي است كه همين‏طور بي‏حساب و كتاب جلوي هر وزارتخانه و ادارهي، دهها ماشين به رنگهاي گوناگون متعلق به مسئولانِ آنجا به چشم مي‏خورد؟! چه كسي چنين چيزي را گفته است؟ گزارش آمده كه روحاني عقيدتي، سياسي در يكي از دستگاه‏ها، خودش ماشين دارد، ولي ماشين دولتي سوار مي‏شود! من نوشتم كه حق ندارد اين كار را بكند. براي من جواب آمد كه اين كار رويه است و همه مي‏كنند! اين آقا خودش يك ماشين دارد، كه براي خودش لازم است؛ يكي هم خانمش دارد و نمي‏شود كه خانمش از اين ماشين استفاده كند! عجب! اين چه حرفي است؟» [[52]](#footnote-53)

153 رهبري: «من الآن اعلام مي‏كنم و قبلًا هم نوشتم و اين را گفتم كه آن وقتي‏كه آقايان امكانات شخصي دارند، حق ندارند از امكانات دولتي استفاده بكنند. اگر ماشين داريد، آن را سوار شويد و به وزارتخانه و محل كارتان بياييد؛ ماشين دولتي يعني چه؟ و اللّه اگر من از طرف مردم مورد ملامت قرار نمي‏گرفتم كه مرتب ملاحظه جهات امنيتي را توصيه مي‏كنند، بنده با ماشين پيكان بيرون مي‏آمدم.» [[53]](#footnote-54)

154 رهبري: «به حد ضرورت اكتفا كنيد و اندازه نگه داريد؛ اين‏ها ما را از مردم دور مي‏كند، روحانيون‏ را از مردم دور مي‏كند. روحانيون‏، به تقوا و ورع و بي‏اعتنايي به دنيا در چشمها شيرين شدند. بدون ورع و بدون دور انداختن دنيا، نمي‏شود در چشمها شيرين ماند. مردم رودربايستي ندارند؛ خدا هم با كسي رودربايستي ندارد. من بارها عرض كرده‏ام كه خداي متعال در چند جاي قرآن در باره بني اسرائيل مي‏گويد: «و فضّلناهم علي العالمين»؛ ما شما را بر همه مردم دنيا برتري داديم. همين بني اسرائيلند كه باز قرآن در باره آن‏ها مي‏فرمايد: «و ضربت عليهم الذّلّة و المسكنة و باءوا بغضب من اللّه». چرا؟ رفتار خود آن‏ها موجب چنين وضعيتي شد. مگر خدا با من و شما قوم و خويشي دارد؟ مگر خدا با جمهوري اسلامي و با اين اسم قوم و خويشي دارد؟ من و شما هستيم كه بايد معيّن كنيم اين جمهوري، اسلامي است، يا اسلامي نيست؛ اين هم در رفتار ماست.» [[54]](#footnote-55)

155 امام: «آن روزي كه توجه اهل‏ علم‏ به دنيا شد و توجه به اين شد كه خانه داشته باشم چطور، و زرق و برق دنيا خداي نخواسته در آنها تأثير بكند، آن روز است كه بايد ما فاتحه اسلام را بخوانيم.» [[55]](#footnote-56)

156 رهبري: «البته برادران عزيز! از خودمان هم بايد شروع كنيم. مردم به عمل ما نگاه مي‏كنند. روحاني، آن وقتي سخن نافذ خواهد داشت كه عملًا نشان بدهد به زخارف دنيا بي‏اعتناست و آن حرصي كه بر دلهاي دنياداران و دنيامداران حاكم است، بر او حاكم نيست. اين را بايد به مردم نشان بدهيم. روحانيت، در سايه پارسايي بود كه اين‏ حيثيت و آبرو را پيدا كرد. اين پارسايي و بي‏اعتنايي به دنيا و به زخارف، بايد حفظ شود. البته بي‏اعتنايي، با برخورداري در حد متوسط، منافاتي ندارد. دنبال دنيا دويدن، هر چيزي را كه از جلوه‏هاي زندگي مرفه و راحت و خوب و اشرافي و متجملانه است، خواستن و به دنبال آن بودن و براي آن تلاش كردن كه اهل دنيا، لحظه به لحظه عمرشان در دنبال اين چيزهاست دون شأن اهل‏ علم‏ و روحاني‏ است. مردم بايد اين را از ما ببينند و احساس كنند.» [[56]](#footnote-57)

157 رهبري: «من مي‏خواهم اين را به شما عرض بكنم كه اگر بخواهيم به وظايف درست عمل كنيم، پيمودن راه از حالا به بعد، يقيناً آسان‏تر از راه گذشته ما نيست؛ راه دشواري است. از حالا به بعد، مسئله، مسأله حفظ ارزشهاست؛ جا انداختن اين‏ها در ذهنيت ملل دنياست؛ حراست از آن‏ها در داخل جامعه اسلامي است. اين، با زبان ممكن نيست؛ با عمل و تلاش و فداكاري و اميد و آمادگي و علم و تقوا ممكن است. اگر در اين مرحله از حالا به بعد، روحانيوني كه متصدي و كمربسته گسترش اين تفكر الهي در سطح ذهنيت عالم هستند، داراي اين خصوصيات باشند، اين فكر پيش خواهد رفت. اگر خداي نكرده روحانيون‏، خسته و ملول و نوميد و دل‏بسته شدند، از راحتي و آسودگي خشنود شدند، به آن عادت كردند، از خطر و سختي گريزان شدند، بار بر زمين خواهد ماند و اين فكر پيش نخواهد رفت. البته چنين نخواهد شد.» [[57]](#footnote-58)

158 رهبري: «آقايان علما! ما اگر امروز بخواهيم از اسلامي كه با اين اقتدار در صحنه سياست دنيا ظاهر شده است، دفاع بكنيم، هر گروهي سهم و وظيفه‏اي دارند. آنچه كه وظيفه ما معممان است و آنچه كه لازم است، اين است كه ما بايد اين جامعه و يا اين حركتي را كه به سمت معنويت مي‏رود، با معنويت منطقي و مستدل و صادقانهي كه از خود ما بروز مي‏كند، تضمين كنيم. وظيفه امروز ما اين است. در عَلَم‏داران دين نبايد چيزي مشاهده بشود كه رايحه دوري از معنويت از آن استشمام گردد؛ و الّا حركتي كه به سمت معنويت است، ضربه خواهد خورد. چيزي كه از آن، بوي علاقه‏مندي به دنيا و زخارف آن و خودپرستي و منيت و تنازع براي امور دنيوي استشمام بشود، هم از جهت عملي و علمي و هم از جهت عمق بخشيدن به فكر ديني و اسلامي در مردم، ضربه وارد خواهد آورد.» [[58]](#footnote-59)

159 رهبري: «امروز، اگر روحانيت‏ از زي خود خارج بشود و قدرت‏طلبي و قدرت‏نمايي و سوءاستفاده بكند و اگر عملي از او سر بزند كه حاكي از ضعف تقوا و ورعي باشد كه مردم در او سراغ كردند و به او اعتماد دارند، هركدام از اين‏ها لطمه‏اش غير قابل جبران است. از اين جهت هم، امروز وضع ما روحانيون‏ استثنايي است؛ يعني با دوره قبل از انقلاب فرق مي‏كند. البته، در دوره قبل از انقلاب هم، اگر از يك روحاني‏ كاري سر مي‏زد، ضايعه بود و به همه روحانيت‏ سرايت مي‏كرد؛ اما امروز چون نظام، نظام اسلامي است و روحانيون‏ مظهر اسلام هستند، ضايعه فقط متوجه جمعي از روحانيون‏- يا حتّي جمع روحانيت‏- نمي‏شود؛ بلكه ضايعه متوجه اسلام مي‏شود و به اين زودي هم قابل جبران نخواهد بود.» [[59]](#footnote-60)

3/1. عدم تخلّف از موازين

160 امام: «من براي روحانيت‏ كه نگهبان اصيل اسلام است نگران هستم و خوف آن دارم كه كساني كه كفالت امري از امور كشور را دارند، خصوصاً دادگاهها و كميته‏ها و دادستانيها با رفتار بعضي از آنان و لو به واسطه عدم توجه به موازين اسلامي، وجهه روحانيت‏، اين سنگر اسلام، پيش ملت مشوه بشود و با شايعه‏سازيها و تهمتها از طرف مخالفين با اسلام يا با روحانيت‏، يك امر جزئي، چندين برابر به نمايش گذاشته شود. و متأسفانه بعضي از علما بي‏توجه به مسائل، به خيال پشتيباني از اسلام تحت تأثير شايعات واقع شده و يكسره به انتقاد از جمهوري اسلامي و از تمام دادگاهها و همه ارگانهاي جمهوري اسلامي برخاسته و به دشمنان اسلام و قرآن كريم ناآگاهانه كمك و شريك جرم گروهكهاي منحرف مي‏شوند. اين جانب جداً از رئيس ديوان عالي و دادستان كل كشور و انقلاب و شوراي عالي قضايي مي‏خواهم هيأتهايي مركب از اشخاص عالم، مؤمن و متعهد تشكيل دهند تا دادگاههاي كشور را رسيدگي نمايند و قضات غير صالح و دادستانهاي منحرف را كنار گذاشته، و اگر به مال و يا آبروي اشخاص تعدي نموده‏اند محاكمه نمايند. سستي در اين امر مهم و مسامحه در آن، خطر عظيمي است براي جمهوري اسلامي كه هر چه بگذرد، ناراحتي زياد و خطر افزون مي‏شود.» [[60]](#footnote-61)

161 امام: «شما آقايان تكليف داريد كه كارهايي كه انجام مي‏دهيد، در تمام قشرهاي روحانيت‏ كه در ملت هستند و مشغول خدمت هستند، كارها بر وِفْق موازين شرعيه باشد، هيچ تخلف از موازين شرعيه نشود تا بهانه به دست دشمن ندهد. اين تكليف شماست كه تخلّف از احكام اسلام نكنيد، و ان شاء اللَّه نمي‏كنيد. و تكليف ملت است كه تبعيت از روحانيون‏ بكند؛ و حرفها و تبليغاتي كه بر ضد روحانيت‏ مي‏شود گوش به آن ندهد.» [[61]](#footnote-62)

162 امام: «ملت اين همه زحمت كشيده است كه دين اسلام را برقرار كند در يك مملكتي كه صدها سال و در اين اخير پنجاه سال كوشش شد به اينكه اسلام را كنار بگذارند؛ كوشش شد به اينكه روحانيت را كنار بگذارند و تضعيف كنند. ملت روحانيت را به تبع اسلام مي‏خواهد. اگر- خداي نخواسته- روحاني‏ هم بر خلاف اسلام بكند، آن هم يك ساواكي است. فرقي نمي‏كند. بدتر از ساواكي هم هست.‏» [[62]](#footnote-63)

163 امام: «اگر خداي نخواسته در قشر روحاني‏، چه آنهايي كه در كميته‏ها هستند، و چه آنهايي كه در مدارس هستند، و چه آنهايي كه در شهرستانها هستند، اگر خداي نخواسته، يك كار اشتباهي واقع بشود، اين طور نيست كه بگويند فلان فرد اين كار را كرده است، به جامعه روحانيت نسبت مي‏دهند؛ مي‏گويند آخوندها اين طورند. آنهايي كه غرض دارند، آنهايي كه مي‏خواهند روحانيت را بشكنند و اصل هدفشان اسلام است و مي‏خواهند اسلام را بشكنند، و چون اينها را قشري مي‏دانند كه خدمتگزار اسلامند و اينها نگهدار اسلامند، به‏ اينها حمله مي‏كنند. اگر يك بهانه‏اي روحانيت دست اينها بدهد، اسباب اين مي‏شود كه يك مطلب كوچك را بزرگ بكنند، آن هم اگر از يك نفر صادر شده باشد، به مطلق روحانيين نسبت بدهند. اگر در اين كميته‏هاي شما خداي نخواسته، يك امري واقع بشود كه بر خلاف موازين اسلامي است، مي‏گويند كه آخوندها كميته‏ها را گرفته‏اند و مشغول كارهاي مثلًا خلاف هستند، نمي‏گويند كه فلان آدم اين طوري است، مي‏گويند روحانيت اين طوري است. آنهايي كه مي‏خواهند بشكنند روحانيت را و نمي‏توانند ببينند كه روحانيين مشغول اصلاح امور هستند، و ديده‏اند كه تا كنون آنها بوده‏اند و هيچ كاري نتوانسته‏اند بكنند، حالا كه روحانيين آمده‏اند، و سرتاسر ايران روحاني، و كساني كه بسته به روحانيين هستند، مثل پاسدارها و امثال اينها و كميته‏ها و همه اينها، قشرهاي فعال، اين اشخاصي كه روشنفكر غربزده هستند، چون ديدند آنها نتوانستند هيچ وقت يك كار مثبت صحيح بكنند، حزبها نتوانستند يك كاري انجام بدهند، حالا كه اين قشرهاي اسلامي و روحاني، اين قشرهايي كه براي خدا بپاخاستند و جان خودشان را براي خدا دارند فدا مي‏كنند، اينها دارند حفاظت از اسلام مي‏كنند، اينها به واسطه اينكه براي خودشان يك كمبودي متوجه شدند، مشغول فعاليت شدند كه اين قشر را، چه روحاني، چه پاسدار، چه كميته‏ها و چه سايرين بشكنند، كه آن چيزي را كه خودشان نتوانستند و اينها توانستند، اينها را ناتوان عرضه بكنند. امروز روحانيت و ساير قشرهاي ملت مسئولند در مقابل خدا كه حفظ كنند آبروي اسلام را، حفظ كنند آبروي انقلاب را. حفظ كنند آبروي نهضت را و اين مسئوليت بزرگي است. خدمت شماها خدمت بزرگي است و مسئوليتتان بزرگتر، بايد متوجه باشيد.» [[63]](#footnote-64)

164 امام: «روحانيون كه نماينده رسول خدا هستند در بين مردم، اگر خداي نخواسته روحانيوني كه مدعي اين هستند كه نماينده امام زمان الآن هستند در بين مردم، اگر خداي نخواسته، از يكيشان يك چيزي صادر بشود كه بر خلاف اسلام باشد، اين طور نيست كه فقط خودش را از بين برده، اين حيثيت روحانيت را لكه‏دار كرده. اين يك وظيفه بزرگي به عهده‏اش هست. روحاني‏ همچو نيست كه اگر يك خلافي بكند، بگويند كه زيد اين خلاف را كرده. خلاف روحاني‏، به اندازه‏اي كه سعه شعاع نفوذش هست، خطايش خطاي بزرگ هست. خطايي است كه عفوش در درگاه خدا بسيار مشكل است. براي اينكه اين نماينده، يعني مدعي نمايندگي از طرف امام زمان- سلام اللَّه عليه- و اسلام دارد. نماينده امام زمان اگر خداي نخواسته يك قدمي كج بگذارد اين اسباب اين مي‏شود كه مردم به روحانيت بدبين بشوند. بدبين شدن به روحانيت و شكست روحانيت، شكست اسلام است. آن كه حفظ كرده است تا حالا اسلام را، اين طبقه بودند. و اگر در اين طبقه شخصي، اشخاصي پيدا بشوند كه بر خلاف مصالح اسلام خداي نخواسته عمل بكند، جرمي است كه از آدمكشي بدتر است. جرمي است كه از همه معاصي بدتر. براي اينكه جرم صادر مي‏شود از كسي كه آبروي يك روحانيت را از بين مي‏برد. مردم را؛ آنهايي كه غافل هستند از اسلام، گاهي وقتها برمي‏گرداند. اين طور نيست كه وارد شده است كه- چنانچه عالم فاسد بشود عالم فاسد مي‏شود. براي اينكه عالم- به حسب ظاهر- نماينده امام است. و اگر خداي نخواسته يك فسادي در او پيدا بشود، فاسد بشود، قشرهاي ملت را فاسد مي‏كند. گاهي عالم را فاسد مي‏كند. و از آن طرف اگر صالح باشد، صالح مي‏كند قشرهاي ملت را. صالح مي‏كند عالم را.» [[64]](#footnote-65)

165 امام: «راجع به خودمان؛ شما آقايان، و همه علماي اسلام، همه علماي ايران، الآن در يك وقت حساسي واقع شديد كه اگر خداي نخواسته از يكي از جوانهاي شما يك كار خلاف ببينند، همين آدمهايي كه نشسته‏اند آنجا و مواظب‏اند كه مبادا اسلام پيروز بشود، همينها شروع مي‏كنند به قلمفرسايي و شما را متهم مي‏كنند به اينكه اينها اين كاره‏اند. از آن روز تا حالا منطق اينها اين است! از آن روز تا حالا ما گرفتار ديكتاتوري پهلوي بوديم، رژيم سلطنتي بوديم؛ از حالا به بعد گرفتار ديكتاتوري عبا و عمّامه هستيم. شمايي كه تا حالا ديكتاتوري نكرديد، همه عالَم مي‏دانند كه شماها فشار به كسي نياورديد كه برو رأي بده، همه عالم مي‏دانند كه شما فشار به كسي نياورديد كه اين آقا را براي مجلس مثلًا خبرگان‏ تعيين كن، مردم آزاد رفتند تعيين كردند، حالا كه اين طوري است، و شما كاري انجام نداديد الّا اينكه در هر دادگاهي يك قاضي روحاني‏ هم بوده است و اين مجرمين را- اينهايي كه پنجاه سال اين مردم را داغ كردند و پدر اين مردم را درآوردند و جوانهاي ما را كشتند و امر به كشتن كردند- اين يك عدّه معدود را، اين روحاني‏ كه در يك دادگاهي بوده نظارت كرده، يك حكم كرده است، حالا با اينكه يك همچو قصه‏اي بوده، اينها صدايشان درآمده.» [[65]](#footnote-66)

166 امام: «چنانچه خداي نخواسته از من و شما يك مطلب خلافي صادر بشود كه روي موازين اسلام نباشد، در كميته‏ها هستيد، در دادگاهها هستيد، در هر جا هستيد، بين پاسدارها رئيس پاسدار هستيد، همين از اين مسائلي كه الآن موجود است و بايد هم باشد، اگر خداي نخواسته از يكي از شما يك مطلبي را ببينند كه بر خلاف موازين بود، اينهايي كه غرض با شما دارند شروع مي‏كنند به تاخت و تاز. و نه شما، روحانيت را، و نه روحانيت را، اسلام را متهم مي‏كنند به اينكه جمهوري اسلامي هم همان رژيم شاهنشاهي است با عوض شدن لفظ! پس من و شما، همه ما و همه معمَّمين و همه روحانيون، يك وظيفه شرعي الهي داريم براي حفظ حيثيت اسلام و حيثيت نهضت اسلامي، كه غير از قضيه اين است كه يك كسي بخواهد خودش آبروي خودش را از بين ببرد- آن هم برايش جايز نيست، آن هم حرام است- لكن اگر يك مطلبي از من و شما صادر بشود كه موجب اين بشود كه اينها روي اسلام حساب كنند، و عمل ما را پاي اسلام حساب بكنند و پاي مطلق روحانيون حساب بكنند، اگر يك همچو كاري بشود، ما اسباب اين شديم كه اسلام را شكست داديم؛ چهره اسلام را به جور مُنْكَر نمايش داديم. و اين يك مسئله مهمي است براي همه ما. من كه يك طلبه هستم و شما كه آقايان هستيد، همه‏مان، در اين امر شركت داريم. مشتركيم در اينكه بايد حفظ كنيم اين آبروي اسلام را. و او به اين است كه قدمهاي خودمان را متوجه باشيم كجا مي‏گذاريم؛ كارها چه جور انجام مي‏گيرد؛ قلمها چه جور به كار مي‏افتد. خيال نكنيد كه امروز قضيه شما و من است، امروز قضيه اسلام است؛ يعني ما در يك حالي الآن واقع هستيم، در يك وقت حساسي واقع هستيم، كه امر داير بين اين است كه- خداي نخواسته، خداي نخواسته، و نخواهد شد ان شاء اللَّه- اسلام زير پاي ما دفن بشود و برود سراغ كارش، شما خيال نكنيد اگر در اين نهضت خداي نخواسته روحانيت اسلام شكست بخورد، شكستي است كه تا آخر ديگر شكست است‏.» [[66]](#footnote-67)

167 امام: «شما چنانچه به وظايف روحاني‏، وظايف روحانيت عمل بكنيد، قلوب مردم با شماست؛ مردم شما را مي‏خواهند و اگر خداي نخواسته يك خلافي از بعضي بشود، اين قلوبي كه متوجه به شما شده است ممكن است خداي نخواسته برگردد. برگشتن قلوب از شما، شكست روحانيت است؛ شكست روحانيت، شكست اسلام است. اسلام با اين سد بزرگ روحانيت تا حالا محفوظ مانده اگر خداي نخواسته اين سد شكسته بشود، اسلام شكسته مي‏شود. از اين جهت، وظيفه بسيار بزرگ است. وظيفه بسيار بزرگي به عهده ماست.» [[67]](#footnote-68)

168 امام: «اين خطري است كه، مصيبتي است كه از همه مصيبتها بالاتر است. در كشتن حضرت سيد الشهدا هيچ اشكال نبود براي اينكه مكتب را داشتند آنها از بين مي‏بردند، و شهادت حضرت سيد الشهدا مكتب را زنده كرد. خودش شهيد شد، مكتب اسلام زنده شد؛ و رژيم طاغوتي معاويه و پسرش را دفن كرد ... و سيد الشهدا هم چون ديد اينها دارند مكتب اسلام را آلوده مي‏كنند، با اسم خلافت اسلام خلافكاري مي‏كنند و ظلم مي‏كنند و اين منعكس مي‏شود در دنيا كه خليفه رسول اللَّه دارد اين كارها را مي‏كند، حضرت سيد الشهدا تكليف براي خودشان دانستند كه بروند و كشته هم بشوند؛ و محو كنند آثار معاويه و پسرش را. پس كشتن، شهادت سيد الشهدا چيزي نبود كه براي اسلام ضرر داشته باشد؛ نفع داشت براي اسلام؛ اسلام را زنده كرد. اگر ما هم همه در اين نهضتي كه كرده بوديم، در اين راهي كه داشتيم مي‏رفتيم براي مبارزه و معارضه، كشته مي‏شديم، آن هم اشكال نداشت؛ براي اينكه ما هم راهمان را رفته بوديم؛ كشته شده بوديم در راه اسلام. اسلام در خطر نبود؛ اسلام زنده تر مي‏شد. اما حالا كه دست ما افتاده است، حريف را بيرون كرديد و خودتان قبضه كرديد مملكت خودتان را، و خودتان داريد اداره مي‏كنيد و پاسدار هستيد و آقايان هم پاسدار هستند. اگر در اين وضع از ماها يك كار خلاف صادر بشود، خداي نخواسته روحانيون در بلاد اختلاف با هم بكنند، معارضه با هم بكنند، پاسدارها با هم اختلاف بكنند، به هم تفنگ بكشند، كميته‏ها خلاف بكنند، دادگاه‏ها درست رسيدگي نكنند، امروز نمي‏گويند كه اگر يك آقايي كاري بكند، بگويند ساواكي است؛ امروز مي‏گويند روحاني‏ است و روحانيين اين‏اند. ديكتاتوري عمامه و كفش است! و مكتب ما آلوده مي‏شود نه خودمان. خودمان مهم نيست؛ مكتبمان آلوده مي‏شود. منعكس مي‏كنند اين اشخاصي كه با كمال دقت كارهاي ما را تحت نظر دارند، و با ما هم دشمن‏اند و با اسلام هم دشمن‏اند. نمي‏گويند كه فلان آدم يك كار خلافي كرد؛ مي‏گويند «رژيم هم الآن اسلامي شده و الآن هم اينها- همه- مدعي‏اند كه ما پاسدار اسلام هستيم و ما نگهبان اسلام هستيم و روحانيون هم مي‏گويند ما نگهدار اسلام هستيم، و اين است وضعشان! پس معلوم شد كه اسلام اين طوري است»؛ اين طور منعكس مي‏كنند كه «اسلام اين است؛ و اين آخوندها دروغ مي‏گفتند كه اسلام مكتب مترقي است؛ اين است!»» [[68]](#footnote-69)

169 امام: «اگر يكوقت نامه عمل يك روحاني‏ را بردند و [به‏] امام زمان- سلام اللَّه عليه- دادند و آن ملائكة اللهي كه بردند دادند گفتند كه اين هم روحاني‏ شماست، اينها هم پاسداران اسلام شما، و امام زمان خجالت بكشد، «نعوذ باللَّه» او علاقه دارد به شما. شما ببينيد اگر اين آقا خودشان خيلي منزه است از پسرشان يك [خلاف‏] صادر بشود، خودشان سرافكنده مي‏شوند. اگر از خادمشان يك [خلاف‏] صادر بشود، خودشان سرافكنده مي‏شوند. ما همه خادم هستيم. از ما توقع هست. از شما توقع هست.» [[69]](#footnote-70)

170 امام: «اگر امروز جامعه روحانيت‏ در سرتاسر كشور ما، چه روحانييني كه اشتغال به يك عملي داشته باشند از اعمالي كه در جمهوري اسلامي لازم است و چه آنهايي كه اشتغال ندارند، چه ائمه جمعه و چه ائمه جماعات و چه علمايي كه در غير اين دو شغل هستند و در بين مردم براي ارشاد هستند، و چه وعاظ محترم، اينها الآن اسلام سپرده به اينهاست.» [[70]](#footnote-71)

171 امام: «من يك مطلبي را بايد بگويم به همه ملت ايران و به همه روحانيين‏ ايران: من خوف اين را دارم كه بعضي از اين معمّميني كه در بين روحانيون‏، خودشان را جا زده‏اند و خرابكاري دارند مي‏كنند، در بعض از جاهايي كه اينها يك چيزي دستشان آمده است، من خوف اين را دارم كه اينها چهره اسلام را برگردانند از آن كه هست. من به روحانيين‏ ايران مي‏گويم به اينكه، اين اشخاصي كه خودشان را جا زدند يا رفتند در كميته يا رفتند در كجا، اين اشخاص را شما به مردم معرفي كنيد كه اينها ربطي به ما ندارند. يك وقت ما مي‏فهميم كه سر تا ته ايران كميته امام درست شده. اين امام كيست كه كميته [اش‏] درست شده است؟ چه اطلاعي از اين دارد؟ ما بي‏اطلاع بوديم. هر كه خودش خواسته يك كاري بكند با اسم فلان.» [[71]](#footnote-72)

172 امام: «شايد گاهي شما يا مردم خيال بكنند كه من اگر از روحانيت طرفداري مي‏كنم براي اين است كه من هم يك معمَّم هستم و اين گروه گرايي است. و من كراراً گفتم كه من با هر كه معمَّم است و اسم خودش را روحاني‏ گذاشته است موافق نيستم. و من كراراً گفتم كه روحاني‏ كه بر خلاف مسلك روحانيت و اسلام عمل بكند و توطئه‏گر باشد اين از ساواكي بدتر است. براي اينكه ساواكي، ساواكي است و اين ساواكي به صورت معمَّم، و لباس روحانيت پوشيده است. قضيه اين نيست كه من بگويم هر كه عمّامه سرش هست، اين مورد تأييد است. خير، من از بسياريشان متنفرم، و بسياريشان را هم اعتقاد به آنها ندارم. و كراراً هم گفتم كه اينجاهايي كه دادگاه هست، آنجاهايي كه مثلًا كميته‏ها هستند، بايد مواظب باشند كه اگر يك روحاني‏ بر خلاف [عمل‏] كرد، خودش را شكايت كنند وهمان روحاني‏ را هم بياورند محاكمه كنند. لكن مسأله اين نيست كه با روحاني‏ بد، اينها بدند. مسأله اين است كه با آن روحاني‏ كه جلوي انگلستان را در زمان ميرزاي شيرازي گرفته و جلوي استبداد را در زمان مشروطه گرفته است، و جلوي انگلستان را در زمان مرحوم آقا ميرزا محمد تقي گرفته است، و جلوي ابَرقدرتها را گرفته است، با اين مخالف‏اند.» [[72]](#footnote-73)

173 امام: «اين خطاب من به همه علما و تمام روحانيون به كلمه عام و به همه ملت است. اگر با هوشياري و با توجه كامل و تفكر كامل توجه نكنند به اين توطئه، اين موجب اين مي‏شود كه ملت و روحانيت از هم جدا بشوند، و روحانيت نتواند آن كاري كه به عهده اوست انجام بدهد. و چنانچه يكوقتي آنها فرصت كنند، از همين معنا، از جدا شدن ملت از روحانيت استفاده كنند و كارهاي سابق را اعاده كنند، همان نقشه‏اي كه من خوب يادم هست كه در زمان رضا خان بود، و آن نمايش دادن روحانيت به يك صورت غير صحيح و جدا كردن مردم از روحانيت. در اوايل زمان رضا خان كه قدرتش مستقر شد، يكي از اموري كه او انجام داد همين بود كه روحانيت را در بين مردم- هي كم كم- مي‏خواست از بين ببرد. از شوفرها شروع كرده بودند. در آن زمان شوفرها يك آلت دستي بودند كه [يكي‏] از علما براي من نقل كرد- خدا رحمتش كند- كه من در اراك بودم و مي‏خواستم بيايم به تهران يا قم، اتومبيل به من اجاره نمي‏دادند. و آن شوفر گفت كه ما به دو طايفه بنا داريم كه اتومبيل كرايه ندهيم و آنها را سوار نكنيم: يكي فواحش و يكي معمم! اين از دست شوفرها در آن زمان. حالا هم من نمي‏دانم چه جوري است كه باز شوفرها را كشيدند در كار، با اينكه شوفرها حالا، غير آن وقت هستند. البته حالا هم متعهدند اكثراً ان شاء اللَّه، لكن بعض از آنها شروع كردند. تبليغاتي در آنها شده است. يك دسته‏بنديهايي شده است كه حالا هم اهل علم را بعضي از شوفرها سوار نمي‏كنند. اين همان توطئه‏اي است كه از اول انگليسها درست كرده بودند، و حالا هم عمال همه قدرتهايي كه با شما مخالفند. شما يك توجه بايد داشته باشيد، و ملت هم يك توجه. توجه شما اين است كه از حدود وظايف شرعيه خودتان و روحاني‏ خودتان تجاوز نكنيد.» [[73]](#footnote-74)

174 امام: «و اين كلمه را من بگويم، خداي متعال مي‏داند كه من نسبت به آخوندهاي فاسد آن قدر شديد هستم كه نسبت به ساير مردم نيستم. ساواكي پيش من محترمتر است از آخوند فاسد! و خداي متعال مي‏داند اين را كه قضيه دادگاه ويژه‏ اگر باشد، براي اين نيست كه دفاع باشد؛ براي اين است كه يك دسته اشخاص فاسد مي‏خواهند اشخاص آبرومند را از بين ببرند؛ و اينكه آقايان طرح كردند كه در محيط خود اينها باشد، براي اينكه خودشان هم مي‏شناسند اينها را. و الّا ما ابداً نظر نداريم به اينكه اينها فرق داشته‏ باشند با سايرين. نخير، فرق دارند. فرق اين است كه شيطنت [و] ملعنتشان بيشتر از ديگران است. آن‏قدر صدمه‏اي كه اسلام از يك آخوند فاسد مي‏خورد از محمد رضا نمي‏خورد! در روايات هست كه آخوند فاسد و ملّاي فاسد در جهنم از بوي تعفنش اهل جهنم در عذاب هستند. در اين دنيا هم از بوي تعفن بعض از آخوندهاي فاسد دنيا در عذاب است. ما طرفداري از عمامه نمي‏كنيم. ما طرفداري از اسلام مي‏كنيم. اين اسلام پيش شما باشد معظم هستيد. پيش هر كس باشد معظم است. عمل نكردن به اسلام و خيانت كردن به اسلام [از] معمم باشد بدتر است از آن كسي كه غير معمم باشد؛ براي اينكه ضررش به اسلام بيشتر از ديگران است. امّا قضيه اينكه يك مطلبي باشد نيست. مي‏خواهند هم همان دادگاههاي عمومي باشد. هيچ فرقي به حال ما ندارد.» [[74]](#footnote-75)

175 امام: «ما بايد توجه به اين معنا بكنيم كه حيثيت روحانيت‏ و حيثيت اسلام الآن بسته به كارهاي ماست. اگر ما كارمان يك كار صحيح مطابق با قواعد اسلام باشد، هم حفظ روحانيت‏ مي‏شود، هم حفظ اسلام و اگر خداي نخواسته از ما ببينند كه باز مخالفتها شروع شد و باز اين بكش آن طرف و آن بكش آن طرف و اين كميته چه بكن، آن كميته چه، يك همچو مسائلي اگر از ماها ديدند؟ روحانيت‏ حيثيتش را از دست مي‏دهد، و با از دست دادن روحانيت‏ حيثيت خود را، اسلام عقب‏نشيني مي‏كند. اين كه روحانيت را تا اينجا آورده همين طبقه بود، مردم هم تَبَع همينها هستند، الآن بسته به اعمال ماست، يعني مسئوليتي كه الآن به عهده ماست در اين زمان بيش از مسئوليتي است كه به روحانيت زمان طاغوت بود و بيش از مسئوليتي است كه به روحانيت در زمانهاي سابق بود، زمانهاي سابق اين طور مسائل اصلًا مطرح نبود، مردم بودند و روحانيت بود و احكام خدا. و اينها گاهي هم يك خان، يك جايي چه مي‏كرده يا يك سلطاني يك جايي، اما اين مسائلي كه حالا طرح است نبوده اصلًا، حالا دنيا شده مثل يك عايله واحده، يك كلمه كه اينجا گفته مي‏شود فردا در همه ايران و آنجاها هم كه موجهاي راديو و تلويزيون برود همه جا منعكس مي‏شود؛ در همه دهات و قَصَبات، در همه خارج و داخل، منعكس مي‏شود. ما اگر چنانچه به وظيفه اسلامي خودمان، روحاني خودمان عمل بكنيم، حيثيت روحانيت در يك همچو مقطع زماني محفوظ مي‏ماند و بيمه مي‏شود. براي بعد هم اگر در اين انقلاب، ما پيروزي معنوي پيدا بكنيم اين پيروزي معنوي باقي مي‏ماند و اگر خداي نخواسته در اين انقلاب ما پيروزي نداشته باشيم و حيثيت خودمان را از دست بدهيم، بايد ديگر كنار برويم و فاتحه روحانيت را بخوانيم و دنبال آن فاتحه اسلام براي مدت طولاني. از اين جهت ما آن قدري كه وظيفه داريم و آقايان وظيفه دارند بايد كوشش كنند كه هم خودشان را و هم آن كميته‏هايي كه در تحت نظارت آقايان هست و هم آن پاسدارهايي كه در تحت نظارت آقايان هست كوشش كنند كه همه اينها را به فرم اسلام درآورند، هر كس بيايد كميته را ببيند، مثل اينكه در يك مسجد رفته و همه چيزش اسلامي است، هر كس پاسبان را ببيند، يك مرد مُسْلِم متعهد ببيند، اگر ما بتوانيم يك همچو كاري بكنيم كه اين كميته‏هايمان را و اين پاسدارهايمان را بتوانيم تهذيب كنيم، بتوانيم تربيت بكنيم، نصيحت بكنيم و مواظبت از روحيات آنها بكنيم و اينها را خوب تربيت بكنيم، در اين نهضت پيروزيم و پيروزي ان شاء اللَّه دائمي است و اسلام هم رو سفيد- رو سفيد كه هست- روسفيد در مي‏آيد از آب.» [[75]](#footnote-76)

176 امام: «مقصود من از اين اطاله كلام اين است- كه عرض كنم كه- همان طوري كه مقام شما و پُست شما، يك پُست شرافتمند بزرگي است، مسئوليتتان هم يك مسئوليت بزرگي است. به همان اندازه كه مقام شما بالاست، مسئوليتتان هم زياد است. اگر يك وقتي مثلًا فرض بفرماييد يك كميته‏اي تحت نظر بعضي از آقايان باشد و در آنجا يك شخص نابابي باشد و يك كاري انجام بدهد كه بر خلاف باشد، آنهايي كه مي‏خواهند مناقشه كنند با ما، نمي‏گويند كه يك شخص نابابي در اين كميته بود، آقا خودش خوب است اما آن شخص ناباب اين كار را كرد؛ مي‏گويند آخوندها اين كار را كردند! آنها به آخوند نسبت‏ مي‏دهند نمي‏گويند كه اين كميته اين طور است؛ مي‏گويند آخوند اين طور است. حيثيت روحانيت، الآن بسته است به اعمال ما. هميشه بوده اما حالا بيشتر است.» [[76]](#footnote-77)

177 امام: «اگر چنانچه ما بهانه دست اينها بدهيم و اعمال ما بر خلاف دستور عمل روحانيت‏ باشد، اين پاي مطلق روحانيت‏ و پاي اسلام تمام مي‏شود. و لهذا يك مسئوليت بزرگ الآن ما گرفتار آن هستيم. يعني همان قدري كه شما شغلتان شريف است، به اندازه شرافت شغل مسئوليتتان زياد است. همان طوري كه انبيا شغل‏شان بزرگ بود، مسئوليت‏شان بزرگ بود، منتها آنها از زير بار مسئوليت در مي‏آمدند و مي‏توانستند؛ و ماها بايد جدّيت كنيم كه آن قدري كه مي‏توانيم توانايي خودمان را صرف كنيم در حفظ اسلام كه الآن دست ما سپرده شده است. اين امانت بزرگي كه خداي تبارك و تعالي الآن به دست ما داده است، ما حفاظت كنيم اين را.» [[77]](#footnote-78)

178 امام: «همان طوري كه در طبقه روحانيون‏، كه آنها پاسدار اسلام و احكام اسلام هستند، اگر خداي نخواسته يك ملبس به لباس روحانيون‏ يك كار خلاف بكند، اين فرق دارد با اشخاص عادي؛ براي اينكه اينها پاسدار اسلام هستند، ملبس به لباس روحانيت‏ هستند، به لباس پاسداري از قرآن و سنت هستند. اگر خداي نخواسته از اينها يكوقت اشتباه، خطايي حاصل بشود، فرق دارد تا اينكه از يك آدم عادي حاصل بشود. و لهذا شما جوانها كه پاسدار جمهوري اسلامي هستيد و روحانيون‏ كه پاسدار احكام اسلام و قرآن هستند وظيفه‏تان زياد و شغلتان شريف. شغل شغل شريف؛ براي اينكه پاسداري از اسلام يك شغل بسيار شريفي است؛ و مسئوليتش هم زياد است. بايد حفظ كنيد اين حدود و ثغور اسلامي را. فقط اين نباشد كه ما پاسدار هستيم، ما هم بگوييم ما روحاني هستيم، شما هم بگوييد ما پاسدار، و خداي نخواسته به وظايفي كه پاسداران و روحانيون‏ بايد عمل بكنند ما يكوقت خداي نخواسته نكنيم. بايد همان طوري كه مدعي هستيم ما كه ما پاسدار هستيم و پاسدار جمهوري اسلام و پاسدار احكام اسلام هستيم، بايد خودمان‏ ابتداءً مرزمان همان مرز اسلام باشد، راهمان همان راه مستقيم اسلام باشد؛ تا اين ادعاي ما پيش خدا قبول بشود. اگر فرض بفرماييد كه مردم هم مطلع نشوند كه ما بر خلاف داريم عمل مي‏كنيم، خدا كه مي‏داند؛ در محضر خداست. در پيشگاه خدا ما نمي‏توانيم آن وقت ادعا كنيم كه ما پاسدار هستيم. براي اينكه ما كه خودمان بر خلاف موازين اسلام خداي نخواسته عمل بكنيم، بعد بخواهيم ادعا كنيم كه ما نگهبان اسلام هستيم، كسي كه خودش بر خلاف اسلام عمل مي‏كند نمي‏تواند بگويد من نگهبان هستم؛ يك كسي كه خودش دزد است نمي‏تواند بگويد من نگهبان هستم، من پاسبان هستم. پاسبان وقتي دزد باشد پاسبان نيست؛ دزد است. پاسدار خداي نخواسته اگر بر خلاف موازين اسلام باشد، پاسدار نيست. اين يك آدمي است كه بر خلاف اسلام است.» [[78]](#footnote-79)

179 امام: «بالاتر از همه طبقه روحانيون‏ هستند كه بايد بسيار با توجه- حالا غير سابق است؛ سابق روحانيون‏ نمي‏توانستند كاري بكنند. اگر كاري هم مي‏كردند، مي‏گفتند كه اين ساواكي است. اگر يك معممي يك كار خلافي مي‏كرد، مردم مي‏گفتند اين ساواكي است؛ اين از خدمه- مثلًا- ظلمه است. امروز كه همچه چيزي نمي‏شود گفت. جبران ناپذير بودن شكست مكتب‏ امروز اگر خداي نخواسته يك نفر روحاني- كه نمي‏كند او؛ يك نفر صورت روحاني بيايد در بينشان واقع بشود يا در كميته‏ها برود و يك خلافي بكند، امروز ديگر نمي‏گويند ساواكي است، امروز مي‏گويند روحاني است دارد اين كار را مي‏كند. ديروز ساواكي اين كار را مي‏كرد، امروز روحاني اين كار را مي‏كند.» [[79]](#footnote-80)

180 امام: «اين مسأله مهم است. و آقايان توجه كنند همه و همه ملت موظفند كه نظارت كنند بر اين امور. نظارت كنند اگر من يك پايم را كنار گذاشتم، كج گذاشتم، ملت موظف است كه بگويند پايت را كج گذاشتي، خودت را حفظ كن. مسأله، مسئله مهم است. همه ملت موظفند به اينكه نظارت داشته باشند در همه كارهايي كه الآن مربوط به اسلام است. اگر ديدند كه يك كميته خداي نخواسته بر خلاف مقررات اسلام دارد عمل مي‏كند، بازاري بايد اعتراض كند؛ عرض بكنم كه كشاورز بايد اعتراض كند؛ معممين و علما بايد اعتراض كنند. اعتراض كنند تا اين كج را راست كنند. اگر ديدند يك معمم بر خلاف موازين اسلام، خداي نخواسته، مي‏خواهد عمل بكند، همه موظفند كه جلويش را بگيرند كه امروز غير روزهاي ديگر است. آن وقت هم بايد بگيرند، اما حالا كار مهم است. حالا اساس، اساس وجهه اسلام است.» [[80]](#footnote-81)

4/1. تهذيب نفس، مراعات تقواي الهي و اخلاص در عمل

181 امام: «قدرت طلبي در هر كه باشد، اين اسباب اين مي‏شود كه زمين بخورد. قدرت طلبي از هر كه باشد از شيطان است؛ مي‏خواهد رئيس جمهور امريكا قدرت طلبي كند يا يك طلبه‏اي در مدرسه بخواهد قدرت طلبي بكند يا يك امام جمعه‏اي در مركزي كه دارد.» [[81]](#footnote-82)

182 رهبري: «اوّلًا فساد، روحاني‏ و غير روحاني‏ ندارد. اگر روحانيون‏ فاسد شوند، ضرر فسادشان بيشتر است و من حرف اين دوست محترممان را تأييد مي‏كنم كه اگر روحانيون‏ خداي نكرده به فساد گرايش پيدا كنند، ضررشان بيشتر از ديگران است.» [[82]](#footnote-83)

183 امام: «اول كار اين است كه ما خودمان را تهذيب كنيم؛ به طوري كه ما وقتي كه اسم خودمان را «روحاني‏» گذاشتيم؛ الهي باشيم، روحاني‏ باشيم. عرضه بكنيم خودمان را به دنيا، بگوييم كه ما اشخاصي هستيم كه روحاني‏ هستيم و مربي جامعه هستيم. اگر از مربي جامعه خداي نخواسته يكوقت- يك چيز خلاف ديدند خوب، چه خواهد شد؟ اين خواهد شد كه خداي نخواسته اگر زياد شد، خوب روحانيت شكست مي‏خورد. شكست روحانيت، شكست اسلام است. يعني آني كه اسلام را تا اينجا آورده است روحانيين بوده‏اند. آني كه اسلام را، همه احكام اسلام را ضبط كرد و جمع كرد و ترويج كرد همين قشر روحاني‏ است. اگر خداي نخواسته از ما يك چيز خلافي ببينند، كم كم زياد و زياد، يكوقت به آنجا برسد كه مردمْ ما را بر خلاف مسير اسلام ببينند و به ما پشت بكنند. آن روزي كه مردم به شما پشت كردند و خداي نخواسته- خدا نياورد يك همچو روزي را- آن روز است كه اسلام از دست ما خواهد رفت. بنا بر اين، يك تكليف الهي بزرگ معيناً بر هر يك از ماست. نه منِ تنها؛ نه آقاي تنها؛ نه شما تنها؛ يك تكليف الهي به طور وجوب عيني بر همه افراد ما طلبه‏ها و روحانيين است و آن حفظ خودمان؛ كه يكوقت قدم خلاف نگذاريم؛ و حفظ كساني كه با ما رابطه دارند. هر كس به اندازه خودش؛ يكي امام جماعت است آن جمعيت را، يعني آقاي يك شهر است به همان مقداري كه هست. يكي طلبه است و توي مدرسه است، با آنهايي كه تماس دارد. همه ما الآن موظفيم در اين‏ زماني كه ما مدعي هستيم كه مي‏خواهيم آن رژيم نباشد و يك رژيم روحاني، يك رژيم انساني، يك رژيم اسلامي باشد. اگر در اين وقت كه ما اين ادعا را داريم كه ما آن رژيم را كنار گذاشته‏ايم و مي‏خواهيم اسلام را بياوريم روي كار، اسلام را هم ماها بايد معرفي‏اش بكنيم، اگر در يك همچو مقطع از زماني، خداي نخواسته ملت از ما يك چيزي ديد كه نبايد ببيند، يك مسائلي ديد كه نبايد باشد، اين اسباب اين مي‏شود كه روحانيت شكست بخورد. با شكست روحانيت، اسلام شكست خورده است. اين تكليفي است كه بر همه ماست، و هر كدام بايد هم شخص خودمان را و هم شعاعي كه داريم تربيت بكنيم.» [[83]](#footnote-84)

184 رهبري: «مبلّغِ دين و مبيّنِ معارف ديني، بايد به زبان اكتفا نكند؛ بلكه عمل او هم بايد ايمان و اخلاص و صفايش را در بيان اين حقيقت براي مخاطب ثابت كند و نشان دهد. اينكه مشاهده مي‏كنيد در هر كاري كه علماي دين پيش‏گام باشند، مردم پاسخ مثبت مي‏دهند و اجابت مي‏كنند و جمع مي‏شوند و عمل مي‏كنند- چه جبهه باشد، چه امر سياست و چه خودِ انقلاب- به خاطر اين است كه اين لباس و شغل و زي، به خاطر عمل اخيار و نيكاني كه قبل از ما بوده‏اند، توانسته است ايمان مردم را به خود متوجّه و جلب كند. اين، اخلاص علماي گذشته و بزرگان ماست و سرمايه ارزشمندي محسوب مي‏شود. بايد اين را حفظ كنيم. وقتي علماي دين، چنين ايمان و اخلاصي را از خود نشان مي‏دهند و عملًا براي مردم ثابت مي‏كنند، كار هدايت آن‏ها را آسان مي‏سازند. مردم، راه خدا را پيدا مي‏كنند. اين، براي كسي كه بتواند مردم را به راه خدا بكشاند، چقدر اجر و ثواب دارد! اين، متوقّف به عمل و صدق در گفتار است. در تأثير خارجي كارها نيز همين‏طور است. انسان اگر صادق باشد، حرف و كار و راه او، در عالَم واقع و خارج بركت پيدا مي‏كند. صدقِ يك ملت و يك امّت، مي‏تواند آن‏ها را در ميدانهاي گوناگون پيروز كند. امام بزرگوار ما در راه خود صادق بودند كه توانستند ايمان مردم را جلب كنند و مردم نيز صادق بودند كه توانستند نهضت را به اينجا برسانند، و الّا اگر آن صدق و صفا و ايمان نمي‏بود، اين نهضت محكوم به شكست مي‏شد. امير المؤمنين عليه الصّلاة و السّلام فرمود: «فلمّا رأي الله صدقنا انزل بعدوّنا الكبت و انزل علينا النّصر ...».» [[84]](#footnote-85)

185 رهبري: «جوهر كار در ميان ما روحانيت‏ شيعه، يك جوهر ويژه است. احساس تكليف الهي، بيشتر موجب مي‏شود كه كسي اقدام به تبليغ كند. نه اينكه انگيزه‏هاي مادّي وجود ندارد، يا مثلًا وظيفه الهي با بعضي انگيزه‏هاي مادّي براي مبلّغ منافات دارد؛ اين طور نيست. نفس اينكه يك نفر روحاني‏ با اختيار خود به امر تبليغ اقدام مي‏كند و اگر اهل اخلاص و تقرّب به خدا و توجّه به منافع معنوي تبليغ باشد، جلو او ميدان كار باز مي‏شود، مهم است. اين فرصت قابل توجّهي است كه در اختيار ماست.»[[85]](#footnote-86)

186 امام: «روحانيون‏ امروز هم اگر در هر جا وارد بشوند اين طور نيست كه بخواهند يك سلطه‏اي پيدا كنند و مثلًا فرمانفرمايي بكنند. شما ملاحظه مي‏كنيد آن رئيس جمهور است، خوب مقام بالاتري دارد وضعش چه جوري است؟ كيفيت سلوكش چه جوري است؟ زندگي‏اش چه جوري است؟ رفت و آمدش چه جوري است؟ نشست و برخاستش با مردم چه جوري است؟ خوب، اين مسئله‏اي است كه مشاهد همه است. و آن رئيس مجلسش هست، و اين آقا هم رئيس ديوان عالي كشورش هست. همه اينها را شما مشاهده مي‏كنيد. اين نيست كه اينها در خارج يك جور، كه آنها يك وضعي دارند كه شما مي‏بينيد، همان وضعي كه در زمان طلبگي خودشان داشتند همان وضع را هم حالا دارند. منتها حالا يك خدمت وسيعتري انجام مي‏دهند. آن وقت يك خدمتهايي به معنويت نزديكتر انجام مي‏دادند. ما نبايد خيال بكنيم و كسي خيال بكند كه روحانيت‏ در اينجا يك چيزي پيدا كرده و دنبالش دارد مي‏گيرد كه هي زيادش كند. اينها با رنج و زحمت اينجا مي‏آيند.» [[86]](#footnote-87)

187 رهبري: «روحانيت‏ خدمتگزار مردم است. نهادي كم‏توقّع، كم‏نصيب و كم‏سهم از دنياست. بنايي بر دنيا و هدف دنيا ندارد. البته در بين روحانيون‏، افراد بد، ناباب و خائن بوده‏اند. امروز هم هستند، نه اينكه نيستند. ما هم از افراد نابابي كه در روحانيت‏ هستند، خبر داريم. بعضي از آن‏ها، دلها را خون كردند. دل امام و نيكان خود را خون كردند. اما اين نبايد موجب شود كه سازمان و تشكيلات روحانيت‏ زير سؤال برود. عناصر ناباب در روحانيت‏، اغلب كساني هستند كه از راه صحيح و روحانيت‏ منحرف شده‏اند، و الّا روحانيتي كه در راه مستقيم امام بزرگوار حركت مي‏كرده، بحمد اللّه خوب است.» [[87]](#footnote-88)

188 امام: «ما ادعا مي‏كنيم كه ما روحانيون‏ مسْلم هستيم. ما اول بايد از خودمان مايه بگذاريم. بيخود [دائماً] نگوييم ما خوب و ديگران بد. مايي كه دعوي اين را داريم كه ما هستيم كه اسلام را مي‏خواهيم ترويج كنيم، اسلام را مي‏خواهيم تقويت كنيم، علاقه به اسلام داريم، احكام اسلام پيش ماست، ما بايد احكام اسلام را پخش بكنيم. مايي كه اين مسائل را داريم مي‏گوييم و خودمان هم به صورت يك نفر آدمي كه به اسلام به همه معنا ايمان آورده است و قبول دارد همه چيزش را و يك آدم متقي صالح كذاست، اگر، خداي نخواسته در باطن بر خلاف اين باشيم، منافق نيستيم؟ همان ابو سفيان منافق است؟ من و شما هم منافقيم. آن ايمانش را عرضه مي‏كرد و نداشت. شما هم كمال ايمانتان را عرضه مي‏داريد. بگوييد مسلمان هستيم اما منافقيد. اين مسلمان منافق در جهات ديگر. اينها هيچ كدام هم مهم نيست. مهم اين است كه اسلام دست ما آمده است. امانت خداست دست ما آمده است. اين امانت را بايد به آن طوري كه هست بدهيم به اعقاب خودمان. عرضه كنيم اين اسلام را به آن طوري كه واقع اسلام است به دنيا. و خودمان جوري نكنيم كه اين اسلام را يك طور ديگري نمايشش بدهيم به غير. آن طوري كه هست نمايشش بدهيم. اين ديگر فرق نمي‏كند بين آن بچه طلبه و طلبه نارسي كه تازه تو مدرسه رفته است يا شما آقايان كه از علما هستيد و در مساجد هستيد يا سايرين، هيچ فرقي ما بين آنها نيست. منتها شما آقايان كه بزرگتر و بالاتر هستيد، مسئوليتتان بيشتر از امثال من طلبه است. اما همه مسئولند. مسئوليت كم و زياد دارد. به حسب اختلاف نفوس، اختلاف سعه كلمه. كاري بكنيد كه اسلام از ما گله‏مند نباشد. قرآن كريم از ما گله‏مند نباشد، كه آقايان كه شما خودتان را مي‏گفتيد كه ما مروّج قرآن هستيم، مبين احكام قرآن هستيم، چرا خودتان يك كاري داريد مي‏كنيد يا كرديد كه اسلام يك جور ديگر جلوه كند پيش مردم.» [[88]](#footnote-89)

189 رهبري: «ببينيد دشمنان اسلام، اين‏گونه با اسلام مواجهند. براي دفاع از اسلامي كه اين همه تأثير و موج در دنيا انداخته و سلطه‏ها را سراسيمه كرده، و براي تبيين صحيح اين اسلام، امروز بايد روحانيت‏ يك‏قدم بزرگ بردارد قدمي كه مخصوص معارف و ذهنيات نيست و در علم و عمل يك حركت عظيم ايجاد كند. ما نبايد فقط به دانش و علم خودمان بپردازيم؛ بايد بيشتر از علم، به عمل خودمان هم بپردازيم. پشتوانه، اين است.» [[89]](#footnote-90)

190 رهبري: «بزرگان و ائمه و معصومين ما، مواظب خودشان، خودسازيشان، نمازشان، ذكرشان، دعايشان، توجهات و توسلاتشان بودند؛ براي اينكه ضايع و خراب نشوند. ماها خراب مي‏شويم. اگر مواظب خودتان نباشيد، ضايع و خراب مي‏شويد. اين برادران عزيز روحاني‏، بايستي به اين جهت توجه كنند.» [[90]](#footnote-91)

191 امام: «بايد علما فكر بكنند. بايد محاسبه كنند خودشان را. يكي از چيزهايي كه در منازل سِير هست محاسبه است كه انسان آن وقتي كه خلوت است بين خودش و خدا، خودش را به‏ حساب بكشد. محاسبه كند خودش را كه من در اين راهي كه دارم مي‏روم چه كردم امروز، من چه كردم؟ محاسبه كنيد خودتان را. هم محاسبه كنيم همه خودمان را و همه ملت، همه مسلمانها و در رأس علما. آن قدر مسئوليت كه به عهده آقايان اهل‏ علم‏ است، به عهده ديگران نيست آن قدر. آنها اگر چنانچه خداي نخواسته يك راهي بروند كه راه خدا نباشد، چهره اسلام به دست آنها جور ديگر مي‏شود. كاري بكنيد كه به عهده ما يك همچو مسئوليتي كه هست، بتوانيم به آخر برسانيم. از خدا بخواهيد كه ماها از لغزش دور باشيم. خودتان بخواهيد براي خودتان، و براي همه ملت. ملت بخواهد براي خودش، و براي علما دعا كنند كه اين طبقه لغزش پيدا نكنند كه به لغزش آنها اسلام در خطر است. همه ما مكلفيم. همه مسئوليم و كُلُّكُم راعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسئول‏ اين براي همه است. لكن به عهده شما بيشتر است. شماها بايد بيشتر رعايت بكنيد. بيشتر در اين پستي كه هستيد، كه مسند اسلام است، بيشتر مراعات بكنيد. بيشتر مردم را مراعات كنيد. جامعه را بيشتر تربيت كنيد و همه مسئوليم و همه مسئوليد، و هر كس سعه نفوذش بيشتر است، مسئوليتش بيشتر است.» [[91]](#footnote-92)

192 رهبري: «آن وقت، روحانيت با دو چيز، يكي با علم و يكي با زهدش توانست علي‏رغم خواست آن‏ها، در دستگاه‏هاي مختلف و در دانشگاه كه جايي براي ماها نبود و مظهر و مركز تبليغات ضد آخوندي بود نفوذ كند. در همين دانشگاه، بچه‏ها كلاس درس را تعطيل مي‏كردند، تا پاي درس فلان آخوند كه نه پول و نه قدرت داشت و حتّي رفتنِ پيش او، گاهي دردسر هم داشت بروند. با وجود اين قضيه، حالا به جاي انگليس و رضا خان و محمّد رضا، آقايي با ريش و عمامه و هيكل و عنوان پيدا بشود و كار خلافي مرتكب گردد و اين‏همه زحمات را بر باد بدهد. كاري كه اين‏گونه افراد انجام مي‏دهند، از آن همه كارهايي كه آن‏ها كردند، خيلي موفق‏تر است! پس، اگر ما فرض كنيم، يك دست سياسي وجود دارد كه آخوندجماعت را به فساد و به رشوه‏خواري و به اين چيزها بكشد، فرض خيلي دوري نكرده‏ايم.»[[92]](#footnote-93)

193 امام: «اول كار اين است كه ما خودمان را تهذيب كنيم؛ به طوري كه ما وقتي كه اسم خودمان را «روحاني» گذاشتيم؛ الهي باشيم، روحاني باشيم. عرضه بكنيم خودمان را به دنيا، بگوييم كه ما اشخاصي هستيم كه روحاني هستيم و مربي جامعه هستيم. اگر از مربي جامعه خداي نخواسته يكوقت- يك چيز خلاف ديدند خوب، چه خواهد شد؟ اين خواهد شد كه خداي نخواسته اگر زياد شد، خوب روحانيت شكست مي‏خورد. شكست روحانيت، شكست اسلام است. يعني آني كه اسلام را تا اينجا آورده است روحانيين بوده‏اند. آني كه اسلام را، همه احكام اسلام را ضبط كرد و جمع كرد و ترويج كرد همين قشر روحاني است. اگر خداي نخواسته از ما يك چيز خلافي ببينند، كم كم زياد و زياد، يكوقت به آنجا برسد كه مردمْ ما را بر خلاف مسير اسلام ببينند و به ما پشت بكنند. آن روزي كه مردم به شما پشت كردند و خداي نخواسته- خدا نياورد يك همچو روزي را- آن روز است كه اسلام از دست ما خواهد رفت. بنا بر اين، يك تكليف الهي بزرگ معيناً بر هر يك از ماست. نه منِ تنها؛ نه آقاي تنها؛ نه شما تنها؛ يك تكليف الهي به طور وجوب عيني بر همه افراد ما طلبه‏ها و روحانيين است و آن حفظ خودمان؛ كه يكوقت قدم خلاف نگذاريم؛ و حفظ كساني كه با ما رابطه دارند. هر كس به اندازه خودش؛ يكي امام جماعت است آن جمعيت را، يعني آقاي يك شهر است به همان مقداري كه هست. يكي طلبه است و توي مدرسه است، با آنهايي كه تماس دارد. همه ما الآن موظفيم در اين‏ زماني كه ما مدعي هستيم كه مي‏خواهيم آن رژيم نباشد و يك رژيم روحاني، يك رژيم انساني، يك رژيم اسلامي باشد. اگر در اين وقت كه ما اين ادعا را داريم كه ما آن رژيم را كنار گذاشته‏ايم و مي‏خواهيم اسلام را بياوريم روي كار، اسلام را هم ماها بايد معرفي‏اش بكنيم، اگر در يك همچو مقطع از زماني، خداي نخواسته ملت از ما يك چيزي ديد كه نبايد ببيند، يك مسائلي ديد كه نبايد باشد، اين اسباب اين مي‏شود كه روحانيت‏ شكست بخورد. با شكست روحانيت‏، اسلام شكست خورده است. اين تكليفي است كه بر همه ماست، و هر كدام بايد هم شخص خودمان را و هم شعاعي كه داريم تربيت بكنيم.» [[93]](#footnote-94)

194 رهبري: «بزرگان و پيشروان و رهبران و علما و انديشمندان و روشن‏فكران هم، هرجا كه اين اخلاص را به كار بگيرند و با اخلاص عمل كنند و براي خدا حرف بزنند و كار كنند، توفيق حتمي است. توفيق، به معناي تأثير سخن در دلهاست. يعني سخني كه صادقانه و براي خدا باشد، تأثير خود را در دلهاي مستعد مي‏گذارد و خدا اين تأثير را به او مي‏دهد.» [[94]](#footnote-95)

195 رهبري: «من توصيه‌ي به خشوع و ذكر و تقوا و سعي براي تقرب الي‌اللَّه را براي طلاب واجبتر ميدانم تا توصيه‌ي به علم، كه مايه‌ي اصلي كارشان علم است. اگر علم باشد، تقوا نباشد، اين علم ميشود بي‌فايده، گاهي هم مضر. عالماني داشتيم - چه علم ديني، چه علم غير ديني - كه نه فقط از اين علم بهره‌اي نبردند و بهره‌اي نرساندند، بلكه وزر و وبال شد. اين روح معنويت در كالبد علم و عالم لازم است.» [[95]](#footnote-96)

196 امام: «الآن ما همه در بوته امتحان گذاشته شديم. قشرهاي ملت- همه- از روحانيون گرفته‏ است تا دانشگاهي، از نيروي هوايي گرفته است تا نيروي زميني، و تا نيروي دريايي، بازارهاي اسلام، سرحدات اسلام، عشاير ايران، همه ما الآن آزاديم و در تحت امتحان. خداوند ما را با اين نعمت امتحان خواهد كرد. اگر ما آزادي را در مسير خودش، براي صلاح ملت، براي صلاح اسلام، در خدمت كشور، از اين آزادي استفاده كرديم، از امتحان درست بيرون آمده‏ايم؛ و اگر خداي نخواسته آزادي را صرف كرديم بر خلاف مسير ملت و اسلام، حالا كه آزاد شديم خودمان را به هرج و مرج بكشيم، حالا كه آزاد هستيم به زيردستان خودمان ظلم كنيم، حالا كه آزاد هستيم بر خلاف نظامات اسلامي و بر خلاف نظامات ملي عمل كنيم، هرج و مرج بپا كنيم، چون آزاد هستيم تحت هيچ قاعده نباشيم، تحت هيچ يك از قواعد اسلامي و ملي نباشيم، اگر اين طور باشد، آزادي را صرف كرديم بر خلاف مسير ملت و بر خلاف مسير اسلام. توجه داشته باشيد كه از اين امتحان آبرومند بيرون بياييم. اگر منِ طلبه‏ وقتي آزاد شدم، به رفقاي خودم، به زيردستهاي خودم، به دوستان خودم تعدي كردم، بر خلاف مسير نهضت عمل كردم، بر خلاف مسير ملت عمل كردم، من به اين آزادي كه خداي تبارك و تعالي داده است خيانت كرده‏ام.» [[96]](#footnote-97)

197 رهبري: «ما اگر اخلاص داشته باشيم، كارهامان پيش ميرود. هم مسئولين در قوه‌ي مقننه، هم در قوه‌ي قضائيه، هم در مناصب روحاني، هم در مناصب نظامي - در مناصب گوناگون - آن چيزي كه لازم است، اين است كه ما تكليف را بشناسيم و براي خاطر تكليفمان كار را انجام بدهيم؛ ملاحظات ديگر را مخلوط نكنيم.» [[97]](#footnote-98)

198 رهبري: «عزيزان من! برادران من! فرزندان من! جوانان! طلاب دختر و پسر! اگر ميخواهيد مثل بوته‌ي گلي عطر شما فضا را معطر كند، اگر ميخواهيد معنويت مثل چشمه‌اي از شما سرازير شود و بدون اجبار، بدون اكراه، تشنگان بنوشند و به سوي آن بشتابند، راهش اين است: «فليبدأ بتعليم نفسه». اين آيه‌ي شريفه‌اي كه تلاوت كردند: «انّما يخشي اللَّه من عباده العلماء»، خشيت را يكي از خصوصيات علما قرار داده است. خب، علما خيلي خصوصيات دارند، اما خشيت را انتخاب كرده است. بعد از ذكر آيات الهي در كوه و دشت و صحرا و باغ و راغ كه در آيات هست، ميفرمايد: «انّما يخشي اللَّه من عباده العلماء». خاصيت علم همين است كه انسان را مشمول اين نعمت بزرگ ميكند، خشيت الهي بر دل انسان سايه مي‌افكند؛ اين را بايد به دست بياوريم.» [[98]](#footnote-99)

199 رهبري: «خب، حالا كي مراقبت كند؟ چگونه مراقبت كنيم؟ جوابش اين است كه در درجه‌ي اول، مسئولان و زبدگان و برجستگان و روشنفكران و دانشمندان و علما و كساني كه محيطِ تأثير دارند، از رفتارهاي خودشان مراقبت كنند. همان طور كه عرض كرديم، قدرت‌طلبي است، دنياطلبي است، دنبال اختلاف رفتن است، جنجال درست كردن است، خلاف اخلاق حركت كردن است.» [[99]](#footnote-100)

5/1. اهتمام به شغل روحانيت

200 امام: «فرموده اعليحضرت موافق است با آنچه از پيغمبر اسلام- صلي اللَّه عليه و آله- به ما رسيده: إذا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علمه؛ فمن لم يفعل. فعليه لعنة الله‏. البته شغل روحاني‏، ارشاد و هدايت ملت است.» [[100]](#footnote-101)

201 امام: «توجه داشته باشيد كه آخوند شغلش بزرگترين شغلها و مسئوليتش بزرگترين مسئوليتهاست. يك شخص روحاني‏ مي‏تواند يك ملت را نجات بدهد؛ و يك شخص روحاني‏ مي‏تواند يك ملت را به تباهي بكشد. توجه داشته باشيد كه مبادا از آن اشخاص بشويد كه يك ملت را به تباهي بكشيد. از آن اشخاص باشيد كه يك ملت را به سعادت برسانيد؛ يا شعاع شما در هر جا هست، آنها را به سعادت برساند. با ارشاد شما مردم هدايت بشوند. نكند كه يكوقت با عمل شما، با قول شما، با رفتار شما، يك اعوجاجي در مردم پيدا بشود؛ يك انحرافي پيدا بشود. اين انحراف براي شما ضررش زياد است.» [[101]](#footnote-102)

202 امام: «بايد شما سخنگوي اسلام باشيد، اين شغل شماست و اين شغل اگر واقعيتي داشته باشد، از همه شغلها بالاتر است؛ براي اينكه مقاصد اسلام با زبان شما ادا مي‏شود، همه مقاصد اسلام؛ و مسئوليتش از همه چيز زيادتر است. اگر خداي نخواسته يك نفر از كساني كه ادعاي اهل منبري مي‏كنند يا محرابي، يا در منبر مي‏روند و يا در محراب، اگر چنانچه آن كسي كه منبر مي‏رود زبانش يك وقتي يك زباني باشد كه بر خلاف مسير اسلام باشد، اين غير از يك آدم عادي است كه توي دكانش يك خلافي مي‏كند؛ يك كمفروشي مي‏كند؛ اين خطر، خطر به مكتب است. شماها سخنگوي اسلام هستيد، اگر سخنگوي اسلام يك چيزي بگويد كه با برنامه اسلام مخالف باشد، با مقاصد اسلام مخالف باشد، اين مسئوليتش غير از آن مسئوليتي است كه يك نفر آدم عادي يك چيزي مي‏گويد. يا بايد اين ادعا را نكنيد و اين شغل را قبول نكنيد، يا اگر قبول كرديد و اين ادعا را كرديد؛ بايد سرش بايستيد، همه‏مان، همه ما. الآن اين لباسي- كه الآن شعار است، لباس اسلام است، شعار است، لباس روحانيت‏ است- كه ما اين لباس را پوشيديم، به لوازم اين لباس بايد التزام پيدا بكنيم. دنبال اين باشيم كه شئون اين لباس- كه ما مي‏گوييم لباس اسلام است- شئون اين را بايد حفظ بكنيم. اگر خداي نخواسته ما شئون اين را حفظ نكنيم، لباس، يك لباس غصبي است. ما قاچاق هستيم آن وقت! براي اينكه‏ لباسي كه بايد يك فردي بپوشد كه اسلامي باشد، ما اين لباس را از او غصباً پوشيده‏ايم. بايد ما فكر اين مطلب باشيم.» [[102]](#footnote-103)

6/1. آماده‌سازي خود براي خدمت

1/6/1. كسب آگاهي‌هاي سياسي و قدرت تحليل

203 امام: «از آن طرف، تبليغات دامنه‏دار كه طبقه روحاني را جدا كنند از مسائل روز. آن چنان تبليغ كرده بودند كه اوايلي كه من- همان سال اول و دوم- آمدم به قم، در قم وضع جوري بود كه يكي از روحانيون‏ كه رئيس بود، مورد طعن مردم بود، مي‏گفتند: در منزلش روزنامه پيدا مي‏شود! روزنامه پيدا شدن در منزل يك روحاني را نقصش مي‏دانستند. فلان آخوند «سياسي» است! طعن مي‏زدند به اينكه فلان آخوند «سياسي» است. جدا مي‏كردند روحانيون‏ را، محدودشان مي‏كردند به همان مسائل شخصي؛ و از مسائل اجتماعي و مسائل سياسي همچو جدا مي‏كردند، و تبليغات همچو بود كه يك آخوندي اگر چنانچه مي‏خواست در اين امور دخالت كند مي‏ترسيد از مردم‏.» [[103]](#footnote-104)

204 رهبري: «اينكه ما مي‏گوييم روحانيون‏- حالا روحانيوني كه درگير كار سياسي هم نيستند؛ روحاني‏ است، مدرّس است، پيش‏نماز است، مشغول يك شأني از شئون روحاني‏ است- سياسي باشند، يعني چه؟ اين، آن نكته اساسي است؛ يعني قدرت تحليل سياسي داشته باشد. من هميشه به دانشجوها و طلبه‏ها مي‏گويم، به شما هم عرض مي‏كنم، و اين به همه روحانيت‏ مربوط مي‏شود: بايد سياسي باشيد؛ منتها نه به معناي ورود در باندها و جناحهاي سياسي؛ نه به معناي ملعبه و آلت دست شدن اين يا آن حزب يا گروه سياسي، يا سياست‏بازان حرفه‏اي؛ اين مطلقاً مورد نظر نيست؛ بلكه به معناي آگاهي سياسي، قدرت تحليل سياسي، داشتن قطب‏نماي سالم سياسي كه جهت را درست نشان بدهد.»[[104]](#footnote-105)

205 رهبري: «در دوران پيش از پيروزي انقلاب، بنده در ايرانشهر تبعيد بودم. در يكي از شهرهاي هم‏جوار، چند نفر آشنا داشتيم كه يكي از آن‏ها راننده بود، يكي شغل آزاد داشت و بالاخره، اهل فرهنگ و معرفت، به معناي خاص كلمه نبودند. به حسب ظاهر، به آن‏ها «عامي» اطلاق مي‏شد. با اين حال جزو «خواص» بودند. آن‏ها مرتّب براي ديدن ما به ايرانشهر مي‏آمدند و از قضاياي مذاكرات خود با روحاني‏ شهرشان مي‏گفتند. روحاني‏ شهرشان هم آدم خوبي بود؛ منتها جزو «عوام» بود. ملاحظه مي‏كنيد! راننده كمپرسي جزو «خواص»، ولي روحاني‏ و پيش‏نماز محترم جزو «عوام»! مثلًا آن روحاني‏ مي‏گفت: «چرا وقتي اسم پيغمبر مي‏آيد يك صلوات مي‏فرستيد، ولي اسم «آقا» كه مي‏آيد، سه صلوات مي‏فرستيد؟!» نمي‏فهميد. راننده به او جواب مي‏داد: «روزي كه ديگر مبارزه‏اي نداشته باشيم؛ اسلام بر همه جا فائق شود؛ انقلاب پيروز شود؛ ما نه تنها سه صلوات، كه يك صلوات هم نمي‏فرستيم! امروز اين سه صلوات، مبارزه است!» راننده مي‏فهميد، روحاني‏ نمي‏فهميد!» [[105]](#footnote-106)

206 رهبري: «اگر شما اعلم علما هم باشيد، ولي زمانتان را نشناسيد، محال است بتوانيد براي جامعه اسلامي امروز مفيد واقع شويد. اگر ندانيم كه استكبار چه كار مي‏خواهد بكند و دشمنان ما چه كساني هستند و از كجا نفوذ مي‏كنند، و اگر متوجه نباشيم كه در جامعه ما چه مي‏گذرد و چه مشكلاتي وجود دارد و علاجش چيست، و اگر اطلاع نداشته باشيم كه در جبهه‏بندي‏هاي امروز جهان چه جايگاهي داريم، نمي‏توانيم نقش واقعي خود را ايفا كنيم.» [[106]](#footnote-107)

207 رهبري: «يك نكته‌ي ديگر اين است كه اساتيد عزيز دانشگاه، هم با واقعيات و حقايق كشور، و هم با حقايق جهان بايد آشنا باشند؛ اين يك تلاشي را ميطلبد. در همه‌ي حوزه‌هاي علمي، همين جور است. عالمِ معلمي كه جماعتي از او استفاده ميكنند، اگر به زمان خود عالم نباشد، دچار مشكلات خواهد شد. «العالم بزمانه لا تهجم عليه اللّوابس»؛ كسي كه زمانه را ميشناسد، يعني وقتي اوضاع و احوال محيط خود و محيط پيراموني‌اش و محيط جهان را ميداند و ميفهمد جريانهاي گوناگون جهاني كي‌هايند، كجايند، اهدافشان چيست، چه جور با هم مواجه ميشوند، دچار اشتباه نميشود؛ در قضاياي گوناگون، قضاوت اشتباه نميكند و دچار اشتباه نميشود. اين آشنائي، براي همه لازم است؛ براي روحاني هم لازم است، براي دانشگاهي هم لازم است؛ براي معلّم حوزه هم لازم است، براي معلّم دانشگاه هم لازم است؛ اين يك چيز مهمي است. وقتي انسان جريانات گوناگون را ميشناسد، ميتواند پديده‌ها را استنتاج كند، كه اين پديده چيست، چه شد كه اين اتفاق افتاد، در تحليل، دچار خطا و اشتباه نميشود.» [[107]](#footnote-108)

208 رهبري: «نظام اسلامي چيزي دارد كه بمب و حمله خارجي و مانند آن‏ها بر آن كارگر نيست؛ بلكه آن را مستحكم‏تر مي‏كند و آن «مردم» است. نظام اسلامي مردم را دارد. تا مردم با نظام اسلامي‏اند؛ تا مردم اگر ببينند سر و صدايي است، پنجره‏ها را باز مي‏كنند ببينند چه خبر است و اگر به وجود آن‏ها احتياج است بروند؛ تا جوانان به مسائل انقلاب، احساس حميّت مي‏كنند؛ تا سياست جزو زندگي مردم است؛ دانشگاه سياسي است، بازار سياسي است، جامعه روحانيت‏ سياسي است و همه و همه در مسائل سياسي دخالت مي‏كنند، نظر مي‏دهند و تحليل مي‏كنند، كاري از امريكا و غير آمريكا و بمب اتم و تجهيزات و فناوري و پول و دلار و غيره برنخواهدآمد.»[[108]](#footnote-109)

2/6/1. آموزش نظامي

209 رهبري: «امام واقعاً دنيا را عوض كرد. روي آوردن روحانيون‏ به آموزش نظامي، هنر امام بود. اين قدرت خدا بود كه به دست آن بزرگوار اين كارها انجام گرفت. امروز همان‏طور كه اشاره كرديد آقاي حاج شيخ علي‏پناه، يا آقاي حاج شيخ جلال طاهر شمس، يا آقاي مكارم و آقاي آذري و آقاي فاضل تفنگ به دستشان مي‏گيرند و آموزش نظامي مي‏بينند. اين واقعاً همان «انّ الله في ايّام دهركم نفحات» است. اين چندساله جزو همان نفحات است. اين فرصت الهي است كه خداي متعال پيش آورده و كمك كرده، تا ما بتوانيم از آن استفاده كنيم.» [[109]](#footnote-110)

2. خدمت روحانيت به مردم

1/2. تبليغ، منبر و هدايت مردم

1/1/2. نيازسنجي و مخاطب‌شناسي

210 امام: «علما و روحانيون‏ ان شاء اللَّه به همه ابعاد و جوانب مسئوليت خود آشنا هستند ولي از باب تذكر و تأكيد عرض مي‏كنم امروز كه بسياري از جوانان و انديشمندان در فضاي آزاد كشور اسلامي‏مان احساس مي‏كنند كه مي‏توانند انديشه‏هاي خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامي بيان دارند، با روي گشاده و آغوش باز حرفهاي آنان را بشنوند. و اگر بيراهه مي‏روند، با بياني آكنده از محبت و دوستي راه راست اسلامي را نشان آنها دهيد. و بايد به اين نكته توجه كنيد كه نمي‏شود عواطف و احساسات معنوي و عرفاني آنان را ناديده گرفت و فوراً انگِ التقاط و انحراف بر نوشته‏هاشان زد و همه را يكباره به وادي ترديد و شك انداخت. اينها كه امروز اين گونه مسائل را عنوان مي‏كنند مسلماً دلشان براي اسلام و هدايت مسلمانان مي‏تپد، و الّا داعي ندارند كه خود را با طرح اين‏ مسائل به دردسر بيندازند. اينها معتقدند كه مواضع اسلام در موارد گوناگون همان گونه‏اي است كه خود فكر مي‏كنند. به جاي پرخاش و كنار زدن آنها با پدري و الفت با آنان برخورد كنيد. اگر قبول هم نكردند، مأيوس نشويد. در غير اين صورت خداي ناكرده به دام ليبرالها و مليگراها و يا چپ و منافقين مي‏افتند؛ و گناه اين كمتر از التقاط نيست. وقتي ما مي‏توانيم به آينده كشور و آينده‏سازان اميدوار شويم كه به آنان در مسائل گوناگون بها دهيم، و از اشتباهات و خطاهاي كوچك آنان بگذريم، و به همه شيوه‏ها و اصولي كه منتهي به تعليم و تربيت صحيح آنان مي‏شود احاطه داشته باشيم. فرهنگ دانشگاهها و مراكز غير حوزه‏اي به صورتي است كه با تجربه و لمس واقعيتها بيشتر عادت كرده است، تا فرهنگ نظري و فلسفي. بايد با تلفيق اين دو فرهنگ و كم كردن فاصله‏ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند، تا ميدان براي گسترش و بسط معارف اسلام وسيعتر گردد.» [[110]](#footnote-111)

211 رهبري: «تقويت ايمان ديني، تأمين نيازهاي فكري و استفهامهاي نسل جوان است؛ كه اين عمدتاً متوجه به روحانيت‏ و حوزه‏هاي علميه است. دائماً شبهه القاء ميكنند؛ بايد به طور دائم و به‏روز پاسخ شبهه‏ها را داد.» [[111]](#footnote-112)

212 رهبري: «امروز روحانيون‏ در بخش‏هاي گوناگون حضور دارند، كه در گذشته امكان حضور آن‏ها نبود- مثل اداره‏ها، كارخانه‏ها، پادگان‏ها و دانشگاه‏ها- بنابراين بايد متاع قابل عرضهي آماده كرد و به اين‏ها داد. خوشبختانه در معارف اسلامي ما متاع قابل عرضه ارزشمندِ داراي زايندگي از لحاظ معرفتي، فراوان است. اگر كتابهاي آقاي مطهري مورد مطالعه و مداقه قرار بگيرد، انبوهي از معارف را به ذهن و دل هر خواننده سرازير مي‏كند؛ اين‏ها مهم و لازم است.» [[112]](#footnote-113)

213 رهبري: «امروز حوزه‏هاي علميه وظيفه هدايت قشرهاي گوناگون را در سطوح مختلف بر عهده دارند. البته من اعتقاد دارم كه تبليغ سنتي ما- كه مسجد و منبر و سخنراني روبه‏روست- بديل ندارد؛ اين را بايد حفظ كنيم. اينكه شما بنشينيد با يك نفر روبه‏رو صحبت كنيد؛ نگاه شما به او بيفتد، نگاه او به شما بيفتد و نفس گرم شما به او برسد، اين چيز خيلي خوبي است؛ اين را بايد حفظ كنيم؛ ليكن اين كافي نيست. امروز وسايل تبليغ نوشتاري و گفتاري به‏قدري متنوع و زياد است كه اگر روحانيت‏ دين از اين قافله عقب بماند، قطعاً يك خسارت بزرگ تاريخي براي او پيش خواهد آمد.» [[113]](#footnote-114)

214 رهبري: «شبهات زياد است. شما اگر در ميان جوانان برويد، مي‏بينيد جوان خوبِ ما هم گاهي در ذهنش شبهه وجود دارد. ايرادي هم ندارد؛ شبهه به ذهن همه مي‏آيد؛ نبايد به جوان ايراد گرفت كه تو چرا شبهه داري. وقتي ذهن فعال و كارگر شد، شبهه به ذهن مي‏آيد. بر عهده ما طلبه‏هاست كه اين شبهه‏ها را با پيشگيري يا با درمان برطرف كنيم. چالش عمده امروز شما اين است؛ چه‏كار مي‏خواهيد بكنيد؟ خطاب من، هم به بزرگان حوزه‏هاست، هم به طلاب و فضلاي جوان حوزه‏ها: چه كار مي‏خواهيد بكنيد؟ درس را بايد خواند. يقيناً مطوّل و شرح لمعه و رسائل و مكاسب و كفايه و درسهاي خارجِ معمول سنتي ما لازم است. من قبلًا گفتم بي‏مايه فطير است. علوم عقلي كلام و فلسفه حتماً لازم است؛ اما آيا اين‏ها كافي هم هست؟ من به شما عرض مي‏كنم: نه، كافي نيست. ما در برنامه‏هاي كاري خود بايد جريان خلّاق فكريي را كه در حوزه‏هاي ما بحمد اللّه از دوره قبل از ما شروع شده و تا حدودي اتساع هم پيدا كرده است، وسعت و عمق بيشتري بدهيم. كسي مثل مرحوم علامه طباطبايي در حوزه علميه قم پيدا شد؛ ايشان، هم فقيه بود و هم اصولي؛ هم مي‏توانست درس خارج فقهِ مفصلي بدهد؛ هم مي‏توانست درس خارجِ اصول مفصلي ترتيب دهد و فضلا را جمع كند؛ اما او به كاري پرداخت كه آن روز آن را لازم مي‏دانست. بعد هم حوادث و وقايع شهادت داد بر اينكه اين‏ها لازم است. او گفت من مي‏بينم كه دارند تفكرات و فلسفه كاذب ماركسيستي را در ذهنها جا مي‏دهند؛ نمي‏شود با توضيح المسائل اين‏ها را پاسخ دهيم؛ توضيح المسائل جاي خودش را دارد؛ جواب اين شبهه‏ها را با چيز ديگري بايد داد. ايشان «اصول فلسفه و روش رئاليسم» را نوشت. يكي از تربيت‏شده‏هاي او مرحوم شهيد مطهري است. كاري كه شهيد مطهري كرد، امروز بايد همه فضلاي جوان درصدد باشند خود را براي آن آماده كنند؛ و اگر آماده هستند، اقدام كنند. شهيد مطهري به عرصه ذهنيت جامعه نگاه كرد و عمده‏ترين سؤالات ذهنيت جامعه جوان و تحصيل‏كرده و روشن‏فكر كشور را بيرون كشيد و آن‏ها را با تفكر اسلامي و فلسفه اسلامي و منطق قرآني منطبق كرد و پاسخ آن‏ها را در سطوح مختلف در مقابل افراد گذاشت؛ از مسأله عدل الهي و قضا و قدر و علل گرايش به مادي‏گري بگيريد- كه مسائل، بيشتر ذهني و عقلي است- تا مسائل مربوط به زنان، تا مسائل مربوط به خدمات متقابل ايران و اسلام، كه اين هم تلاشي بود براي روشن كردن ذهنها. آن روز عدهي با گرايشِ ايران‏مداري مي‏خواستند با اسلام مبارزه كنند؛ ايشان گفت نه، اسلام به ايران خدمت كرده؛ ايران هم به اسلام خدمت كرده. «خدمات متقابل ايران و اسلام» همانقدر ارزش دارد كه كتاب «عدل الهي» شهيد مطهري. مرحوم شهيد مطهري نمونه يك شخصيت روحاني متناسب با زمان است كه مي‏تواند در چالش اول، كارِ درست بكند و اقدام بجا انجام دهد.» [[114]](#footnote-115)

215 رهبري: «روحانيون‏ خوش‏فكر و دانشگاهيان مؤمن بايد در مقابل ايمان جوانان احساس مسئوليت كنند.» [[115]](#footnote-116)

216 رهبري: «آشنايي با جريانهاي فكري عالم، از جمله مقولاتي است كه در حوزه‏ها لازم و ضروري است؛ بدون آن، آنچه را كه براي تبليغ تصميم مي‏گيريم و عمل مي‏كنيم، نمي‏توانيم اطمينان داشته باشيم كه بجا واقع خواهد شد. اگر مخاطبان خودمان را انتخاب نكنيم و آن‏ها را نشناسيم و جريانهاي فكري محيط بر آن‏ها را نشناسيم، ممكن است چيزي بگوييم كه در ذهنشان قرار ندارد و مورد استفهام و استبصارشان نيست؛ يعني كار بيهوده‏اي انجام داده‏ايم! مخاطبان را بايد شناخت و آن‏ها را انتخاب كرد. اي‏بسا كساني مي‏توانند با مخاطبان خاصي ارتباط بگيرند؛ كسان ديگري هم مي‏توانند با مخاطبان ديگري ارتباط بگيرند. مخاطب را بايستي انتخاب كرد» [[116]](#footnote-117)

217 رهبري: «مخاطبان و استفهامها و جريانهاي فكري حاكم بر آن‏ها را بايد شناخت. امروز مباحث و شبهه‏هاي جديد و حرفهاي تازه‏اي در دنيا مطرح است؛ بعضي از آن‏ها هم داراي پايه‏هاي علمي يا شبه علمي است. آن كسي كه مي‏خواهد دين را تبليغ كند، نظر دين را بيان كند، يا به تعبيري از دين دفاع كند هميشه هم دفاع نيست؛ گاهي تبيين است او بايستي بداند كه اين جريانهاي فكري و اين حرفهاي تازه در دنيا چيست. اين شناخت، براي حوزه‏هاي ما لازم است.» [[117]](#footnote-118)

218 رهبري: «آنچه من امروز مي‏خواهم عرض كنم، تذكّر مطلبي در باره چگونگي اين تبليغ است؛ بخصوص در برهه حاضر زمان و دوران كنوني انقلاب ما. آن نكته اين است كه در تبليغ، بايد دو چيز را با حدّ اكثر اهتمام، مورد توجّه قرار داد: يكي گزينش مخاطب و يكي گزينش محتواست. مخاطب، ممكن است قشرهاي مختلفي از مردم باشند. وقتي‏كه انسان در جمعي مشغول صحبت مي‏شود، اگر بداند كه مخاطب او كيست و مخاطب خود را انتخاب كند و آن مخاطب را مورد نظر قرار دهد، طبعاً محتوا را هم به تبع انتخابِ مخاطب، به تناسب نياز او انتخاب خواهد كرد. پس اين دو، مرتبط و متّصل به يكديگر است. در مورد انتخاب مخاطب، من مي‏خواهم عرض كنم شايد لازم است كه امروز، اكثريّت نزديك به همه مخاطبان منبرهاي تبليغي ما، جوانان باشند» [[118]](#footnote-119)

219 رهبري: «اين‏قدر كه من به فضلاي جوان و به علما توصيه مي‏كنم كه با نسل جوان تماس بگيريد، براي اين است. با نسل جوان تماس بگيريد، سؤالهاي اين‏ها را بخواهيد، استفهامهاي اين‏ها را بشناسيد، ببينيد وقتي پاي صحبت روحاني‏ مي‏نشينند، چه مي‏طلبند؛ نه اينكه چه توقّع دارند شما بگوييد، بلكه چه توقّع دارند براي آن‏ها تبيين شود. اين شناختن نيازها، خيلي مهمّ است. از اين بالاتر، نيازهاي جماعت مردم است. گاهي يك نياز تبليغي در جامعه وجود دارد، آحاد هم به آن توجّه ندارند؛ ولي شما مي‏دانيد كه اين نياز هست. مثلًا شما تبليغات دشمن را گوش كرديد، ديديد كه دشمن متمركز و متوجّه به چيست؛ مي‏فهميد كه بايد اين را مورد توجّه قرار دهيد و ازاله پليدي و دفن تبليغات كذب دشمن را بكنيد؛ در حالي كه ممكن است خود آن مخاطبان به آن توجّه نداشته باشند. اين مي‏شود رفع نياز.» [[119]](#footnote-120)

220 رهبري: «اساس كار در بين علماي شيعه، عبارت از تبليغ و رساندن حقايقِ دين است. البته اين كار، سطوح مختلفي دارد: يك سطح، سطح عامّه مردم است. سطح ديگر مربوط به كساني است كه تا حدودي از معرفت و آگاهي برخوردارند. يك سطح هم مربوط به زبدگان جامعه است؛ افرادي كه اگرچه در علمِ دين آگاهي و معرفتي ندارند؛ ولي در رشته‏هاي علوم ديگر يا فنون مختلف زندگي، اشخاص برجسته‏اي محسوب مي‏شوند و داري ذهن وقّاد و هوش سرشار و تجربه و آگاهي و معرفتند. اين‏ها هم جزو مخاطبينِ مبلّغينِ دين به شمار مي‏آيند. اين‏ها هم احتياج دارند كه برايشان دين بيان شود. پس در يك نگاه كلّي، مبلّغِ دين با قشرهاي مختلفي مواجه است و فقط با طبقه عامي محض روبه‏رو نيست؛ بلكه با افرادي كه تا حدود زيادي از معرفت و علم و دانش و تجربه برخوردار هستند نيز مواجه مي‏شود. اين مطلب قابل توجّهي است كه اساس و ملاك تصميم‏گيري مي‏شود.» [[120]](#footnote-121)

221 رهبري: «مبلّغ دين، عالِم انتخاب شده است و تبليغ دين جزو وظايف علماي دين است. آيا مي‏شد بگوييم كه افراد غير عالِم، تبليغ دين را انجام دهند؟ نه. تبليغ دين وظيفه عالِم است. كساني كه مي‏خواهند تبليغ دين كنند، بايد از علمِ دين- در حدّي كه مورد نياز آن‏هاست- برخوردار باشند. معناي اين حرف، اين است كه مبلّغِ دين بايد در هر سطحي كه مخاطبين خود را مشاهده مي‏كند، براي بالا بردن آن‏ها از آن سطح، همّت بگمارد و باقي ماندن مخاطبين خود را در يك نقطه، تحمّل نكند. اساس كار تبليغ، بر پيش بردنِ مخاطب است. بايد آن‏ها را آگاه كرد و ترقّي و رشد فكري داد و در جهت آگاهي ديني و تقرّب به پروردگار و كمالات نفساني پيش برد؛ مثل شاگردي كه انسان او را روز به روز تربيت مي‏كند و پيش مي‏برد.» [[121]](#footnote-122)

222 رهبري: «آقايان محترم؛ روحانيون‏، علما و خطباي گرامي و زحمتكش و ارزشمند! امروز جوانان ما، با ذهن سيّال خودشان سؤالهايي دارند. اين سؤالها را نبايد حمل بر ايرادگيري كنيد. تا يك جوان سؤالي كرد، بگوييم: «آقا، ساكت!» گويا دارد كفر مي‏گويد! جوان است. ذهن جوان، سيّال است. افكار غلط و استدلالهاي نادرست، امروز در همه جاي دنيا با توجه به روابط صوتي و بصري‏اي كه وجود دارد، گسترده است. جوان ما، برايش سؤال به وجود مي‏آيد. چه كسي بايد اين را برطرف كند؟ من و شما بايد برطرف كنيم. اگر شما نرويد و آن خلأ فكري را به شكل درست پُر نكنيد، يا آن سؤال و اشكال را برطرف نكنيد، كس ديگري مي‏رود و به شكل غلط، جواب او را مي‏گويد.» [[122]](#footnote-123)

223 رهبري: «آن‏كس كه فرضاً در دانشگاهها مشغول تبليغ و كار مخصوص روحاني‏ است يا در ارتش و يا در سپاه مشغول تلاش روحاني است، بايد نياز فكري آن مجموعه و مخاطبين خودش را هوشمندانه و زيركانه بشناسد. بايد ببيند مخاطب او چه عقده و ابهام و سؤالي در ذهن دارد؛ و لو به زبان نياورد. بايد عالمانه آن مشكل را حل كند. اگر مي‏تواند، خودش حل كند و اگر نمي‏تواند پيش عالم‏تر از خودش برود و مشكل را حل كند. اين‏گونه است كه سطح علم بالا مي‏رود. هركس در هرجايي كه مشغول است و لو مشاغلي كه مستقيماً به كار علم و درس و تحصيل ارتباطي ندارد؛ مثل مشاغل قضائي بايد به اين مسائل توجه كند. البته مشاغل قضائي، عالمانه است؛ اما به كار تحصيل و پيشرفت علمي، به طور مستقيم ارتباطي ندارد. يكي قاضي است؛ حقوق‏دان اسلامي است؛ بايد به دقت كار و تلاش كند تا حكم واقعي الهي را در مورد آن واقعه و حادثه بيابد.» [[123]](#footnote-124)

224 رهبري: «يك طلبه‌اي بود، مشهد درس ما مي‌آمد؛ بعد مدتي بود، نبود؛ او را توي درس نميديدم. بعد از مدتي او را ديدم، گفتم كجا بودي؟ گفت فلان جا - يكي از شهرهاي دور استان خراسان - مشغول تبليغ بودم. گفتم خب، بالاخره چي؟ گفت به نتيجه‌اي كه رسيدم، اين است كه من هيچي براي اين مردم ياد نگرفتم. گفت من هرچه بلدم، به درد اينها نميخورد! خب، اين مخاطب‌نشناسي است. مخاطب را بايد شناخت؛ روستائي، شهري، تحصيلكرده.»[[124]](#footnote-125)

2/1/2. ضرورت اهتمام به تبليغ و فرصت‌هاي پيش رو

225 امام: «با تشكر عميق از علما و فضلاي محترم حوزه علميه قم، كه در هر گرفتاري وظيفه الهي خود را انجام داده‏اند و در نقاط مختلف كشور بويژه در جبهه‏هاي جنگ تحميلي و مناطق دورافتاده محروم و مراكز كارگري حضور يافته و شايستگي خويش و حوزه‏هاي ديني و علمي را به ثبوت رساندند، لكن نظر به حساسيت موقع و موقعيت آنان در اولويت دادن به امور تبليغي، به نظر مي‏رسد كه فعاليت چشمگيرتر و دقت بيشتري براي اين امر حياتي اختصاص دهند، و علاوه بر اوقات تعطيل، در ايام اشتغال بخشي از اوقات شريف خود را در اين امر صرف نمايند؛ و با انتخاب افراد شايسته به طور متناوب، نگذارند اين پست حساس خالي بشود.» [[125]](#footnote-126)

226 رهبري: «امروز دنياي اسلام بيش از گذشته احتياج دارد به اينكه خود را با مباني و حقايق اسلام، مأنوس و نزديك كند. امروز زمينه براي حركت اسلامي در سرتاسر دنياي اسلام فراهم است. امروز در مقابل فساد دنياي مادّي غرب، فهمِ حقيقتِ توحيد اسلامي براي ملتهاي مسلمان، دشوار نيست. امروز روزي است كه بايد علما و متفكران اسلام، حركت و تلاش كنند تا دلها را با حقيقت اسلام آشنا نمايند؛ امت اسلامي را به زمينه تجديد حيات اسلامي كه بحمد اللّه مقدّمات آن فراهم شده و نمونه‏هايي از آن در اطراف عالم به وجود آمده است و نمونه بارزي از آن در اين كشور، در ميان ملت بزرگ ايران با تشكيل نظام جمهوري اسلامي تحقّق پيدا كرده است، نزديك كنند.»[[126]](#footnote-127)

227 رهبري: «آن عاملي كه مي‏تواند بشر را نجات بدهد، آن دست قدرتمند و معجزه‏گر، جز اسلام ناب و قرآن كريم و احكام مقدس آسماني نيست. بشر حقيقتاً در سختي و بدبختي است. اكثريت انسانها مورد ظلمند. بخش اعظم طيبات روي زمين، به انسانهاي خبيث اختصاص پيدا مي‏كند. عدل در دنيا نيست. علاوه بر اينكه عدل نيست، شعور به فقدان عدل هم نيست و مهم‏تر اينكه نجات‏بخش را هم كه اسلام و قرآن و احكام الهي است كسي در دنيا درست نمي‏شناسد. با استنباط از بينش قرآني، برحسب تكليف و تحليل تاريخي، اسلام بايد ملتها را نجات بدهد. اگر روزي اين حرفها، گنده‏گويي و مبالغه و دور از ذهن به نظر مي‏رسيد، امروز ديگر با پيروزي انقلاب اسلامي و با بيداري مسلمين در همه جا و با آشكار شدن ضعف ذاتي استكبار و قدرتهاي جهاني، اين حرف، حرف شگفت‏آوري نيست. ممكن است كه طول بكشد، اما خواهد شد و ملتهاي مسلمان و جوامع اسلامي، زودتر از همه نجات خواهند يافت. پايگاه اين حركت آزادي‏بخش و نجات‏بخش جهاني هم، همين قبة الإسلام و مركز حركت الهي انقلاب اسلامي يعني ايران است؛ ليكن بدون كمربستگان روحاني، اين كار ممكن نيست. اگر كسي خيال كند كه به غير از جامعه علمي روحانيت و جامعه علمي تشيع، كسي خواهد توانست قرآن و اسلام را عَلَم كند و تبيين و تفهيم نمايد و در دلها ايمان و اعتقاد به وجود آورد، يا همين انقلابِ به ثمر رسيده را در اينجا حفظ كند، اشتباه كرده است. اين تصور، غلط است. روحانيت‏ به عنوان خادم، نه به عنوان صاحب، لازم است. ما چه كسي هستيم كه صاحب اين معارف باشيم. ما مي‏توانيم براي جوامع بشري، خادم و حامل فقه و واسطة العقد ذهن و واقعيت باشيم.»[[127]](#footnote-128)

228 رهبري: «همه دستگاه‏هاي مسئول، چه دولتي و چه غير دولتي، چه صدا و سيما، چه وزارتخانه‏هاي مربوط به جوانان آموزش و پرورش و آموزش عالي چه بخشهاي مربوط به ورزش، چه بخشهاي ويژه جوانان، چه بسيج، چه روحانيت‏ و چه ارگانهاي تبليغ و ترويج دين، بايد احساس كنند كه در مقابل اين نسل، در مقابل اين جمعيت عظيم، در مقابل اين همه استعداد و اين همه انرژي متراكم مسئولند.» [[128]](#footnote-129)

229 رهبري: «امروز بحمد اللّه اين فرصت در كشور ما هست و دولتمردان «درد دين» دارند. بله؛ تبليغات خارجي مي‏خواهد اين‏طور وانمود كند كه مسئولان و متشخّصان كشور يا بعضي از آن‏ها، به مسائل ديني كاري ندارند! نخير؛ اين‏طور نيست. بعضي از آن‏ها نمي‏فهمند، بعضيشان عمداً تعميه مي‏كنند؛ مي‏خواهند اين‏گونه تبليغ كنند؛ مي‏خواهند ذهن اشخاص را خراب كنند. امروز در كشور ما، مسئولان طراز اوّلِ كشور درد دين دارند؛ آنچه كه از دين مي‏فهمند، مي‏خواهند آن را اجرا كنند. زمينه‏ها فراهم است؛ هرچند كه رسانه‏هاي تبليغي انصافاً قصور دارند. شما اين رسانه تبليغي خودتان را مغتنم بشماريد. البته همه آن‏ها هم وظيفه دارند خودشان را اصلاح كنند؛ ليكن شما اين منبر تبليغ و اين پايگاه عظيم تبليغ مسجد و حسينيه و زير خيمه امام حسين عليه‏السّلام را قدر بدانيد. اين چيزِ بسيار نافذ و مؤثّر و مباركي است. مردم را هدايت كنيد؛ ذهن مردم را روشن كنيد؛ مردم را به فراگرفتن دين تشويق كنيد؛ دين صحيح و پيراسته را به آن‏ها تعليم دهيد؛ آن‏ها را به فضيلت و اخلاق اسلامي آشنا كنيد؛ با عمل و زبان، فضيلت اخلاقي را در آن‏ها به وجود آوريد؛ مردم را موعظه كنيد؛ از عذاب خدا، از قهر خدا، از دوزخ الهي بترسانيد؛ انذار كنيد انذار سهم مهمّي دارد؛ فراموش نشود آن‏ها را به رحمت الهي مژده دهيد؛ مؤمنين و صالحين و مخلصين و عاملين را بشارت دهيد؛ آن‏ها را با مسائل اساسي جهان اسلام و با مسائل اساسي كشور آشنا كنيد. اين مي‏شود آن مشعل فروزاني كه هريك از شما عزيزان اين مشعل را در هرجا روشن كنيد، دلها روشن خواهد شد؛ آگاهي به وجود خواهد آمد؛ حركت به وجود خواهد آمد؛ ايمان عميق خواهد شد. مؤثّرترين حربه عليه اين تهاجم فرهنگي و شبيخون نامردانه دشمن همين است؛ از اين به شدّت نگرانم. مي‏خواهند نگذارند كه روحانيون‏ جوان، مؤمن، شجاع، آگاه و خوش‏فكر، در محيطهاي مختلف در محيط دانشگاه، در محيط بازار، در محيط روستا، در محيط شهر، در محيط كارگاه كار خودشان را انجام دهند. درست نقطه مقابل كار آن‏ها، همين كار و مجاهدت في سبيل الله شماست كه با اتقان و با دقّت و بالاتر از همه با اخلاص انجام گيرد: «لم يكن منافسة في سلطان و لا التماس شي‏ء من فضول الحطام».» [[129]](#footnote-130)

230 امام: «شما آقايان روحانيون‏ و همه روحانيوني كه در كشور هستند، همه مكلفند به اينكه اين‏ نعمت خدا را، اين عطيه الهي را حفظ كنند و شكر اين نعمت را برآورند و شكر به اين است كه تبليغ كنند. آنچه كه سيد الشهدا عمل كرد و آن ايده‏اي كه او داشت و آن راهي كه او رفت و آن پيروزي كه بعد از شهادت براي او حاصل شد و براي اسلام حاصل شد، به مردم روشن كنند و بفهمانند به همه كه مسأله مجاهده در راه اسلام آن است كه او كرد.» [[130]](#footnote-131)

231 رهبري: «مسأله تبليغ، يكي از مسائل اساسي در حيات اجتماعي است و مخصوص يك دوره نيست. تبليغ كه از آن در قرآن به «بلاغ»، «بيان»، «تبيين» و از اين قبيل تعبير شده است، يكي از وظايف مقدّس، وظيفه انبيا، وظيفه علما، وظيفه متفكّران و دانايان و مصلحان است. تبليغ، يعني رساندن. رساندنِ چه؟ رساندنِ آن حقايقي به اذهان و دلهاي مخاطبان كه بدون آن، دچار خسارت خواهند شد. اين است كه ارزش تبليغ را بالا مي‏برد. تبليغ، يك جنبه انساني دارد. تبليغي كه اسلام به آن امر مي‏كند و علماي اسلام و روحانيت‏ شيعه، در طول تاريخ به آن پايبند بوده‏اند، وظيفه‏اي است كه هم جنبه الهي دارد «لتبيّننّه للنّاس و لا تكتمونه» هم جنبه انساني دارد؛ چون دستگيري از دلها و ذهنها و انسان‏هايي است كه دچار عدم علم، دچار شك و دچار جهالتند. به اين وظيفه، بايد با اين چشم نگاه كرد.» [[131]](#footnote-132)

232 رهبري: «من مصرّم كه جامعه تبليغي ما بايد به تبليغ به صورت يك كار اصلي و حقيقي و لازمه قطعي علمِ دين نگاه كند. جامعه علمي ديني- يعني روحانيت‏- اولين وظيفه‏اش تبليغ است. تبليغ يك وظيفه درجه دومِ مخصوصِ عدّه‏اي خاص از روحانيون‏ نيست. شرايط و لوازم و نيازها و تلاش‏هايي احتياج دارد. كساني كه اهل اين كارند، بايد دامن همّت به كمر بزنند و آستينها را بالا كنند و اين حركت را انجام دهند. امروز نظام اسلامي، پشتيبان اين‏گونه حركت‏هاست. علماي محترم دين، ائمّه محترم جماعات و آبرومندان محترم در هرجا كه هستند، از اين‏گونه حركت حمايت كنند و آن را تأييد نمايند.» [[132]](#footnote-133)

233 امام: «و آن چيزي كه الآن بر شما آقايان اهل‏ علم‏ و طلاب‏ محترم و فضلاي معظم- عَظَّمَ اللَّهُ اجْرَهم- ... هست اين است كه بايد متفرق بشويد در بلاد، و مسائل ما را به بلاد تبليغ بفرماييد. در بلاد، در آنجاهاي دورافتاده اين مسائل را تبليغ بكنيد كه اين اختلافات رفع بشود و اين اشتباهات بركنار برود.» [[133]](#footnote-134)

ر.ك. 425 امام: «و از مسائلي كه بايد عرض كنم اين است كه جبهه‏ها محتاج به روحاني‏ هستند، چنانچه همه مردم محتاج هستند كه روحانيون آنها را هدايت كنند، ارشاد كنند، اگر توطئه‏اي در كار هست آنها آن توطئه را خنثي كنند. در جبهه‏ها، در شهرهاي مرزي احتياج هست به روحانيون. براي خدا روحانيون به جبهه‏ها بروند، به شهرهاي مرزي بروند و مردم را هدايت كنند.»[[134]](#footnote-135)

234 رهبري: «امروز علمايي كه مشغول تحصيل علم دين و حقايق ديني هستند و نيز فضلاي حوزه‏ها و علماي شهرستانها توجه كنند كه اوّلين وظيفه عالم‏ ديني‏ تبليغ است و علم دين براي تبليغ است. درست است كه تربيت عالِم و مبلّغ، به بزرگان و متخصّصيني احتياج دارد كه در نقطه‏اي بنشينند و شاگردان و فضلا و طلّاب‏ از آن‏ها استفاده كنند و توقّعي نيست كه آن‏ها با طبقات مختلف مردم مواجه شوند. كار آن‏ها در واقع تربيت مبلّغ و عالِم و متخصّص است- اين در جاي خود درست و قابل قبول است- ليكن وقتي انسان با نگاه كلّي به علماي دين نگاه مي‏كند، آن عده متخصّص‏پرور، عدّه كمي خواهند بود.» [[135]](#footnote-136)

235 رهبري: «يك مطلب اين است كه عزيزان من! علماي محترم! فضلاي گرامي! طلبه‌هاي جوانِ اميدهاي آينده! بدانيد امروز وظيفه‌ي روحانيت مضاعف است. اگر روحانيت هميشه يك باري بر دوش داشته است - بار تفهيم، تبيين، ابلاغ؛ «الّذين يبلّغون رسالات اللَّه» - امروز اين بار مضاعف است؛ چرا؟ براي دو جهت: يكي اينكه فرصت براي تبليغ اسلام در دنيا - چه دنياي اسلام، چه دنياي غير اسلام - به وجود آمده است، كه حالا مختصراً عرض خواهم كرد. يكي هم به دليل همين فرصت و از ترس اسلام، حملات نسبت به اسلام افزايش پيدا كرده است. پس وظيفه مضاعف ميشود.» [[136]](#footnote-137)

3/1/2. توجه به محتواي تبليغي

236 رهبري: «امروز كدام محتوا مهمّ است؟ ما بايد چه چيزي را در منبرِ تبليغ، براي مردم بيان كنيم؟ مي‏توان در يك‏كلمه گفت: مباحثي كه عقايد ديني آن‏ها را مستحكم و راسخ كند؛ ليكن همين جمله، قابل تفسير و تبيين است. بعضي از عقايد دچار تزلزل و اضطراب نيست. آن‏كس كه مي‏خواهد مخاطب خود را هدايت كند، ابتدا بايد ببيند آن بخش جهالت او و آن بخش آسيب‏پذير ذهن او، كجاست. بايد آن امواجي را كه بر روي ذهن مخاطبين شما تلاش و كار مي‏كند تا تخريب نمايد، بشناسيد، تا بدانيد جوان، چه چيزي را احتياج دارد كه به او بگوييد. طوري نباشد كه دهها سؤال در ذهن مخاطب ما وجود داشته باشد و ما به جاي پاسخگويي به آن سؤالها و استفهامها، يك مطلب ديگر را كه اصلًا براي او مورد سؤال نيست، مطرح كنيم.» [[137]](#footnote-138)

237 رهبري: «بايد شماها آماده باشيد. روحانيت اسلام بايد آماده باشد. حرفهاي سست به كنار برود؛ معارف منطقي و قوي و ريشه‌دار اسلام كه از كتاب و سنت گرفته شده، از كلمات ائمه‌ي معصومين اتخاذ شده؛ مباني مستحكم عقلي، عقل‌پسند و متناسب با نيازهاي انسان و جامعه‌ي بشري مطرح شود؛ خواهيد ديد موج گرايش به اسلام بيشتر خواهد شد.» [[138]](#footnote-139)

4/1/2. اهميت منبر و تبليغ چهره به چهره

238 رهبري: «هجرت هفتگي روحانيون‏ مستقر در مراكز نظامي و غيره، به روستاهاي همسايه اين مراكز از توصيه‏هاي پيشين من است كه بر آن تأكيد مي‏ورزم. همچنين فراهم ساختن فضاي مادي و معنوي براي اقامه نماز در بوستانها و گردشگاهها و نمايشگاهها و امثال آن.» [[139]](#footnote-140)

239 رهبري: «چه نيكو است كه از همه شهرهايي كه در آن حوزه علميه و طلاب‏ علوم ديني حضور دارند، در همه شبهاي جمعه گروههايي به روستاها اعزام شوند. شعار اولِ اين پيام‏رسانانِ دين و معنويت، بايد اقامه نماز باشد.»[[140]](#footnote-141)

240 رهبري: «ما معممين‏ يك امتياز داريم كه تبليغ روياروي و چهره‏به‏چهره مي‏كنيم. اين يك كار بي‏نظيري است كه هيچ‏چيزي جاي اين را نمي‏گيرد؛ منبر رفتن، با مردم حرف زدن. اين، از ساير شيوه‏هاي تبليغ، از جهاتي كارسازتر است- آن جهات هنري و غيره، آن‏ها هم در جاي خود لازم است- اما اين يك تأثيري دارد، يك خلئي را پر مي‏كند كه ساير دستگاه‏ها و شيوه‏هاي تبليغي اين اثر را ندارد. پس تبليغ مهم است و امروز ابزار اساسي است. ما هم يكي از شيوه‏هاي مؤثر تبليغ را در اختيار داريم‏»[[141]](#footnote-142)

241 رهبري: «نقش روحانيت‏ اصيل را جدي بگيريم. من بارها گفته‏ام كه با همه اين وسايل ارتباط جمعي‏اي كه وجود دارد- البته روحانيت‏ بايد از همه اين وسايل ارتباط جمعي استفاده كند؛ از اينترنت و تكنولوژيهاي جديد ارتباطاتي بايد همه روحانيت‏ براي دين استفاده كند؛ همچناني كه از راديو و تلويزيون و بقيه چيزها استفاده مي‏كند- در عين حال، مسجد، جلسه مذهبي، نشستن روبه‏روي مردم، دهان به دهان و نفس به نفس با مردم حرف زدن، يك نقش بي‏بديل دارد و هيچ‏چيزي جاي اين را نمي‏گيرد و اين هم مال شماست.» [[142]](#footnote-143)

242 رهبري: «من اينجا درصدد نيستم كه اهميت تبليغ دين را براي شما بيان كنم؛ چون علي‏الظّاهر اين معنا براي شما روشن است و بر اين معنا عازم هستيد؛ لذا از اين مقوله مي‏گذريم. اجمالًا عرض مي‏كنيم كه تبليغ دين به شكل سنّتي، يعني همين حضور روحاني‏ در جمعهاي مختلف مردم و استفاده از منبر دين و تبليغ، يكي از مهم‏ترين ابزارها و نعمي است كه خداي متعال در اختيار شما قرار داده است. براي خدا و در راه خدا، بايد حدّ اكثر و بهترين استفاده را از آن بكنيد.» [[143]](#footnote-144)

243 رهبري: «اينكه انساني روبه‏رو با مؤمنين در اجتماعات هر روزه يا هر شبه پياپي بنشيند و براي آن‏ها با روشهايي كه بايد مورد توجّه قرار گيرد به بيان معارف الهي را بپردازد، نصيحت كند، اخلاق فاضله را براي آن‏ها بشكافد، صراط مستقيم را در مقابلشان قرار دهد و آن را برايشان تبيين كند و ميان گوينده و مخاطب، نفسها و نگاهها و دلها بر هم گره بخورد، اين چيز بسيار بااهميتي است. جامعه روحانيت‏ و حوزه‏هاي مباركه علميّه نبايد اين را به هيچ قيمت از دست بدهند. البته همين‏طور هم هست؛ هم طلّاب‏ و فضلا و عاملان تبليغ در اين راه قدر اين تبليغ را مي‏دانند، هم بزرگان تا سطح عالي مراجع معظّم به اين سبك تبليغ اهميت مي‏دهند و بايد هم اهميت بدهند؛ چون بسيار حائز اهميت واقعي است.» [[144]](#footnote-145)

244 رهبري: «روحانيون‏ محترم و روشن‏فكران مؤمن، در اين زمينه‏ها مسئوليتهاي مضاعفي دارند. در شهري مثل كرج، با اين جمعيت زياد و با اين همه جوان، بايد مراكز تبليغي، ديني به شكل مدرن و پرجاذبه و به صورت متعدّد وجود داشته باشد و جوانان و نوجوانان مؤمن و علاقه‏مند بتوانند برطبق آن كشش و جاذبه‏اي كه در سنين جواني به طور طبيعي به سمت ارزشهاي معنوي دارند، اين احساس و اين كشش را اشباع كنند. اين وظيفه‏اي است كه بر عهده مسئولان فرهنگي و روحانيون‏ محترم و علماي مكرّم و انجمنهاي اسلامي مدارس و دستگاه‏هاي مختلف است.» [[145]](#footnote-146)

245 رهبري: «الآن در كشور ما، شهرها و روستاهايي وجود دارد كه محتاجِ عالِمِ‏ ديني‏ است و علماي ديني بايد به آنجاها بروند. البته بدون پيش شرط. چون بعضي به ما مي‏گويند بايد فلان امكانات، فلان تسهيلات، چه و چه، فراهم باشد تا ما برويم! ما نمي‏گوييم كه احتياج به امور مادّي و شرايط زندگي نيست. البته كه احتياج هست. اما اين را بايد جزو طلبات قهري دانست. خوب؛ اين در همه جا وجود دارد. پس، نبايد آن را به عنوان «پيش شرط» فرض كرد. بايد راه بيفتند و بايد همّت گماشته شود.» [[146]](#footnote-147)

246 رهبري: «هجرت به آنجا كه بايد هجرت كرد، يعني نچسبيدن به يك مكان. شايد امروز مصداقِ اين هجرت براي طلّاب‏ علوم دينيّه و فضلاي محترمي كه در حوزه‏ها متمكّن و مستقرّند، اين باشد كه براي تبليغ به اكنافِ بلادِ اسلامي هجرت كنند.» [[147]](#footnote-148)

247 رهبري: «در گذشته تصور غلطي در ذهن بعضي از ماها بود كه بحمد اللّه بعدها مرتفع شد. ما خيال مي‏كرديم كه اگر كسي اهل‏ علم‏ و مجتهد است، نمي‏تواند اهل منبر يا روضه‏خوان باشد؛ اين دو را در دو سطح مختلف مشاهده مي‏كرديم. آن كسي كه مي‏خواهد اين سه وظيفه را عهده‏دار بشود، چه بهتر است كه در معارف ديني، در فقه اسلام، در علوم و فنون رايج در حوزه‏هاي علميه كه ملاك فهم احكام است در سطح بالا، بلكه اعلي باشد. منبر را با اين چشم ببينيم. تأثير نهاد منبر در جامعه ما، هنوز يك تأثير بررسي نشده است. شما به جامعه ما نگاه كنيد، ببينيد جايي كه منبري به نام ابي عبد اللّه نباشد، كجاست؟ از شهرهاي بزرگ و مراكز پُرجميعت، تا دوردست‏ها، روستاها، حتّي روستاهاي كوچك و دورافتاده، دانشگاهها، ميان دانشمندان، انجمنهاي تحصيل‏كردگان علوم جديد، تا مردمِ دور از علوم و معارف جاري زمان در اقصا نقاط كشور، در كجا منبر ابي عبد اللّه نيست، كه گويندهي در موقعي از مواقع بر آن منبر نمي‏رود و سخني نمي‏گويد؟ پس، كلّ جامعه ما به عنوان يك مجموعه با تفكر و عقيده شيعي، زير چتر امام حسين است. البته مخصوص شيعيان هم نيست؛ در نقاط گوناگوني از عالم، غير شيعه، بلكه غير مسلمين هم به نحوي از انحاء از اين بساط بهرهي مي‏برند.» [[148]](#footnote-149)

248 رهبري: «وظيفه اساسي روحانيت‏، هدايت مردم به سمت اهدافي است كه قرآن كريم و نيز پيامبران در طول تاريخ نبوت، آن‏ها را ترسيم كردند و وسيله آن، انذار است. «ليكون للعالمين نذيرا»، «ان انذر قومك»، «انذرهم يوم الحسرة»؛ انذار و ترساندن. ما در موضع كسي كه مي‏خواهد ميراث فخيم علماي دين در طول اين هزار سال را حفظ كند و هدايت مردم را استمرار بدهد، بايد به منقلب كردن دلها، روشن كردن ذهنها، تصحيح مسيرها و جهت‏گيريها، خالص كردن عملها و تحوّل دروني مردم به يك مؤمن واقعي با اخلاق حقيقي اسلامي، همت بگماريم. اين، وظيفه اصلي ماست. اين، همان انذار است. اين مقصود بزرگ، به وسيله انذار انجام مي‏گيرد.» [[149]](#footnote-150)

249 رهبري: «سخني كه شما در جلسه، روي منبر به مردم مي‏گوييد، با حرفي كه در راديو به مردم گفته خواهد شد، فرق مي‏كند؛ و لو خود شما آن حرف را بزنيد. من بارها اين نكته را گفته‏ام كه در نشستن و در چشم هم نگاه كردن و نفس و صداي همديگر را شنيدن و حضور و گرماي وجود يكديگر را لمس كردن ميان مستمع و گوينده، اثري است كه در پيامِ از راه دور، آن اثر نيست. ما معممان، اين را قدر بدانيم. بارها در جلسات اهل‏ علم‏ و وعاظ، اين مطلب را تكرار كرده‏ام و گفته‏ام اين امتياز كه در جلسات مردم، چشم به چشم و روبه‏رويشان، با آن‏ها حرف مي‏زنيم و نه فقط امواج صداي ما، بلكه وجودمان را حس مي‏كنند، متعلق به ماست. اين، چيز خيلي مغتنمي است و تأثير مضاعفي دارد» [[150]](#footnote-151)

5/1/2. ارتقاء ايمان و اعتقاد مردم

250 رهبري: «من خودم بارها به شوراي انقلاب فرهنگي در دوره‏هاي مختلف گفتم كه شما نميتوانيد خود را از متدين كردن مردم و وظيفه‏اي كه در اين راه داريد، بركنار نگه داريد. اينها مخالف بودند. آن جريانهاي بداخلاق مخالف بودند، ميگفتند نه، اين دينِ دولتي ميشود. من معتقدم دولت در اين زمينه وظيفه دارد، اما وظيفه دولت چيست؟ وظيفه دولت درست كردن عقايد مردم است؟ نه، وظيفه دولت زمينه‏سازي است؛ وظيفه عملياتي و ميداني به عهده روحانيت است، به عهده زبدگان است، به عهده نخبگان حوزه و دانشگاه است. اين وظيفه ميداني است.»[[151]](#footnote-152)

251 رهبري: «آنچه مي‏تواند ما را در مقابل تهاجم همه‏جانبه دشمنان در سطوح مختلف حفظ كند، همين فهرستي است كه عرض كردم: تقويت ايمان، تقويت علم، تقويت فناوري، تسلط بر فنون روز، پيشاهنگ شدن در توليد علم، شكوفايي استعدادهاي آحاد ملت و جوانان در رشته‏هاي مختلف- چه علوم انساني، چه علوم طبيعي، چه انواع گوناگون علوم تجربي- همبستگي ملي و تقويت همدلي در ميان مردم؛ اين‏هاست كه مي‏تواند يك ملت را تقويت كند؛ مي‏تواند هم دنياي خودشان را آباد كند، هم آن‏ها را از آسيب دشمنان محفوظ نگه دارد. اين‏ها وسيله‏اي است براي حفظ و صيانت؛ ما بايد اين‏ها را دنبال كنيم و خود را متعهد به انجام آن بدانيم. روحانيت‏ مي‏تواند نقش ايفا كند؛ هم خودسازي دروني- خودسازي علمي و عملي- هم تشويق جوانان و آحاد مردم به حضور در همين ميدان‏ها، و هم بالاتر از همه تقويت ايمان مردم؛ كه اين مهم‏ترين كاري است كه ما معممين‏ و روحانيون‏ مي‏توانيم انجام دهيم. تقويت ايمان هم بيش از زبان، عمل لازم دارد؛ البته زبان و شيوه‏هاي تبليغ و روش‏هاي نو و محتواي عالي هم لازم دارد.» [[152]](#footnote-153)

252 رهبري: «اشتغال و چالش اصلي روحانيت- كه در ادوار مختلف، حوزه‏هاي علميه و علماي ما با آن مواجه بودند- تبيين و تعليم دين به معناي واسع كلمه بوده است؛ تعليم فقه الله، فقه الدين. فقه فقط فروع نيست؛ فقه اكبر، توحيد و معارف است؛ چيزهايي است كه با غور در مسائل عقلي بايد آن‏ها را به دست آورد و فهميد و با تهذيب نفس آن‏ها را صيقل داد. مي‏خواستند دين را فرابگيرند و آن را به مخاطبان خودشان تعليم بدهند. تعليم دين هم ابعادي دارد؛ يكي از ابعاد، رشد دادن فكر و عقل مردم است- كه «و يثيروا لهم دفائن العقول»- يكي ديگر از آن ابعاد، رفع شبهات است. شبهات هميشه بوده، اما نوع شبهات متفاوت بوده است. در دوره‏هاي مختلف، علماي بزرگ ما را ملاحظه كنيد؛ يكي از مسئوليتهاي خودشان را اين مي‏دانستند كه با شبهات مقابله كنند. مقابله هم يا به نحو پيشگيري است يا به نحو درمان. پيشگيري، بهتر از درمان است. اينكه كلام را تعليم مي‏دادند، فلسفه را تعليم مي‏دادند و شخصيتي مثل علامه حلي- كه فقيه عالي‏قدري است- هم در كلام كتاب دارد، هم در فلسفه كتاب دارد، به‏خاطر اين بود كه با باور كردن عقليت مخاطبانِ خودشان بتوانند از ورود يا جايگير شدن شبهه‏ها در ذهن پيشگيري كنند. مخاطب آن‏ها- چه انسان معمولي يا طالب علم، يا شخص فرزانه و تحصيل‏كرده- در مقابل شبههي كه به ذهن او مي‏رسيد يا ديگري به ذهن او وارد مي‏كرد، درنمي‏ماند. كار ديگر هم اين بود كه شبهه را درمان كنند؛ اگر شبههي پيش مي‏آمد، مجالس كلامي و بحث و پاسخ به سؤالات تشكيل دهند و كتاب بنويسند تا شبهه‏ها را برطرف كنند.» [[153]](#footnote-154)

253 رهبري: «تكيه نظام اسلامي به قدرت مردم است. قدرت مردم هم با ايمان آن‏هاست؛ اگر مؤمن باشند، دفاع خواهند كرد؛ اما اگر پايه ايمان سست شد، اين پشتيباني و اين دفاع به مرور از بين خواهد رفت. بنابراين چيزي كه ايمان و اعتقاد راسخ مردم را هدف گرفته است، نبايد دست‏كم گرفت. علاج اين كار، پيكار نظري است. يك حركت علمي در اين زمينه لازم است. البته ما دولت را از اين مسئوليت بركنار نمي‏كنيم. خطاب و عتاب ما در طول اين سالها تا امروز به وزارت ارشاد و دستگاه‏هايي كه تبليغات رسمي را بر عهده دارند، به خاطر همين جهت بوده است. بالاخره دولت يكي از مهم‏ترين مسئوليتها را بر عهده دارد؛ كمااينكه صدا و سيما بخش مهمي از اين مسئوليت را بر عهده دارد؛ كمااينكه همه دستگاه‏هاي هنري كه به نظام اسلامي وابسته‏اند، مسئولند؛ ليكن مسئوليتهاي دولتي را نبايد نافي مسئوليتهاي علما و حوزه‏هاي علميه گرفت. بالاخره توليد و تبيين و تدوين فكر، كار حوزه‏هاي علميه است و حوزه‏هاي علميه بايد در اين زمينه وارد ميدان شوند.» [[154]](#footnote-155)

254 رهبري: «در اين سالهاي متمادي، در درجه اوّل به‏وسيله امام بزرگوار ما و بعد بقيه دلسوزان و علاقه‏مندان و بزرگان و مَراجع معظّم تقليد و فضلاي نامدار گفته شده و بر همه معلوم گرديده است كه «تبليغ» وظيفه اصلي روحانيون‏ و علماي دين است. درس خواندن ما، فكر كردن ما، تحقيق كردن ما، يافتن نگينها و دُرهاي ناب معارف اسلامي از گنجينه متون الهي، همه اين كارهاي ارزنده‏اي كه وظيفه يكايك ماست، مقدّمه تبليغ دين خدا و تبليغ حقّ است. تبليغ، يعني رساندن. اگر ما بتوانيم پيام خدا را به دلها منعكس كنيم و آن نور درخشنده را به جانهاي پاك بتابانيم، وظيفه بزرگ خودمان را انجام داده‏ايم. اين همان وظيفه پيامبران است. حتّي تشكيل حكومت اسلامي، جهاد في سبيل الله، مبارزات بزرگي كه علماي دين و اولياي دين و انبياي الهي انجام داده‏اند، به نحوي مقدّمه براي اين هدف است كه حقايق الهي به دلهاي پاك برسد. ببينيد حقايق دين و حقايق الهي چقدر مهم و حائز اهميت است! ما نبايد اين را دست كم بگيريم. اينكه بارها گفته مي‏شود حقايق ناب را به مردم بدهيم، يا قبل از آن، حقايق ناب را خود ما كشف كنيم، براي اين است.» [[155]](#footnote-156)

255 رهبري: «اصلاح فرهنگ عمومي، از همه كارها مهم‏تر است؛ چون اين كار، محور همه كارهاي ديگر است. كتاب بايد براي اصلاح فرهنگ عمومي منتشر شود. فيلم بايد براي اصلاح فرهنگ‏ عمومي ساخته شود. هنر بايد در جهت فرهنگ عمومي هدايت شود. صدا و سيما، در همه برنامه‏هايش- چه هنري، چه خبري و چه گزارشي- دائماً بايد در خدمت فرهنگ عمومي كار كند. علما و امامان جمعه و خطيبان و مبلّغان و جامعه روحانيان محترم و معظّم نيز- در هر بخشي كه هستند- بايد براي ترويج فرهنگ صحيح اسلامي تلاش كنند: عدّه‏اي تحليل كنند، عدّه‏اي آيات الهي را بخوانند و عدّه‏اي كلمات معصومين را بيان كنند.» [[156]](#footnote-157)

256 رهبري: «شما، روحانيون‏، بايد كاري كنيد كه محبّت شركت‏كنندگان در مجالس مذكور، روز به روز نسبت به حسين بن علي عليه‏السّلام، خاندان پيغمبر و مناشئ معرفت الهي، بيشتر شود. اگر شما خداي ناكرده، در مجالس مذكور وضعي را به وجود آوريد كه مستمع يا فرد بيرون از آن فضا، از لحاظ عاطفي به اهل بيت عليهم‏السّلام نزديك نشد، بلكه احساس دوري و بيزاري كرد، نه فقط چنين مجالسي فاقد يكي از بزرگترين فوايد خود شده، بلكه به يك معنا، مضرّ هم بوده است.» [[157]](#footnote-158)

257 رهبري: «منبرهاي جمعه را بايستي پُرجاذبه كرد و جوانان را به آن جذب نمود. از چيزهايي كه منفّر طباع سالم است، بايستي پرهيز كرد. از چيزهايي كه ايمانها را از روحاني‏ سلب مي‏كند، بايستي اجتناب كرد. يكي از وظايف عمده روحانيت‏، عبارت از اين است كه اين ايمانها را حفظ كند؛ چون ايمان به روحانيت‏، همواره ملازم با ايمان به اصل دين بوده است. كمتر كساني بوده‏اند كه روحانيت‏ را قبول نداشته باشند، اما يك اعتقاد درست و حسابي به اصل دين داشته باشند. بعضي ادعا كرده‏اند، ولي ما كمتر يافته‏ايم. مردم دين را از اين طريق فهميده‏اند. ايمان مردم به دين، بايد همراه با ايمانشان به همين مجموعه باشد.» [[158]](#footnote-159)

258 رهبري: «امروز مسئوليت روحانيت‏، مسئوليت عظيمي است. در دهها سال گذشته، بلكه در يكي، دو قرن گذشته، بحمد اللّه روحانيت‏ در مواجهه با قضاياي مهم بين‏المللي و مسائل مربوط به اين كشور و بعضي كشورهاي اسلامي ديگر، مواضع صحيحي اتخاذ كرده و تجربه افتخارآميزي ارايه نموده است. از قبل از قضاياي مشروطه در ايران بگيريد، تا قضاياي جنگ اول جهاني در عراق و نيز جنگ دوم جهاني، تا حوادث انقلاب و بعد از انقلاب، هميشه مواضع روحانيت‏، مواضع صحيح، و عمل آن‏ها در آن سنگرها، عمل افتخارآميزي بوده است. امروز هم تكليف عظيمي با ما روبه‏روست؛ يعني ارايه اسلام به صورتي كه بتواند ذهنها و دلهاي مردم را اشباع و سيراب كند، استفهام آن‏ها را به‏درستي پاسخ بدهد، ايمان آن‏ها و حضورشان در اين ميدان را به صورت خالصانه و مخلصانه حفظ كند، تا إن شاء اللّه كار و منش ما مورد عنايت ولي‏عصر قرار بگيرد و تأييدات و دعاي آن بزرگوار شامل حال ما بشود.»[[159]](#footnote-160)

2/2. تربيت، پرورش و اصلاح جامعه

259 امام: «اگر روحاني، در يك محل يك روحاني متعهد باشد، آن‏ محل را تصفيه مي‏كند، و اگر در هر يك از بلاد چند نفر روحاني‏ باشند كه آنها آن طور كه بايد، آن طور كه دستور اسلام است باشند، از باب اينكه مردم تبعيت از آنها مي‏كنند، مردم هم اصلاح مي‏شوند و با اصلاح مردم يك جامعه صحيح پيش مي‏آيد.» [[160]](#footnote-161)

260 رهبري: «امروز هرچه مجري در سطوح عالي گماشته مي‏شود، از متدينان هستند. البته آن وقتي بهتر خواهد شد كه تا سطوح پايين هم از متدينان گماشته بشوند؛ اما اين از آن كارهاي درازمدت است؛ چون اين كار ديگر از آن كارهاي دولتي نيست؛ اين كار، كار روحانيت‏ است؛ كار تبليغ است؛ كار دين است كه آدم‏ها را درست بسازد؛ و الّا اگر فرض كنيم امروز بخواهيم جاهايي را كه يقال آدم‏هاي غير متصلب در دين هستند، از اين افراد خالي كنيم، اصلًا معلوم نيست جاي آن‏ها را از آن آدم‏هاي مورد نظر كه آرماني و غايت مطلوب هستند بشود پُر كرد. بايد آدم ساخت؛ البته آدم‏سازي مشكل است. شما به خود حوزه نگاه كنيد، ببينيد طلبه‏سازي و آدم‏سازي و پرورش عنصر صالح براي كارهاي گوناگون، چقدر دشوار است؛ در سطح جامعه از اين هم سخت‏تر است.» [[161]](#footnote-162)

261 امام: «اگر بنا باشد كه در دولت كه مي‏رويم تحول نشده باشد، پيش ملت كه مي‏رويم تحول نشده باشد، شما كه كاروانها هستيد تحول نشده باشد، شما كه روحاني‏ كاروان هستيد تحول پيدا نكرده باشيد، اگر اين طور باشد، همان رژيم است و همان مسائل طاغوتي، منتها اسم را ما عوض كرديم. ما مي‏خواهيم ان شاء اللَّه مسمَّي‏ عوض بشود. تغيير [داده‏] بشود، رژيم طاغوتي به همه محتوا به رژيم انساني- اسلامي به همه محتوا. بسيار بايد متوجه باشيد. بسيار بايد پاسباني از خودتان بكنيد. و اين سفر را سفر الي اللَّه حساب بكنيد. و بدانيد كه با اين سفر ممكن است كه شما يك آبروي بسيار زياد پيش خداي تبارك و تعالي پيدا كنيد؛ و ممكن است خداي نخواسته سقوط پيدا كنيد.» [[162]](#footnote-163)

262 رهبري: «انقلاب آن‏وقتي به صورت كامل تحقق پيدا مي‏كند، كه آحاد مردم حقيقتاً به مردم مسلمان و مؤمن تبديل شوند. بخشي از اسلام، مربوط به عمل مردم است كه نظام كلي اجتماعي و حركت عمومي آن‏ها را تصوير و ترسيم مي‏كند و آن‏ها را حركت مي‏دهد. بخش ديگر، مربوط به عقايد و كيفيات روحي و عمل شخصي مردم است. اگر انقلاب عظيم ما و نظام جمهوري اسلامي، با همه امكانات مادّي و معنويش نتواند دلها و خلقيات مردم و حقيقت وجود آن‏ها را، از آنچه كه معلول تربيتهاي غلط ديرين است، به مردم مسلمان متبدل كند، قطعاً موفق نشده و انقلاب واقع نگرديده است. انقلاب، انقلاب مردم است. انقلابِ مناسبات اجتماعي و اقتصادي، فرع بر انقلاب مردم است. تا مردم منقلب نشوند، آن انقلاب اقتصادي و تغيير و تبديل مناسبات اجتماعي و اقتصادي و سياسي هم اصلًا تحقق پيدا نمي‏كند. مردم در اول كار بحمد اللّه يك انقلاب روحي پيدا كردند كه حركت بسيار مهمي بود و نتيجه‏اش هميني شد كه مي‏بينيم. اگر آنچه كه واقع شد، ادامه پيدا نكند و تعميق نشود و تعميم نيابد و نسلي كه رو به وجود است و نسلهاي بعدي را فرانگيرد و خداي نكرده اسم، اسلام و جمهوري اسلامي و حاكميت مناديان اسلام باشد، اما واقع قضيه و متن زندگي مردم چيز ديگري‏ باشد، اين انقلاب قطعاً موفق نبوده و نيست. در آن صورت، از اينكه چنين چيزي پيش بيايد، به خدا پناه مي‏بريم. نبايد بگذاريم چنين چيزي رخ دهد. دشمن روي اين نقطه كار مي‏كند. تمام دستگاه‏ها و تمام افراد، بخصوص علماي اعلام و روحانيون‏، بايستي روي تربيت نفوس مردم و تحقق انقلاب قلبي و اخلاقي در آن‏ها، مخصوصاً در جوانان تلاش كنند.» [[163]](#footnote-164)

263 امام: «تربيت اسلامي اين است كه در مقابل اجراي احكام خدا و در مقابل راه انداختن نهضتهاي اسلامي، هيچ ملاحظه از كسي نكند. اين آقاست اين غير آقا، اين پدر است اين پسر است، اين رئيس است، اين مَرءوس است، ابداً اين مسائل نباشد در كار. مسأله اين باشد كه اين آيا به طريق اسلام دارد عمل مي‏كند يا نه. به طريق اسلام عمل مي‏كند، هر فردي باشد بايد از او قدرداني كرد و تشويق كرد و محبت به او كرد. بر خلاف اسلام كه باشد، هر فردي مي‏خواهد باشد، يك روحاني‏ عاليمقام باشد، يك آدمي باشد كه مثلًا رأس باشد، يك سركرده باشد، وقتي ديدند بر خلاف مسير دارد عمل مي‏كند، هر يك از افراد موظفند كه به او بگويند كه اين خلاف است، جلويش را بگيريم. همه ما الآن موظفيم به اينكه اعمالي كه خودمان مي‏كنيم يك اعمالي نباشد كه چهره انقلاب ما را مُشوَّه كند؛ غير از آن طور كه خدا مي‏خواهد عرضه بكنيم.» [[164]](#footnote-165)

264 امام: «روحانيت هم نقش دارد. در روحانيت هم ممكن است يك روحاني‏ يك كشور را نجات بدهد و ممكن است يك روحاني‏ يك كشور را به هلاكت برساند.»[[165]](#footnote-166)

265 امام: «بر عهده كي است كه جامعه را تهذيب كند؟ بر عهده علما، بر عهده دانشمندان، بر عهده انديشمندان، بر عهده ائمه جمعه، بر عهده مدرسين، بر عهده علماي بلاد. همه بايد بكنند، اما آن كه خودش را به اين زي درآورده و خودش را به صورت معلم، استاد، مدرس، فقيه، دانشمند و امثال اينها نمايش مي‏دهد، اين اگر بخواهد تهذيب كند جامعه را، اول از خودش بايد شروع كند، و بعداً تكليف دارد كه جامعه خودش را تهذيب كند»[[166]](#footnote-167)

266 امام: «اگر طلاب‏ و فضلا و علما و مراجع عظام و قشر دانشگاهي، از اساتيد محترم و دانشجويان، و همچنين كليه دانشمندان بخواهند كشورشان مبتلا به استعمار و استثمار جهانخواران نشود، بايد در تربيت صحيح اسلامي، ملي، انقلابي ملت كوشش كنند؛ و نيز دانشجويان و طلاب‏ با كوشش فراوان به راهنماييهاي اساتيد و معلمان و مربيان در ساختن خويش تلاش نمايند؛ و نيز در تحكيم وحدت به صورتي جدي بين دانشگاهها و مدارس علوم اسلامي كوشش نمايند.» [[167]](#footnote-168)

3/2. آبادسازي مساجد به عنوان پايگاه اسلام

267 امام: «كُلُّكُمْ راعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئوُلٌ‏ و اين «رعي» براي شما بيشتر مطرح است؛ براي علما بيشتر مطرح است. همه‏مان مسئوليم. اگر فوج فوج از ما را بكشند، آن بعديها بايد بيايند جايش را بگيرند. اسلام است، اسلام را ما بايد همه‏مان فدايش بشويم. پيغمبر هم فداي اسلام شد. سيد الشهدا هم فداي اسلام شد. اسلام بزرگترين چيزي است كه وديعه خداست در بشر. ما بايد عزممان را مصمم كنيم كه در اين راه شهيد بشويم و علما بيشتر. من از اول هم مي‏دانستم كه ما گرفتاري داريم؛ يعني، اخيراً هي بيشتر واضح شد. البته اول اول شايد من هم غافل بودم. ما گرفتاري داريم، از اين به بعد هم داريم. اين مسجدها را سنگر قرار بدهيد براي اسلام. در صدر اسلام، از اين مسجدها همه چيز بيرون مي‏رفت؛ مسجد محل قضاوت بود، مسجد محل چه بود، مسجد محل بسيج بود. بسيج سپاه بود، اين مسجدها را بايد شما محكم نگه داريد. نگويند به شما كه ديگر مسجد مي‏خواهيم چه كنيم؛ ما انقلاب كرديم؛ ما انقلاب كرديم مسجد درست كنيم. ما براي خدا انقلاب كرديم. شما، ملت ما انقلاب كرده است و از زبان ملت است كه «جمهوري اسلامي». جمهوري اسلامي بايد همه چيزش اسلامي باشد. اين مساجد سنگرهاي اسلام است. محراب محل حرب است. اينها سنگرند براي اسلام. حفظ كنيد اينها را. گول نخوريد از اين اشخاصي كه مي‏خواهند بازي بدهند كه: «آقا شما چكار داريد به اين كارها، دارند خودشان مي‏كنند!».»[[168]](#footnote-169)

268 رهبري: «علماي ديني و فضلايي كه در بخشهاي گوناگونِ دولتي به خدماتي اشتغال دارند، شايسته است كه به عمران معنوي مساجدي كه در آن‏ها نماز جماعت اقامه نمي‏شود، بپردازند، امامت در مسجد را نيز وظيفه‏اي بزرگ بشمرند.» [[169]](#footnote-170)

269 امام: «لكن فقاهت كه اساس است سر جاي خودش بود و بايد باشد. و مسجدها [را] بايد محكم آقايان بگيرند.»[[170]](#footnote-171)

270 رهبري: «ما بارها، مكرر به آقايان ائمه جمعه، ائمه جماعت و روحانيون‏ محترم در شهرستانها، در تهران توصيه كرديم كه مساجد بايد آباد باشد؛ صداي اذان بايد از مساجد بلند شود. بايد همه نشانه‏هاي توجه به نماز و اقامه نماز را در شهر اسلامي- بخصوص در شهرهائي مثل تهران و شهرهاي بزرگ كشور- ببينند، بايد احساس كنند؛ هم مردم خودمان، هم كساني كه وارد اين شهرها مي‏شوند. نشانه‏هاي اسلامي بايد واضح و آشكار باشد؛ كمااينكه در مهندسي‏هاي ما بايد نشانه‏هاي اسلامي آشكار باشد. صهيونيستها هر نقطه دنيا كه خواستند يك ساختماني بسازند، آن علامت نحس ستاره داود را سعي كردند يك‏جوري رويش تثبيت كنند. كار سياسي‏شان اين‏جوري است. ما مسلمانها نشانه‏هاي اسلامي و مهندسي اسلامي را بايد در همه كارهايمان، از جمله در باب مهندسي بايستي مراعات كنيم.»[[171]](#footnote-172)

271 امام: «همه ما در پناه اسلام هر چه داريم هست. ما چيزي نيستيم خودمان، هر چه هست اسلام است. و ما در پناه اسلام اگر چيزي باشيم، هستيم. اين اسلام را ما بايد حفظش بكنيم و اين اختلافات جزئي اگر باشد، در نظر توده مردم ممكن است كه صحيح نباشد؛ و لو در نظر فرض كنيد كه زيدي كه با عمرو اختلاف مي‏كند، هر دويشان خودشان را مُحِقّ مي‏دانند. لكن باز هم كه مُحِقّ مي‏دانند، چون انعكاسش در توده مردم يك انعكاس صحيحي نيست، ممكن است موجب اين بشود كه مردم از روحانيت‏ يك قدري سرخورده بشوند و بگويند حالايي كه دست اينها هم افتاده، همين است مي‏بينيد. دارند مي‏گويند به ما اينها را؛ حالا هم كه جمهوري اسلامي شده، اينها هم نتوانسته‏اند كاري بكنند؛ نمي‏توانند يك كاري انجام بدهند. در عين حالي كه چنانچه روحانيت‏ با هم باشند، همه كارها را خوب انجام مي‏دهند، بهتر از ديگران انجام مي‏دهند. براي اينكه اينها هر چه باشند علاقه به پُست خودشان دارند. هر چه باشند، هر امام جماعتي به مسجد خودش علاقه دارد و هر خطيبي به منبر خودش علاقه دارد، بالأخره علاقه هست، علاقه طبيعي هست. و مي‏خواهيم اينها محفوظ بماند. محفوظ ماندن به اين است كه اسلام بين مردم قدرت داشته باشد. هر چه قدرت اسلام پيش مردم زيادتر باشد، مسجدها بهتر مي‏شود و منبرها بهتر. يعني اجتماع مسجد براي خداست و هر چه قدرت الهي، البته قدرت الهي هست، لكن هر چه قدرت احكام الهي در يك منطقه‏اي بيشتر باشد، مساجد آبادتر است و هر چه اين قدرت احكام بيشتر باشد، منابر رواجش بيشتر است. ما اگر اهل رواج مسجد و منبر هم باشيم، بايد آن پشتيبان خودمان را، آن پشتوانه خودمان را- كه عبارت از اسلام است- با كمال دقت حفظش بكنيم، نگذاريم كه اين قلمهاي مسمومي كه الآن بر ضد اسلام قلم فرسايي مي‏خواهند بكنند، يا مي‏كنند در خارج، در داخل، نگذاريم بهانه پيدا بشود برايشان.» [[172]](#footnote-173)

272 رهبري: «ما بايد صبحها و ظهرها و شبها برويم و با مردم نماز بخوانيم؛ اين اوّلي‏ترين و ضروري‏ترين كار ما در مساجد است. چرا بايد در اين شهر با اين عظمت، با اين همه هياهوهاي گوناگون از اطراف و اكناف، نغمه اذان در همه جاي شهر شنيده نشود؟! اذان، علامت مسلماني است. چه كسي گفته بايد در پشت بام مساجد يا در مساجد بزرگ و عمده، حتّي در سحرها ظهر و شب كه جاي خود را دارد از طريق بلندگو اذان نگويند؟ وقت اذان كه مي‏شود، بايد تهران يكسره صداي اذان باشد. مگر اينجا قبة الإسلام نيست؟ مگر ما اين حرف را نمي‏گوييم؟ اينكه ظهر بشود، از ظهر يك ساعت هم بگذرد، كسي در خيابان راه برود، اما احساس نكند كه ظهر شده است، آيا اين قضيه با آن ادعا مي‏سازد؟! اگر ما مساجد را گرم نگه نداريم، در مساجد حضور نداشته باشيم و در حد توان و امكانِ يك روحاني‏ و پيش‏نماز به مسجد نرسيم، چطور مي‏توانيم توقع كنيم كه به هنگام اذان ظهر مردم دكان‏هاشان را ببندند و بيايند پشت سر ما نماز بخوانند؟! ما بايد آنجا باشيم تا زمينه براي آمدن مردم فراهم بشود. البته آمدن مردم هم تبليغات و گفتن مي‏خواهد؛ اما زمينه و مقتضي آن، عبارت از حضور ما در آنجاست، كه متأسفانه ضعيف شده است؛ ما بايد اين‏ها را علاج كنيم.» [[173]](#footnote-174)

273 رهبري: «ما بايد براي مساجد برنامه‏ريزي كنيم. غير از خود علما و روحانيون‏ و ائمه جماعات، چه كسي بايد برنامه‏ريزي كند؟ من نمي‏گويم حتماً بياييم در مساجد از وسايل و دستگاه‏هاي تبليغاتي جديد مثل فيلم و اين‏طور چيزها استفاده كنيم حالا اگر در موردي امام جماعتي مصلحت دانست، بحث ديگري است اما من عرض مي‏كنم كه همان شيوه گذشته را هم مي‏توان با محتواي بهتر ادامه داد؛ اين كار را بايد بكنيم.» [[174]](#footnote-175)

274 رهبري: «تكليف ديگري كه ناشي از انقلاب است، اين است كه ما بايد آبروي انقلاب را حفظ كنيم. من يك‏وقت در صحبتي، ماجرايي را نقل كردم؛ نمي‏دانم شما آقايان شنيده‏ايد يا نه. مولوي در مثنوي قضيهي را نقل مي‏كند و مي‏گويد در يك شهر كافرنشين، محله مسلمان‏نشيني بود. دختري از خانواده مسيحي، عشق اسلام در دلش افتاد و عاشق اسلام شد. او خواست مسلمان بشود، امّا پدر و مادر مانع بودند. به پدر و مادر و خانواده اعتنايي نمي‏كرد و به كليسا هم ديگر نمي‏رفت. پدرِ مسيحي، ماند كه در كار اين دختر چه بكند. مؤذن مسلماني، تازه به آن محل آمده بود و با صوت ناهنجاري اذان مي‏گفت. اين مسيحي رفت به اين مؤذن بدصدا پول داد و گفت با صداي بلند اذان بگو؛ آن مؤذن هم با صداي بلند اذن گفت. اين دختر در خانه نشسته بود، يك‏وقت ديد صداي ناهنجار منحوسي بلند شد. گفت اين چيست؟ پدر گفت چيزي نيست، اين مؤذن مسلمانهاست كه دارد اذان مي‏گويد. گفت عجب! مسلمانها اين‏طوريند؟ نتيجتاً عشق اسلام از دل او رفت! خدا مي‏داند كه از اول انقلاب، من در موارد متعددي به ياد اين داستان افتاده‏ام و تنم لرزيده است. ما بايد مواظب اين جهت باشيم؛ مبادا آن مؤذن بدصدايي باشيم كه دلها و عشقها و شوقها و عواطف و كششهاي به اسلام را كه امروز زياد هم هست با عمل نسنجيده و با كار بد خودمان، تبديل به نفرت بكنيم. اين، آن چيزي است كه گذشتگان ما لااقل به اين شدت دچار آن نبودند؛ امّا من و شما دچار آن هستيم، و من بيشتر از شما دچارم. هركس كه در اين نظام فعّال‏تر و بارزتر است، بيشتر دچار اين قضيه است. بايد در رفتار خودمان، در كردار خودمان، در گفتار خودمان، در سلوك خودمان مواظب باشيم كه اين‏طوري نشود.» [[175]](#footnote-176)

4/2. اتكاي روحانيون به مردم و زندگي در ميان آنان

275 رهبري: «يكي از چيزهائي كه به نظر من به شما كمك مي‏كند، اين چيزي است كه در مورد نبي مكرم، امير المؤمنين فرمود: «طبيب دوّار بطبّه قد احكم مراهمه و احمي مواسمه». نبايد پشت ميز و توي اتاق حبس شد. شكل اداري پيدا كردنِ ما مجموعه روحاني و مجموعه آخوند، به نفع ما نيست. هر مسئوليتي هم در هرجا داريم، اين حالت طلبگي خودمان، حالت آخوندي خودمان، حالت روحاني خودمان را- كه انس با مردم، رفتن ميان مردم، گفتن به زبان مردم، شنيدن درددل مردم است- بايد از دست ندهيم. البته ما هر دو جورش را در بين روحانيون‏ ديده‏ايم. كساني بوده‏اند كه هيچ سمت رسمي و اداري و اين‏ها هم نداشتند، در عين حال رفتارشان با مردمي كه با آن‏ها مواجه بودند، مثل رفتار يك آدم اداري، خشك، بي‏انعطاف، بي‏توجه، بي‏محبّت و بي‏لبخند بوده است. عكسش را هم ديده‏ايم. كساني هم بوده‏اند كه مسئوليتهاي اداري داشتند، امّا در همان گوشه‏اي و ضلعي كه با مردم تماس پيدا مي‏كردند، رفتار محبّت‏آميز، رفتار پدرانه، رفتار مشفقانه و دلسوزانه با مردم داشتند؛ اين خوب است، اين درست است. پس اين هم يك مسئله است؛ يعني حبس نشدن مجموعه در قالبهاي سازماني. نه اينكه من با سازماندهي مخالف باشم؛ نه، بدون سازماندهي، بدون تشكيلات، مديريت امكان ندارد و كار هم پيش نمي‏رود. نخير، بنده معتقد به نظم سازماني هستم؛ امّا معتقدم كه اين نظم سازماني نبايد ما را از هويّت خودمان خارج كند. ما در همه صورت روحاني‏ هستيم. بايستي با همان منش روحاني‏، به شكل روحاني‏اي كه در عالم شيعه وجود دارد، مشي كنيم. البته اين حالت در مذاهب و اديان ديگر هم بكلي منتفي نيست؛ يك جاهائي وجود دارد، براي آن‏ها خيلي هم خوب است؛ امّا حالا در بين شيعه يك سنتي است. اين حالتي كه در بين روحانيت‏ شيعه وجود داشته- اينكه با مردم مأنوس است، از مردم مرتزق‏ است، نسبت به مردم مشفق است، دردهاي مردم دردهاي اوست- اين را بايد حفظ كنيد؛ اين چيز خيلي مهمي است.»[[176]](#footnote-177)

276 امام: «اميد است اهالي محترم ساير مناطق براي نجات جان افراد سيلزده، هر چه بيشتر اقدام و در ساختن مساكن تخريب شده و ترميم خسارات وارده اقدام، و موجب رضاي خداوند متعال و حضرت بقية اللَّه- ارواحنا فداه- را فراهم نمايند. ان شاء اللَّه تعالي روحانيون‏ معظم سرتاسر كشور- دامت بركاتهم- مردم را در اين امر حياتي تشويق و تجهيز فرمايند.» [[177]](#footnote-178)

277 رهبري: «ما بايد مثل پيامبر سراغ افراد برويم. در باره پيغمبر گفته شده است: «طبيب دوّار بطبّه قد احكم مراهمه و احمي مواسمه»؛ پيغمبر مثل يك پزشكِ دوره‏گرد حركت مي‏كرد. پزشكان در مطب خود مي‏نشينند تا مردم به آن‏ها مراجعه كنند؛ اما پيغمبران نمي‏نشستند تا مردم به آن‏ها مراجعه كنند؛ آن‏ها به مردم مراجعه مي‏كردند. در كيف دارويشان، هم وسيله مرهم‏گذاري داشتند، هم وسيله نشترزني داشتند، هم وسيله داغ كردن زخم داشتند؛ آنجايي كه احتياج به داغ كردن داشت.» [[178]](#footnote-179)

278 رهبري: «اين سلسله علماي بزرگي كه شما قبل از صفويه مي‏شناسيد شهيدين ، محقق كركي ، ديگران و ديگران در آن دوران زندگي كردند. آن دوران، دوران اختناق و شدت بود. آنان در آن دوران توانستند خودشان را حفظ كنند؛ يعني جاي خودشان را پيدا كردند. جايشان كجاست؟ جايشان در كنار مردم مظلوم شيعه. آنان مي‏توانستند براي خودشان، حسابي جدا از حساب مردم باز كنند؛ امّا هيچ‏وقت اين كار را نكردند؛ در كنار مردم باقي ماندند. بعد ناگهان تحولي انجام گرفت و صفويه روي كار آمدند و علما آزاد شدند؛ يعني علماي شيعه در فضاي واسعي قرار گرفتند.» [[179]](#footnote-180)

ر.ك. 371 امام: «من چنين چيزي نگفته‏ام كه روحانيون‏ متكفل حكومت خواهند شد. روحانيون‏ شغلشان چيز ديگري است. نظارت بر قوانين البته به عهده روحانيون‏ است و اتكاي روحانيون‏ هم به ملت است نه به حزبي.» [[180]](#footnote-181)

279 رهبري: «در اين زمينه، امام بزرگوارمان خيلي توصيه‏هاي آموزنده كردند. بايد حفظ زي روحانيت‏ و همان رابطه‏هاي قديمي و معمولي با مردم و همان اعمال و حركاتي كه انتزاع تقوا و ورع و ايمان و پايبندي شديد به دين از آن مي‏شد و اجتناب از هر چيزي كه اين اصل را مخدوش بكند، مورد تأكيد و توجه قرار بگيرد. البته اين خطاب، به جمع حاضر نيست؛ متعلق به همه ما روحانيون‏ در سراسر كشور و هرجا كه هستيم، مي‏باشد.» [[181]](#footnote-182)

280 رهبري: «اينجور روحاني‌اي در اين دوره و در همه‌ي مقاطع حساس، به كار جماعتهاي مردمي مي‌آيد؛ آگاهانه، بابصيرت، مسائل را تشخيص بدهد، درك كند، بعد هم وسط ميدان باشد. روحاني‌اي كه كنار بنشيند، به مردم بگويد شما برويد حركت كنيد، اقدام كنيد، راه به جائي نخواهد برد. آن روحاني‌اي موفق است كه راه بيفتد، بگويد برويم؛ نه اينكه بگويد برويد. روحاني بايد وسط ميدان، جلوي مردم و اهل اقدام باشد.» [[182]](#footnote-183)

ر.ك. 377 امام: «خداوند به ما منت گذاشته است كه سفرا و دولت ما همه از اشخاصي هستند كه درد جامعه را مي‏فهمند، زيرا بسياري از آنها روحاني‏ هستند كه با مردم رابطه داشته‏اند و مي‏دانند مردم چه وضعي داشته‏اند و درد آنها را ادراك مي‏كنند.» [[183]](#footnote-184)

281 رهبري: «روحانيون وظائف اجتماعي هم دارند. روحانيون بايستي در مسائل اجتماعي وارد شوند؛ منتها آن نكته‌ي اساسي اين است كه اين ورود روحاني در مسائل اجتماعي بايد ورود همراه با روحانيت باشد، نه با تحكم؛ اگر با تحكم شد، ديگر فايده‌اي ندارد. خصوصيت روحاني اين است كه با روحانيت، با اخلاق، با نصيحت، با ارائه‌ي راه، اطراف قضيه را آگاه كند، مشتاق كند، قانع كند، به يك كاري وادار شوند. اگر با تحكم شد، فايده‌اي ندارد. روحاني بايد در مقام روحاني عمل كند. البته اگر شما رئيس جمهور شديد، در مقام رئيس جمهور يك وظيفه‌ي ديگري داريد، در مقام قاضي يك وظيفه‌ي ديگري داريد؛ اما در مقام روحاني، وظيفه اين است كه با زبان روحانيت و با زبان انبياء با مردم حرف بزنيد؛ با تحكم نبايد باشد، با روحيه‌ي سياسي‌كارانه نبايد باشد.» [[184]](#footnote-185)

5/2. آگاهي‌بخشي سياسي

282 امام: «ما تبليغات سوء را بايد خنثي كنيم؛ يعني، آن به عهده اين قشر از جمعيت روحانيون‏ است كه اين تبليغات سوء را، لا اقل، تبليغاتي كه در داخل هست، اين تبليغات داخلي كه مي‏شود، شما در مساجد بگوييد مسائلي كه شده است، مردم ببينند، و مسائلي كه لازمه يك انقلاب است به مردم گوشزد بشود كه مردم را نريزند- هي عرض بكنم- كه چه بكنند، چه بشود.» [[185]](#footnote-186)

283 رهبري: «نقش علماي دين در هدايت مردم، منحصر نمي‏شود به هدايت در امور فرعي و مسائل شخصي و اين‏ها. مهم‏تر از همه اين‏ها، هدايت مردم است در مسئله عظيم اجتماعي و مسئله حكومت و مسئله نظام اسلامي و وظائفي كه مترتب بر اين هست در مقابله با حوادث جهاني. يقيناً اگر نقش علماي دين و راهنمايان روحاني‏ حذف مي‏شد و وجود نمي‏داشت، اين انقلاب تحقق پيدا نمي‏كرد؛ اين نظام به وجود نمي‏آمد و باقي نمي‏ماند، با اين همه مشكلات فراواني كه در سر راه اين انقلاب به وجود آوردند. بنابراين علماي دين- كه از جمله برترين آن‏ها، مجموعه خبرگان هستند- تأثير ماندگار و مستمري در حوادث جامعه و سرنوشت جامعه دارند؛ كه خوب، آثارش را بحمد اللَّه مي‏بينيم.»[[186]](#footnote-187)

284 امام: «بر روحانيون‏ محترم و نويسندگان و گويندگان متعهد لازم است كه در فرصتهاي مناسب و در محضر مسلمانان، به جبران تبليغات مسمومي كه از وسائل ارتباط جمعي وابسته به امريكا و اسرائيل، به شايعه افكني و دروغ‏پردازي بر ضد اسلام و جمهوري اسلامي ايران اشتغال دارند، از اسلام و انقلاب اسلامي ايران دفاع نمايند، و چهره واقعي آن را به جهانيان معرفي نمايند. و دستاوردهاي اسلامي را كه با جهاد بي‏امان ملت متعهد ايران، با همه گرفتاريها و كارشكنيهاي دشمنان اسلام در داخل و خارج، نصيب كشورشان شده است، يادآور شده و ملتها را آماده كنند.»[[187]](#footnote-188)

285 رهبري: «رياست جمهوري خيلي مهمّ است؛ چون اداره امور اجرايي كشور در يك دوره نسبتاً طولاني يعني چهار سال است. بايد مردم بگردند و بهترين را گزينش كنند. مردم به شما اعتماد دارند. مردم به علما اعتماد دارند و حرف و تشخيص آنان را، تشخيص قابل‏ احتجاجِ عند الله مي‏دانند. اين، خيلي مهمّ است. لذا بايد مردم را در انتخابِ درست كمك كنيد. مبادا كسي از روحانيون‏ احساس كند كه در اين مسائل، وظيفه و تكليفي ندارد و بگويد مردم خودشان بروند هر كاري كه مي‏خواهند، بكنند! البته راجع به همه روحانيون‏ نمي‏خواهيم بگوييم. كسان خاصّي هستند كه به طور استثنايي از اين موضوع خارجند؛ اما شما علما مي‏توانيد به مردم كمك كنيد. مردم هم در اين قضايا، بيش از همه به علما اعتماد مي‏كنند؛ حتّي كساني كه ممكن است سرو كاري هم با علما نداشته باشند. بالاخره انسان براي امور زندگي خودش، به شخصِ امين اتّكا مي‏كند. اگر كسي خودش هم حتّي خيلي امانت نداشته باشد، اما براي حفظ پول و مال خود، به شخص امين مراجعه مي‏كند. مردم، علما را امين خودشان مي‏دانند. اگر در اين زمينه، علما به مردم كمك كنند، اين مرجع قابل قبولي براي آنان است.» [[188]](#footnote-189)

286 امام: «ما تبليغاتمان در خارج بسيار ناقص است و اشخاصي كه از خارج مي‏آيند اينجا و با من ملاقات مي‏كنند، همه از اين مطلب شكايت دارند كه در خارج تبليغات كم است- البته وزارت خارجه و ارشاد اخيراً يك طرحهايي دارند و ان شاء اللَّه موفق خواهند شد- لكن بايد ما تبليغاتمان زياد بشود كه لا اقل ما بتوانيم به ملتها حالي كنيم كه اين تبليغاتي كه اينها بر ضد اسلام و بر ضد مسلمين و بر ضد جمهوري اسلامي مي‏كنند، اينها تمام غلط است.» [[189]](#footnote-190)

287 رهبري: «روحانيت‏ محترم و مبلّغين عزيز، در اين ماه بزرگ بايد ابعاد مختلف قضايا را براي مردم روشن كنند و به آن‏ها تفهيم نمايند كه دنيا و آخرت، در سايه دين به دست مي‏آيد. ارتباط با امام حسين عليه الصّلاة و السّلام و فهم معنا و مفهوم شهادت، هم به زندگي مادّي و هم به زندگي معنوي انسان كمك مي‏كند. يك ملت، اگر معناي شهادت را فهميد و دانست كه براي آرمان‏ها چگونه مي‏شود رفت و جان فدا كرد، آن وقت مي‏تواند بي‏دغدغه و با استقلال زندگي كند؛ زيرا مرگ ديگر مانعي برايش نيست. اگر جز اين باشد، دشمن او را از مرگ خواهد ترساند و مثل بعضي از كشورها، بعضي از دولتها و بعضي از ملتهايي خواهد شد كه در مقابل دشمنان، ضعف نفس نشان مي‏دهند.» [[190]](#footnote-191)

1/5/2. ترويج استقامت، اميد و اطمينان در مردم

288 امام: «شما روحاني‏ هستيد، روحاني‏ بايد خدمتگزار ارواح مردم باشد؛ قلوب مردم را حفظ بكند. شماها مأموريد كه قلبهاي مردم را حفظ بكنيد. در آيه شريفه دو جا آمده است كه‏ فَاسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ‏. لكن در يك سوره‏ وَ اسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ‏ است؛ و در يك سوره: فَاسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ وَ مَنْ تابَ مَعَكَ‏. روايت شده است از پيغمبر اكرم كه‏ شَيبَتْنِي سورةُ «هودٍ» لِمَكَانِ هذه الآيةِ. در سوره «شورا» هم هست. نفرمود سوره «شورا»؛ فرمود سوره «هود؛» براي اينكه در سوره «هود» وَ مَنْ تابَ مَعَكَ‏ است؛ يعني چون استقامت ملت را هم به عهده من گذاشته است، كه مستقيم باش و هر كه با توست مستقيم باشد، اين من را پير كرد.» [[191]](#footnote-192)

289 رهبري: «يك كليد اصلي وجود دارد و آن اميد دادن و اطمينان دادن به مردم است. اين كاري است كه به عهده من و شماست: ما معممين‏، ما مسئولان، ائمه محترم جمعه؛ كار بايد اين باشد كه به مردم اميد بدهيد و اطمينان بدهيد. اگر مردم نااميد شدند، اعتماد خودشان را از دست دادند، متزلزل شدند، شكست قطعي است.» [[192]](#footnote-193)

290 امام: «و اما ما هم بايد توجه زيادي داشته باشيم به اينكه در اين انقلاب حفظ حيثيت روحانيت، الآن بسته به وجود آقايان است و امروز با زمانهاي سابق خيلي فرق دارد. زمانهاي سابق در مقابل دولت ايران، در مقابل ايران، در مقابل اسلام، اشخاص زيادي نايستاده بودند، مختصر بود. امروز همه از هر جا كه ملاحظه مي‏كنيد حمله مي‏كنند، خصوصاً، به روحانيون‏؛ هي رژيم آخوندي چطور، رژيم آخوندي چطور. هر روز راجع به اين مسائل، آنها بدون اينكه يك دليلي داشته باشند حمله مي‏كنند. بايد ما فكر اين مطلب باشيم كه- خداي نخواسته- يك وقت بهانه‏اي دست اينها ندهيم. ما خدمت بكنيم؛ به ملت خدمت بكنيم، شما آقايان خدمت بكنيد به ملت. شماها ميل نداريد كه يك وقت- خداي نخواسته- خلافي پيش بيايد. اگر- فرض كنيد- در مركز يك خلافي پيش آمد مستقيماً دخالت نكنيد. همان طور كه آقا گفتند كه «نمي‏خواهم مستقيماً دخالت‏ كنيم» مستقيماً دخالت نكنيد و به دولت و به آنجاهايي كه بايد مراجعه بشود، به مركز قضاوت و امثال اينها مراجعه بفرماييد. ارشاد كنيد مردم را، مردم را دلگرم كنيد به انقلاب. الآن از همه جا دارند آيه يأس مي‏خوانند كه خير، ايران ورشكسته شده، ايران نمي‏تواند ديگر اداره كند، ايران چطور شده. اين حرفهايي كه خوب دشمنان دارند مي‏زنند، شما آقايان بايد جبران كنيد اين تبليغات را. آنها البته در سطح دنيا دارند تبليغ مي‏كنند و ما دستمان از آن تبليغات وسيع كوتاه است. اسباب آن تبليغات وسيع را نداريم، لكن حتي الامكان بايد تبليغ كنيم و در نمازهاي جمعه، در جماعات، در اينها مردم را مطمئن كنيم به اينكه جمهوري اسلامي خير است براي شما، اسلام خير است براي شما و مطمئن بكنيد به اينكه نمي‏خواهد دولتي كه الآن در جمهوري اسلامي هست يا كساني كه در بالا هستند و قضاوت دارند، اينها نمي‏خواهند بر خلاف اسلام عمل كنند.» [[193]](#footnote-194)

291 رهبري: «تقويت روحيه داخلي. يكي از مسائل مهم، مسئله تقويت روحيه داخلي است- كه اگر حالا صحبت طولاني نشود؛ مزاحمت زياد نشود، من بعد اين را عرض خواهم كرد- اين جزو وظايف ماست. تقويت روحيه جزو چيزهائي است كه از وظائف اصلي ماست؛ چه به حيث مسئولين، چه به حيث روحانيون‏ و معممين‏؛ اين جزو چيزهائي است كه بايد هيچ وقت اين را فراموش نكنيم.» [[194]](#footnote-195)

292 امام: «الآن استقامت ملت با شما روحانيون‏ است؛ يعني خطابِ‏ فَاسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ‏. يك نهضت حاصل شده، استقامت لازم دارد. يك جمهوري اسلامي تحقق پيدا كرده، استقامت در مقابل او لازم است، بايد نگهش داريد؛ و همه اشخاصي كه با شما هستند هم به عهده شماست كه استقامتشان را حفظ كنيد. اهل مسجديد، اهل مسجد را. امام جماعتيد، اهل مسجد را بايد استقامتشان را حفظ كنيد. خطيب هستيد، مستمعين را بايد حفظ بكنيد. هر چه هستيد و در هر جا هستيد، زمام امور مردم به دست شماهاست. و پيغمبر اكرم مي‏فرمايد كه شَيبَتْني‏ سورة هود. پيرم كرد سوره هود؛ براي اينكه استقامت امت را هم به عهده من گذاشته‏اند. اين يك چيز بزرگي است. استقامت هر مسجدي و اهل هر مسجدي به عهده امام مسجد است. استقامت هر شنونده‏اي به عهده گوينده است. گوينده‏ها بايد مستقيم باشند تا بتوانند مستقيم كنند. ائمه جماعت بايد مستقيم باشند تا بتوانند مستقيم كنند ديگران را. بنا بر اين، ما بايد وظيفه خودمان را كه بزرگترين وظيفه است، بدانيم.» [[195]](#footnote-196)

293 رهبري: «شأن روحاني‏ اين شأن هم يكي از مصاديق همين تبليغ است از جمله اين است كه در دلهاي مؤمنين، حالت اطمينان و سكينه به وجود آورد: «هو الّذي انزل السكينة في قلوب المؤمنين». سكينه، يعني حالت استقرار، حالت آرامش؛ آرامش رواني، آرامش فكري. نقطه مقابل اين اطمينان، حالت تشنّج فكري و آشوب فكري و بي‏انضباطي فكر و انديشه و احساسات در وجود يك فرد است كه او را به انواع و اقسام بدبختيهاي شخصي و اختلالات اجتماعي مي‏كشاند. اگر شما امروز با مسائل دنياي مدرن، دنياي سرشار از فناوري و علم و صنعتِ برتر و پيشرفتهاي علمي كه داعيه رهبري جهان را دارند يعني اروپا و امريكا آشنا باشيد، خواهيد ديد كه امروز بزرگترين گرفتاري آن‏ها، فقدان اين حالت آرامش و اطمينان و سكينه است.» [[196]](#footnote-197)

2/5/2. هدايت مردم در انتخاب نامزدها

294 امام: «به جامعه محترم روحانيت‏ خصوصاً مراجع معظم، وصيت مي‏كنم كه خود را از مسائل جامعه خصوصاً مثل انتخاب رئيس جمهور و وكلاي مجلس، كنار نكشند و بي‏تفاوت نباشند. همه ديديد و نسل آتيه خواهد شنيد كه دست سياست بازان پيرو شرق و غرب، روحانيون‏ را كه اساس مشروطيت را با زحمات و رنجها بنيان گذاشتند از صحنه خارج كردند و روحانيون‏ نيز بازي سياست بازان را خورده و دخالت در امور كشور و مسلمين را خارج از مقام خود انگاشتند و صحنه را به دست غربزدگان سپردند؛ و به سر مشروطيت و قانون اساسي و كشور و اسلام آن آوردند كه جبرانش احتياج به زمان طولاني دارد. اكنون كه بحمد اللَّه تعالي موانع رفع گرديده و فضاي آزاد براي دخالت همه طبقات پيش آمده است، هيچ عذري باقي نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودني، مسامحه در امر مسلمين است. هر كس به مقدار توانش و حيطه نفوذش لازم است در خدمت اسلام و ميهن باشد؛ و با جديت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب يا شرق‏زدگان و منحرفان از مكتب بزرگ اسلام جلوگيري نمايند، و بدانند كه مخالفين اسلام و كشورهاي اسلامي كه همان ابرقدرتان چپاولگر بين المللي هستند، با تدريج و ظرافت در كشور ما و كشورهاي اسلامي ديگر رخنه، و با دست افراد خودِ ملتها، كشورها را به دام استثمار مي‏كشانند. بايد با هوشياري مراقب باشيد و با احساس اولين قدمِ نفوذي به مقابله برخيزيد و به آنان مهلت ندهيد. خدايتان يار و نگهدار باشد.» [[197]](#footnote-198)

295 امام: «روحانيون‏ محترم حوزه‏هاي انتخاباتي سعي كنند در حوزه خود [با] افراد و گروههاي مسلمان كه در انتخابات كانديدا شده و يا از كانديداهاي مورد علاقه خود طرفداري مي‏كنند چون پدري مهربان باشند و آنان را با ديده محبت بنگرند.» [[198]](#footnote-199)

296 امام: «مردم با علما و اشخاص مورد اعتمادشان مشورت كنند، بعد به هر كس كه خواستند رأي دهند.» [[199]](#footnote-200)

297 امام: «از اين جهت لازم است كه آقايان، اينهايي كه قدرت بر اين معنا دارند كه تشريف ببرند در بلاد و در محالّي كه آشنا هستند يا غير آشنا، و مسائل را براي آنها بگويند و آنها را روشن كنند و دعوت كنند به اينكه رأي بدهيد به جمهوري اسلامي- اين هم با همين كلمه: نه يك حرف زيادتر و نه يك حرف كمتر- براي اينكه الآن شياطين افتاده‏اند دنبال اينكه «جمهوري» محض، همين جمهوري باشد، «جمهوري دمكراتيك» باشد و از اين حرفها، براي اينكه آقايان تشريف ببرند و رفع ابهام بكنند، اين خوب است. كه به همان طوري كه مدرسين محترمِ اينجا بنا دارند كه يك مثلًا هيأتهايي را به اطراف يا اشخاصي‏ را به اطراف بفرستند براي روشن كردن مردم، اين لازم است كه عمل بشود. و غصه نخوريد كه درستان تعطيل مي‏شود! ان شاء اللَّه مجال درس خواندن [داريد]- الحمد للَّه جوان هستيد و مجال درس خواندنتان هست. من هم يك طلبه‏ بودم كه وقتي ديدم وضع اين طوري است درسم را رها كردم و رفتم، و حالا هم آمدم پيش شما. الآن هم تعطيل هست. نه مطالعه دارم نه درس دارم. مشغول همين خدمت به شما آقايان هستم.» [[200]](#footnote-201)

ر.ك. 482 امام: «يكوقت انسان درس را تعطيل مي‏كند براي اينكه برود تَعيش‏ بكند، براي اينكه برود تنبلي بكند؛ يكوقت درس را تعطيل مي‏كند براي خدا. همان طور كه درس خواندن براي خدا ثواب و اجر دارد و ارزنده است پيش خداي تبارك و تعالي، گاهي وقتها هم تعطيل درس و اشتغال به يك مطلب مهمي- بلكه مهمتر از درس- اين هم ارزنده است پيش خدا. الآن تعطيل شما و رفتن در اطراف و دهات دوردست، شهرها، دهات دوردست، مقصد، مقصدِ الهي است. فرق نگذاريد بين اينكه در يك شهرستاني برويد و با يك جمعيت انبوهي مواجه باشيد، يا در يك دهي برويد و با يك جمعيت كمي. وقتي بنا شد مقصد الهي باشد، ما بين اين و آن فرق نگذاريد بلكه گاهي آن اولي‏ است. در شهرستانها- خوب- اقشار زياد هستند، آمال زياد است، شايد هواي نفس در آنجا زيادتر باشد اما در قرا و قصبات و دهات دورافتاده اين مسائل كمتر است: هم افراد كم مي‏روند هم جمعيتهاي آنجا كم است، هم آنها از فقرا و- عرض مي‏كنم- مستمندان هستند؛ طمع بين آنها كمتر است. از اين جهت جنبه الهي آنجا بيشتر است. اين طور نباشد كه همه مجتمع بشوند در شهرهاي بزرگ. متفرق بشوند در شهرها و قصبات و دهات و- عرض كنم- قرا و همه جا، و همه را آگاه كنند كه رفراندم كه شد، همه بگويند جمهوري اسلامي مي‏خواهيم‏.» [[201]](#footnote-202)

6/2. جلوگيري از اختلافات و ايجاد وحدت

298 امام: «روحانيون مكلف‏اند، خودشان هم مي‏دانند مكلف‏اند كه حفظ اسلام را بكنند، حفظ اسلام به حفظ وحدت است و بايد بكنند و اين واجب است بر همه كه حفظ كنند وحدت را، مردم را نگه دارند. اگر در يك شهري از شهرها بنا بود يك اختلافي واقع بشود، بدانند كه دست شيطان در كار است، بايد اين را از بين ببرند و نگذارند يك وقت- خداي نخواسته- و لو در يك شهري، در يك روستايي اختلاف واقع بشود. برادران روحاني‏ قوياً، با هم باشند و كناره‏گيري نكنند، همه در ميدان باشند، با هم باشند. ما مي‏خواهيم حفظ اسلام را بكنيم، با كناره‏گيري نمي‏شود حفظ كرد. خيال نكنيد كه با كناره‏گيري تكليف از شما سلب مي‏شود، تكليف دو چندان است. بايد در صحنه باشيد، بياييد، همه روحانيت بيايد، كنار رفتن، از مكايد ابليس است كه نمي‏گذارد كه همه با هم باشند.»[[202]](#footnote-203)

299 رهبري: «امروز يكي از اهداف اساسي استكبار و امريكا در دنياي اسلام عبارت است از ايجاد اختلاف؛ بهترين وسيله هم ايجاد اختلاف بين شيعه و سني است. مي‏بينيد دست‏پروردگان استعمار در دنيا به مناسبت مسائل عراق چه حرفهايي مي‏زنند، چه سمپاشي‏هايي مي‏كنند و به خيال خودشان چه بذر نفاقي مي‏پراكنند. سالهاي متمادي است كه دست استعمار و دست قدرت‏طلبِ قدرتهاي فزون‏خواه غربي دارند اين كار را مي‏كنند. در حج، فرصت خوبي براي آن‏هاست تا شيعه را از سني، و سني را از شيعه عصباني كنند؛ آن را وادار كنند به مقدساتِ اين اهانت كند، اين را وادار كنند به مقدسات و محبوباتِ او اهانت كند. بايد هوشيار بود؛ مخصوص حج هم نيست؛ در همه دوران سال و در همه ميدانها بايد هوشيار بود. جنگ شيعه و سني، محبوب واقعي امريكاست. بعد از گذشت قرنها روبه‏روي هم بنشينند- مثل كساني كه در جنگ با همديگر روبه‏رو مي‏شوند- با دلهاي پُركينه نسبت به يكديگر حرف بزنند؛ اين او را سب كند، او اين را سب كند. هيچ بُعدي ندارد كه بخصوص در اين روزگارِ بسيار حساس، در مراسم حج كساني را اجير كنند، براي اينكه اين اختلاف را ايجاد كنند؛ شما بايد هوشيار باشيد؛ مردم هوشيار باشند؛ روحانيون‏ محترم كاروان‏ها بايد با احساس مسئوليتِ تمام نسبت به اين قضيه، متوجه باشند؛ بدانند دشمن چه مي‏خواهد.» [[203]](#footnote-204)

300 امام: «اختلافات آرا هست و بايد هم باشد. اما آن چيزي كه لازم است اين است كه به مردم، به دستجات مختلف، به همه ائمه جمعه، ائمه جماعات، روحانيون‏ سراسر كشور و ساير قشرها اين معنا توصيه بشود كه در سر يك چيزهايي كه مربوط به نفسانيت است نزاع نكنند. آن طور نيست كه بعضي نزاعها مربوط به اسلام باشد، به خدا باشد. براي خدا انسان نمي‏شود اهانت كند به مؤمن، براي خدا انسان نمي‏شود كه كشف ستر مؤمن بكند، اينها همه براي اين است كه نفسيت انسان اين جوري است‏.» [[204]](#footnote-205)

301 رهبري: «گاهي در بعضي از شهرها ديده مي‏شود كه بين بعضي از مسئولان، يا بعضي از اهل‏ علم‏، يا بعضي از اصحاب و شئون مختلف، اختلافاتي وجود دارد؛ مردم نه حال نماز جمعه، نه حال نماز جماعت، نه حال راه‏پيمايي، نه حال كارهاي گوناگون را دارند؛ اصلًا دل‏مرده‏اند. وحدت و اتفاق و هماهنگي و نزديكي به هم، به مردم شور و نشاط مي‏دهد. اينجا بحمد اللّه اين‏طور است؛ ما بايد اين را هرچه بيشتر كنيم.» [[205]](#footnote-206)

302 رهبري: «روحانيت‏ بايستي يك حيثيت فراگير باشد؛ فراتر از بقيه حيثيت‏هايي كه ممكن است افراد را از هم جدا كند.» [[206]](#footnote-207)

303 امام: «اگر خداي نخواسته اختلافي باشد، اين به ضرر هم طرفين منازعه و هم اسلام تمام مي‏شود. اين جور گمان نشود كه اگر من با شما مخالفت كردم، به ضرر شما تنهاست، به ضرر هر دويمان است؛ به ضرر هر دو روحاني مثلًا يك شهري؛ به ضرر روحانيت‏ آن شهر است؛ به ضرر مطلق روحانيت‏ است؛ به ضرر اسلام است. بايد بسيار توجه داشت به اين معنا. اگر شما فرض كنيد كه در يك جايي كه تشريف داريد ديديد كه بعضي از اشخاص مخالف با بعضي هستند، خوب، ممكن است يك سوء تفاهمي باشد؛ ممكن است يك اشتباهاتي باشد. خود آقايان شهر و خود ائمه جماعت شهر و خود اهل منبر و خطباي شهر بروند پيش آقايان، از آقايان خواهش بكنند كه اختلاف نداشته باشند؛ رفيق باشند؛ برادر باشند؛ با هم باشند.» [[207]](#footnote-208)

304 رهبري: «البته اين تشكل روحانيون‏، كار بسيار خوبي است؛ يعني هر تشكلي براي روحانيون‏، چيز خوبي است. روحانيون‏ بايستي دور هم باشند، همفكري كنند، اشتباهات يكديگر را رفع كنند، كارهاي يكديگر را كامل كنند. ما مجموعهي هستيم كه كارهاي همساني در رابطه با مردم داريم. ممكن است همه، ظرفيت لازم را به قدر كافي نداشته باشيم؛ اما از تجربيات و از حرفهاي يكديگر استفاده كنيم. به نظر ما، اين كار بسيار خوبي است؛ و اين در تشكل‏هاي روحاني‏ انجام مي‏گيرد.» [[208]](#footnote-209)

305 امام: «روحانيون با هم بايد باشند؛ اينها همه لشكر امام زمان هستند: همه با هم. اگر خداي نخواسته در صفوف شما يك خللي پيدا بشود، اين خللْ خللِ شيطاني است، براي هواهاي نفس است؛ و اگر اين خلل پيدا بشود، در ملت خلل واقع مي‏شود. در ملت اگر خلل واقع شد، آنهايي كه در كمين هستند حمله خواهند كرد و شما را از بُن خواهند كنْد. اين دفعه اگر خداي نخواسته اينها غلبه بكنند، نه از روحاني چيزي باقي مي‏گذارند و نه از متنور الفكر، منور الفكر؛ نه از قشر جديد چيزي باقي مي‏گذارند و نه از قشر قديم. اينها فهميدند كه با اين وحدت ما قدم برداشتيم استعمار را شكست داديم؛ اما شكستي كه اولش است. اگر چنانچه خداي نخواسته يك خللي واقع بشود، خداي تبارك و تعالي از شما ناراضي است، از قشر روحاني ناراضي است. روحاني مبدأ امور است.»[[209]](#footnote-210)

306 رهبري: «قداست و استحكام نظام اسلامي بايستي در همه حال محفوظ بماند. روحانيت‏ بايستي اين موضع را بگيرد؛ و براي اينكه اين كار بتواند بخوبي انجام بگيرد، اعتقاد من اين است كه در اختلافات سياسي موجود خطي بايد كمتر دخالت كرد، و به يك معنا اصلًا نبايد دخالت كرد؛ منتها از باب اينكه بالاخره اگر فضا، فضاي صددرصد سالمي نباشد، هر نفس كشيدني هم به صورتي و به معنايي تعبير خواهد شد، در چنين فضايي كوشش كنند كه هرچه بيشتر خود را از درگيريها دور نگهدارند؛ يعني آن جنبه پدري و عمومي را براي همه مردم داشتن؛ هر دو قشر متعارض با يكديگر را فرزندان خود و احياناً داراي اشتباهاتي دانستن. اين‏ها را بايستي رعايت كرد، تا روحانيت‏ همواره بالاتر از اختلافات بماند.» [[210]](#footnote-211)

ر.ك. 233 امام: «و آن چيزي كه الآن بر شما آقايان اهل‏ علم‏ و طلاب‏ محترم و فضلاي معظم- عَظَّمَ اللَّهُ اجْرَهم- ... هست اين است كه بايد متفرق بشويد در بلاد، و مسائل ما را به بلاد تبليغ بفرماييد. در بلاد، در آنجاهاي دورافتاده اين مسائل را تبليغ بكنيد كه اين اختلافات رفع بشود و اين اشتباهات بركنار برود.» [[211]](#footnote-212)

307 رهبري: «در حوزه بايد از درگير شدن با مسائل جناحي به‏شدت پرهيز شود؛ كه بحمد اللّه اين رعايت شده، بازهم رعايت بشود. بخصوص طلاب‏ جوان بايد مواظب باشند و اين مسائل خطي و جناحي و گروهي و معارضه‏ها و درگيريها و غيبتها و امثال اين چيزها را به داخل حوزه‏ها نكشانند، كه در حوزه‏ها بكلي ضايعه به بار خواهد آمد.» [[212]](#footnote-213)

308 رهبري: «جمع‏هايي كه باهم معارضند جمعهاي روحاني‏، جمعهاي دانشجويي، جمع‏هايي كه در مجلس يا جاهاي ديگر هستند هرچند وقت يك‏بار با همديگر بنشينند، آن نقاط مشترك في‏مابين خودشان را به زبان بياورند؟ شما مگر در چند چيز باهم اختلاف داريد؟ مگر نقاط اختلاف، از نقاط اتفاق و وحدت نظر قوي‏تر و مهم‏تر است؟ چه كسي چنين چيزي را گفته است؟ چه كسي مي‏تواند اين حرف را ادعا بكند؟ آن كسي كه به برادر مسلمان خودش، كه گرايش و خط سياسيش با او فرق دارد، اهانت مي‏كند، به او مي‏پرد، عليه او مي‏نويسد و داد سخن مي‏دهد، آيا نمي‏داند كه با اين كار چه چيزي از دست خواهد داد؟ شما مي‏خواهيد به خيال خودتان برادرتان را اصلاح كنيد. آيا آن كسي كه اين انتقاد و اين اعتراض يكسره و مطلق شما را كه غالباً اعتراضها مطلق است مي‏شنود، او همان برادر شماست؟ برو برادرت را مخفيانه پيدا كن، هرچه مي‏خواهي به او بگو؛ چرا با اين اختلاف‏افكني، مردم و مخاطبان عمومي جامعه را دچار تشويش فكري مي‏كني؟» [[213]](#footnote-214)

3. روحانيت و نظام اسلامي

1/3. شبهه جدايي دين از سياست

309 امام: «سياستمداران اسلامي، سياستمداران روحاني‏، انبيا- عليهم السلام- شغلشان سياست است. ديانت؛ همان سياستي است كه مردم را از اينجا حركت مي‏دهد و تمام چيزهايي كه به صلاح ملت است و به صلاح مردم است. آنها را از آن راه مي‏برد كه صلاح مردم است كه همان صراط مستقيم است.» [[214]](#footnote-215)

310 رهبري: «حقيقت اين است كه اين دو جريان عظيم- يعني جريان نظام اسلامي و در دل آن، جريان حوزه‏هاي علميه- دو جرياني هستند كه به هم مرتبطند، به هم متصلند، سرنوشت آنها يكي است؛ اين را همه بدانند. امروز سرنوشت روحانيت‏ و سرنوشت اسلام در اين سرزمين، وابسته و گره خورده به سرنوشت نظام اسلامي است. نظام اسلامي اندك لطمه‏اي ببيند، يقيناً خسارت آن براي روحانيت‏ و اهل دين و علماي دين از همه آحاد مردم بيشتر خواهد بود.» [[215]](#footnote-216)

311 امام: «شما مي‏بينيد كه از اول يك جرياني در كار بوده كه شماها را از ملت منعزل كند و لا اقل، شماها را نگذارند در جاهايي كه يك ارگان اجرايي يا تقنيني يا اينها باشد؛ همان چيزي كه در غرب نسبت به كليسا مي‏گفتند: كليسا براي خودش علي حده برود و مسائل ناسوت و لاهوت بگويد و مملكت را بدهند ما اداره‏اش بكنيم. [در] ايران هم همان معنا را تعقيب كرده بودند. شياطيني كه مطالعه كردند در همه مسائل ملتها و اين را يافتند كه اگر قشر روحاني‏ وارد بشود در صحنه سياست، با داشتن پشتوانه عظيمي از ملتها، كلاه آنها پس معركه است. بايد چه بكنند؟ بايد به طور عموم، اين مطلب را القا بكنند كه اهل علم‏ را به سياست چه كار؟ اهل علم فقط وظيفه‏اش اين است كه عبايش را سرش بكشد و اول ظهر برود نمازش را بخواند و بعد هم برود منبر چند تا مسأله بگويد؛ نه مسائلي كه مربوط به سياست و مربوط به گرفتاريهاي ملت است، همان مسائلي كه ديديد، متعارف بود مي‏گفتند و تقريباً اكثر ابواب فقه كنار گذاشته شده بود عملًا. تو كتابها نوشته شده بود و كنار گذاشته شده بود و اكثر آيات قرآن هم كنار گذاشته شده بود. قرآن را مي‏خوانديم و مي‏بوسيديم و مي‏گذاشتيمش كنار. آياتي كه مربوط به جامعه بود، آياتي كه مربوط به سياست بود، آياتي كه مربوط به جنگ بود، آيات زيادي كه اكثر آيات مربوط به اين مسائل است، اينها را منسي كرده بوديم؛ يعني، ما را وادار كرده بودند كه منسي باشد. شأن بزرگ اهل علم اين بود كه اين آقا نمي‏فهمد سياست را! اگر يك آقايي اصلًا عقلش نرسيد به اينكه سياست چيست، اين بزرگوار بود خيلي؛ آقايي است كه دخالت در امور نمي‏كند، قربانش بروم، چه آقاي خوبي، ظهر مي‏آيد نمازش را مي‏خواند و مي‏رود توي خانه‏اش مي‏نشيند! و به ما اين مطلب را تحميل كرده بودند. اين شياطيني كه مي‏خواستند اين جمعيت را كنار بگذارند، به ما همه تحميل كرده بودند اين مطلب را كه اگر يك آقايي- فرض كنيد كه- عقيده‏اش اين بود كه بايد وارد بشود در سياست و در گرفتاري ملت، مي‏گفتند: اين آقا سياسي است! همين كه مي‏گفتند «سياسي»، اين ديگر بايد برود، از جامعه بايد جدا بشود. اين را تحميل كرده بودند شياطين به ما و نگذاشته بودند كه ما خود پيغمبر اكرم را و حالاتش را مطالعه كنيم و نگذاشته بودند كه ما حالات حضرت امير را مطالعه كنيم؛ ببينيم كه آيا آنها چه جور وضعي داشتند. پيغمبر اسلام در سياست دخالت نمي‏كرد؟ مي‏توانيد بگوييد پيغمبر هم يك عامل سياسي بوده، پس كنار؟ در امور سياست وارد نمي‏شد؟ تمام عمرش در امور سياسي بود؛ تمام عمرش را صرف كرد در سياست اسلامي و حكومت اسلامي تشكيل داد. حضرت امير حكومت اسلامي داشت و حكومتهاي اسلامي مي‏فرستاد آن طرف. اينها سياست نبودند؟ حضرت امير را تخطئه مي‏كنيد؟ اينهايي كه مي‏گويند نه، ديگر لازم نيست و آخوندها بروند سر جايشان بنشينند، اين‏ آخوندها مدعي اين هستند كه ماها تابع آن موالي هستيم، شما قبول نداريد كه [اين طور بوده؟] يا بايد قبول نكنيد كه اصلًا پيغمبر اسلام وارد سياست مي‏شد؛ و حكومتي نداشته و گوشه مدينه توي مسجد نشسته بوده و مسأله مي‏گفته؛ اين جور بوده؟ حضرت امير هم گوشه خانه‏اش نشسته بود و عبايش را روش مي‏كشيده و مي‏رفته مسجد نماز مي‏خوانده برمي‏گشته باز آنجا مي‏نشسته مطالعه مي‏كرده، مسأله اين بوده؟ يا اينها از اول وارد سياست بودند؟ مدتي كه مكه بود، حضرت رسول نمي‏توانست يك حكومتي تشكيل بدهد، لكن مشغول جمع‏آوري افراد بود، مشغول يك سياست زيرزميني بود. بعد كه كار را درست ديد و آمدند به مدينه، آنجا ديگر حكومتى بود، تشكيل دادند و فرستادند. همان آخرى هم كه در رختخواب رحلت خوابيده بودند، جيش اسامه بيرون شهر مهيا بودند براى رفتن و حضرت رسول گفت: «خدا لعنت كند كسى را كه تخلف كند»- به حسب روايت- از جيش اسامه. قضيه، بعد از مرگشان هم مى‏خواستند درست بكنند- كردند درست. آن همه شمشيرى كه حضرت امير زد، به ما حالى كرده بودند كه يكى از خلاف مروتها پوشيدن لباس جندى است. اين خلاف است، اين با عدالت نمى‏سازد! حضرت امير هم مگر عادل نبود؟ سيد الشهدا مگر عادل نبود؟ خلاف مروت بود آن كارى كه سيد الشهدا مى‏كرد؟! آن كارى كه حضرت امير مى‏كرد؟! اينها مى‏خواستند از ما و از شما و از روحانيون يك موجود بى‏خاصيتى درست كنند كه هيچ رنگ و بويى نداشته باشد و هيچ كارى نداشته باشد به اينكه به اين ملت چه مى‏گذرد، به اين مخازن ملت چه مى‏گذرد، حكومت چه مى‏كند، اين قلدرها چه مى‏كنند با ملت، اين خانها چه مى‏كنند با ملت. يك اشخاص بى‏رنگ و بويى مى‏خواستند، كه خيلى هم [به آنها] احترام مى‏كردند: شما بنشينيد سر جاهاتان و مسأله‏تان را بگوييد، ما احترامتان هم مى‏كنيم، سلام بلند بالايى هم به شما مى‏دهيم، اما اگر يك قدم آن طرف‏ بگذاريد، نه، ديگر اينجا حد شما نيست، حد شما تا آنجايى است كه مسأله بگوييد و بياييد مسجد و خيلى هم كه چى بشود، يك مجلس فاتحه‏اى باشد، برويد مجلس فاتحه بنشينيد. به ما تحميل كردند اين را و ما بايد از زير اين بار تحميل بيرون برويم. روحانيين بايد در صحنه باشند. بايد همه اين حرفهاى نامربوطى كه زده بودند و شما را مى‏خواستند از دخالت در امور جامعه كنار بگذارند، همه آنها را پشت سر بگذاريد- و گذاشته‏ايد پشت سر. علماى اعلام نبايد بروند كنار بنشينند تا مقدرات آنها در امريكا تدوين بشود و يا در شوروى تدوين بشود. ما را كنار گذاشتند و مقدرات ما در امريكا تدوين مى‏شد. اين شاه مخلوع و ملعون اقرار كرد اين معنا را و از بس احمق بود، پدر خودش را هم به لجن كشيد؛ و از بس خودخواه بود حاضر شد كه پدر خودش را هم به لجن بكشد! مى‏گفت كه اسمايى را مى‏نويسند از سفارتخانه كه اينها وكيل بايد بشوند، مى‏آورند پيش ما، ما هم همين كار را مى‏كرديم. اين را مى‏خواست بگويد كه نه، ديگر حالا ما به «دروازه تمدن بزرگ» رسيده‏ايم! مى‏خواست مردم را بازى بدهد كه نه، پيشتر اين جورى بوده، ما چند سال پيش از اين اين طور بوديم و حالا اين جور نيستيم! و حال اينكه حالاش بدتر از چند سال پيش از اينش بود. بنا بر اين بود كه اين قشرى كه مى‏تواند بسيج كند ملت را و قدرت دارد كه تمام ملت را تحت يك مطلب وارد كند، اگر مهلت به او بدهند اين را كنار بگذارد با حيله‏هاى مختلف: يكى همان باورآوردن به خود آقايان و به ملت [بود] كه اينها نبايد در امور سياسى داخل بشوند، خلاف شأن آنهاست. حتى اين آخرى مى‏گفتند كه با قداست اينها مخالف است؛ با قداست اهل علم، وارد شدن در حكومت و سياست مخالف است. اين قداست در زمان حضرت رسول نبوده؟ حضرت رسول قداستش محفوظ نمى‏مانده؟ حضرت امير قداست نداشته؟ حضرت سيد الشهدا و امام حسن قداست نداشتند؟ مى‏خواستند چشم و گوش همه ما را ببندند و مى‏خواهند هم. اين جريان از اول نهضت هى ديدند كه دارد پيش مى‏رود، هى آنها بيشتر خواستند كه كنار بگذارند اينها را. الآن هم اين جريان هست، منتها يك وقت رسيد به‏ اوج خودش كه ديديد و حالا رو به ضعف است و اميدوارم كه دفن بشود.» [[216]](#footnote-217)

312 رهبري: «اگر رفتن به سمت حكومت با هدف معنوي است، با هدف الهي است، اين از برترين مصاديق امر به معروف و نهي از منكر است؛ از برترين مصاديق مجاهدت است؛ اين قبول مسئوليتهاي سنگين است، يا دفاع از مسئولان صاحب صلاحيت است. اگر روحاني حكومتي به آن كسي گفته ميشود كه براي اداي دين خود، براي اداي مسئوليت شرعي خود، براي خاطر خدا از نظام اسلامي حمايت ميكند يا از مسئوليني حمايت ميكند، اين ارزش است، اين ضد ارزش نيست؛ نداشتن اين حالت، ضد ارزش است. پس هيچكدام از اين دو مفهوم- نه مفهوم حكومت روحاني و حكومت آخوندي، و نه مفهوم آخوند حكومتي، روحاني حكومتي- مفاهيم درستي نيست. طرح اينها پس از انقلاب و تشكيل نظام اسلامي، يك طرح مغالطه‏آميز است؛ اين مفاهيم متعلق به فرهنگ اين انقلاب نيست. اما متقابلًا دو حقيقت و دو مفهوم ديگر وجود دارد كه آنها مفاهيم ارزشي و ارزش‏آفرين است. يك مفهوم اين است كه نظام به لحاظ نظري و علمي محتاج علماي دين و حوزه‏هاي علميه و مستظهر به تلاش علمي آنهاست. نظام متكي به حوزه‏هاي علميه است؛ متكي به علما، برجستگان و صاحب‏نظران ديني است. يك مفهوم ديگر هم اين است كه حوزه و روحانيت‏ نسبت به نظام ديني بي‏تفاوت نيست. هيچ روحاني‏اي، هيچ عالم‏ ديني‏، هيچ خادم اسلامي نميتواند نسبت به نظامي كه بر اساس اسلام پديد آمده است، با انگيزه اسلام حركت كرده است و كار ميكند، بي‏تفاوت باشد؛ نميتواند خود را بيگانه به حساب بياورد. اين هم يك حقيقت ديگر است.» [[217]](#footnote-218)

313 امام: «در جنبش مشروطيت، همين علما در رأس بودند و اصل مشروطيت اساسش از نجف به دست علما و در ايران به دست علما شروع شد و پيش رفت؛ اين قدري كه آنها مي‏خواستند كه مشروطه تحقق پيدا كند و قانون اساسي در كار باشد شد. لكن بعد از آنكه شد، دنباله‏اش گرفته نشد، مردم بيطرف ماندند، روحانيون هم رفتند؛ هر كس سراغ كار خودش. از آن طرف، عمال قدرتهاي خارجي و خصوصاً در آن وقت انگلستان، در كار بودند كه اينها را از صحنه خارج كنند؛ يا به ترور يا به تبليغات. گويندگان و نويسندگان آنها كوشش كردند به اينكه روحانيون را از دخالت در سياست خارج كنند و سياست را بدهند به دست آنهايي كه مي‏توانند، به قول آنها، يعني فرنگ رفته‏ها و غربزده‏ها و شرق‏زده‏ها، و كردند آنچه را كردند. يعني، اسم مشروطه بود و واقعيت استبداد؛ آن استبداد تاريك ظلماني، شايد بدتر از زمان [سابق‏] و حتماً بدتر از زمانهاي سابق. اگر روحانيون، ملت، خطبا، علما، نويسندگان، روشنفكران متعهد سستي بكنند و از قضاياي صدر مشروطه عبرت نگيرند، به سر اين انقلاب آن خواهد آمد كه به سر انقلاب مشروطه آمد. امروز دشمنهاي انقلاب بيشتر از آن روز و دشمنهاي مشروطه بودند.» [[218]](#footnote-219)

314 رهبري: «اين دو مفهوم غلط و در واقع دو تهمت را دشمن به عنوان تاكتيك مطرح كرده است: يكي طرح مسئله حكومت آخوندي است. ميگويند در ايران حكومت آخوندي، حكومت روحاني بر سر كار است. اين را نوشتند، گفتند، ترويج كردند، تكرار كردند. ديگري طرح موضوع آخوند حكومتي است؛ تقسيم آخوند به حكومتي و غير حكومتي. هدفشان از طرح اين دو مفهوم انحرافي و غلط اين بود كه اولًا نظام اسلامي را از پشتوانه عظيم فكري و نظري و استدلالي و علمي علماي دين محروم كنند؛ ثانياً روحانيت‏ مسئول را، روحانيت‏ انقلابي را، روحانيت‏ حاضر در صحنه را كه در مقابل دشمني‏ها سينه سپر كرده است، به خيال خودشان منزوي كنند، بدنام كنند.» [[219]](#footnote-220)

315 امام: «توطئه براي اين است، كه اينها در كار نباشند. اينها مي‏گويند كه روحانيها بروند در مسجدها و همان جا نماز جماعت بخوانند. بسيار خوب، شما مي‏گذاريد روحانيها در مسجد نماز جماعت بخوانند؟ شما توي همان مسجد هم مي‏رويد يك عده‏اي را از اشرار مي‏بريد. يك نفر آدمي كه از اسلام هيچ اطلاع ندارد جلو [مي‌ايستد]، صورت نماز درست مي‏كنيد براي اينكه، مسجد را هم از اينها بگيريد. قضيه اين نيست كه اگر روحانيين دست برداشتند از كارهاي ارزنده‏اي كه دارند مي‏كنند و رفتند تو مسجدها، رهايشان كنند. مي‏خواهند مسجدها را هم از روحاني پاك كنند باصطلاح خودشان. مي‏خواهند مسجدها را از مسلمانها بگيرند.» [[220]](#footnote-221)

316 رهبري: «امروز صد و پنجاه سال است كه برجسته‏ترين و شريف‏ترين عناصر سياسي و ديني ملت ما پرچم حاكميت اسلام را بلند كرده‏اند و پايش سينه زده‏اند و بسياري در اين راه جان دادند؛ امثال مدرّسها، آخوند خراسانيها و سيد جمال‏الدينها. قضيه اين‏طوري است. اين، مربوط به امروزِ ما نيست كه بگوييم دين و سياست يكي است، عدّه‏اي هم بگويند يكي است؛ اما يك عدّه هم بگويند نه، خيلي هم يكي نيست! حرفِ امروز نيست؛ اين حرف، صد و پنجاه سال ريشه دارد. پدرِ برجسته‏ترين زبدگان اين كشور در راه مبارزه براي اين فكر درآمد؛ هزاران جانِ پاك در اين راه شهيد شدند؛ مدرّسِ به آن عظمت سينه را براي اين قضيه سپر كرد» [[221]](#footnote-222)

317 امام: «امروز طرحشان اين است كه روحانيين بايد بروند و دعا بكنند و- عرض مي‏كنم كه- اينها. اين همان طرحي است كه امريكا نقشه‏اش را دارد و انگلستان هم از سابق داشته است و الآن هم همه دولتهايي كه، ابرقدرتهايي كه مي‏خواهند ايران را بچاپند و شرق را بچاپند و از اسلام مي‏ترسند و از مظاهر اسلامي مي‏ترسند؛ اين همان طرح است و من متأسفم كه اين طرح در قم دارد انجام مي‏گيرد. اگر بازاري قم، بازاري تهران با اين حرف‏ موافق است، مصيبت بسيار زياد است؛ براي اينكه طرحشان پياده شد و اگر بازاري تهران و قم با اين موافق نيستند، چطور صحبتي نكردند. اين همان طرحي است كه انگلستان از دويست سال پيش از اين يا بيشتر طرح‏ريزي كردند كه جدا كنند روحانيت را از سياست، جدا كنند روحانيين را از مردمي كه مي‏خواهند فعالانه كار بكنند براي اسلام؛ اينها بروند همان توي مسجدها بنشينند و دعا بكنند، آنها هم هر كاري دلشان مي‏خواست بكنند و هر چپاولگري و هر سلطه‏جويي كه مي‏خواستند بكنند. در عرض پنجاه سال، كه روحانيين را عقب زده بودند و هر چه هم جدّيت مي‏كردند نمي‏توانستند كه كاري انجام بدهند- از باب اينكه مردم را از روحانيون كنار زده بودند- در عرض پنجاه سال، همه حيثيت شما را به باد فنا دادند و اسلام را به آنجا رساندند كه براي اينكه اسلام پيروز شده است، بر ايران، گريه كردند و حرف زدند و در شعرهايشان فحش دادند و همه الواطيها را كردند. همه داراييهاي شما را به چپاول برده‏اند؛ براي اينكه يك كسي نبود بگويد چرا؟ اين روشنفكرهايي كه الآن دارند مي‏گويند و مع الأسف، بينشان بعضي متدينين هم هست كه بازي خورده‏اند و غربزده‏اند مي‏گويند كه روحانيون بايد بروند سراغ كار خودشان و ملت را بگذارند، سياست را بگذارند براي ما. شما سياست را پنجاه سال داشتيد و هيچ غلطي نكرديد. شما كجا يك كار مثبتي توانستيد انجام بدهيد؟! هر كدامتان كه ملّي بوديد يا- فرض كنيد- متدين بوديد، تا صدايتان در مي‏آمد، توي سرتان مي‏زدند.» [[222]](#footnote-223)

318 رهبري: «البته من نبايد اين را نگفته بگذارم، كه ممكن است يك انسان قدسي، اگر در هيچ كاري دخالت نكند و كنار بايستد، مقام قداست و آن حالت جنّت‏مكانيش محفوظ باشد؛ اما به مجرّد اينكه وارد ميداني شد، بالاخره يك عدّه مخالف و يك عدّه موافق پيدا مي‏كند. اگر روحانيون در كارهاي گوناگون مثل اوّل انقلاب كه در كميته‏ها و يا نهادهاي ديگر حضور داشتند دخالت نمي‏كردند؛ يك‏گوشه در همان مسجد مي‏ماندند و يك‏وقت هم مثلًا ريشي مي‏جنباندند و انتقادي هم از اوضاع مي‏كردند، يقيناً عدّه‏اي به اين‏ها علاقه‏مند مي‏شدند؛ ولي بدانيد عزيزان من! وقتي انسان وارد اين ميدان شد، هميشه اين‏گونه است كه يك عدّه را با خود موافق مي‏كند، يك عدّه را مخالف. البته سليقه‏ها دوگونه است: بعضي مي‏گويند خوب است ما جنّت‏مكان بمانيم؛ كناري بايستيم و در هيچ كاري دخالت نكنيم. يك سليقه هم مي‏گويد نه، من جنّت‏مكاني را رها مي‏كنم و وارد ميدان مي‏شوم؛ كاري كه تكليف خودم مي‏دانم، انجام مي‏دهم. يك عدّه خوششان مي‏آيد، يك عدّه هم بدشان مي‏آيد؛ بايد خدا خوشش بيايد. اين هم يك سليقه ديگر است. اين سليقه، متعلّق به آن‏هايي است كه خوب عمل مي‏كنند؛ اما همه يك طور نيستند. «اي‏بسا خرقه كه مستوجب آتش باشد». در اينجا هيچ دعوي كلّي نمي‏كنيم كه هركس اين لباس را دارد، عالي‏مقام و عالي‏جاه است؛ نخير، خيلي افراد هستند كه در اين لباس يا در هر لباس زيبا و پاك و مقدّسي، ممكن است باطن نامقدّسي داشته باشند.»[[223]](#footnote-224)

319 امام: «آني كه مي‏گويد كه آخوند چكار دارد به سياست، آني كه با آخوند خوب نيست، اين با اسلام بد است. مي‏خواهد آخوند را كنار بگذارد- كه مي‏تواند يك كاري توي مردم انجام بدهد- و هر كاري دلشان مي‏خواهد بكنند و لهذا، اين طور شد. البته علماي ما در طول تاريخ اين طور نبود كه منعزل از سياست باشند. مسئله مشروطيت يك مسئله سياسي بود و بزرگان علماي ما درش دخالت داشتند، تأسيسش كردند. مسئله تحريم تنباكو يك مسئله سياسي بود و ميرزاي شيرازي- رَحِمَه اللَّه- اين معنا را انجام داد. در زمانهاي اخير هم مدرس، كاشاني، اينها مردم سياسي بودند و مشغول كار بودند، اما به قدري قدرت داشت اين دست قوي توطئه‏گر كه نمي‏شد از فكر حتي اهل علم محترم هم بيرون كرد به اينكه نه، مسأله اين طور نيست، مسئله حكومت در زمان پيغمبر بوده و سياست هم بوده در زمان امير المؤمنين بوده و سياست هم بوده، و اينكه همه نقل كرده‏اند و اين قدر غدير را بزرگ كرده‏اند، براي اينكه به ما بفهمانند، تعليم بدهند به ما كه اين طوري بايد باشد.» [[224]](#footnote-225)

320 امام: «رسول خدايي كه سالهاي طولاني در سلوك بوده است، وقتي كه فرصت پيدا كرد، يك حكومت سياسي ايجاد كرد براي اينكه، عدالت ايجاد بشود. تبع ايجاد عدالت فرصت پيدا مي‏شود براي اينكه هر كس هر چيزي دارد بياورد. وقتي كه آشفته است نمي‏توانند، در يك محيط آشفته نمي‏شود كه اهل عرفان، عرفانشان را عرضه كنند، اهل فلسفه، فلسفه‏شان را، اهل فقه، فقه‏شان را، لكن وقتي حكومت يك حكومت عدل الهي شد و عدالت را جاري كرد و نگذاشت كه فرصت طلبها به مقاصد خودشان برسند، يك محيط آرام پيدا مي‏شود، در اين محيط آرام همه چيز پيدا مي‏شود. بنا بر اين، «ما نُودِي بِشِي‏ء مِثْلَ ما نُودِي بِالوِلايه» براي اينكه حكومت است. به هيچ چيز مثل اين امر سياسي دعوت نشده است و اين امر سياسي بوده است، زمان پيغمبر بوده است، زمان امير المؤمنين بوده است، بعدها هم اگر يك فرصت پيدا مي‏شد، آنها هم داشتند اين معنا را. انحرافات زياد شده است. بعضي از اهل‏ علم‏ خودمان هم همين معاني را دارند: «لباس جندي حرام است، لباس شهرت است، به عدالت مضر است». حضرت امير عادل نبوده؟! حضرت سيد الشهدا هم عادل نبوده؟! حضرت امام حسن هم عادل نبوده؟! پيغمبر اكرم هم عادل نبوده؟! براي اينكه لباس جندي داشتند! اينها را تزريق كردند به ما، به ما آن طور دستهاي توطئه‏گر تزريق كردند كه ماها هم باورمان آمده است. تو چكار داري به اينكه چه ميگذرد! تو مشغول درست باش! تو مشغول فقهت باش! تو مشغول فلسفه‏ات باش! تو مشغول عرفانت باش! چكار داري كه چه مي‏گذرد!» [[225]](#footnote-226)

321 رهبري: «كساني كه با چهره طرف‏داري از دين، چنين عنوان مي‏كنند كه «دين نبايد به امور سياسي بپردازد»، خبر ندارند كه اين شگرد جديد تبليغات استكباري و استعماري، عليه حاكميت اسلام و حيات مجدّد اسلام است. البته جدايي دين از سياست» را قرنهاست كه مطرح مي‏كنند. اوّل، ايادي استبداد؛ يعني قدرتمنداني كه زمام امور جامعه را مستبدانه در دست داشتند و مي‏خواستند آزادانه، هر كاري مي‏خواهند با ملت و كشور انجام دهند، مطرح كردند و بديهي است كه نمي‏خواستند احكام اسلامي و مناديان احكام اسلامي، در امر حكومت آن‏ها دخالتي بكنند. لذا، حكّام و سلاطين مستبد، اوّلين پيشروان فكر انحرافي «جدايي دين از سياست» محسوب مي‏شوند. قبل از استعمارگران و قبل از دشمنان خارجي و قبل از طرّاحان سياسي صهيونيسم و ديگران، كساني كه بر اين كشور و بر ديگر كشورهاي اسلامي، سالها مستبدانه حكومت كردند، مروّج و منادي اين فكر بودند كه «دين از سياست جداست.» وقتي در زمان ناصر الدّين شاه، يك عالم روحاني در يك امر سياسي دخالت كرد و همه تدابير و مكر استعماري را كه منافع مشترك كمپانيها و دربار پادشاهي ايران به وسيله آن تأمين مي‏شد، به هم ريخت، آيا اطرافيان و درباري‏هاي ناصر الدّين شاه به اين فكر نيفتادند كه چرا دين در امر سياست دخالت مي‏كند؟ كمااينكه در ادبيات دوران ناصر الدّين شاه- دوران اواسط و اواخر قاجار- همين معنا وجود دارد كه «چرا علما و كساني كه به امور ديني مشغولند، در امر حكومت دخالت مي‏كنند؟» اين معنا، در نوشته‏هاي عهد ناصري، به طور واضح وجود دارد. پس، اوّل مسئله، به مستبدان و افسارگسيختگانِ دستگاه حاكميت در كشور ما و كشورهاي ديگر برمي‏گردد كه از هرگونه دخالتي از ناحيه دين و اهل دين و مناديان و علماي دين در پهنه سياست، مي‏هراسيدند و با آن مخالفت مي‏كردند. استعمارگران هم كه قضيه را منطبق با آمال و سياستهاي خود مي‏ديدند، آن را دنبال كردند و تزِ جدايي دين از سياست، بعد از آنكه بر خلقيّات آحاد مردم متديّن و حتّي بسياري از علما تحميل شده بود و به خورد آن‏ها رفته بود، شكل مبنايي هم پيدا كرد. يعني براي آن، استدلال درست كردند و به يك مبنا و يك فكر تبديل شد.» [[226]](#footnote-227)

322 امام: «بحمد اللَّه امروز وارد مسائل سياسي شدن ديگر عيبي ندارد، ولي بايد توجه كنيد كه همه متوجه شما هستند، لذا زي‏ اهل‏ علم‏ خودتان را حفظ كنيد. درست مانند علماي گذشته ساده زندگي كنيد. در گذشته چه طلبه‏ و چه عالم بزرگ شهر زندگيشان از سطح معمولي مردم پايينتر بود و يا مثل آنها بود. امروز سعي كنيد زندگيتان از زي آخوندي تغيير نكند. اگر روزي از نظر زندگي از مردم عادي بالاتر رفتيد بدانيد كه دير يا زود مطرود مي‏شويد؛ براي اينكه مردم مي‏گويند ببينيد آن وقت نداشتند كه مثل مردم زندگي مي‏كردند، امروز كه دارند و دستشان مي‏رسد از مردم فاصله گرفتند. بايد وضع مثل سابق باشد، بايد طوري زندگي كنيم كه نگويند طاغوتي هستيم.» [[227]](#footnote-228)

323 امام: «اينها همچو تبليغات كرده بودند كه اگر يك ملّايي وارد مي‏شد در امر سياسي، راجع به حكومت مي‏خواست صحبت بكند، راجع به مجلس صحبت بكند، راجع به گرفتاريهاي سياسي مردم مي‏خواست صحبت بكند، در خود جامعه روحانيت مي‏گفتند كه اين آدم «سياسي» است، ديگر به درد نمي‏خورد! همان خاصيتي كه در علي بن ابي طالب بود كه يك رجل سياسي بود. از خطبش معلوم است كه مرد سياست بوده؛ و از كاغذي كه به مالك اشتر نوشته و دستورهايي كه داده، همه‏اش دستورهاي سياسي است. ما غفلت كرديم از مبادي امر و از صدر اسلام و از كيفيت سياست رسول اكرم و از سياست امير المؤمنين- سلام اللَّه عليه- و سياست زير زير ائمه- عليهم السلام- كه به صورت تقيه سياستها را اجرا مي‏كردند. به ما اينها تزريق كردند، و حتي به خود ما تعميه‏ كردند، كه شما حق دخالت در اين امور نداريد. اصلًا در شأن شما نيست! با اين اسم كه ما يك قدري خوشحال بشويم كه آقا شما بالاتر از اين هستيد كه در سياست دخالت بكنيد! شما يك رجل روحاني‏ هستيد؛ شما بايد مردم را تهذيب اخلاقشان را بكنيد؛ اخلاق براي مردم بگوييد؛ و امثال اين حرفها. هم منبرها را از محتوايي كه بايد داشته باشد، كه آن دخالت در امور سياستِ مملكت است؛ و هم مسجدها را و هم ساير طبقات روحانيون را و هم حوزه‏هاي علميه را از آن محتوايي كه اسلام از اول مي‏خواسته اينها [داشته‏] باشند و اين كارها را بكنند [بازداشتند]. «حوادث واقعه» بايد به روحانيين رجوع بشود. «حوادث واقعه» چه چيز است؟ حادثه‏ها همين حوادث سياسي است. حالا احكام جزء «حوادث» نيست. و أما الحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ رجوع كنيد به فقها. حوادث همين سياستهاست. اين «حادثه» ها عبارت از اينهايي است كه براي ملتها پيش مي‏آيد. اين است كه بايد مراجعه كنند به كسان ديگري كه در راس مثلًا هستند. و الّا مسأله گفتن و احكام شرعي جزء حوادث نيست. يك چيزهايي است كه بوده است.» [[228]](#footnote-229)

324 رهبري: «براي مسلمين، روشن گرديد كه امور سياسي- و برتر از همه امور سياسي، امر حكومت و ولايت- با دين عجين است و از دين جدايي‏پذير نيست. وقتي نصوص و متون ديني، معناي خود را آشكار كرد، همه فهميدند كه سالها به چنين امر واضحي توجّه نداشته‏اند. بديهي است كه يك انحراف، وقتي از سوي دشمنانِ خوشبختي يك ملت پشتيباني مي‏شود، به آساني از بين نمي‏رود. بنابراين، استدلالهايي جديد براي جدايي دين از سياست درست شد. استدلال كردند كه «اگر دين را وارد سياست كنيم و اگر سياستِ يك كشور از دين سرچشمه و منشأ بگيرد، چون امور سياسي و امر حكومت، مشكلات دارد، دنبالش نارضاييها، دل‏زدگي‏ها و ناكاميهاست. لذا، اين امر موجب مي‏شود كه مردم از اصل دين، بيزار شوند. پس، اصلًا دين، بايد به كلّ از سياست كنار برود؛ جنبه قداست پيدا كند؛ نورانيّتي بيابد؛ به كناري بنشيند و به امور معنوي و ذهني و روحي مردم بپردازد.» امروز ايادي استكبار، در دنيا- بخصوص دنياي اسلام- با شيوه‏هاي مختلف اين استدلال و نظريه را ترويج مي‏كنند.» [[229]](#footnote-230)

325 امام: «طرح مسأله جدا بودن سياست از روحانيت‏، چيز تازه‏اي نيست. اين مسأله در زمان بني اميه طرح شد و در زمان بني عباس قوّت گرفت. در اين زمانهاي اخير هم كه دستهاي بيگانه در ممالك باز شد، آنها هم به اين مسأله دامن‏زدند به طوري كه مع الاسف بعضي از اشخاص متدين و روحانيون‏ متعهد هم باورشان آمده است كه مثلًا اگر يك ملايي در مسائل سياسي وارد بشود، به او ضربه مي‏خورد. اين يكي از نقشه‏هاي بزرگ استعمار است كه بعضي باور كردند.» [[230]](#footnote-231)

326 امام: «شما اگر صدر اسلام را ملاحظه كنيد، مي‏بينيد كه اسلام از زمان پيغمبر- صلي اللَّه عليه و آله و سلم- حكومت تشكيل داده است، قواي نظامي و انتظامي داشته است. در سياستها دخالت مي‏كرده است و مسجد النبي مركز سياست اسلامي بوده است و ثقل قدرت اسلامي. دستهاي ناپاك و عقلهاي ضعيف موجب اين شد كه بعد از رسول اللَّه و صدر اسلام كم كم مردم را از آن مسائل اصلي كه در نظر اسلام بوده است، منحرف كنند و مردم را متوجه به فقط يك مسائل جزئي بكنند و در مسائل عمومي كلي، كه كشورهاي اسلامي به آن احتياج دارند بي‏طرف باشند و احياناً هم مخالف باشند. اين يك نقشه شيطاني بوده است كه از زمان بني اميه و بني عباس طرح‏ريزي شده است و بعد از آن هم هر حكومتي كه آمده است، تأييد اين امر را كرده است. و اخيراً هم كه راه شرق و غرب به دولتهاي اسلامي باز شد، اين امر در اوج خودش قرار گرفت كه اسلام، يك مسائل شخصي بين بنده و خداست و سياست از اسلام جداست و نبايد مسلمانان در سياست دخالت كنند و نبايد روحانيون‏ وارد سياست بشوند؛ آنها همان در مسجدها محبوس باشند و همه‏ كارشان اين باشد كه بروند نماز بخوانند و چند كلمه هم دعا كنند و برگردند منزل. اين يك نقشه‏اي بوده است كه از صدر اسلام ريشه دارد و امروز كه دولتهاي شرق و غرب، قدرتهاي بزرگ شرق و غرب در مقابل اسلام ايستاده‏اند، به اوج خود رسيده.» [[231]](#footnote-232)

327 رهبري: «آن روزي كه انگليسي‏ها در زمان محمّد شاه قاجار در بوشهر پياده شدند، براي اينكه او هرات را زير فشار قرار داده بود، اينجا اهرم فشاري براي او به وجود آمد. چه كسي در مقابل اين‏ها ايستاد؟ چه كسي به امثال رئيس‏علي فتوا داد و برايشان بيان كرد و تشويق كرد و تحريض كرد و به مردم دلگرمي و قدرت داد؟ غير از علما چه كساني بودند؟ آن‏ها در مقابل زورگوها و قلدرها مي‏ايستادند. اين تكليف هميشه ماست و بايد آن را رعايت كنيم.»[[232]](#footnote-233)

328 امام: «اينهايي كه دلسوزي مي‏كنند براي اين افراد فاسد، مفسد، مشغول به انفجار و ترور و امثال ذلك، اينها لغت «انبيا» را نمي‏دانند چيست. آنها خيال مي‏كنند كه انبيا آمده‏اند مسأله بگويند، تمام. شما كدام يك از انبيا را سراغ داريد كه در امور اجتماعي، به آن طور حادش شركت نكرده و سردمدار نبوده است؟ موسي- عليه السلام- يك شبان با عصايش راه مي‏افتد مي‏رود سراغ فرعون؛ نمي‏آيد توي بازار مسأله بگويد. اين هم‏ هست البته، اما مي‏رود سراغ فرعون. خدا هم او را مي‏فرستد دنبال فرعون؛ برويد او را دعوت كنيد، دعوتش كنيد؛ به قول لين‏ هم دعوتش كنيد و امثال ذلك. وقتي كه قول لين نشد، خوب، آن وقت قيام مي‏خواهد. پيغمبر اكرم كدام روز نشست همين طوري فقط مسأله بگويد، كاري به كار جامعه نداشته باشد؟ اينهايي كه مي‏گويند «آخوند چه كار دارد به امور سياسي»، پيغمبر اكرم كدام روزش از مسائل سياسي خارج بود؟ دولت تشكيل مي‏داد، با اشخاصي كه به ضد اسلام، ستمگر بر مردم بودند، با آنها مبارزه مي‏كرد، جنگ مي‏كرد.»[[233]](#footnote-234)

329 رهبري: «تكليف دوم كه باز ما در آن با علماي دوره‏هاي قبل شريك هستيم تكليف مجاهدت براي مردم است. اگر انقلاب پيروز هم نشده بود، اين تكليف بود. هميشه علماي ما براي مردم كار و تلاش مي‏كردند، زحمت مي‏كشيدند، فقرا را پاسداري مي‏كردند، به آن‏ها رسيدگي مي‏كردند؛ دأب و روش علما اين بود. نمي‏خواهيم بگوييم كه اين از آن عامهايي است كه تخصيص نخورده و استثناء ندارد؛ خير، اين‏طوري نيست. دأب اصلي بر اين بود كه به فقرا و طبقات ضعيف كمك كنند و براي حفاظت از آن‏ها، در مقابل زورگو بايستند، در مقابل خان بايستند، در مقابل سلطان بايستند. اصلًا علماي ما بخصوص علماي شيعه هميشه به اين معنا معروف بوده‏اند.» [[234]](#footnote-235)

330 امام: «شأن بزرگ اهل‏ علم‏ اين بود كه اين آقا نمي‏فهمد سياست را! اگر يك آقايي اصلًا عقلش نرسيد به اينكه سياست چيست، اين بزرگوار بود خيلي؛ آقايي است كه دخالت در امور نمي‏كند، قربانش بروم، چه آقاي خوبي، ظهر مي‏آيد نمازش را مي‏خواند و مي‏رود توي خانه‏اش مي‏نشيند! و به ما اين مطلب را تحميل كرده بودند. اين شياطيني كه مي‏خواستند اين جمعيت را كنار بگذارند، به ما همه تحميل كرده بودند اين مطلب را كه اگر يك آقايي- فرض كنيد كه- عقيده‏اش اين بود كه بايد وارد بشود در سياست و در گرفتاري ملت، مي‏گفتند: اين آقا سياسي است! همين كه مي‏گفتند «سياسي»، اين ديگر بايد برود، از جامعه بايد جدا بشود. اين را تحميل كرده بودند شياطين به ما و نگذاشته بودند كه ما خود پيغمبر اكرم را و حالاتش را مطالعه كنيم و نگذاشته بودند كه ما حالات حضرت امير را مطالعه كنيم؛ ببينيم كه آيا آنها چه جور وضعي داشتند. پيغمبر اسلام در سياست دخالت نمي‏كرد؟ مي‏توانيد بگوييد پيغمبر هم يك عامل سياسي بوده، پس كنار؟ در امور سياست وارد نمي‏شد؟ تمام عمرش در امور سياسي بود؛ تمام عمرش را صرف كرد در سياست اسلامي و حكومت اسلامي تشكيل داد. حضرت امير حكومت اسلامي داشت و حكومتهاي اسلامي مي‏فرستاد آن طرف. اينها سياست نبودند؟ حضرت امير را تخطئه مي‏كنيد؟ اينهايي كه مي‏گويند نه، ديگر لازم نيست و آخوندها بروند سر جايشان بنشينند، اين‏ آخوندها مدعي اين هستند كه ماها تابع آن موالي هستيم، شما قبول نداريد كه [اين طور بوده؟] يا بايد قبول نكنيد كه اصلًا پيغمبر اسلام وارد سياست مي‏شد؛ و حكومتي نداشته و گوشه مدينه توي مسجد نشسته بوده و مسأله مي‏گفته؛ اين جور بوده؟ حضرت امير هم گوشه خانه‏اش نشسته بود و عبايش را روش مي‏كشيده و مي‏رفته مسجد نماز مي‏خوانده برمي‏گشته باز آنجا مي‏نشسته مطالعه مي‏كرده، مسأله اين بوده؟ يا اينها از اول وارد سياست بودند؟ مدتي كه مكه بود، حضرت رسول نمي‏توانست يك حكومتي تشكيل بدهد، لكن مشغول جمع‏آوري افراد بود، مشغول يك سياست زيرزميني بود. بعد كه كار را درست ديد و آمدند به مدينه، آنجا ديگر حكومتي بود، تشكيل دادند و فرستادند. همان آخري هم كه در رختخواب رحلت خوابيده بودند، جيش اسامه بيرون شهر مهيا بودند براي رفتن و حضرت رسول گفت: «خدا لعنت كند كسي را كه تخلف كند»- به حسب روايت- از جيش اسامه. «1» قضيه، بعد از مرگشان هم مي‏خواستند درست بكنند- كردند درست. آن همه شمشيري كه حضرت امير زد، به ما حالي كرده بودند كه يكي از خلاف مروتها پوشيدن لباس جندي است. اين خلاف است، اين با عدالت نمي‏سازد! حضرت امير هم مگر عادل نبود؟ سيد الشهدا مگر عادل نبود؟ خلاف مروت بود آن كاري كه سيد الشهدا مي‏كرد؟! آن كاري كه حضرت امير مي‏كرد؟! اينها مي‏خواستند از ما و از شما و از روحانيون يك موجود بي‏خاصيتي درست كنند كه هيچ رنگ و بويي نداشته باشد و هيچ كاري نداشته باشد به اينكه به اين ملت چه مي‏گذرد، به اين مخازن ملت چه مي‏گذرد، حكومت چه مي‏كند، اين قلدرها چه مي‏كنند با ملت، اين خانها چه مي‏كنند با ملت. يك اشخاص بي‏رنگ و بويي مي‏خواستند، كه خيلي هم [به آنها] احترام مي‏كردند: شما بنشينيد سر جاهاتان و مسأله‏تان را بگوييد، ما احترامتان هم مي‏كنيم، سلام بلند بالايي هم به شما مي‏دهيم، اما اگر يك قدم آن طرف‏ بگذاريد، نه، ديگر اينجا حد شما نيست، حد شما تا آنجايي است كه مسأله بگوييد و بياييد مسجد و خيلي هم كه چي بشود، يك مجلس فاتحه‏اي باشد، برويد مجلس فاتحه بنشينيد. به ما تحميل كردند اين را و ما بايد از زير اين بار تحميل بيرون برويم.»[[235]](#footnote-236)

331 رهبري: «بُعد ديگر وحدت دين و سياست اين است كه حوزه‏هاي علميه بايستي از سياست هرگز دور نمانند. طلاب‏ بايد آگاهي سياسي پيدا كنند. مبادا جريانهاي سياسي روز، بر ذهن طلاب‏ در حوزه علميه سبقت بگيرند. طلاب‏ بايد در فضاي سياسي حضور داشته باشند؛ بلكه جلوتر از زمان باشند و فكر سياسي روشن داشته باشند؛ كمااينكه علمايي كه فكر سياسي روشن داشتند، مفيد بودند.» [[236]](#footnote-237)

332 امام: «بايد عرض كنم كه سياست براي روحانيون‏ و براي انبيا و براي اولياي خدا حقّي است، لكن سياستي كه آنها دارند، دامنه‏اش با سياستي كه اينها دارند فرق دارد. ما اگر فرض كنيم كه يك فردي هم پيدا بشود كه سياست صحيح را اجرا كند، نه به آن معناي شيطاني فاسدش، يك حكومتي، يك رئيس جمهوري، يك دولتي سياست صحيح را هم اجرا كند. و به خير و صلاح ملت باشد، اين سياست يك بُعد از سياستي است كه براي انبيا بوده است و براي اوليا و حالا براي علماي اسلام. انسان يك بُعد ندارد، جامعه هم يك بُعد ندارد، انسان فقط يك حيواني نيست كه خوردن و خوراك همه شئون او باشد.» [[237]](#footnote-238)

333 امام: «من يك قصه‏اي از مرحوم حاج آقا روح اللَّه خرم‏آبادي‏ شنيدم و يك قصه هم خودم دارم. مرحوم آقاي كاشاني‏ - رحمه اللَّه- را كه تبعيد كرده بودند به خرم‏آباد و محبوس كرده بودند و در قلعه فلك الافلاك‏ يا كجا، آقاي حاج آقا روح اللَّه مي‏فرمودند كه من از آن كسي كه رئيس ارتش آنجا، و آقاي كاشاني هم تحت نظر او بود و محبوس بود- من حالا وقتي مي‏گويم محبوس در زمان رضا خان، شما خيال مي‏كنيد مثل حبسهاي عادي زمانهاي ديگر بود، البته پسرش هم مثل پدر بود لكن آن كسي كه گرفتار مي‏شد اگر از اشخاصي عادي بود همچو مرعوب مي‏شد كه در حبس يك كلمه‏اي كه بر خلاف مثلًا دولت يا آن كسي كه در آنجا هست بزنند، امكان نداشت برايشان- مرحوم حاج آقا روح اللَّه گفتند كه من از اين رئيس ارتش كه در آنجا بود خواهش كردم كه من را ببرد خدمت مرحوم آقاي كاشاني، قبول كرد و ما را بردند پيش ايشان. آن رئيس، آنجا بود و من هم بودم و آقاي كاشاني. آن شخص شروع كرد صحبت كردن، و رو كرد به آقاي كاشاني كه آقا شما چرا خودتان را- قريب به اين معاني- به زحمت انداختيد؟ آخر شما چرا در سياست دخالت مي‏كنيد؟ سياست، شأن شما نيست، چرا شما دخالت مي‏كنيد؟ از اين حرفها شروع كرد گفتن. آقاي كاشاني فرمودند: «خيلي خري»! شما نمي‏توانيد كه اين كلمه در آن وقت مساوق با قتل بود. ايشان گفتند: «تو خيلي خري، اگر من دخالت در سياست نكنم كي دخالت بكند؟» يك قصه هم من خودم دارم. وقتي كه ما در حبس بوديم و بنا بود كه حالا ديگر از حبس بيرون بياييم و برويم قيطريه‏ و در حصر باشيم، آن رئيس امنيت آن وقت‏ در آنجا حاضر بود و ما بنا بود از آن مجلس برويم، ما را بردند پيش او. او ضمن صحبتهايش گفت كه: آقا! سياست عبارت از دروغگويي است، عبارت از خُدعه است، عبارت از فريب است، عبارت از پدرسوختگي است، اين را بگذاريد براي ما. من به او گفتم: اين سياست مال شماست! البته بعدش آمد دروغي گفت كه [فلاني‏] بنا گذاشتند كه در سياست دخالت نكنند و ما هم جوابش را داديم. مسأله اين است، البته سياست به آن معنايي كه اينها مي‏گويند كه دروغگويي، با دروغگويي، چپاول مردم و با حيله و تزوير و ساير چيزها، تسلط بر اموال و نفوس مردم، اين سياست هيچ ربطي به سياست اسلامي ندارد، اين سياست شيطاني است. و اما سياست به معناي اينكه جامعه را راه ببرد و هدايت كند به آنجايي كه صلاح جامعه و صلاح افراد هست، اين در رواياتِ ما براي نبي اكرم با لفظ «سياست» ثابت شده است. و در دعاي، در زيارت جامعه ظاهراً هست كه «ساسَةُ العباد» هم هست. در آن روايت هم هست كه پيغمبر اكرم مبعوث شد كه سياست امت را متكفّل باشد.» [[238]](#footnote-239)

334 امام: «دين سياست است اصلش. اسلام را شما مطالعه داريد در آن. اسلام يك ديني است كه احكام عبادي‏اش هم سياسي است. اين جمعه، اين خطبه‏هاي جمعه، آن عيد، آن خطبه‏هاي عيد، اين جماعت، اجتماع، اين مكه، اين مشعر، اين مني‏، اين عرفات، همه‏اش يك مسائل سياسي است. با اينكه عبادت است، در عبادتش هم سياست است. سياستش هم عبادت است. اينها جدا مي‏كردند اسلام را و دين را از سياست. مي‏گفتند كه امپراتور سر جاي امپراتوري است، آخوند هم برود در مسجد. آخوند چه كار دارد به اينكه رضا خان مردم را [غارت‏] مي‏كند و [اذيت‏] مي‏كند. آخوند برود نمازش را بخواند و برود. آخوند چه كار دارد كه نفت را دارند مي‏برند. آخوند چه كار دارد كه قراردادهاي كمرشكن براي يك مملكتي حاصل مي‏شود. آخوند برود عبايش را سرش بكشد. تو مسجد نمازش را بخواند. هر چه هم دلش مي‏خواهد دعا بخواند. كي با او مخالف است؟»[[239]](#footnote-240)

335 امام: ««اصل حكومت در اسلام» مطرح نشده است. هر وقت صحبتش پيش مي‏آيد، حتي بين خود مسلمانها، باز صحبت مي‏شود به اين كه خوب اين امر سياسي است؛ به ما چه ربط دارد. روحانيت‏ بايد از سياست جدا باشد! مسجد مال روحانيون‏، فقط بروند توي مسجد! اسلام را حبسش كرده‏اند توي مسجد. فقط در صورتي كه اسلام در همين قشر دنيايي و طبيعي‏اش هم در ميدان بيشتر بوده تا مسجد.»[[240]](#footnote-241)

336 رهبري: «فكر وحدت دين و سياست را، هم در تفقه و هم در عمل دنبال بكنيد. آقايان بدانند كه فكر جدايي دين و سياست، به عنوان يك آفت، بكلي ريشه‏كن نشده است. متأسفانه هنوز در حوزه‏ها كساني هستند كه خيال مي‏كنند حوزه بايد به كار خودش مشغول بشود، اهل سياست و اهل اداره كشور هم مشغول كار خودشان باشند؛ حد اكثر اينكه باهم مخالفتي نداشته باشند! اما اينكه دين در خدمت اداره زندگي مردم باشد و سياست از دين تغذيه بكند، هنوز در بعضي از اذهان درست جا نيفتاده است. ما بايستي اين فكر را در حوزه ريشه‏دار كنيم؛ به اين شكل كه هم فقاهت را اين‏طور قرار بدهيم، و هم در عمل اين‏گونه باشيم. يعني چه؟ يعني استنباط فقهي، بر اساس فقه اداره نظام باشد؛ نه فقه اداره فرد. فقه ما از طهارت تا ديات، بايد ناظر به اداره يك كشور، اداره يك جامعه و اداره يك نظام باشد. شما حتّي در باب طهارت هم كه راجع به ماء مطلق يا فرضاً ماء الحمام فكر مي‏كنيد، بايد توجه داشته باشيد كه اين در يكجا از اداره زندگي اين جامعه تأثيري خواهد داشت؛ تا برسد به ابواب معاملات و ابواب احكام عامه و احوال شخصي و بقيه ابوابي كه وجود دارد. بايستي همه اين‏ها را به عنوان جزيي از مجموعه اداره يك كشور استنباط بكنيم. اين در استنباط اثر خواهد گذاشت و گاهي تغييرات ژرفي را به وجود خواهد آورد.» [[241]](#footnote-242)

337 امام: «اينهايي كه مي‏گويند روحانيت بايد دخالت نداشته باشد، نمي‏فهمند. يا مي‏فهمند و مردم را اغفال مي‏كنند. اين اشتباه است. روحانيت نظارت بر اوضاع دارد. كارها دست كارشناسهاي غير روحاني است. روحانيون نظارتي بر امور دارند كه غلطكاري نشود. يك وقت كودتا نشود، يك وقت ظلم به مردم نشود. روحانيت‏ مي‏خواهد جلو غارتگري و ستم و دزدي را بگيرد.» [[242]](#footnote-243)

338 امام: «آني كه به امپراتوري همه ضرر داشت آن اسلام و محتواي واقعي اسلام بود كه مع الأسف بسياري‏اش مَنْسي واقع شده است. سياسات اسلام همچو منسي شده است كه اصلًا سياست يك ننگي بود در اينجا! فلان آخوند «سياسي» است! و «ساسة العباد»، كه در «زيارت جامعه» مي‏خوانيم، اگر به يك مقدس مآبي هم مي‏گفتند، تعبيرش لا بد مي‏كردند. جرأت نمي‏كرد بگويد كه آن هم سياسي است. اين يك چيز ننگ‏آوري بود كه يك كسي در حكومت دخالت بكند كه اين حكومت بايد صحيح باشد؛ جريان صحيح بايد باشد. اين از تبليغات همان شياطين بود كه مي‏خواستند قشر اسلام را- صورتش را نگه دارند و ماها مشغول به همين صورتها باشيم و محتوا نباشد در كار. كارهايشان را انجام بدهند، محتواي اسلام كه مهمش‏ اسلام قيامِ للَّه، نهضتِ للَّه، جلوگيري از ظلم ظالمين، از ستم ستمكاران، اجراي عدالت اسلامي، اينها را مَنْسي؛ برويم هر چه دلمان مي‏خواهد مسأله بگوييم! هر چه مي‏خواهيم نماز بخوانيم! مسأله گفته نشود كه بايد جلوگيري از طاغوت كرد. اين را نگوييد مسأله؛ هر چه ديگر مي‏خواهيد بگوييد اما اين نبايد گفته بشود. سينه بزنيد لكن هيچ صحبت از سياست نكنيد؛ همان سينه بزنيد بي‏محتوا! بايد سينه زدن هم محتوا داشته باشد.» [[243]](#footnote-244)

339 امام: «اين قدر خواندند به مردم و تبليغات كردند كه مردم همه تقريباً، به اين معني عادت كردند- كه حالا هم باز اين صحبت هست- كه دخالت در سياست در شأن روحانيت‏ نيست؛ شأن روحانيت‏ نيست كه برود و ببيند كه كيفيت حكومت چيست، و چه مي‏كنند اين ظَلَمه با مردم. شأن روحانيت‏ همانهاست كه توي مدارس باشند و نماز جماعتي هم بخوانند اول ظهر و اول مغرب! مردم هم همين مقدار به روحانيت‏ بيشتر نظر نداشته باشند. اسلام را اصلش مي‏گفتند كاري ندارد به سياست .... سياست و ديانت از هم جداست. سياست مال آنها و ديانت مال ما! مراكز قدرت دست آنها كه هر كاري مي‏خواهند بكنند، و مساجد و پيرمردهاي توي مسجد هم مال ما! اين تقسيمي است كه از اول كردند.» [[244]](#footnote-245)

340 امام: «اين را آن قدر تبليغات روي آن كردند كه در جامعه خود روحانيت‏ هم به خورد آنها هم دادند، كه بسياري از آنها هم همين اعتقاد را پيدا كردند كه روحاني به سياست چه كار دارد، به حكومت چه كار، به نظام حكومت چه كار دارد. روحاني مسجد برود و نماز بخواند و عرض مي‏كنم كه از اين صنف كارها: درس بگويد و مباحثه بكند و اين آداب شرعيه را به مردم نشان بدهد.» [[245]](#footnote-246)

341 امام: «البته در اذهان بسياري- بلكه اكثري، بيشتري از مردم، بيشتري از اهل‏ علم‏، بيشتري از مقدسين- اين است كه اسلام به سياست چه كار دارد؛ اسلام و سياست اصلًا جداست از هم. هميني كه حكومتها ميل دارند، هميني كه از اول القا كرده‏اند اين اجانب در اذهان ما و حكومتها در اذهان ما كه اسلام به سياست ... آخوند چه كار دارد به سياست. فلان آخوند را وقتي عيبش را مي‏گيرند مي‏گويند: آخوند سياسي است! اسلام را مي‏گويند از سياست كنار است؛ دين علي‏ حده است، سياست علي‏ حده. اينها اسلام را نشناخته‏اند. اسلامي كه حكومتش تشكيل شد در زمان رسول اللَّه و باقي ماند حكومت- به عدل يا به غير عدل. زمان حضرت امير بود، باز حكومت عادله اسلامي بود؛ يك حكومتي بود با سياست، با همه جهاتي كه بود. مگر سياست چي است؟ روابط ما بين حاكم و ملت، روابط ما بين حاكم با ساير حكومتها- عرض مي‏كنم كه- جلوگيري از مفاسدي كه هست، همه اينها سياساتي است كه هست. احكام سياسي اسلام بيشتر از احكام عباديش است. كتابهايي كه اسلام در سياست دارد بيشتر از كتابهايي است كه در عبادت دارد. اين غلط را در ذهن ما جاگير كردند. حتي حالا باورشان آمده است آقايان به اينكه اسلام با سياست جداست. اين يك احكام عبادي است كه بين خودش است و خدا. شما برويد توي مسجدتان و هر چه مي‏خواهيد دعا كنيد، هر چه مي‏خواهيد قرآن بخوانيد، حكومتها هم به شما كار ندارند. اما اين اسلام نيست. اسلام در مقابل ظَلَمه ايستاده است؛ حكم به قتال داده، حكم به كشتن داده است. در مقابل كفار و در مقابل متجاسرين و كساني كه [طاغي‏] هستند احكام دارد. اين همه احكام در اسلام نسبت به اينها هست، اين همه احكام- حكم به قتال، حكم به جهاد، حكم به اينها هست؛ اسلام از سياست دور است؟! اسلام فقط تو مسجد رفتن و قرآن خواندن و نماز خواندن است؟! اين نيست؛ اين احكام را دارد و بايد اين احكام هم اجرا بشود.» [[246]](#footnote-247)

342 امام: «اسلام ما را موظف مي‏كند در اين امر دخالت كنيم، كنار رفتن و كنج خانه نشستن و دعا كردن فايده‏اي ندارد. بايد به انبيا اقتدا كنيم. بناي انبيا و اهل بيت- عليهم السلام- اين نبوده است كه از مردم كناره‏گيري كنند؛ آنان با مردم بودند و هر وقت دستشان مي‏رسيد، حكومت را مي‏گرفتند.»[[247]](#footnote-248)

343 امام: «برادران عزيز من، فرزندان اسلام! توجه داشته باشيد كه باز يك جرياني در كار است شما را منعزل كنند از اين امري كه در او هستيد. مبادا گروهها يا آنهايي كه نمي‏خواهند روحانيون در اين كشورها نفس بكشند شما را اغفال كنند و برگردانند به كنجهاي مدارس و منزوي كنند در حجره‏ها! شما همان طوري كه علم بايد بياموزيد و تقوا در رأس برنامه شما باشد، [در] مهيا بودن از براي دخالت در امور سياسي و امور اجتماعي و دخالت در مشكلات مسلمين و حاضر بودن از براي دفاع از كشور اسلامي هم بايد كوشش كنيد.»[[248]](#footnote-249)

344 امام: «صدها سال است كه روحانيت‏ اسلام تكيه گاه محرومان بوده است‏.» [[249]](#footnote-250)

345 امام: «اسلام را همچو بد معرفي كرده‏اند به ما كه ما هم باورمان آمده است كه اسلام [را] به سياست چه! سياست مال قيصر و محراب مال آخوند!- محراب هم نمي‏گذارند براي ما باشد- اسلام دين سياست است؛ حكومت دارد. شما بخشنامه حضرت امير و كتاب حضرت امير به مالك اشتر را بخوانيد ببينيد چيست. دستورهاي پيغمبر و دستورهاي امام- عليه السلام- در جنگها و در سياسات ببينيد چه دارد. اين ذخاير را ما داريم، عُرضه استفاده‏اش را نداريم. ذخيره موجود است، همه چيز داريم، عُرضه استفاده نداريم.» [[250]](#footnote-251)

1/1/3. اتهام آخوند سياسي

346 امام: «يك روزي بود كه اگر يك ملّايي راجع به مطلب سياسي يك كلمه‏اي مي‏گفت، مي‏گفتند آخوند «سياسي» است، بيندازش دور! شايد نمي‏رفتند با او نماز بخوانند. اين چه بود؟ اين يك نقشه‏اي بود كه آخوند را از سياست كنار بگذارند. اسلام را كنار بگذارند؛ و سياست هم كنار و علي‏ حده. آنها كارهاي خودشان را بكنند و مخازن ما را ببرند و مملكت ما را تحت سلطه قرار بدهند؛ آخوند هم برود توي خانه‏اش بنشيند و حمد و سوره بخواند! خيلي هم كار بكند، چند تا كلمه اخلاقي براي مردم بگويد. اين نقشه‏اي بود كه مي‏خواستند كه اسلام را كنار بگذارند از سياست، سياستْ دست آنها، و اسلام هم بركنار.» [[251]](#footnote-252)

347 امام: «حتي اين آخري مي‏گفتند كه با قداست اينها مخالف است؛ با قداست اهل‏ علم‏، وارد شدن در حكومت و سياست مخالف است. اين قداست در زمان حضرت رسول نبوده؟ حضرت رسول قداستش محفوظ نمي‏مانده؟ حضرت امير قداست نداشته؟ حضرت سيد الشهدا و امام حسن قداست نداشتند؟ مي‏خواستند چشم و گوش همه ما را ببندند و مي‏خواهند هم. اين جريان از اول نهضت هي ديدند كه دارد پيش مي‏رود، هي آنها بيشتر خواستند كه كنار بگذارند اينها را. الآن هم اين جريان هست، منتها يك وقت رسيد به‏ اوج خودش كه ديديد و حالا رو به ضعف است و اميدوارم كه دفن بشود.» [[252]](#footnote-253)

348 امام: «خوب اين آخوندها حالا چي مي‏گويند اينها. آخونديسم يعني چه، مملكت ما نبايد دست آخوندها باشد. اينها خيال مي‏كنند كه آخوندها مي‏خواهند مملكت را بگيرند و به كس ديگر بدهند و خودشان هر كاري مي‏خواهند بكنند. مسأله اين نيست. اينها همين نقشه است كه ملت را از اين آخوندها جدا كنند با دست خود ملت. آن چيزي كه براي ملت سرمايه است و مي‏تواند كار بكنند، آن را بگيرند و جدا كنند، كه نقشه در زمان رضا شاه هم به اين معنا بود. و بعد هم يكي يكي از اول از آن پايينترها بگيرند و بيايند بالا، بيايند بالا يكي يكي برسند تا آخر اين جمعيت را از بين ببرند.» [[253]](#footnote-254)

349 امام: «اسلام همه چيز است ... يكي از بدترين چيزي كه اجانب در بين مردم و در بين خود ما القا كردند، اين است كه اسلام براي اين است كه ما همان عبادت بكنيم. چنانكه مذهب مسيح را هم مسخ كردند؛ مذهب مسيح مسخ شد. مسيح هر گز نمي‏شود كه دعوتش اين باشد كه فقط عبادت بكنيد، ظَلَمه را بگذاريد به كار خودشان! اين نمي‏شود؛ نبي نمي‏تواند اين طور باشد. مسخ شده است اينها. اينها اسلام را در نظر ما، در نظر جاهلين مسخ كردند؛ اسلام را به صورت ديگر نشان دادند. و اين از كيدهايي بود كه با نقشه‏ها پياده شده است؛ و ما خودمان هم باور كرديم «آخوند را به سياست چه»! اين حرفْ حرفِ استعمار است: آخوند را به سياست چه؟! « ساسَةُ العباد» در دعاي جامعه، «زيارت جامعه» است؛ «ساسة العباد». چطور امام را به سياست آره، اما آخوند را به سياست نه؟! حضرت امير يك مملكت را اداره مي‏كرد، سياستمدار يك مملكت بود؛ آن وقت آخوند را به سياست چه؟! اين مطلبي بود كه مُستَعمِر براي اينكه آخوند را جدا كند از دولت و ملت، القا كردند به او؛ آخوند هم باورش آمد! خود آخوند با ما مبارزه مي‏كند كه شما چكار داريد به سياست! «اين آخوند سياسي است»! اين چيزي بوده است كه ما را … به عقب راند. آخوندْ نمونه اسلام است. اسلام همه چيز است. قرآن همه چيز است. قرآن «انسانْ درستْ كن» است، كتاب انسان‏سازي است. قرآن همه چيز دارد: سياست دارد، فقه دارد، فلسفه دارد، همه چيز دارد. انسان همه چيز است و بايد همه احتياجاتش را قرآن تأمين بكند. انسان يك اعجوبه‏اي است كه همه عالم است، و قرآن يك اعجوبه‏اي است كه اداره انسان را به همه اقشار مي‏كند. در عين حالي كه فقيه درست مي‏كند، حكيم درست مي‏كند، فيلسوف درست مي‏كند، شمشيرزن درست مي‏كند، جنگجو درست مي‏كند. فقيه بايد جنگجو هم باشد؛ فقيه بايد سياف‏ باشد، ولي فقيه هم باشد و فقهش را از دست ندهد.»[[254]](#footnote-255)

350 امام: «مسئله جدا بودن دين از سياست، مسئله‏اي كه با كمال تزوير و خدعه طرح كردند، حتي بر ما هم مشتبه كردند! حتي كلمه «آخوند سياسي» يك كلمه فحش است در محيط ما! فلان آخوندِ سياسي است! در صورتي كه آقايان خواندند در دعاهاي معتبر ساسَةُ الْعِباد مع ذلك از بس تزريق شده است، از بس اشتباه كاري شده است، ما خودمان هم باورمان آمده است كه دين از سياست جداست. آخوند در محراب برود، و شاه هم مشغول دزدي‏اش باشد! هر كس اسلام را مطالعه كرده باشد، قرآن كريم را مطالعه كرده باشد، كافي است كه بفهمد اسلام و قرآن كريم تربيت مي‏كند يك جامعه را در همه [شئون‏].» [[255]](#footnote-256)

351 امام: «يك مطلبي كه همه مي‏دانيد و مي‏دانيم اين است كه شياطين بزرگ و كوچك و آنهايي كه مي‏خواستند و مي‏خواهند تمام قدرتها را در هر جا قبضه كنند و تمام منافع ملتها را چپاول كنند، از سالهاي طولاني نقشه‏هاي عجيب و غريبي داشته‏اند، و مع الأسف قشرهاي زيادي غافل بودند؛ از جمله اين مطلب كه روحانيون‏ در امور سياسي نبايد دخالت كنند. آنها بايد مردم را در اين نماز و روزه و امثال اينها هدايت كنند، و جاي آنها و شغل آنها مسجد است و منزل، مسجد بيايند و نماز بخوانند، منزل بروند و استراحت كنند، و به طوري اين تبليغ شده بود كه همه باورشان آمده بود تقريباً، و دخالت در سياست يك فحشي بود براي اهل‏ علم‏. اگر مي‏گفتند فلان آخوند سياسي است، اين به منزله يك فحش تلقّي مي‏شد. و خود مردم و بلكه خود روحانيون‏ هم بسياريشان اين مسأله را باورشان آمده بود. اگر راجع به يك امر اجتماعي، يك امري كه راجع به ملت است گفته مي‏شد، بعضيها مي‏گفتند كه ما در امور سياسي دخالت نمي‏كنيم. و اگر يك ملّايي در امر سياست ملت و مصالح كشور صحبت مي‏كرد، مي‏گفتند كه اين سياسي است و بر خلاف موازين است. اين مسئله‏اي بود كه اين قدر رويش تبليغات كرده بودند در داخل و خارج كه به اين زودي نمي‏شد از ذهن مردم بيرون كرد. آنها مي‏خواستند كه يك قشر بزرگي از جامعه را- كه جامعه هم تَبَع آنها هست- منزوي كنند و خودشان به جاي آنها بنشينند. حكومت مال ما، نماز جماعتِ خشكي كه در آن اصلًا صحبت از اجتماعي و سياسي نباشد هم مال شما.» [[256]](#footnote-257)

2/1/3. اتهام استبداد ديني

352 امام: «شما، برادران و عزيزان من! همان طوري كه الآن سلاح در دستتان است بايد در دست ديگر صلاح باشد. بايد شما صُلَحا باشيد. بايد شما رفتاري بكنيد كه اسلام را آن طور كه هست عرضه كنيد. شما بدانيد كه اگر خداي نخواسته از روحانيين و از كساني كه مُلبَّس به لباس روحاني هستند مطلبي كه بر خلاف دستورات اسلام است صادر بشود، روحانيت را با اين اعمال منزوي خواهيد كرد؛ و قلمها بر ضد شما به كار مي‏افتد و شما را از ملت جدا مي‏كنند و ملت را از شما جدا مي‏كنند؛ و به سر اين كشور آن مي‏آورند كه در زمان رضا خان و پسرش آمد. اين اسلام امروز در دست همه ماها، سرتاسر كشورهاي اسلامي و خصوصاً ايران كه جمهوري اسلامي- انساني را در اين كشور اعلام كرده؛ امانت است؛ امانت بزرگ است. اين امانت به دست ماهاست چنانچه به اين امانت خيانت بكنيم؛ خيانت به اسلام است- خيانت به احكام نوراني خداست؛ و خيانت به ملتهاي ضعيف است. توجه كنند روحانيون در سرتاسر كشور، چه جوانها كه در ميدانها مي‏روند و فداكاري مي‏كنند و چه آنهايي كه در مدارس مشغول تحصيل علوم هستند و چه آنهايي كه مشغول به تدريس هستند و چه آنهايي كه ائمه جمعه و جماعات هستند و چه آنهايي كه در دادگاهها و مقامات قضايي هستند و چه آنهايي كه در كميسيونها و جاهاي ديگر هستند، توجه كنند كه اسلام در دست شما طايفه بالخصوص امانت است. انحراف شما و لو بعضي از شما موجب مي‏شود كه اشخاصي كه با شما و با اسلام دشمن هستند با قلمهاي خودشان و گفتار خودشان به شما حمله كنند و يك مطلب را بزرگ كنند: مجاهدات شما يك كلمه‏ از آن گفته نشود، لكن انحراف شما دائماً گفته بشود و به گوش مردم خوانده بشود؛ مردم را از مجاهدات شما اغفال كنند. از زحماتي كه از 15 خرداد تا كنون بر شما وارد شده است و بزرگان شما را برده‏اند در حبسها و زجرها، و انجام دادند كارهايي را كه با دزدان آن طور انجام نمي‏دهند، اينها را ذكري از آنها نديدم بكنند! قلمها راجع به اين مسأله شكسته است! اما اگر در يك دادگاهي يك كاري بشود كه مثلًا در نظر آنها انحراف باشد، يا خداي نخواسته به حسب واقع انحراف باشد، عمّال آنها دوره بيفتند و اين طرف و آن طرف و تبليغ كنند كه ديكتاتوري آخوندي در كار است! ديكتاتور روحاني‏ در كار است. اين كلمه، كلمه‏اي است كه دشمنهاي اسلام درست كرده‏اند و مي‏خواهند كه روحانيون را كنار بگذارند و روحاني‏ برود گوشه مسجد و مسائل اسلامي را، نه آنكه مربوط به جامعه است، نه آنكه مربوط به مشكلات جامعه و اسلام است، بلكه مسائل عبادي را فقط انجام بدهند؛ لكن ديگران در صحنه باشند و آن كنند به ما كه محمد رضا كرد. وظيفه روحانيون؛ انجام كارها بر طبق موازين شرعيه‏ بايد بيدار بشويد شما! بايد ملت ما بيدار بشوند. ملت ما در خيابانها، در بازارها، در ساير نقاطي كه هستند، در كارخانه‏ها، در صحراها مشغول به خدمت هستند، بيدار باشند كه اينكه گفته مي‏شود «ديكتاتوري آخوندي» اين كلمه‏اي است كه به باطل گفته مي‏شود براي مقصد باطلتر! و الّا پيدا كنند آنها اين روحانيوني كه ديكتاتوري مي‏كنند. اگر ديكتاتوري معنايش اين است كه احقاق حق مظلوم را از ظالم مي‏كنند و اگر ديكتاتوري معنايش اين است كه در دادگاهها امثال نصيري‏ها را از بين مي‏برند، اين چيزي است كه اسلام كرده است و امري است كه با امر اسلام انجام مي‏گيرد. و اگر ديكتاتوري معنايش اين است كه تحميل به ملت چيزي را مي‏خواهند بكنند، مي‏خواهند با قدرت، ملت را آزار بدهند و مقاصد خودشان را انجام بدهند، اين يك دروغ واضح است. بايد مردم اشخاصي كه اين را مي‏گويند، بگيرند آنها را و از آنها بپرسند كه اين كدام يك است و چه كرده است و چه‏ كار ديكتاتورى انجام داده است، تا بفهمند ريشه اين مطلب از كجاست. شما آقايان تكليف داريد كه كارهايى كه انجام مى‏دهيد، در تمام قشرهاى روحانيت كه در ملت هستند و مشغول خدمت هستند، كارها بر وِفْق موازين شرعيه باشد، هيچ تخلف از موازين شرعيه نشود تا بهانه به دست دشمن ندهد. اين تكليف شماست كه تخلّف از احكام اسلام نكنيد، و ان شاء اللَّه نمى‏كنيد. و تكليف ملت است كه تبعيت از روحانيون بكند؛ و حرفها و تبليغاتى كه بر ضد روحانيت مى‏شود گوش به آن ندهد. پيگيرى كند اگر يك جايى گفتند، ببينند كه آيا اين ديكتاتورى كه آنها مى‏گويند در كجا واقع شده است. آيا رئيس مجلس ما يك ديكتاتور است و دارد ديكتاتورى مى‏كند؟ يا مقامات ديگرى كه در كشور هستند. كدام يك از اينها مشغول ديكتاتورى هستند؟ يا زبانهاى غير متعهدِ اشخاص دارند ديكتاتورى مى‏كنند و مى‏خواهند روحانيت را تضعيف كنند و جمهورى اسلامى را تضعيف كنند. زبانهايى كه بر خلاف مصالح اسلام به روحانيت حمله مى‏كنند بدون حجت شرعى، يا به جمهورى اسلامى حمله مى‏كنند بدون يك دليل واضح. اينها زبانهايى هستند كه گويندگان آنها ديكتاتورند؛ و مى‏خواهند روحانيت را از صحنه بيرون كنند، و آن وقت يك حكومتى به دست بيايد كه اين حكومت موافق ميل آقاى ريگان باشد يا مطابق ميل شوروى باشد! خطر اسلام بدون روحانيّت‏ من به همه روحانيين سرتاسر كشور اعلام خطر مى‏كنم! من به همه ملت اعلام خطر مى‏كنم! به روحانيون اعلام خطر مى‏كنم كه چنانچه خداى نخواسته در بين شما كسى است كه بر خلاف موازين اسلام عمل مى‏كند، او را نهى كنيد. اگر نپذيرفت از جرگه روحانيت اخراج كنيد. اگر نكنيد اين كار را، خداى نخواسته صورت روحانيت- كه عزّ اسلام است- اين را مُشوَّه مى‏كنند. و با مُشوَّه كردن صورت روحانيت، اسلام به انزوا خواهد [رفت‏]. اسلام بدون روحانيت مثل كشور بدون طبيب است. گويندگان شما و دانشمندان شما بايد توجه داشته باشند كه حوزه‏ها را با تدبير، با نصيحت و همين طور جاهاى ديگرى كه روحانيين مشغول كارهايى هستند، آنها را با تدبير و با نصيحت وادار كنند به اينكه خداى نخواسته از آنها كارى صادر نشود كه بهانه به دست آنهايى كه مى‏خواهند شما را از صحنه خارج كنند بيفتد، و قلمها به كار برود و خدمتهاى شما ناچيز و ناديده گرفته بشود، و لغزشى اگر در يكى از شما يا در دو تا از شما پيدا شد به حساب روحانيت بگذارند. بايد تهذيب بشويد شما، خودتان را تهذيب كنيد. كسانى كه در حوزه‏ها هستند، اساتيدى كه در حوزه‏ها هستند كوشش كنند كه حوزه‏ها مُهذّب باشد. و اعلام خطرى كه به ملت مى‏كنم اين است كه جريانى در كار است كه روحانيت را كنار بگذارند؛ و جريانى در كار است كه شما را از روحانيت جدا كنند، و آن كنند به سر ملت كه در زمان محمد رضا آمد، منتها به يك صورت ديگرى. بيدار بشويد اى ملت! و بيدار بشويد اى روحانيت! و بيدار بشويد اى دانشگاهيان! و بيدار بشويد اى كارگران! اى كارمندان! اى بزرگان! اى كوچكان! اى زنها! اى مردها! بيدار بشويد و اين جريان را خنثى كنيد، و نگذاريد ملت شما و مملكت شما انحراف پيدا كند از آن راهى كه شما داريد- كه راه اسلام و راه خدا و خط رسول اكرم است.» [[257]](#footnote-258)

353 امام: «از همين قماش توطئه‏ها و شايد موذيانه‏تر، شايعه‏هاي وسيع در سطح كشور، و در شهرستانها بيشتر، بر اينكه جمهوري اسلامي هم كاري براي مردم انجام نداد. بيچاره مردم با آن شوق و شعف فداكاري كردند كه از رژيم ظالمانه طاغوت رهايي يابند، گرفتار يك رژيم بدتر شدند! مستكبران مستكبرتر و مستضعفان مستضعف‏تر شدند! زندانها پر از جوانان كه اميد آتيه كشور است مي‏باشد و شكنجه‏ها از رژيم سابق بدتر و غير انساني‏تر است! هر روز عده‏اي را اعدام مي‏كنند به اسم اسلام! واي كاش اسم اسلام روي اين جمهوري نمي‏گذاشتند! اين زمان از زمان رضا خان و پسرش بدتر است! مردم در رنج و زحمت و گراني سرسام‏آور غوطه مي‏خورند و سردمداران دارند اين رژيم را به رژيمي كمونيستي هدايت مي‏كنند! اموال مردم مصادره مي‏شود و آزادي در هر چيز از ملت سلب شده! و بسياري ديگر از اين قبيل امور كه با نقشه اجرا مي‏شود. و دليل آنكه نقشه و توطئه در كار است آنكه هر چند روز يك امر در هر گوشه و كنار و در هر كوي و برزن سر زبانها مي‏افتد؛ در تاكسيها همين مطلب واحد و در اتوبوسها نيز همين و در اجتماعات چند نفره باز همين صحبت مي‏شود؛ و يكي كه قدري كهنه شد يكي ديگر معروف مي‏شود. و مع الأسف بعض روحانيون‏ كه از حيله‏هاي شيطاني بيخبرند با تماس يكي- دو نفر از عوامل توطئه گمان مي‏كنند مطلب همان است. و اساس مسأله آن است كه بسياري از آنان كه اين مسائل را مي‏شنوند و باور مي‏كنند اطلاع از وضع دنيا و انقلابهاي جهان و حوادث بعد از انقلاب و گرفتاريهاي عظيم اجتناب ناپذير آن ندارند- چنانچه اطلاع صحيح از تحولاتي كه همه به سود اسلام است ندارند- و چشم بسته و بيخبر امثال اين مطالب را شنيده و خود نيز با غفلت يا عمد به آنان پيوسته‏اند.»[[258]](#footnote-259)

354 امام: «اين چيزي كه بر دوش روحانيت‏ است زيادتر از آن چيزي است كه بر دوش ديگران است. هميشه بوده، لكن حالا زيادتر است. چشمها دوخته شده است به اينكه ببينند روحانيون‏ كه حالا يك قدرت ظاهري دست‏شان آمده است چه مي‏كنند؛ با ملت چه مي‏كنند. آيا آن طور است كه قلمهاي مسموم مي‏گويد كه ما از ديكتاتوري پهلوي خارج شديم و به ديكتاتوري عبا و عمّامه مبتلا شديم؟ اگر ما بهانه دست اينها بدهيم، يكي را صد مي‏كنند و در خارج و داخل منتشر مي‏كنند. اگر در داخل هم يك قدري ملاحظه بكنند، در خارج و در مجلات ممالك غربي و شرقي و اينها، اين يك مطلب را صد مقابل مي‏كنند؛ و ما را معرفي مي‏كنند به اينكه اينها تا قدرت دست‏شان نبود هِي مي‏گفتند بايد آزادي باشد، چه باشد؛ حالايي كه قدرت دست‏شان آمده خودشان مشغول شده‏اند به اينكه با مردم بدرفتاري مي‏كنند. الآن وظيفه شما آقايان روحانيون‏- وَفقّكم اللَّه تعالي- يك وظيفه سنگيني است، يعني اين طور نيست كه مثل اشخاصي ديگر كه وظيفه شخصي دارند. همه وظيفه دارند كه خودشان را حفظ كنند و جهات اسلامي را مراعات كنند؛ لكن شما چون كه در رأس جامعه هستيد و روحاني هستيد و سرپرست ارواح مردم هستيد، وظيفه شما دو چندان است؛ بلكه صد چندان است؛ يعني همان قدري كه پُست شما يك پست شرافتمندي است و از همه بالاتر است، مسئوليت‏تان هم يك مسئوليت بزرگي است كه از همه مسئوليتها بالاتر است. اگر خداي نخواسته خطايي از بعض افراد ما صادر بشود، اين را آنهايي كه با اسلام مخالفند پاي اسلام حساب مي‏كنند، نمي‏گويند زيد پايش را كج گذاشت، مي‏گويند روحانيت‏ اين طوري است؛ مي‏گويند اسلام هم همين است.» [[259]](#footnote-260)

355 امام: «و حالا هم كه فهميدند كه اين قدرت اسلام بود كه اين سد بزرگ را شكست و اين قدرت روحانيون‏ بود كه در همه جا مردم را بسيج كرد، هر جا رفتيد آخوند آن شهر مردم را بسيج كرد و همه را با هم متحد كردند و همه در منبر و محراب مردم را جمع كردند و جوش دادند به هم تا اين سد را شكست، حالا هم باز يك طايفه‏اي، اشخاصي با نغمه‏هاي مختلف، زير پرده و روي پرده، مي‏خواهند همين مسائل را بگويند. يعني همان مطلبي كه آن وقت از حلقوم افرادي كه در زمان رضا خان بود در مي‏آمد، حالا هم از حلقوم يك طايفه‏اي حالا در مي‏آيد كه همان دو مسأله است: «اسلام كهنه شده است، اسلام نمي‏شود ديگر. روحانيون‏، آخوندها، بايد بروند سراغ كارشان! بايد بروند سراغ چه؛ ديكتاتوري آخوندي مي‏خواهد درست بشود!» من نمي‏دانم اين ديكتاتوري آخوندي كجاست؟! آخر كدام آخوند ديكتاتور است كه اينها مي‏گويند؟!» [[260]](#footnote-261)

2/3. حضور روحانيت در صحنه و موضع‌گيري در حوادث

356 امام: «بايد در عين حالي كه حضور داريد در صحنه سياست، و هر واقعه‏اي كه واقع مي‏شود شما توجه بايد داشته باشيد كه اين واقعه آيا به نفع ملت است يا نه، لكن حوزه‏هاي فقاهت را به همان قوّت خودش حفظ كنيد. اين فقه است كه اسلام را حفظ كرده و تا آخر حفظ مي‏كند ان شاء اللَّه. و از اين شغلي كه داريد و از اين راهي كه داريد منحرف نشويد، و برويد يك كارهايي كه شما نبايد بكنيد، مثلًا يك معمّمي چهار تا هم پاسدار داشته باشد، و يا هر كاري دلش مي‏خواهد بكند، يك كسي هم يك كميته درست كند و چند تا پاسبان و هر كاري مي‏خواهد بكند. اينها يك طرحي است كه ريخته‏اند براي اينكه شما را از صحنه خارج كنند. وارد يك صحنه‏اي مي‏كنند كه شما را بكلي خارج كنند. همچو مي‏كنند كه هي بيايند فرياد بزنند كه امان از اين آخوندها كه در كميته‏ها هستند و در دادگاهها هستند. اگر دو تا، سه تا قضيه بر خلاف واقع شد، آنها هم قضاياي زيادي را كه صحيح واقع مي‏شود، پايمال مي‏كنند. بايد در عين حالي كه هر كس به شغل خودش بايد مشغول باشد، و هر كسي بايد همان كاري كه دارد خوب انجام بدهد، لكن حاضر باشد در مملكت و غايب نباشد از سياستي كه در مملكت مي‏گذرد.» [[261]](#footnote-262)

357 رهبري: «حوادث گوناگوني براي انقلاب هست؛ طلاب‏ بايد حاضر و آماده باشند. مسأله امريكا پيش مي‏آيد، اظهار نفرت از دشمنان و مستكبران پيش مي‏آيد، مسائل خليج فارس پيش مي‏آيد، مسائل گوناگون ديگري پيش مي‏آيد؛ طلبه‏ اول كسي باشد كه احساس كند مسئوليتي دارد و آن مسئوليت را استفسار كند، ببيند چيست. هنگامي كه مسئوليتش مشخص شد، در جاي مسئوليت خودش باشد. اين‏ها با طلبگي مي‏سازد. تصور نشود كه اگر بخواهم اين‏طور بكنم، پس كي درس بخوانم؟ درس را هميشه بخوان. جنگ كه هميشه نيست، راه‏پيمايي كه هميشه نيست، حضور در صحنه‏هاي ضروري كه هر ساعت نيست. درس هم بايد بخواند و بي‏درس و بي‏تحقيق و بي‏مباحثه، طلبه معناي خودش را از دست مي‏دهد.» [[262]](#footnote-263)

358 امام: «روحانيون همه، ملت همه، بايد حاضر باشند در مسائل سياسي، حضور داشته باشند. اينكه بعض از عناصر حالا هم گاهي مي‏گويند كه روحانيون بروند توي مجلسها، توي مدرسه‏هاي خودشان و مشغول كارشان باشند، و ماها بايد وارد اين كارها باشيم، اين يا از بي‏توجهي به عمق مسائل است كه من بايد بگويم بعضي‏شان بي‏توجه هستند، و يا اينكه عمال همانها هستند كه در زمان رضا خان يك همچو كارها را مي‏كردند. و در طول تاريخ تقريباً حدود سيصد سال اين قدر تزريق كردند بر اين ملت و بر خود روحانيون‏، كه شما نبايد در سياست دخالت بكنيد كه خود آقايان هم باورشان آمده بود. اگر يك مطلبي- مثلًا- راجع به يك امر سياسي كه به نفع ملت بود، اينها مي‏خواستند دخالت بكنند، يك قشر از خود روحانيت‏ مي‏گفتند يك امر سياسي است، به ما چه! خودشان را كنار كشيده بودند. يعني كنارشان زده بودند اينها را. باورشان آورده بودند كه روحانيون‏ بايد فقط بروند مسأله بگويند؛ آن هم بعض مسائل، نه همه مسائل. مسائل اگر همه‏اش باشد كه بيشتر كتب فقه، كتب سياست است. لكن باورشان آمده بود اين، مردم هم اين را باور كرده بودند، و اين تبليغاتي بود كه از آن وقتي كه پاي غربيها باز شد در ايران، مطالعاتشان را كردند، به آنجا رسيد كه اين جمعيت خطرناكند و بايد اينها را كنار زد و مشغول به خودشان كرد، و ملت را هم بايد از اينها جدا كرد. اگر يكي از اينها بخواهد وارد بشود در يك امر سياسي، ملت با اينها موافقت نكند براي اينكه امر سياسي است به شما چه؟ در عين حالي كه بايد همه قشرهاي ملت و خصوصاً روحانيت‏ حاضر باشند در سياست كشور، و توجه داشته باشند به مسائلي كه در كشور مي‏گذرد، چه در مجلس و چه در دولت و ديگران. در عين حال بايد آن شغلي را كه دارند از آن دست برندارند. گمان نكنند به اينكه- آن وقت اين گمان بود- ما هيچ نبايد دخالت بكنيم، و حالا [گمان‏] اين باشد كه ما شغلمان فقط دخالت است. خير، در آن وقت هم اين كار صحيح نبوده براي ما و شما، حالا هم اين كار صحيح نيست.»[[263]](#footnote-264)

359 رهبري: «اگر حضور در صحنه موجب تحريك دشمني‏هاست، اين دشمني‏ها در يك جمع‏بندي نهائي مايه خير است. آن دشمني‏هاست كه غيرتها و انگيزه‏ها را تحريك ميكند و فرصتهائي براي موجود زنده مي‏آفريند. هر جا به مجموعه روحانيت‏ يا به دين يك خصومت‏ورزي و كين‏ورزي‏اي انجام گرفت، در مقابل، حركتي سازنده از سوي بيداران و آگاهان انجام گرفت.» [[264]](#footnote-265)

360 امام: «من به شما عرض مي‏كنم تا شما زنده‏ايد امريكا برنمي‏گردد، شوروي هم برنمي‏گردد. در نسلهاي آتيه، اگر ملتها در نسلهاي آتيه به همين روش حركت كنند و روحانيون‏ در همه جا حاضر باشند و مردم در صحنه باشند و قواي نظامي و انتظامي، قواي نظامي و انتظامي اسلام باشد، اين در طول تاريخ هم ان شاء اللَّه نخواهد شد.» [[265]](#footnote-266)

361 رهبري: «اگر شما فرض كنيد كه حوزه علميه امروز مي‏تواند در قبال دستگاه جمهوري اسلامي همان موضعي را داشته باشد كه علما در طول زمان نسبت به دستگاه‏هاي حكومتي داشتند، اين خطاست؛ از جهات عديدهي هم خطاست. آن دستگاه‏ها، دستگاه‏هاي ظلم بودند؛ اما دستگاه جمهوري اسلامي، دستگاه عدل اسلامي است. آن دستگاه‏ها، دستگاه‏هاي غصب بودند؛ اما دستگاه جمهوري اسلامي، دستگاه ولايت است؛ حق محض است؛ همه مسئوليتها مستند به يك امر الهي است؛ اصلًا با آن قابل مقايسه نيست. علاوه بر همه اين‏ها، دستگاه جمهوري اسلامي چه بخواهيد، چه نخواهيد دستگاهي است كه مبتني بر يك عنصر روحاني‏ است؛ زيرا در رأس اين نظام، رهبري قرار دارد، و رهبر بايد يك فقيه باشد؛ يعني يك روحاني‏. بنابراين، حوزه‏هاي علميه و علماي دين نمي‏توانند نسبت به دستگاه و امور كشور و آنچه كه مي‏گذرد، بي‏تفاوت باشند و بگويند حالا ديگر خودشان مي‏دانند؛ ما چه كار كنيم؛ نه له و نه عليه‏شان چيزي نمي‏گوييم مثلًا اگر خيلي لطف كنند، بگويند چيزي عليه‏شان هم نمي‏گوييم! چنين چيزي نمي‏شود؛ اين از آن قبيل چيزهايي نيست كه بشود گفت ما نه له و نه عليه، چيزي نمي‏گوييم؛ نه، مال خودتان است؛ مال روحانيت‏ است؛ مال دين است؛ چارهي نداريد. جمهوري اسلامي است؛ اگر شما كنار كشيديد، جمهوري غير اسلامي خواهد شد. البته امروز كه چهار نفر عناصر خودي زنده هستند، جمهوري غير اسلامي نمي‏شود؛ اما اگر علما كنار كشيدند، بتدريج جمهوري غير اسلامي خواهد شد. اين‏قدر هم دست‏هايي هستند كه براي جمهوري غير اسلامي شدن تلاش و كار مي‏كنند؛ پول خرج مي‏كنند و انواع حيله‏ها را هم بلدند» [[266]](#footnote-267)

362 امام: «روحانيين‏ بايد در صحنه باشند. بايد همه اين حرفهاي نامربوطي كه زده بودند و شما را مي‏خواستند از دخالت در امور جامعه كنار بگذارند، همه آنها را پشت سر بگذاريد- و گذاشته‏ايد پشت سر. علماي اعلام نبايد بروند كنار بنشينند تا مقدرات آنها در امريكا تدوين بشود و يا در شوروي تدوين بشود.» [[267]](#footnote-268)

3/3. حضور روحانيت در حاكميت

363 امام: «الآن كه جمهوري اسلامي شده است- كه اميدوارم محتوايش هم تحقق پيدا بكند- اين چيزي كه بر دوش روحانيت است زيادتر از آن چيزي است كه بر دوش ديگران است. هميشه بوده، لكن حالا زيادتر است. چشمها دوخته شده است به اينكه ببينند روحانيون كه حالا يك قدرت ظاهري دست‏شان آمده است چه مي‏كنند؛ با ملت چه مي‏كنند. آيا آن طور است كه قلمهاي مسموم مي‏گويد كه ما از ديكتاتوري پهلوي خارج شديم و به ديكتاتوري عبا و عمّامه مبتلا شديم؟ اگر ما بهانه دست اينها بدهيم، يكي را صد مي‏كنند و در خارج و داخل منتشر مي‏كنند. اگر در داخل هم يك قدري ملاحظه بكنند، در خارج و در مجلات ممالك غربي و شرقي و اينها، اين يك مطلب را صد مقابل مي‏كنند؛ و ما را معرفي مي‏كنند به اينكه اينها تا قدرت دست‏شان نبود هِي مي‏گفتند بايد آزادي باشد، چه باشد؛ حالايي كه قدرت دست‏شان آمده خودشان مشغول شده‏اند به اينكه با مردم بدرفتاري مي‏كنند. الآن وظيفه شما آقايان روحانيون- وَفقّكم اللَّه تعالي- يك وظيفه سنگيني است، يعني اين طور نيست كه مثل اشخاصي ديگر كه وظيفه شخصي دارند. همه وظيفه دارند كه خودشان را حفظ كنند و جهات اسلامي را مراعات كنند؛ لكن شما چون كه در رأس جامعه هستيد و روحاني‏ هستيد و سرپرست ارواح مردم هستيد، وظيفه شما دو چندان است؛ بلكه صد چندان است؛ يعني همان قدري كه پُست شما يك پست شرافتمندي است و از همه بالاتر است، مسئوليت‏تان هم يك مسئوليت بزرگي است كه از همه مسئوليتها بالاتر است. اگر خداي نخواسته خطايي از بعض افراد ما صادر بشود، اين را آنهايي كه با اسلام مخالفند پاي اسلام حساب مي‏كنند، نمي‏گويند زيد پايش را كج گذاشت، مي‏گويند روحانيت اين طوري است؛ مي‏گويند اسلام هم همين است.» [[268]](#footnote-269)

364 رهبري: «امروز در نظام سياسي كشور، روحانيت نقش دارد چون نظام، نظام ديني است و اين نقش در شكلهاي مختلف مشاهده مي‏شود؛ از حضور در دستگاهي براي اقامه نماز جماعت يا بيان احكام دين بگيريد، تا زمامداري جامعه. كارهاي ديني و مسئوليتهايي كه متوقف به معرفت ديني است؛ حتّي خيلي از آن‏هايي هم كه متوقف به معرفت ديني نيست، به روحانيون‏ محول مي‏شود؛ اين‏ها مسئوليتهاي شماست. شما اگر معمم‏ هم نبوديد، البته مسئوليت داشتيد. اگر كسي عالم دين باشد و معمم‏ نباشد، البته مسئوليت دارد؛ اما اگر معمم‏ باشد، اين مسئوليت مضاعف است؛ حواستان را جمع كنيد.» [[269]](#footnote-270)

365 امام: «ما كه هستيم، تكليفمان چي هست؟ در اين وقتي كه ما واقع شده‏ايم و همه قدرتهاي خارجي مخالف ما هستند و در داخل هم مي‏بينيد كه اين انگلها هستند و خزيده‏اند در سوراخ‏ها، لكن خرابكاري مي‏كنند، ما الآن وظيفه‏مان چي است؟ ما وظايف زيادي داريم. و شما آقايان علما و اهل‏ علم‏ در سرتاسر كشور وظايفتان بيشتر است. مسئوليتتان بيشتر است. مسئوليتتان بيشتر است؛ براي اينكه شما وضعتان و مشي‏تان نمايشگر اين است كه ما نماينده انبيا هستيم. شما اشتغالتان و لباستان، همه حكايت از اين مي‏كند كه اين جمعيت نماينده اسلام هستند. كسي كه نماينده اسلام است، وظيفه‏اش بسيار خطير است. همه قشرها در هر جا هستند، وظيفه‏شان بسيار است، لكن در بين همه، شما وظيفه‏تان بيشتر است. ماها وظيفه‏مان بيشتر است. ماها اگر- خداي نخواسته- يك خطايي، يك اشتباهي بكنيم، اين پاي نماينده پيغمبر اكرم و اسلام حساب مي‏شود. آبروي اسلام به دست شماست. روحانييني كه در قوه قضاييه و مشغول قضاوت هستند يا مشغول يك كار ديگري هستند، اينها وظيفه‏شان زيادتر از ديگران است. اگر- خداي نخواسته- يك قضاوتي بر خلاف حق واقع بشود- و لو اشتباهاً- اين منعكس مي‏شود كه اينها دارند خرابكاري مي‏كنند. ما را آن طور مي‏خواستند منزوي كنند كه لباس جندي را مي‏گفتند با عدالت منافات دارد. حضرت امير لباس جندي داشت، با عدالت منافات داشت؟! حضرت سيد الشهدا نداشت لباس جندي؟ اينها با آن تبليغات بسيار وسيعشان ما را منزوي كرده بودند؛ يعني، خود ما را، به مغزهاي ما آن قدر خوانده بودند كه خودمان باور كرده بوديم كه نبايد ما در سياست دخالت كنيم. نخير، مسأله اين نيست. مسئله دخالت در سياست در رأس تعليمات انبياست. مسئله جنگ مسلحانه با اشخاصي كه آدم نمي‏شوند و مي‏خواهند ملت را تباه كنند، در رأس برنامه‏هاي انبيا بوده است. ما همه تعليمات انبيا را كنار گذاشتيم، فقط به آن تعليماتي كه با- عرض مي‏كنم- دخالت نكردن در سياست و دخالت نكردن در جامعه و اينها [مرتبط است‏] فقط همينش را گرفته‏ايم. نمازش را گرفته‏ايم، باقي را رها كرديم.» [[270]](#footnote-271)

366 رهبري: «چه كسي گفته كه باطل هيچ‏وقت در دنيا قادر نخواهد بود كه به حق ضربه بزند، يا موقتاً آن را از بين ببرد؟ كدام قانوني اين‏چنين مي‏تواند باشد؟ آن چيزي كه در قانون الهي است، اين است كه در نهايت، حق پيروز خواهد شد؛ در نهايت، باطل سرنگون خواهد شد؛ اما چه كسي گفته است كه در اثناي راه، باطل فرصت پيدا نخواهد كرد كه حق را مورد ضربات خود قرار دهد و حتّي آن را از ميدان خارج كند؟ البته يك قانون ديگر هست: اگر به خاطر حق، مبارزه انجام بگيرد، هيچ باطلي قادر نخواهد بود جلو بيايد. اگر مبارزه و مجاهدت بشود، خداي متعال كمك و هدايت مي‏كند؛ اما اگر مجاهدت نشود، اگر بي‏كار بنشينيم، اگر هوشياري بخرج ندهيم، اگر در سنگر بخوابيم، آيا بازهم دشمن نمي‏آيد سنگر ما را فتح كند؟ چه كسي چنين چيزي را گفته است؟ ما بايد تلاش كنيم، تا دشمن ناكام بشود. اگر ما تلاش نكرديم، دشمن كامياب خواهد شد؛ و نستجير باللّه من ذلك. ما نبايد بگذاريم در زمان ما و با مسئوليت ما و روي دوش ما، اين‏چنين شود. به همين خاطر، تكليف علما از اين جهت هم بسيار مهم است.» [[271]](#footnote-272)

367 امام: «[روحانيت شيعه هميشه در رأس مبارزات بوده است، ولي آيا اين هم صحيح است كه روحانيت كه در جهان به اين پيچيدگي قادر به اداره مملكت نبوده، در كارهاي تكنيكي از غير روحاني استفاده نكنيم؟] - اين هم جزو تبليغات سوئي است كه بر ضد روحانيت‏ مي‏شود. آيا آقاي كارتر كه رئيس جمهور است همه كارها را خودش در امريكا انجام مي‏دهد؟ نه، افرادي را وامي‏دارد كه كارها را انجام دهند. روحانيت‏ نمي‏خواهد خودش كارخانه راه بيندازد يا طياره ببرد.» [[272]](#footnote-273)

368 رهبري: «امروز، روحانيت‏ است كه بر تمام دستگاه‏هاي اقتصادي كشور مشرف است. امروز، اگر آن شخص روحاني‏ كه سياستهاي كشور را او بايد بگذارد يعني مقام رهبري بگويد كه مثلًا شما در بخش صنعت با فلان خصوصيات، حق نداريد يك ريال سرمايه‏گذاري كنيد، دولت در آن بخش، يك ريال سرمايه‏گذاري نخواهد كرد. امروز، سياست‏گذاري روحاني‏ مي‏تواند مملكت را به سمت كشاورزي بكشاند، به سمت صنعتي بكشاند، خداي نكرده به سمت وابستگي بكشاند، يا به سمت خودكفايي و استقلال و شكوفايي اقتصادي سوق دهد، يا به سمت ركود اقتصادي بكشاند.» [[273]](#footnote-274)

369 رهبري: «اداره نظام و مردم و ساختن و پرداختن و جمع و جور كردن مجموعه زندگي انسانها براساس اسلام، كار بسيار پيچيده و ظريف و دشواري است كه در اين زمان بر دوش ما و علما در جامعه اسلامي است.» [[274]](#footnote-275)

370 امام: «اسلام الآن مطرح است. يعني مقابله بين اسلام است و كفر. و در اين مقابله ما بين اسلام و كفر همه ملت مسئولند، همه مسئولند. لكن روحانيت‏ بيشتر مسئول است. براي اينكه پاسداران درجه اول روحانيينند. اينها بيشتر مسئولند از ديگران. مي‏شود گفت كه سنخ، صنف مثلًا كاسب، صنف كذا، اينها مثلًا اكثراً قاصرند، چطور، اما در اهل‏ علم‏ اين كم است، قصور كم است، مسئوليت هم زياد. بايد فكر بكنيد كه اين مسئوليتي كه الآن به عهده همه ما هست، چطور ما از زير بار مسئوليت بيرون برويم. نه شما آقايان اروميه و نه آقايان آذربايجان و نه آقايان تهران و قم [بلكه‏] همه علماي ايران، اين بار به دوش همه است، همه ملت است. سنگيني‏اش بيشتر به دوش علماست.» [[275]](#footnote-276)

1/3/3. عدم دخالت روحانيت در امور اجرايي (نظر قبلي)

371 امام: «من چنين چيزي نگفته‏ام كه روحانيون‏ متكفل حكومت خواهند شد. روحانيون‏ شغلشان چيز ديگري است. نظارت بر قوانين البته به عهده روحانيون‏ است و اتكاي روحانيون‏ هم به ملت است نه به حزبي.» [[276]](#footnote-277)

372 امام: «من و ساير روحانيون‏ در حكومت، پستي را اشغال نمي‏كنيم. وظيفه روحانيون‏ ارشاد دولتهاست.» [[277]](#footnote-278)

373 امام: «من بنا ندارم كه خودم يا اشخاصي كه حالا در پيش من هستند از روحانيون‏، جانشين رژيم بشوند؛ لكن ما در ايران و خارج كشور نيروهايي داريم كه در همه ابعاد دانشمند و متفكر و كارآمد هستند. و در نظر داريم كه آنها را جانشين رژيم بكنيم. اشخاصي كه در داخل و خارج هستند، و با ملت هستند قادرند به اداره كشور.»[[278]](#footnote-279)

374 امام: «علما خود حكومت نخواهند كرد، آنان ناظر و هادي مجريان امور مي‏باشند. اين حكومت در همه مراتب خود، متكي به آراي مردم و تحت نظارت و ارزيابي و انتقاد عمومي خواهد بود.» [[279]](#footnote-280)

375 امام: «روحانيون‏ در حكومت آينده نقش ارشاد و هدايت دولت را دارا خواهند بود.»[[280]](#footnote-281)

376 امام: «اگر مقصود از اينكه نقش داشته باشد روحانيت، بله روحانيت نقش دارد. در حكومت هم نقش دارد. نمي‏خواهد حاكم بشود، لكن مي‏خواهد نقش داشته باشد. شما در همين قضيه رئيس جمهوري به ما پيشنهاد مي‏كردند كه، پيشنهاد كردند از اشخاص، حتي از دانشگاه به اينكه ما حالا بعد از مدتها فهميديم كه اطمينان به ديگران نيست. روحاني‏ باشد من مي‏گفتم نه، روحاني‏ نقش بايد داشته باشد، خودش رئيس جمهور نشود. لكن در رياست جمهور نقش بايد داشته باشد. كنترل بايد بكند. آن به منزله كنترل يك ملتي است. يك مملكتي است. نمي‏خواهد روحاني‏ رئيس- مثلًا فرض كنيد كه- رئيس دولت باشد. لكن نقش دارد در آن. اگر رئيس دولت بخواهد باشد كذا، پا را كج بگذارد اين جلويش را مي‏خواهد بگيرد.» [[281]](#footnote-282)

2/3/3. حضور روحانيت در اداره نظام (نظر جديد)

377 امام: «خداوند به ما منت گذاشته است كه سفرا و دولت ما همه از اشخاصي هستند كه درد جامعه را مي‏فهمند، زيرا بسياري از آنها روحاني‏ هستند كه با مردم رابطه داشته‏اند و مي‏دانند مردم چه وضعي داشته‏اند و درد آنها را ادراك مي‏كنند.» [[282]](#footnote-283)

378 امام: «ما چنانچه فرض كنيد اشخاصي كه به آنها رأي مي‏دهيم، يا مردم اشخاصي را كه رأي مي‏دهند در ميان آنها روحاني‏ زياد است، براي اين نگراني است كه چنانچه روحانيون نباشند شما را باز به غرب مي‏كشند. قانون شما را غربي مي‏كنند. همان مسائل سابق را براي شما پيش مي‏آورند، از اين جهت اينها بايد نظارت كنند. اگر اينها نباشند و نظر نكنند باز مسائل سابق عود مي‏كند.» [[283]](#footnote-284)

379 رهبري: «هركدام از مسئولان روحاني‏ هم كه در كشور مشغول كارهاي اجرايي هستند، در درجه اول، روحاني‏ هستند و در درجه دوم، مسئول. يعني اگر اين مسئوليت را كنار بگذارند، يا از آن‏ها بگيرند، يك روحاني‏اند و مشغول كار روحاني‏شان هستند. اين، پديده خيلي بزرگ و مهمي است و بايد مهم شمرد.»[[284]](#footnote-285)

380 رهبري: «مسئولان بالاي كشور و بخشهاي مختلف، بايد بزرگترين مظهر تقوايشان اين باشد كه آن مسئوليتي را كه برحسب قانون بر عهده گرفته‏اند، به بهترين وجه و بدون هيچ نقصي ادا كنند. البته در سطوح متوسّط يا در بدنه وسيعِ مسئولان كشور، ممكن است نشود توقّعات را در اين حد براي آن‏ها مطرح كرد؛ اما در مورد مسئولان سطح بالا و مديران ارشد نظام- نمايندگان مجلس، مسئولان قوّه قضائيّه، اعضاي دولت، نيروهاي مسلّح، نهادهاي انقلابي و بخشهاي مسئول روحاني‏ در زمينه انقلاب- مي‏شود. اين مسئولان- كه الحمد للّه بيشترشان در اينجا جمع هستند- بايد بيشترين تلاش و كار را بكنند تا اين مسئوليتهايي كه به عهده آن‏هاست، به بهترين وجه انجام گيرد. اگر اين شد، زندگي مردم آباد و عقب‏ماندگيهاي كشور جبران خواهد شد؛ كمااينكه هر مقدار كه كار كرديم، اثرش را در جامعه ديده‏ايم.»[[285]](#footnote-286)

381 رهبري: «[آيا فكر نمي‏كنيد كه عملكرد مسئولانِ روحاني حكومت باعث ايجاد فقر شده است؟] اگر منظور اين است كه چون روحانيون مصدر كار قرار گرفته‏اند، باعث فقر شده‏اند؛ نه، اين غلط است. الآن بخشهايي كه مربوط به اين كارند، هيچ‏كدام روحاني نيستند. وزراي اقتصاد و دارايي، بازرگاني، كشاورزي، صنايع، كار و تعاون، در طول اين چند سال كداميك روحاني‏ بوده‏اند؟ روحانيوني هم كه به عنوان رئيس‏جمهور به كار مشغول بوده‏اند چه رئيس‏جمهور فعلي، چه رئيس‏جمهور قبلي كساني بوده‏اند كه مردم آن‏ها را انتخاب كرده بودند. بنابراين روحانيت‏ در كار اقتصادي و در برنامه‏ريزي‏هاي اقتصادي اصلًا دخالتي ندارد كه بگوييم وجود اين فقر مربوط به آن‏هاست؛ نه، اين مربوط به چيزهاي ديگر است.» [[286]](#footnote-287)

382 رهبري: «تصور من اين است كه براي اهل‏ علم‏ و آقايان روحانيون‏، اين دوران، دوران بسيار حساسي است؛ چه روحانيوني كه در دستگاه‏هاي دولتي، مثل دستگاه قضائي، يا دولت و نهادها مشغول خدمات رسمي و موظف هستند، و چه آقاياني كه در شهرها به تدريس، يا امامت جمعه، يا امامت جماعات، يا منبر مشغولند. علت هم اين است كه امروز توقع مردم از ما بيش از گذشته است. روحانيت‏ از مردم دعوتي كرد، مراجع اسلام و در رأس همه امام بزرگوار ما از مردم براي عمل به اسلام و محقق كردن آن در متن جامعه، دعوت كردند. اين دعوت، منجر به اين انقلاب عظيم و تشكيل نظام جمهوري اسلامي شد. حالا خود دعوت‏كننده كه آمر بالبر است، قهراً دو تكليف عمده بر دوش دارد: يكي تكليف شخصي در عمل اوست فيما بينه و بين الله، يكي همگامي با انقلاب و خدمت در جهت پيشبرد انقلاب است. هر دو هم مهم است؛ اما اگر خداي نكرده ما در تكليف اول سستي كنيم و كوتاهي بخرج بدهيم، ايمان مردم به معنويت روحانيت‏ سست خواهد شد؛ چون ما با توپ و تفنگ و اين چيزها كه پيش نبرديم؛ ما با اعتقادي كه مردم به روحانيت‏ داشتند، پيش برديم.» [[287]](#footnote-288)

1/2/3/3. دليل ضرورت حضور روحانيت در امور اجرايي

383 امام: «و من اين يك كلمه را عرض بكنم- شايد قبلًا هم عرض كرده باشم- و آن اينكه من از اول كه در اين مسائل بوديم و كم كم آثار پيروزي داشت پيدا مي‏شد، در مصاحبه‏هايي كه كردم، چه با كساني كه از خارج آمدند، حتي در نجف و در پاريس و چه در حرفهايي كه خودم زدم، اين كلمه را گفته‏ام كه روحانيون شغلشان يك شغل بالاتر از اين مسائل اجرايي است- و چنانچه اسلام پيروز بشود، روحانيون مي‏روند سراغ شغلهاي خودشان. لكن وقتي كه ما آمديم و وارد در معركه شديم، ديديم كه اگر روحانيون را بگوييم همه برويد سراغ مسجدتان، اين كشور به حلقوم امريكا يا شوروي مي‏رود. ما تجربه كرديم و ديديم كه اشخاصي كه در رأس واقع شدند و از روحانيون نبودند، در عين حالي كه بعضيشان هم متدين بودند، از باب اينكه آن راهي كه ما مي‏خواستيم برويم و آن راهي كه‏ مستقل باشيم و با نان و جو خودمان بسازيم و زير فرمان قدرتهاي بزرگ نباشيم، آن راه، با سليقه آنها موافق نبود. و لهذا، چون آنجا ديديم كه ما نمي‏توانيم در همه جا يك افرادي پيدا بكنيم كه صد در صد براي آن مقصدي كه اين ملت ما براي آن، جوانهاشان را دادند و اموالشان را دادند، نمي‏توانيم پيدا بكنيم، ما تن داديم به اينكه رئيس جمهورمان از علما باشد. و گاهي- رئيس فرض كنيد كه- نخست وزيرمان هم همين طور. و در جاهاي ديگر هم كه قبلًا گفته بوديم، بنا نداريم اين طور باشد و الآن هم عرض مي‏كنم هر روزي كه ما فهميديم كه اين كشور را يك دسته از اين افرادي كه روحاني نيستند، به آن طوري كه خداي تبارك و تعالي فرموده است، اداره مي‏كنند، آقاي خامنه‏اي تشريف مي‏برند سراغ شغل روحاني بزرگ خودشان و نظارت بر امور و ساير آقايان هم همين طور. ما اين طور نيست كه هر جا يك كلمه‏اي گفتيم و ديديم مصالح اسلام، حالا ما آمديم ديديم اين جور نيست، اشتباه كرده بوديم، بگوييم ما سر اشتباه خودمان باقي هستيم. ما هر روزي فهميديم كه اين كلمه‏اي كه امروز گفتيم اشتباه بوده و ما قاعده‏اش اين است كه يك جور ديگر عمل بكنيم، اعلام مي‏كنيم كه آقا اين را ما اشتباه كرديم، بايد اين جوري بكنيم. ما دنبال مصالح اسلام هستيم، نه دنبال پيشرفت حرف خودمان. به من مهلت بدهيد كه عرايضمان را به آقايان عرض بكنم- بنا بر اين، مسأله يك چيزي نيست كه آقايان به ما بگويند: شما آن روز اين جوري گفتيد. راست است، ما آن روز خيال مي‏كرديم كه در اين قشرهاي تحصيلكرده و متدين و صاحب افكار، افرادي هستند كه بتوانند اين مملكت را به آن جوري كه خدا مي‏خواهد، ببرند، آن طور اداره كنند. وقتي ديديم كه نه، ما اشتباه كرديم، آمدند بعضيشان خودشان را به ما جا زدند- ما هم كه غيب نمي‏دانيم. و بعضيشان هم خوب بودند لكن رأيشان با رأي ما مخالف بود- ما از حرفي كه در مصاحبه‏ها گفتيم، عدول كرديم و موقتاً تا آن وقتي كه اين كشور را غير روحاني‏ مي‏تواند اداره كند، آقايان روحانيون به ارشاد خودشان و به مقام خودشان برمي‏گردند و محول مي‏كنند دستگاههاي اجرايي را به كساني كه براي اسلام دارند كار مي‏كنند و تا مسأله اين طور است كه ابهام پيش ما هست، احتمال هست‏ اگر در يك ميليون احتمال، يك احتمال ما بدهيم كه حيثيت اسلام با بودن فلان آدم يا فلان قشر در خطر است، ما مأموريم كه جلويش را بگيريم تا آن قدري كه مي‏توانيم. هر چه مي‏خواهند به ما بگويند، بگويند كه كشور ملايان، حكومت آخونديسم و از اين حرفهايي كه مي‏زنند. و البته اين هم يك حربه‏اي است براي اينكه ما را از ميدان به در كنند. ما نه، از ميدان بيرون نمي‏رويم.»[[288]](#footnote-289)

384 امام: «بله، ما يك وقتي كه در نجف بوديم اين كلمه را گفته‏ام من كه علما مرتبه‏شان بالاتر از اين است كه داخل بشوند در امور اجرايي. لكن در وقتي كه افرادي باشد كه آن افراد، متعهد به اسلام باشند و بتوانند كارها را روي موازين اسلامي اجرا كنند، نه اينكه اگر هيچ كس هم نباشد و اشخاصي باشند كه نتوانند روي مجاري اسلامي عمل كنند يا نخواهند روي مجاري اسلامي عمل كنند، باز هم آقايان بروند كنار بنشينند و تماشاچي باشند كه آنها ما را بكشانند به آنجايي كه خودشان مي‏خواهند.» [[289]](#footnote-290)

385 امام: «و من اين يك كلمه را عرض بكنم- شايد قبلًا هم عرض كرده باشم- و آن اينكه من از اول كه در اين مسائل بوديم و كم كم آثار پيروزي داشت پيدا مي‏شد، در مصاحبه‏هايي كه كردم، چه با كساني كه از خارج آمدند، حتي در نجف و در پاريس و چه در حرفهايي كه خودم زدم، اين كلمه را گفته‏ام كه روحانيون شغلشان يك شغل بالاتر از اين مسائل اجرايي است- و چنانچه اسلام پيروز بشود، روحانيون مي‏روند سراغ شغلهاي خودشان. لكن وقتي كه ما آمديم و وارد در معركه شديم، ديديم كه اگر روحانيون را بگوييم همه برويد سراغ مسجدتان، اين كشور به حلقوم امريكا يا شوروي مي‏رود. ما تجربه كرديم و ديديم كه اشخاصي كه در رأس واقع شدند و از روحانيون نبودند، در عين حالي كه بعضيشان هم متدين بودند، از باب اينكه آن راهي كه ما مي‏خواستيم برويم و آن راهي كه‏ مستقل باشيم و با نان و جو خودمان بسازيم و زير فرمان قدرتهاي بزرگ نباشيم، آن راه، با سليقه آنها موافق نبود. و لهذا، چون آنجا ديديم كه ما نمي‏توانيم در همه جا يك افرادي پيدا بكنيم كه صد در صد براي آن مقصدي كه اين ملت ما براي آن، جوانهاشان را دادند و اموالشان را دادند، نمي‏توانيم پيدا بكنيم، ما تن داديم به اينكه رئيس جمهورمان از علما باشد. و گاهي- رئيس فرض كنيد كه- نخست وزيرمان هم همين طور. و در جاهاي ديگر هم كه قبلًا گفته بوديم، بنا نداريم اين طور باشد و الآن هم عرض مي‏كنم هر روزي كه ما فهميديم كه اين كشور را يك دسته از اين افرادي كه روحاني نيستند، به آن طوري كه خداي تبارك و تعالي فرموده است، اداره مي‏كنند، آقاي خامنه‏اي تشريف مي‏برند سراغ شغل روحاني بزرگ خودشان و نظارت بر امور و ساير آقايان هم همين طور.» [[290]](#footnote-291)

ر.ك. 462 امام: «آنچه مهم است اين است كه ما مي‏خواهيم مطابق شرع اسلام مسائل را پياده كنيم. پس اگر قبلًا اشتباه كرده باشيم بايد صريحاً بگوييم اشتباه نموده‏ايم. و عدول در بين فقها از فتوايي به فتواي ديگر درست همين معنا را دارد. وقتي فقيهي از فتواي خود برمي‏گردد يعني من در اين مسأله اشتباه نموده‏ام و به اشتباهم اقرار مي‏كنم. فقهاي شوراي نگهبان و اعضاي شوراي عالي قضائي هم بايد اين طور باشند كه اگر در مسئله‏اي اشتباه كردند صريحاً بگويند اشتباه كرديم و حرف خود را پس بگيرند، ما كه معصوم نيستيم. پيش از انقلاب من خيال مي‏كردم وقتي انقلاب پيروز شد افراد صالحي هستند كه كارها را طبق اسلام عمل كنند، لذا بارها گفتم روحانيون مي‏روند كارهاي خودشان را انجام مي‏دهند. بعد ديدم خير، اكثر آنها افراد ناصالحي بودند و ديدم حرفي كه زده‏ام درست نبوده است، آمدم صريحاً اعلام كردم من اشتباه كرده‏ام. اين براي اين است كه ما مي‏خواهيم اسلام را پياده كنيم. پس در اين رابطه ممكن است من ديروز حرفي را زده باشم و امروز حرف ديگري را و فردا حرف ديگري را، اين معنا ندارد كه من بگويم چون ديروز حرفي زده‏ام بايد روي همان حرف باقي بمانم امروز مي‏گويم ما دام كه احكام اسلام پياده نشده است و افراد صالحي نداشتيم تا طبق اسلام عمل كنند، علما بايد مشغول به كارهايشان باشند. اين شأني براي علما نيست كه رياست جمهوري و يا پست ديگري را داشته باشند. چون وظيفه است به اين كارها مي‏پردازند. خلاصه يك چيز را نبايد فراموش كنيم كه همه‏ مي‏خواهيم اسلام پياده شود.» [[291]](#footnote-292)

ر.ك. 491 امام: «حوزه‏هاي علميه امروز بايد بيشتر از سابق در مسائل اسلامي و فقه جديت نمايند، و مسأله فقه به همان نحوي كه مشايخ درست كرده‏اند، بايد محفوظ بماند. لكن الآن كه ايران به واسطه گرفتاري‏ها به اهل علم احتياج دارد، اگر چه به طور موقت آقايان بايد به‏ خدمت‏هايشان ادامه دهند، و درست است كه تحصيل فقه در اولويت است، اما همه اينها به خاطر حفظ اسلام است. و امروز اگر براي حفظ اسلام احتياج باشد كه آقايان به جبهه‏ها بروند و رزمندگان را تشويق بنمايند، بايد اين كار را انجام دهند. و همچنين امور قضايي از باب اينكه قضاوت و يادگيري آن از حوزه‏ها سلب شده بود، و كسي هم فكر دخالت در آن نمي‏كرد، و از اين جهت نقيصه زياد داشت و دارد. و با اينكه پيش از اين من اجازه نمي‏دادم كه با تقليد، قضاوت انجام شود، لكن چون كمبود داريم افرادي كه با تقليد مي‏توانند عهده‏دار اين مسأله باشند، مانعي ندارد. و شايد شما مطلع باشيد با آنكه شارع مقدس به امر قضا آن همه اهتمام داشته است، در سابق بر خلاف اين حتي يك عدّه كمونيست هم قضاوت مي‏كردند. و آقايان به خاطر اينكه اين منصب بزرگ به دست بي‏تقواها نيفتد بايد در اين امر شركت كنند. و ما تكليف داريم كه قضاوت و ساير جهات را حفظ كنيم، تا زماني كه جمهوري اسلامي در سير خود قرار بگيرد، آن گاه علما به پست‏هاي خودشان كه از همه شريفتر است برگردند. و من از ابتدا همين مطلب را مي‏گفتم كه علما شأنشان نيست مسئوليت دولتي بپذيرند؛ خيال مي‏كردم كه بدون آنها كارها درست مي‏شود. ولي پس از مدتي ديدم كه اگر به اين وضع باقي بمانيم، اصل اسلام هم در خطر مي‏افتد، و از آن مبناي اول برگشتم. و تا مادامي كه اينها اشخاص صالح را به جاي خود پيدا نكرده‏اند، بايد باشند.» [[292]](#footnote-293)

ر.ك. 481 امام: «تحصيل علم از اموري است كه واجب كفايي است و از امور مهم است، لكن اگر ما يك وقت احتياج داشتيم به اينكه علما و افراد مستعد الآن تحصيل علم را كنار بگذارند و بروند در جبهه‏ها و دلداري بدهند به اينها، هدايت كنند اينها را يا بروند به شهرهاي دور افتاده و هدايت كنند آنها را، اين مستحب بسيار بزرگ را بايد كنار بگذارند، بروند آن كار را انجام بدهند؛ براي اينكه آن واجب است. انجام بدهند، بعد كه آرامش حاصل شد برگردند آقايان تحصيل بكنند چنانچه همه متصديان روحاني كه هستند، الآن از باب اينكه مي‏بينند كه نمي‏تواند و نخواهد توانست كسان ديگر اداره اين كشور را آن طوري كه اسلام مي‏خواهد اداره بكند و ما تجربه كرديم كه نشد، اين آقايان با اينكه شغلشان اين نيست و حالا من عرض مي‏كنم كه بناي روحانيون‏ بر اين نيست كه حكومت را بگيرند. حكومت چيست؟ اما بناي روحانيون‏ بر اين نيست كه اسلام را حفظ كنند؟! ما گمان مي‏كرديم كه در بين روشنفكران ما- به اصطلاح- خوب، اشخاصي پيدا مي‏شوند كه متعهدند و حفظ مي‏كنند اين را. اگر حالا هم پيدا شد يك همچو اشخاصي، يك همچو جمعيتهايي، آقايان پستهاي مهمتر دارند، مي‏روند سراغ كارشان؛ آقاي هاشمي هم مي‏روند، آقاي خامنه‏اي هم مي‏روند و همه كساني كه متصدي هستند. اما، ما چه بكنيم؟ امروز وضع ما، وضع ايران، وضع گرفتاريهاي داخل و خارج به جوري است كه بدون اينها نمي‏شود اداره كرد اين مملكت را؛ يا مي‏كشانندش به طرف امريكا و يا كمونيسم؛ يا مي‏كشانندش به طرف امريكا و سرمايه داري يا مي‏كشانندش طرف كمونيسم و آن بساط، و ما لازم است برايمان حفظ كنيم.» [[293]](#footnote-294)

2/2/3/3. احتياج نظام به روحانيون

386 امام: «مخصوصاً من از روحانيون‏ همه كشور مي‏خواهم كه در يك همچو موقعي كمك كنند به دولت و كمك كنند به آرمانهاي اسلام. اگر بخواهند يك وقت خداي نخواسته، آنها هم در آنجا يك كارهايي بكنند، كه نمي‏كنند ان شاء اللَّه، و ليكن اگر يك وقتي جوري بشود كه شكست بشود براي دولت، شكست بشود براي- عرض بكنم كه- مجلس، امثال اينها، اين يك امري است كه خوب، خودمان را با دست خودمان مي‏خواهيم فدا كنيم. و بايد عقلمان را باز كنيم به اينكه ما گرفتار به چنگال يك ديوهايي هستيم كه بايد خودمان، خودمان را نجات بدهيم. ننشينيم به اينكه ديگري بشود، ديگري هم ما نداريم، ما خودمانيم، ما الآن ديگري نداريم كه او بيايد ما را نجات بدهد. ما خودمان بايد خودمان را نجات بدهيم، و اين بسته به دست شماهاست، و بسته به دست علماي اسلام است، و بسته به دست مجلس است و اينها.» [[294]](#footnote-295)

387 رهبري: «در گوشه و كنار، شايد افرادي هستند كه خيال مي‏كنند اين نشانه زهد و علم آنان است كه از كار كنار بكشند و كاري با حكومت نداشته باشند. مگر چنين چيزي امكان دارد؟! البته چون مي‏خواهيم نسبت به مسائل، حُسن ظن داشته باشيم، مي‏گوييم: «اين، نشانه بي‏خبري و غفلت آنان است.» و الّا اگر غفلت و بي‏خبري نباشد، نشانه چيزهاي خيلي بدي خواهد بود. پس، اين فرض هم مردود است.» [[295]](#footnote-296)

388 رهبري: «اگر شما به صدر اسلام هم نگاه كنيد، مي‏بينيد حتّي زماني كه نَفَس مطهر پيامبر هم به مردم مي‏خورد، اين‏طور نبود كه همه مردم يكشبه مسلمان بشوند و همه كارها در مدت كوتاهي اصلاح بشود. اصلاح كلي و عمومي، حركت بلندمدت لازم دارد، كه آن هم به عهده همه است؛ و از جمله اين همه، ما معممان و روحانيون‏ هستيم كه بيشترين‏ تكليف به عهده ماست. پس وظيفه اول، حفظ نظام است. هيچ‏كس نمي‏تواند به اتكاي اينكه فلان‏جا فلان تخلف شده، حركتي انجام بدهد يا حرفي بزند كه اين نظام اسلامي را تضعيف كند. البته براي اصلاح مفاسد، همه بايد از طرق معقول خودش كار كنند. امر به معروف و نهي از منكر يك واجب اسلامي است و بايد در ميان مردم رايج بشود.»[[296]](#footnote-297)

389 رهبري: «امروز موضع روحانيت‏ چه بايد باشد و كجا قرار بگيرد؟ حقيقت اين است كه امروز در جهات مختلف، روحانيت‏ بايد در موضع حراست و دفاع از نظام قرار بگيرد؛ اين را هرگز نبايد فراموش كرد. امروز هيچ عاملي نبايد بتواند روحانيت‏ شيعه را از دفاع از نظام جمهوري اسلامي منفك كند. هر شرايطي كه پيش بيايد، اين‏گونه است.» [[297]](#footnote-298)

390 رهبري: «ما اين را بدانيم كه امروز مسئوليت روحانيت‏، بسيار سنگين است. اولين مسئوليت شما، عبارت از پاسداري از اسلام و نظام اسلامي است.» [[298]](#footnote-299)

1/2/2/3/3. دستگاه قضايي

391 امام: «نكته آخري كه توجه به آن لازم است اينكه روحانيون و علما و طلاب بايد كارهاي قضايي و اجرايي را براي خود يك امر مقدس و يك ارزش الهي بدانند و براي خود شخصيت و امتيازي قائل بشوند كه در حوزه ننشسته‏اند بلكه براي اجراي حكم خدا راحتي حوزه را رها كرده و مشغول به كارهاي حكومت اسلامي شده‏اند. اگر طلبه‏اي منصب امامت جمعه و ارشاد مردم يا قضاوت در امور مسلمين را خالي ببيند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث مسئوليت نپذيرد و يا دلش را فقط به هواي اجتهاد و درس خوش كند، در پيشگاه خداوند بزرگ يقيناً مؤاخذه مي‏شود و هر گز عذر او موجه نيست، ما اگر امروز به نظام خدمت نكنيم و استقبال بي‏سابقه مردم از روحانيت را ناديده بگيريم، هر گز فرصت و شرايط بهتر از اين را نخواهيم داشت.» [[299]](#footnote-300)

392 رهبري: «البته بايد بزرگان و فضلا و كساني كه در خود، توانايي اين كار را مي‏بينند، به اين كار مهم بشتابند. اگر امروز هم علما و روحانيون‏ بزرگوار و فضلاي ما، به سمت دستگاه قضائي نيايند و اين كار عظيم و اين بار سنگين را بر دوش نگيرند، كي اين كار خواهد شد؟ امروز، روزي است كه مؤمنان و صلحا، هرچه سرمايه دارند، بايد در خدمت اين انقلاب و به پاي اين نهال بريزند و اين نهال را رشد بدهند. براي اسلام و قرآن، همين نهال مقدس است كه سودمند خواهد بود. ماوراي اين، هيچ‏چيز نيست. همين است كه ما را به حكومت عدل الهي خواهد رساند و جامعه مطلوب و مورد آرزو را در اختيار مسلمانان قرار خواهد داد. هرچه هست، ما در پاي اين بريزيم. همه سربازيم و همه موظفيم. همه ما وظيفه داريم كه هر كاري بر عهده‏مان است، انجام بدهيم.»[[300]](#footnote-301)

393 امام: «مسئله قضا يك مسئله‏اي است كه به عهده اهل‏ علم‏ است، اينها مسئول هستند پيش خدا و نمي‏شود كه انسان بنشيند نگاه كند و قضاوت به وضعي باشد كه نتوانند، شوراي قضايي نتواند در هر جا يك قاضي متوسط بفرستد.» [[301]](#footnote-302)

394 امام: «ما به اندازه قضاوت در تمام كشور، افراد نداريم؛ از باب اينكه ما از اول مجهز براي اين كار نبوده‏ايم. ما سالها- يعني، از اول تا حالا- دست ما نبوده است قضاوت، دست ديگران بوده، حالا كه آمده، ما افراد نداريم كه شرايط را داشته باشند. اين افراد هم افرادي هستند كه خوب، تا حتي الامكان بهتر از اين است كه شارب الخمري بيايد قاضي بشود. شما وضع دادگستري را نمي‏دانيد چه خبر بوده است. ما هم درست الآن نمي‏دانيم كه وضع دادگستري چه خبر بود. شايد از همه جاها فساد دادگستري بيشتر بوده. حالا بخواهيم اين دادگستري را يكدفعه متحولش كنند به يك دادگستري اسلامي، افراد لازم دارد، كار لازم دارد و بايد با تدريج، كمك، كمك مي‏خواهد؛ يعني ملت، روحانيت‏- خصوصاً- در باب قضاوت، روحانيت‏ بايد خيلي كمك بكند و الحمد للَّه، مشغول هم هستند براي اينكه تهيه بكنند.»[[302]](#footnote-303)

395 امام: «و اما گرفتاريهايي كه ما الآن داريم و بايد دنبالش برويم يكي مسئله قضاوت است. اين را من سابق هم عرض كردم و ديروز يك نفر از شوراي قضايي آمد پيش من و گفت ما امروز در عين حالي كه بسيار كار كرديم و بسيار خوب شده است اوضاع قضا، مع ذلك كمبود داريم از حيث قاضي. ايشان گفتند كه ما الآن 120 نفر قاضي معمم لازم داريم، روحاني‏ لازم داريم. و من قبلًا هم عرض كرده بودم كه ما دست احتياج را به اين حوزه‏ها دراز مي‏كنيم، حوزه‏هاي بزرگ مثل حوزه قم- قم خيلي كار كرده است در اين امر- مثل حوزه اصفهان، مثل حوزه مشهد، آذربايجان. آقا! مسئله قضا يك چيزي است كه به‏ عهده شماست، مسئله قضا يك مسئله‏اي است كه به عهده اهل علم است، اينها مسئول هستند پيش خدا.» [[303]](#footnote-304)

396 رهبري: «دستگاه قضائي، دستگاهي است كه روحانيت‏ در آن، بيش از همه جاي اين كشور، حضور داشته و سرمايه‏گذاري كرده است. اگر خداي نكرده، خللي در اين دستگاه به وجود بيايد، ضايعه‏اش فقط به خود دستگاه نمي‏رسد؛ بلكه به روحانيت‏ هم مي‏رسد. لذا در اينجا، بايد خيلي همت و بلندنظري بخرج داد. واقعاً آقاياني كه در اين دستگاه هستند، از قضات و دادستانها و مأموران گوناگون، بايد براي خاطر خدا و حفظ حيثيت انقلاب كه اين دستگاه قضائيش است و حفظ حيثيت روحانيت‏ كه بدنه دستگاه قضائي را تقريباً پُركرده است دندان خيلي از خوشيهاي دنيا را بكَنند.» [[304]](#footnote-305)

ر.ك. 115 امام: «آبروي اسلام به دست شماست. روحانييني كه در قوه قضاييه و مشغول قضاوت هستند يا مشغول يك كار ديگري هستند، اينها وظيفه‏شان زيادتر از ديگران است. اگر- خداي نخواسته- يك قضاوتي بر خلاف حق واقع بشود- و لو اشتباهاً- اين منعكس مي‏شود كه اينها دارند خرابكاري مي‏كنند.» [[305]](#footnote-306)

397 امام: «امروز غير از زمان سابق است كه روحانيت‏ نمي‏توانست كاري بكند، بلكه روحانيت‏ مسئول است، نمي‏تواند كنار بنشيند و به دعا و ذكر مشغول گردد. احتياجات ما زياد است، احتياج به تبليغ و احتياج به قضاوت، و در عين حال كه شوراي عالي قضائي زحمت كشيده است، ولي كمبود قاضي وجود دارد. حوزه‏ها و علما بايد همت كنند كه درس قضا بگويند و قضات را از فنوني كه در سابق، مانند زمان حضرت امير- عليه السلام استفاده مي‏شد آگاه كنند؛ كه مسأله قضاوت تنها يك مسأله علمي نيست، بلكه يك مسأله فني هم هست؛ كه گاهي از همين طريق قاضي به «اطمينان» مي‏رسد، كه در باب قضا حجت است.» [[306]](#footnote-307)

398 رهبري: «مسأله جذب در قوّه قضائيه است كه به نظرم خيلي مهم مي‏آيد. قوّه قضائيه بايد جاذبه پيدا كند؛ يعني واقعاً بايد علما و فضلا و حقوق‏دانها و افراد خوش‏فكر و صاحب‏نظر در مسائل، احساس كنند كه براي همكاري با قوّه قضائيه هيچ حالت منتظره‏اي ندارند. از اين‏ها درخواست شود تا بلافاصله بيايند، حتّي خودشان داوطلب شوند.» [[307]](#footnote-308)

399 امام: «ما نه امروز مبلّغ داريم و نه قاضي داريم. يك عده مختصري، آن قدري كه ايران احتياج به مبلغ دارد، ندارد، حوزه‏ها ندارند. آن قدري كه قاضي لازم دارند، حوزه‏ها ندارند، حوزه‏ها تربيت قضات را نكرده‏اند، يك عده پيرمردها هستند لكن آنها نمي‏روند سراغ اين كارها. ما الآن نسل جوان را بايد براي قضاوت، براي تبليغ تربيت كنيم. براي قضاوت كه واجب است، واجب كفائي است براي همه، بايد تربيت كنيم كه اين واجب كفائي تحقق پيدا بكند، و براي تبليغ هم لازم است ما تبليغ بكنيم. آن هم جزو واجبات است كه ما از اسلام تبليغ بكنيم. آن چيزي كه وارد شده است در قرآن بايد تبليغ كرد به همه جا، و تبليغ لازمه‏اش اين است كه زبان بدانند. شما نمي‏توانيد برويد در انگلستان براي انگليسي‏ها با زبان فارسي تبليغ كنيد يا در امريكا اين طور يا در شوروي. شما بايد با زبان اهلي آنها تبليغ كنيد، و اين از امور لازمه‏اي است كه پيشتر نمي‏شد اسمش را برد، و حالا مي‏بينيم جزو لازم‏هاست و واجبات است كه بايد عمل بشود.» [[308]](#footnote-309)

400 امام: «گاهي وقتها انسان به واسطه احتياط، خلاف احتياط مي‏كند. احتياط مي‏كند فلان آقا كه امر قضا مشكل است و نمي‏شود رفت و نمي‏شود كرد و اين طور چيزها، با اينكه واجب كفايي، واجب عيني است اول به همه. وقتي يك عده‏اي عمل كردند و كفايت حاصل شد، آن وقت از ديگران ساقط مي‏شود، و الّا همه معاقب هستيم اگر چنانچه قضا به زمين بماند، و احتياط بر اين است كه وارد بشوند؛ يعني، امري است واجب، معلوم الوجوب؛ اين احتياط مي‏كنند، اين عذر نمي‏تواند باشد. يا اشخاصي مثلًا مي‏خواهند ادامه بدهند تحصيلاتشان را و بايد هم ادامه بدهند، اما در يك وقتي كه يك واجبي به عهده آنها هست، نمي‏توانند به اين امر مستحب بسيار ارزنده مشغول باشند؛ بايد بروند اين كار را به اندازه كفايت انجام بدهند كه مبادا- خداي نخواسته- يك نفر آدم بي‏گناه [باشد كه‏] به كارش رسيدگي نتوانستند بكنند. بايد بيايند آقايان و وارد بشوند و رسيدگي بكنند. و اين امر را من امروز به عهده مدرسين‏ قم و علماي مشهد و اصفهان و جاهاي ديگري كه حوزه‏هاي علميه هست، اين عهده آنها مي‏گذارم كه آنها خودشان به فكر اين باشند كه افراد را بخواهند و افراد را تشويق كنند، به هر ترتيبي كه مي‏توانند، و تحذير كنند از اينكه يك امر واجب شرعي است، نمي‏شود يك امر واجب شرعي زمين مانده [باشد] و من مشغول نماز شب بشوم. وقتي آن واجب شرعي است، اگر مزاحم با هر مستحبي بشود، آن واجب شرعي را بايد من عمل كنم. اين يك مسأله است كه لازم است كه تذكر داده بشود، و آقايان مدرسين‏ هم و علماي اعلام بلادهم تذكر بدهند و اين نقيصه را كم كنند تا اينكه اين مشكل حل بشود.»[[309]](#footnote-310)

401 امام: «امروز مسئوليت آقايان قضات شرع بسيار سنگين است، چون هم بايد حيثيت اسلام را حفظ كنند و هم حيثيت روحانيت‏ را در نظر بگيرند. دشمنان اسلام با اشاعه دروغ و با بزرگ جلوه دادن نقاط ضعف شما تلاش مي‏كنند حيثيت روحانيت‏ را لكه‏دار كنند تا از نفوذي كه روحانيت‏ در پيشبرد اسلام دارد كاسته شود و آنها بتوانند اسلام را از بين ببرند و به مقاصد شوم خود برسند. امروز مسئوليت آقايان قضات از صدر اسلام هم مهمتر است، چون در صدر اسلام به قضات شرع نسبت به رعايت حقوق مردم سفارش مي‏شد، اما امروز علاوه بر آن، حيثيت و كيان روحانيت‏ هم مطرح است. از اين رو، شما بايد در اعمال و رفتار خود كاملًا دقت و مواظبت داشته باشيد. البته شما صد در صد هم اسلامي عمل كنيد، دشمنان اسلام دست از دروغ و اعتراض بر نخواهند داشت، چون آنها به اسلام و انقلاب عقيده ندارند. بايد كاري كنيد كه آنها مصداق معيني از نقاط ضعف شما نداشته باشند.»[[310]](#footnote-311)

402 امام: «من مي‏خواهم به قشر روحانيون‏ يك كلمه عرض بكنم كه قضيه قضاوتْ، محوّل به آنها به حسب شرع هست.»[[311]](#footnote-312)

2/2/2/3/3. آموزش عالي

403 امام: «بسمه تعالي‏ جناب حجت الاسلام آقاي خامنه‏اي، رياست شوراي عالي انقلاب فرهنگي‏ با سلام، اصل لزوم نمايندگان روحاني در دانشگاهها و تعيين افراد مورد قبول دانشجويان در صورت لزوم و محدوده اختيارات آنان به اين جانب مربوط نمي‏باشد. هر گونه كه شوراي عالي انقلاب فرهنگي صلاح مي‏داند بدون انتساب به اين جانب يا شخص و اشخاص ديگر اقدام نمايد. توفيق جنابعالي و ساير اعضاي محترم را از خداوند متعال خواستارم. و السلام عليكم.» [[312]](#footnote-313)

404 رهبري: «فضلا و علما و روحانيون‏ محترم، امامت جماعت در مراكز آموزشي و اقامتگاه‏هاي دانشجويان، براي نسل نو را فرصتي مغتنم بشمرند.»[[313]](#footnote-314)

405 رهبري: «فضلاء و علماء و روحانيون‏ محترم، امامت جماعت در مراكز آموزشي و اقامتگاه‏هاي دانشجويان، براي نسل نو را فرصتي مغتنم بشمرند.» [[314]](#footnote-315)

406 امام: «مخصوصاً اگر در اساتيد كسي پيدا شد كه مي‏خواهد انحراف ايجاد كند، او را ارشاد و اگر نشد، از خود و كلاس خود طرد كنند. و اين توصيه بيشتر متوجه روحانيون‏ و محصلين علوم ديني است. و توطئه‏ها در دانشگاهها از عمق ويژه‏اي برخوردار است و هر قشر محترم كه مغز متفكر جامعه هستند بايد مواظب توطئه‏ها باشند.»[[315]](#footnote-316)

407 امام: «بيخود نيست كه ظرف اين پنجاه سالي كه اينها روي كار بودند، نگذاشتند يك دانشگاهي كه مربوط به خود كشور باشد، يك دانشگاهي كه براي مصالح خود كشور تحصيل كند و براي مصالح خود كشور آدم و دانشمند بيرون بدهد، [ايجاد شود.] نمي‏گويم به طور كلي موفق شدند، لكن آنها در صدد بودند كه بتدريج، به طور كلي موفق بشوند كه هر چه از دانشگاه بيرون بيايد قبله او شرق يا غرب باشد. وقتي كه دانشگاه به اين صورت در آمد و روحاني‏ هم از دانشگاه منعزل شد و ارتباطش قطع شد، آنها مقدرات همه كشور را در دست خود دارند.» [[316]](#footnote-317)

408 رهبري: «وجود مجموعه روحاني‏ در دانشگاه‏ها، بسيار مسئله مهمي است. مثل ديگر مسائل مهم، ما به اين پديده عادت كرده‏ايم و اهميت آن را درست تقويم و برآورد نمي‏كنيم. شما ملاحظه كنيد كه بناي دانشگاه در كشور چگونه بوده؛ جهتي كه از آغاز براي دانشگاه ترسيم شده بوده است، چگونه بوده؛ نوع دروسي كه از جنبه ارزشي و جهت‏گيري‏هاي فكري يك معناي خاصي دارند، چگونه تنظيم شده؛ بعد مقايسه كنيد دوران پيش از انقلاب را با وضعيتي كه امروز به بركت انقلاب اسلامي و به بركت اسلام در دانشگاه‏هاي ما از لحاظ حضور روحانيون‏، فضلا، اهل معرفت و اهل معنا وجود دارد و انسي كه اين‏ها با استاد و دانشجو دارند؛ آن وقت مي‏بينيد چقدر حضور روحانيون‏ معظم و فضلاي محترم در ميان دانشجويان و در محيط دانشگاه اهميت دارد. وقتي‏كه اين اهميت را ملاحظه كرديم، اولين اثري كه بايد ايجاد كند، اين است كه خود ما- يعني من و شما- كه مرتبط با دانشگاه هستيم، اين وضع را مغتنم بشمريم، قدر اين وضعيت را بدانيم و اين نعمت بزرگ را به معناي حقيقي كلمه شكرگزاري كنيم. شكر، شناختن نعمت، از خدا دانستن نعمت و به كار بردن نعمت در آنجايي است كه خدا خواسته است؛ اين معناي عملي و كامل شكر است. اين نعمت را شكر كنيد؛ كه در اين صورت، فهرستي از وظائف و مسئوليتها و تذكرات را متوجه ما مي‏كند.» [[317]](#footnote-318)

409 رهبري: «در مورد اصل لزوم اين دفتر نمايندگي هم، آن وقتي‏كه ما به اين كار اقدام كرديم، همه معتقد بودند كه لازم است و درخواست زيادي بود؛ همين حالايش هم همين‏طور است. البته بعضيها هم به بنده مراجعه كردند و گفتند كه اين دفاتر لازم نيست. اگر در محيط دانشگاهها، آن‏ هدف اصلي از ايجاد اين دفاتر يعني پرورش ديني و وجود يك مركز مطمئن براي مراجعه ديني وجود مي‏داشت، من اين اقدام را نمي‏كردم و كارِ لازم نبود؛ ليكن چون نيست، وجود اين برادران لازم است. اين برادران در دانشگاهها مي‏توانند منشأ بركات بسياري باشند. جوانان، سؤالات و نيازهاي ديني دارند. چنانچه روحاني‏ فاضل و جواني مثل خودشان در كنار دستشان باشد، چيز خيلي باارزشي است. من اين‏طور تصوّر مي‏كنم.» [[318]](#footnote-319)

410 امام: «من تكليف را در آنجايي كه بودم تعيين كردم. اگر آقايان تشريف داشتند و شنيدند، كه ما تكليف را عرض كرديم. و اگر تشريف نداشتيد، حالا دو كلمه عرض مي‏كنم كه تكليف همه‏مان چيست. تكليف مهم، آني است كه متوجه به اين قشر است، و اين قشر يعني روحانيون، دانشگاهيها و دانشجوها. آنكه مغز متفكر جامعه است همين دو طايفه‏اند. اينها مغز متفكرند. دانشگاهيها، چه آنهايي كه از دانشگاه بيرون آمده‏اند و حالا وكيل دادگستري شده‏اند، يا حقوقدان شدند يا هر چيز، چه اين قشر روحاني‏ كه مشغول تحصيل‏اند يا از تحصيل فارغ شده‏اند و مشغول ترويج و كارهاي ديگر هستند، مغز متفكر جامعه، شما دو طايفه هستيد. و آن قشري كه مي‏تواند خنثي كند آن توطئه‏هايي كه با كمال دقت براي شكست دادن نهضت در شُرُف تكوين است، آن هم شماها هستيد. تكليف براي شما دو طايفه از سايرين زيادتر است؛ و مسئوليتتان بسيار زياد، همه مسئول‏اند، لكن شما دو طايفه مسئوليتتان زيادتر است. و آنها در صدد هستند كه بين شما دو طايفه‏اي كه با هم مربوط شديد و ديگر صحبتي نبود كه دانشگاهي كذا و روحاني‏ كذا، همه با هم بوديد و پيش برديد- بحمد اللَّه- و فهميديد با هم بودن پيش مي‏برد. شما دو قشري كه مغز متفكر بوديد، وقتي با هم مجتمع شديد قشرهاي ديگر پيوند كردند با شما، تكليف شما و اين‏ قشر روحانيون و شما آقايان دانشگاهيها اين است كه دست از هم برنداريد.» [[319]](#footnote-320)

411 رهبري: «دانشگاه بايد يك محيط ديني باشد. در دانشگاه بايد متديّنين احساس كنند كه فضاي عمومي آنجا به آن‏ها كمك مي‏كند. البته تديّن، دين، معنويّت و اخلاق، و از جمله شعب اين معنويّت، همين احساسات انقلابي است. امروز كسي نمي‏تواند بگويد «من متديّن هستم»، اما در تضاد با انقلابي باشد كه براساس دين است. البته سلايق خاص را نمي‏گويم. همه سليقه‏ها و مذاقها، وقتي‏كه اهل دين و معنويّتند، بايد بتوانند در اين محيط زندگي كنند. نبايد يك فرد بر فرد ديگري فشار بياورد كه «شما حتماً اين طور كه من فكر مي‏كنم فكر كن!» لذاست كه تشكّل‏هاي دانشجويي بايد باشند و هركدام كار خودشان را بكنند. همه كار كنند و همه هم خوب كار كنند. بخصوص با حضور روحانيون‏ محترم در دانشگاهها اگر ان‏شاءاللّه اين شكلي كه جديداً دنبال مي‏شود، و آن‏چنان كه بنده آرزو مي‏كنم و دوست مي‏دارم پيش برود اين معنا، يعني اين جنبه معنويّت و روحانيت‏ در داخل دانشگاه، بيشتر تأمين خواهد شد.» [[320]](#footnote-321)

412 رهبري: «در همان ماههاي اول پيروزي انقلاب، امام مسأله بي‏حجابي و حجاب را قاطع گفت. آن وقتها ما به عنوان اعضاي شوراي انقلاب، گاهي در هيئت دولت هم شركت مي‏كرديم. من كساني را ديدم كه جزو عناصر متدين هيئت دولت بودند، اما به ما مي‏گفتند اين چه كاري بود كه امام كرد؛ حالا چرا كرد؟! امام اصلًا دچار رودربايستي نمي‏شد. بنابراين، ملاحظه‏كاري و رودربايستي داشتن، مطلقاً بايد نباشد؛ اين خواهد توانست آن خلأ را در دانشگاه پُر كند.» [[321]](#footnote-322)

413 امام: «روحانيون با دانشگاهي يك مسير دارند؛ و مسئوليت اين دو طايفه از همه طوايف ديگر بيشتر است چنانچه شغلشان شريفتر است براي اينكه با شغل دانشگاهي و روحاني‏ اگر چنانچه به شرايط عمل بشود، انسان درست مي‏شود. اين است كه اين شغل، شغل انبيا بوده است. تمام انبيا براي آدم درست كردن آمدند؛ و قرآن كتاب آدم‏سازي است. پس اين شغل يك شغل بسيار شريفي است. و مسئوليت بسيار زياد است؛ براي اينكه در اين دو دانشگاه، دانشگاه روحاني‏ و دانشگاه آقايان، در اين دانشگاههاست كه مقدرات كشور، چيزهايي كه بايد در كشور درست بشود، منشأ آن اين دو دانشگاه است.»[[322]](#footnote-323)

414 رهبري: «ما مي‏گفتيم روحانيون به دانشگاه بروند؛ حالا روحانيون هم رفته‏اند. البته روحانيون وجود مباركي هستند؛ اما نه آن مقداري كه توقع بوده است. الآن روحانيوني كه در دانشگاه هستند، آيا واقعاً همان شبحي را تداعي مي‏كنند كه دانشجويان با ديدن مرحوم شهيد مطهري از روحانيت به چشم مي‏آوردند؟ اين سيلي كه از دانشگاه به طرف حوزه قم راه افتاد و مرتب آمدند طلبه شدند، به‏خاطر چه بود؟ چون شبحي كه از روحانيت در نظرشان بود، شبح مطهري و باهنر و مفتح و امثال اين‏ها بود. آيا اين آقايي كه حالا به دانشگاه مي‏رود، همان شبح را تداعي مي‏كند يا نه؟ قاعدتاً نه. اين خلأ را شما با مقاله‏هاتان پُر كنيد؛ بگذاريد حوزه آن جايگاه خودش را داشته باشد.»[[323]](#footnote-324)

415 رهبري: «اگر ما بتوانيم به تعداد زيادي روحاني‏، با معرفت ديني وسيع و آگاهي و هوشمندي سياسي، داخل دانشگاهها بفرستيم، شما ببينيد از اين كار چقدر بركات برخواهدخاست. اين، از حوزه متوقع است. اين، بدون آن رشد فكري و سياسي و معنوي، امكان ندارد. اين، جايش خالي است.»[[324]](#footnote-325)

416 رهبري: «جواني، چيز عجيبي است. همه آقايان دوره جواني را گذرانده‏اند و مي‏دانند كه آن احساسات دوران جواني، اصلًا يك تكيه‏گاه روحي را مي‏طلبد. اين آقا در آنجا نشسته، با عقل و معرفت و منطق و متانت و بلندنظري و سعه صدر، حرف را بشنود و جواب بدهد؛ مشتري اول و دوم و سوم و ... «مشتري بر وي بجوشد». آن وقت است كه اين آقا، صاحب‏نفوذ معنوي در دانشگاه خواهد شد. حالا رئيس دانشگاه، يا رئيس فلان ارگان انقلابي، يا رئيس فلان انجمن، گيرم كه حرف ديگري بزنند؛ آن چيزي كه اين شخص مي‏گويد، آن خواهد شد. وقتي‏كه گفته شد، اگر پاي درس آن آقا برويد، من بر دين شما مي‏ترسم، دانشجو ديگر پاي درس آن آقا نمي‏رود. وقتي‏كه گفته شد، اين رئيس به درد اين دانشگاه نمي‏خورد، بچه‏ها ديگر او را به رياست قبولش نمي‏كنند. تأثير نفوذ كلمه، اين‏طوري خواهد شد. البته طبيعي است كه در جمهوري اسلامي، يك روحاني‏ خوب، كاري هم نمي‏كند كه اسباب زحمت دستگاه دولتي و اداره‏كننده كشور بشود و براي رئيس دانشگاه، مشكلي پيش بيايد. من نمي‏خواهم كه خداي نكرده در ذهنها اين‏طور جاي بگيرد؛ ليكن از اين جهت عرض مي‏كنم كه يك روحاني‏ آن‏طوري، مالك قلوب دانشگاهيان، يا جمع كثيري از آنان و بخصوص جوانان خواهد شد. اين، خوب است.» [[325]](#footnote-326)

417 رهبري: «در مسجد دانشگاه، اگر اين روحاني‏ صاحب اين مسجد بشود و به آنجا برود و بنشيند بحث كند، حتماً دانشجويان جذب مي‏شوند. البته ممكن است مدتي نيايند و عدهي بدجنسي كنند؛ ليكن اصلًا دانشجو، به يك نفر كه مثل پدر با او برخورد كند و مشكلاتش را مرتفع سازد، احتياج دارد. اگر چنين روحانيي در آنجا باشد، اصلًا امكان ندارد كه دانشجويان مراجعه نكنند. اين دانشجو قهراً مراجعه مي‏كند؛ چون عقده روحي دارد.» [[326]](#footnote-327)

418 رهبري: «به نظر من، در بسياري از جاها و شايد بتوانيم بگوييم در اغلب جاها، اين ممكن است كه روحاني‏ طوري مشي كند و طوري عمل نمايد كه حتّي آن دانشجويي كه از لحاظ مشي و فكر سياسي و به قول معروف خط و ربط، اين روحاني‏ را قبول ندارد، بگويد انصافاً آقاي خوبي است. اگر جايي درد دلي، يا مشكل رواني‏اي، يا عقدهي در ذهن و فكرش داشته باشد، باز مي‏بيند كه اين آقا ملجأ است. چنانچه يك‏وقت بخواهد نماز درستي بخواند، پشت سر اين روحاني‏ برود و در مسجد نماز بخواند. در دانشگاهها بايد در اين جهت سير بشود؛ نه اينكه دفتر نمايندگي در مقابل بعضيها، يك طرف قضيه باشد. اين، مصلحت نيست.»[[327]](#footnote-328)

419 رهبري: «عالم روحاني‏، وارد دانشگاه شده است. در اين دانشگاه، چه‏كار بايد بكند؟ اين، واقعاً مسأله مهمي است. اين وظايفي كه آقايان تدوين كرده‏اند، وظايف بسيار خوبي است و انصافاً جامع و خوب و قوي و برآورنده بسياري از خواسته‏ها در دانشگاه است و من هيچ نظر منفيي ندارم؛ ليكن آن چيزي كه به اعتقاد من اساس قضيه در دانشگاه است، اين است كه روحاني‏ در محيط دانشگاه، آن قطبي بشود كه دانشجو در اين مشكلاتي كه گفتيم و غير از اين مشكلات، به او پناه بياورد، به او اميد ببندد، از او علاج بجويد، و اگر هم نمي‏تواند علاج كند، لااقل دانشجو بتواند تسلا بجويد. اگر ما در دانشگاه جلسات فراواني هم گذاشتيم، سخنراني هم كرديم، مسجد هم رفتيم، در گزينش هم دخالت و شركت كرديم، در تعيين استاد معارف هم حاضر و ناظر بوديم و وظايفي را هم كه عرض كردم، انجام داديم كه همه آن‏ها هم خوب و لازم و مهم است اما از سوي دانشجو، به ما اعتماد و اطمينان و اميد و تكيه نشد، نمي‏توانيم بگوييم توفيق پيدا كرده‏ايم.» [[328]](#footnote-329)

420 رهبري: «در نظام اسلامي، علم و دين پابه‏پا بايد حركت كند. وحدت حوزه و دانشگاه، يعني اين. وحدت حوزه و دانشگاه، معنايش اين نيست كه حتماً بايستي تخصصهاي حوزه‏اي در دانشگاه و تخصصهاي دانشگاهي در حوزه دنبال بشود. نه، لزومي ندارد. اگر حوزه و دانشگاه به هم وصل و خوش‏بين باشند و به هم كمك بكنند و با يكديگر همكاري نمايند، دو شعبه از يك مؤسسه علم و دين هستند. مؤسسه علم و دين، يك مؤسسه‏ است و علم و دين با باهمند. مؤسسه، دو شعبه دارد: يك شعبه، حوزه‏هاي علميه و شعبه ديگر، دانشگاهها هستند؛ اما بايد باهم مرتبط و خوش‏بين باشند، باهم كار كنند، از هم جدا نشوند و از يكديگر استفاده كنند. علومي را كه امروز حوزه‏هاي علميه مي‏خواهند فرابگيرند، دانشگاهي‏ها به آن‏ها تعليم بدهند. دين و معرفت ديني را هم كه دانشگاهي‏ها احتياج دارند، علماي حوزه به آن‏ها تعليم بدهند. سرّ حضور نمايندگان روحاني‏ در دانشگاهها، همين است.» [[329]](#footnote-330)

3/2/2/3/3. مجلس شوراي اسلامي

421 امام: «يك همچو مجلسي كه الآن ما داريم كه روحانيت با شما مخلوط هستند، و در سابق اگر يك روحاني‏ هم در آنجا بود روحاني‏ وابسته به دربار بود، و امروز روحانيوني هستند كه از خود اين مردم‏اند و خدمتگزار اين مردم‏اند و از حوزه‏هاي علمي هستند و به هيچ جا مربوط نيستند.»[[330]](#footnote-331)

ر.ك. 513 امام: «اكنون ما بايد از آن توطئه‏ها و مفاسدي كه از انزواي متدينين پيش آمد و سيلي‏اي كه اسلام و مسلمين خوردند عبرت بگيريم؛ و بدانيم و بفهميم كه نظام اسلام و اجراي احكام آسماني آن و مصالح ملت و كشور اسلامي و حفظ آن از دستبرد اجانب بستگي به‏ دخالت اقشار ملت و بويژه روحانيون‏ محترم و مراجع معظّم دارد. و اگر خداي نخواسته بر اسلام يا كشور اسلامي، از ناحيه عدم دخالت در سرنوشت جامعه، لطمه و صدمه‏اي وارد شود، يك يك تمام ملت در پيشگاه خداي قهّارِ توانا مسئول خواهيم بود؛ و نسلهاي آينده، كه ممكن است از كناره‏گيريهاي كنوني مورد هزار گونه تجاوز واقع شوند، ما را نبخشند. پس، يكي از وظايف مهم شرعي و عقلي ما براي حفظ اسلام و مصالح كشور، حضور در حوزه‏هاي انتخابيه، و رأي دادن به نمايندگان صالح كاردان و مطلع بر اوضاع سياسي جهان و ساير چيزهايي كه كشور به آنها احتياج دارد مي‏باشد؛ چه از روحانيون‏ باشند، چه نباشند. و مجلس چنانچه محتاج به علما و روحانيون‏ مطلع از احكام شرعي و سياسي اسلام است، محتاج به متخصصين رشته‏هاي مختلفي است كه كشور احتياج به آنها دارد.» [[331]](#footnote-332)

4/2/2/3/3. مجلس خبرگان

422 امام: «من به قشر روحانيت‏ هم عرض مي‏كنم كه كناره‏گيري موجب اين مي‏شود كه همان طوري كه در زمان سابق از [اين‏] كناره‏گيري علماي مذاهب، اسباب اين شد كه ملت ما و بزرگانشان جدا شدند و هر كاري خواستند دولتها كردند و دولتها را به حال خود گذاشتند و هر طور سركشي خواستند كردند، چنانچه شما از صحنه بيرون برويد و علما، دانشمندان از صحنه بيرون بروند، اين اسباب اين مي‏شود كه باز آن مسائل سابق پيش بيايد. امروز تكليف است؛ مجلس خبرگان تكليف است براي همه كه هم در آن كه مي‏خواهد خبره بشود بايد برود اسم‏نويسي كند، آن كه لايق است برود و اسم‏نويسي كند.» [[332]](#footnote-333)

423 امام: «مسأله اين است؛ آنهايي كه مكتب دارند و آنهايي كه گرايش دارند به اسلام ان شاء اللَّه شما پيدا بكنيد، از حالا شروع كنيد. اين دفعه ديگر مصيبتتان زيادتر است؛ براي اينكه يك مجلس خبرگاني بود كه يك مدت كوتاهي بود؛ يك مجلسي است كه مدت بلندي است و استفاده‏ها در آن هست. بايد خيلي دقت بكنيد، خيلي زحمت بكشيد، كانديداهاتان را تعيين كنيد و ارائه بدهيد به مردم اين كانديداي ماست؛ آني است كه براي اسلام كار مي‏كند، ترويج كنيد از آن اسلام، شمشير دستتان باشد، شمشير هم هست دستتان؛ با اين شمشير كارها را انجام بدهيد، با اين شمشير بُرنده اسلام، لكن شمشيري كه خائنها را از بين مي‏برد و خادمها را در امان نگه مي‏دارد. مردم را حالي كنيد كه ما كانديداهامان عبارت از اين ششصد نفر مثلًا، يا پانصد نفر، هر چقدري كه هست، كانديداهامان عبارت از اينها هستند. و البته از ملّاها و علما و از اين نترسيد كه آخوندي‏اش كردند. اسلام آخوندي‏اش كرده، به ما چه ربط دارد.- و عرض مي‏كنم كه- آخوند و آخوند مسلك يعني اسلامي و اسلامي مسلك، همه بايد اين طور باشند. و آن وقت راحت شما ديگر برويد. شما اگر خودتان نرفتيد در مجلس يا مي‏رويد ان شاء اللَّه راحت برويد استراحت كنيد و خود ملت كارش را انجام مي‏دهد.» [[333]](#footnote-334)

ر.ك. 283 رهبري: «نقش علماي دين در هدايت مردم، منحصر نمي‏شود به هدايت در امور فرعي و مسائل شخصي و اين‏ها. مهم‏تر از همه اين‏ها، هدايت مردم است در مسئله عظيم اجتماعي و مسئله حكومت و مسئله نظام اسلامي و وظائفي كه مترتب بر اين هست در مقابله با حوادث جهاني. يقيناً اگر نقش علماي دين و راهنمايان روحاني‏ حذف مي‏شد و وجود نمي‏داشت، اين انقلاب تحقق پيدا نمي‏كرد؛ اين نظام به وجود نمي‏آمد و باقي نمي‏ماند، با اين همه مشكلات فراواني كه در سر راه اين انقلاب به وجود آوردند. بنابراين علماي دين- كه از جمله برترين آن‏ها، مجموعه خبرگان هستند- تأثير ماندگار و مستمري در حوادث جامعه و سرنوشت جامعه دارند؛ كه خوب، آثارش را بحمد اللَّه مي‏بينيم.» [[334]](#footnote-335)

424 امام: «از آخوند مي‏فهمند كه اين مي‏خواهد براي اسلام كار بكند؛ از اين جهت مي‏گويند چرا در مجلس خبرگان همه آخوندند! خوب، براي اينكه يك مملكت اسلامي است، مردم به اينها، به آقا [رأي داده‏اند و] هر آخوندي كه در آنجا نيست. آخوندهاي منتخبي است كه مردم انتخابشان كردند و آوردند آنجا براي اينكه جمهوري اسلامي را مي‏خواهند درست بكنند. بله، اگر مي‏خواستند يك جمهوري مثلًا غربي درست بكنند، آن وقت يك افراد ديگري [بود]. آن وقت اصلش آخوند را بايد كنار گذاشت. اما ما كه مي‏خواهيم جمهوري اسلامي و قانون براي جمهوري اسلامي‏ درست كنيم، برويم از اروپا افراد پيدا بكنيم؟ برويم از آنهايي كه طرفدار اروپا و طرفدار غرب هستند، طرفدار كمونيستها هستند از آنها يك افرادي پيدا بكنيم؟»[[335]](#footnote-336)

5/2/2/3/3. احتياج جبهه‌ها به روحاني

425 امام: «و از مسائلي كه بايد عرض كنم اين است كه جبهه‏ها محتاج به روحاني‏ هستند، چنانچه همه مردم محتاج هستند كه روحانيون آنها را هدايت كنند، ارشاد كنند، اگر توطئه‏اي در كار هست آنها آن توطئه را خنثي كنند. در جبهه‏ها، در شهرهاي مرزي احتياج هست به روحانيون. براي خدا روحانيون به جبهه‏ها بروند، به شهرهاي مرزي بروند و مردم را هدايت كنند.» [[336]](#footnote-337)

426 رهبري: «طلبه‏ها بايد در صفوف مقدم باشند. اگر جنگ پيش مي‏آيد، طلبه‏ بايد در صفوف مقدم جنگ باشد و اين را ارزش قرار بدهد. اين، حقيقتاً يك ارزش است. آن كسي كه در حوزه علميه مشغول درس خواندن است، به مجرد اينكه اذان حرب و جهاد بلند شد، به سمت جهاد في سبيل الله مي‏شتابد، اصلًا قيمتي برايش متصور نيست.» [[337]](#footnote-338)

6/2/2/3/3. آموزش و پرورش

427 امام: «از توطئه‏هاي بزرگ آنان، چنانچه اشاره شد و كراراً تذكر داده‏ام، به دست گرفتن مراكز تعليم و تربيت خصوصاً دانشگاهها است كه مقدرات كشورها در دست محصولات آنها است. روش آنان با روحانيون‏ و مدارس علوم اسلامي فرق دارد با روشي كه در دانشگاهها و دبيرستانها دارند. نقشه آنان برداشتن روحانيون‏ از سر راه و منزوي كردن آنان است؛ يا با سركوبي و خشونت و هتاكي كه در زمان رضا خان عمل شد ولي نتيجه معكوس گرفته شد؛ يا با تبليغات و تهمتها و نقشه‏هاي شيطاني براي جدا كردن قشر تحصيلكرده و به اصطلاح روشنفكر كه اين هم در زمان رضا خان عمل مي‏شد و در رديف فشار و سركوبي بود؛ و در زمان محمد رضا ادامه يافت بدون خشونت ولي موذيانه.»[[338]](#footnote-339)

428 رهبري: «در کشور يک مزرعه ي وسيعِ سراسري پرمحصولي وجود دارد به نام آموزش و پرورش. ما اگر توي تلويزيون هم صحبت کنيم، اگر آن مستمع پاي منبر ما در تلويزيون بنشيند، مگر چقدر مستمع داريم؟ اما آموزش و پرورش هر سال به شکل ميليوني مستمع پيدا مي‌کند؛ مستمع ماندگاري که دوازده سال با آموزش و پرورش همراه است. از اين کانال‌کشي بهتر؟ اين کانال سيراب کردن دلها و ذهنها اينجور در آموزش و پرورش متمرکز است. ما در آموزش و پرورش چقدر سهم داريم؟ بايد گفت هيچ. اينکه حالا يک روحاني‌اي برود براي يک مدرسه‌اي نماز جماعتي بر پا کند يا صحبتي بکند، اصلا چيزي نيست؛ اين هيچ است، هيچ محض است.» [[339]](#footnote-340)

7/2/2/3/3. حضور روحانيت در اصلاح اقتصاد

429 امام: «يكي از مسائل بسيار مهمي كه به عهده علما و فقها و روحانيت‏ است، مقابله جدي با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادي شرق و غرب و مبارزه با سياستهاي اقتصاد سرمايه داري و اشتراكي در جامعه است، هر چند كه اين بليه دامنگير همه ملتهاي جهان گرديده است و عملًا بردگي جديدي بر همه ملتها تحميل شده و اكثريت جوامع بشري در زندگي روزمره خود به اربابان زر و زور پيوند خورده‏اند و حق تصميم‏گيري در مسائل اقتصاد جهان از آنان سلب شده است و علي رغم منابع سرشار طبيعت و سرزمينهاي حاصلخيز جهان و آبها و درياها و جنگلها و ذخاير، به فقر و درماندگي گرفتار آمده‏اند و كمونيستها و زراندوزان و سرمايه داران با ايجاد روابط گرم با جهانخواران، حق حيات و ابتكار عمل را از عامه مردم سلب كرده‏اند و با ايجاد مراكز انحصاري و چند مليتي، عملًا نبض اقتصاد جهان را در دست گرفته و همه راههاي صدور و استخراج و توزيع و عرضه و تقاضا و حتي نرخ گذاري و بانكداري را به خود منتهي نموده‏اند و با القاي تفكرات و تحقيقات خود ساخته، به توده‏هاي محروم باورانده‏اند كه بايد تحت نفوذ ما زندگي كرده و الّا راهي براي ادامه حيات پابرهنه‏ها، جز تن دادن به فقر باقي نمانده است و اين مقتضاي خلقت و جامعه انساني است كه اكثريت قريب به اتفاق گرسنگان در حسرت‏ يك لقمه نان بسوزند و بميرند و گروهي اندك هم از پرخوري و اسراف و تعيشها جانشان به لب آيد. به هر حال اين مصيبتي است كه جهانخواران بر بشريت تحميل كرده‏اند و كشورهاي اسلامي به واسطه ضعف مديريتها و وابستگي، به وضعيت أسفبار گرفتار شده‏اند كه اين به عهده علماي اسلام و محققين و كارشناسان اسلامي است كه براي جايگزين كردن سيستم ناصحيح اقتصاد حاكم بر جهان اسلام، طرحها و برنامه‏هاي سازنده و دربرگيرنده منافع محرومين و پابرهنه‏ها را ارائه دهند و جهان مستضعفين و مسلمين را از تنگنا و فقر معيشت به درآورند.» [[340]](#footnote-341)

8/2/2/3/3. امامت جمعه

430 امام: «منصب امامت جمعه، يعني منصب تماس روحانيت با ملت، و روحانيت با مجلس و دولت، و اين از اموري است كه با دست تواناي ائمه جمعه انجام مي‏گيرد، كه اميد است هر روز بيشتر و بهتر انجام شود، و جمعيت‏ها بيشتر بيايند، و اين سنت حسنه‏اي باشد كه براي مردم و آيندگان محفوظ بماند.»[[341]](#footnote-342)

431 رهبري: «امروز چشم مردم به شماست. امروز اميد و تكيه معنوي مردم به روحانيت‏ است. بزرگترين مظهر عمومي روحانيت‏ در همه جاي كشور، ائمه جمعه هستند. البته در حوزه‏هاي علميه و مراكز علمي، اساتيد و اساطين و مراجع هستند؛ اما مخصوص بعضي از نقاط كشورند. آن چيزي كه در همه جاي كشور عموميت دارد، امامت جمعه است. امامت جمعه، هم نمايندگي از كلّ روحانيت‏، و هم نمايندگي از نظام است؛ چون نظام هم نظام اسلامي است.» [[342]](#footnote-343)

432 امام: «ائمه جمعه، ائمه جماعت، روحانيون محترم، اينها بايد توجه به اين معنا داشته باشند كه اينها پدر هستند از براي ملت. اينها با مردم بايد سمت پدري داشته باشند، اينها با مردم بايد رفتارشان رفتار پدرانه باشد. بين خودشان برادر باشند، رفتار، رفتار برادري باشد. اجتماع داشته باشند، در هر شهري با هم در هر هفته يك روز، دو روز با هم مجتمع باشند، مسائل خودشان را بگويند. اگر يك خيالي دارند، اگر يك كاري دارند او را بگويند، حل كنند بين خودشان و هيچ وقت يك مسئله‏اي را به خطبه‏هاي نماز جمعه نكشانند، چه اشكال داشته باشند به فلان استاندار، فلان حاكم يا فلان وزارتخانه و چه‏ اشكال داشته باشند به فلان آدم يا فلان شخص. اين جاي خطبه نماز جمعه، جاي دعوت به حق است و دعوت به تقوا و مصالح مسلمين را در او گفتن، و تعرض به اين خرده‏ريزي‏ها، اينها از شأن ائمه جمعه خارج است؛ پرهيز كنند از اين معنا.» [[343]](#footnote-344)

433 رهبري: «ائمه جمعه، خودشان را قدري براي نماز و براي آن خطبه‏ها و براي تعليم مردم آماده كنند؛ در شهر حضور روحاني‏ داشته باشند؛ در اجتماعات ديني مردم شركت كنند و هدايت مردم را به عهده بگيرند. خلاصه، به اين نماز جمعه برسند، تا اينكه نماز جمعه بتواند آن‏چنان‏كه از آن انتظار هست مفيد واقع بشود.» [[344]](#footnote-345)

434 رهبري: «اگر مي‏خواهيم كه حكومت و نظام و جامعه اسلامي، براي ملتهاي مستضعف عالم، مايه غبطه و «لتكونوا شهداء» و وسيله رغبت و تشويق و جذب باشد، بايد مشكل را علاج كنيم و آن مقداري كه در سطح ما و به عهده ماست، آن را انجام بدهيم. حالا به مسئوليتهاي ديگر و آن‏كس كه دو يا سه مسئوليت دارد، كاري ندارم؛ فعلًا امام‏جمعه من حيث هو امام‏جمعه را عرض مي‏كنم. در مورد امام‏جمعه، اين كار در صورتي تحقق پيدا مي‏كند كه او خود را براي آن، علماً و عملًا با كفايت كند و آگاهيهاي لازم را براي ايجاد و انتقال معرفت به مردم كسب كند و تقوا و ورع را رعايت نمايد و به آنچه كه مي‏گويد، عمل كند. به همين خاطر است كه كار آقايان، كار بسيار مهمي است.»[[345]](#footnote-346)

435 امام: «تحقيقاً احياي نماز جمعه در ايران از مسائل بسيار مهم است. نماز جمعه موجب مي‏شود تا مسائل فراموش شده در اسلام به بهترين وجه براي مردم گفته شود. در قديم اگر يك روحاني‏ راجع به امور سياسي مردم صحبت مي‏كرد مي‏گفتند رهايش كنيد او سياسي است، كه اين نوع فكر بلااشكال از شياطين داخل و خارج بوده است. آنها به ما باورانده بودند كه روحاني‏ بايد عبايش را سر بكشد و فقط برود مسجد نماز معمولي‏اش را بخواند. روحاني‏ حق دخالت در هيچ امري را نداشت. ولي واقعيت اين است كه ما تابع حضرت رسول و ائمه- عليهم السلام- هستيم كه همه امور دست آنها بود، حكومت تشكيل دادند و مردم را هدايت نمودند.»[[346]](#footnote-347)

436 رهبري: «در تأمين امكانات نيز اعتقاد شخصيم اين است كه امام‏جمعه بايد به مردم متكي باشد و همان رابطه آخوندي سنتي با مردم حفظ شود. اين بهتر از آن است كه امام‏جمعه به مركز متكي باشد و مركز براي امام‏جمعه خانه بسازد و يا ماشين تهيه كند. يك‏وقتي احتياج و ضرورت وجود دارد، كه يقيناً بايستي اين پشتيباني‏ها از مركز انجام بگيرد؛ اما بايد روال عمومي و طبيعي اين باشد كه امام‏جمعه مثل يك روحاني‏ معمولي عمل كند.»[[347]](#footnote-348)

437 امام: «و مطلب ديگري كه باز دنباله همين مسائل است، اين است كه روحانيون در هر جا كه هستند، چه ائمه جمعه و چه ائمه جماعات و چه كسان ديگري كه مشغول شغل روحاني‏ هستند، اسلام امروز به ملت ما و به شما كه شاخص هستيد و اولي‏ هستيد سپرده شده است. ما امروز همه پاسدار اسلام هستيم. تمام ملت از دولتها گرفته و قواي نظمي و انتظامي گرفته و نظامي و انتظامي گرفته و تا همه قواي مسلّحه، همه بازارها، همه اداره‏جات، تمام ملت، بي‏استثنا مسئول هستيم در مقابل خداي تبارك و تعالي براي اين امانت. اين اسلام كه امانت است و دست ماست، اگر ما به اين امانت خداي نخواسته خيانت بكنيم، اين يك گناهي است كه معلوم نيست كه آمرزيده بشود. فرق دارد با گناههاي ديگري حتي با كباير گناههاي ديگر. براي اينكه بسياري از گناهها هست كه به خود انسان برمي‏گردد، به جامعه برنمي‏گردد. لكن خيانت به اين امانت، خيانت به اسلام و خيانت به ملتهاي مسلم است. بايد توجه كنيد كه اگر اشخاصي در تمام اين ارگانهايي كه الآن بعد از انقلاب به وجود آمده، چه آنهايي كه خودرو پيدا شده‏اند و خود ملت آنها را ايجاد كرده‏اند، و چه آنهايي كه مثلًا مقامات ايجاد كرده‏اند، بايد توجه به اين معنا بكنيد كه اگر اينها يك قدم بردارند بر خلاف اسلام، بر خلاف مصالح مسلمين، مسئول هستند. مسئوليتي كه بالاتر از آن مسئوليتي است كه انسان نسبت به كارهاي خودش دارد. شخصي خودش دارد.» [[348]](#footnote-349)

ر.ك. 257 رهبري: «منبرهاي جمعه را بايستي پُرجاذبه كرد و جوانان را به آن جذب نمود. از چيزهايي كه منفّر طباع سالم است، بايستي پرهيز كرد. از چيزهايي كه ايمانها را از روحاني‏ سلب مي‏كند، بايستي اجتناب كرد. يكي از وظايف عمده روحانيت‏، عبارت از اين است كه اين ايمانها را حفظ كند؛ چون ايمان به روحانيت‏، همواره ملازم با ايمان به اصل دين بوده است. كمتر كساني بوده‏اند كه روحانيت‏ را قبول نداشته باشند، اما يك اعتقاد درست و حسابي به اصل دين داشته باشند. بعضي ادعا كرده‏اند، ولي ما كمتر يافته‏ايم. مردم دين را از اين طريق فهميده‏اند. ايمان مردم به دين، بايد همراه با ايمانشان به همين مجموعه باشد.» [[349]](#footnote-350)

438 امام: «حضرات روحانيون‏، از ائمه جمعه و جماعات يا ساير آقايان محترم، توجه كنند كه شهرهاي خود را از خدمتگزاران به ملت و بندگان صالح خدا خالي نكنند، كه خدمت به مردم و رفع حاجات آنان و تربيت علمي و اخلاقي بندگان خدا، كه شغل شريف روحانيت‏ است، بر هر چيز مقدم است؛ مگر آنكه بدانند وجود آنها در مجلس براي خدمت به اسلام مفيدتر است. ميزان در نظر همه ارزش خدمت باشد، نه خداي نخواسته تحصيل مقام.»[[350]](#footnote-351)

ر.ك. 270 رهبري: «ما بارها، مكرر به آقايان ائمه جمعه، ائمه جماعت و روحانيون‏ محترم در شهرستانها، در تهران توصيه كرديم كه مساجد بايد آباد باشد؛ صداي اذان بايد از مساجد بلند شود. بايد همه نشانه‏هاي توجه به نماز و اقامه نماز را در شهر اسلامي- بخصوص در شهرهائي مثل تهران و شهرهاي بزرگ كشور- ببينند، بايد احساس كنند؛ هم مردم خودمان، هم كساني كه وارد اين شهرها مي‏شوند. نشانه‏هاي اسلامي بايد واضح و آشكار باشد؛ كمااينكه در مهندسي‏هاي ما بايد نشانه‏هاي اسلامي آشكار باشد. صهيونيستها هر نقطه دنيا كه خواستند يك ساختماني بسازند، آن علامت نحس ستاره داود را سعي كردند يك‏جوري رويش تثبيت كنند. كار سياسي‏شان اين‏جوري است. ما مسلمانها نشانه‏هاي اسلامي و مهندسي اسلامي را بايد در همه كارهايمان، از جمله در باب مهندسي بايستي مراعات كنيم.» [[351]](#footnote-352)

9/2/2/3/3. رسيدگي به امور اوقاف

439 امام: «از آنجا كه بنا به تصويب شوراي انقلاب مقرر گرديده تا در شوراي مركزي اوقاف دو نفر روحاني‏ شركت داشته باشند كه با ساير اعضاي اين شورا امور اوقاف را زير نظر بگيرند، لذا جنابعالي را به سمت نماينده خود و به عنوان يكي از اين دو روحاني‏ در شوراي مزبور انتخاب مي‏نمايم و اميد است در اين امر مهم از هيچ گونه كوششي فروگذار ننماييد و با همكاري و همگامي با ساير برادران عضو شوراي مركزي و كارمندان اوقاف، به بهترين وجه از موقوفات نگهداري نماييد. از خداي تعالي توفيق و تأييد جنابعالي را در هر چه اسلامي‏تر كردن اداره اوقاف مسألت دارم. ضمناً لازم است در هر ماه اعضاي مزبور و ساير كارمندان محترم گزارشي از وضع سازمان اوقاف به جنابعالي تسليم و به اطلاع اين جانب برسانيد.» [[352]](#footnote-353)

10/2/2/3/3. حج

ر.ك. 261 امام: «اگر بنا باشد كه در دولت كه مي‏رويم تحول نشده باشد، پيش ملت كه مي‏رويم تحول نشده باشد، شما كه كاروانها هستيد تحول نشده باشد، شما كه روحاني‏ كاروان هستيد تحول پيدا نكرده باشيد، اگر اين طور باشد، همان رژيم است و همان مسائل طاغوتي، منتها اسم را ما عوض كرديم. ما مي‏خواهيم ان شاء اللَّه مسمَّي‏ عوض بشود. تغيير [داده‏] بشود، رژيم طاغوتي به همه محتوا به رژيم انساني- اسلامي به همه محتوا. بسيار بايد متوجه باشيد. بسيار بايد پاسباني از خودتان بكنيد. و اين سفر را سفر الي اللَّه حساب بكنيد. و بدانيد كه با اين سفر ممكن است كه شما يك آبروي بسيار زياد پيش خداي تبارك و تعالي پيدا كنيد؛ و ممكن است خداي نخواسته سقوط پيدا كنيد.» [[353]](#footnote-354)

ر.ك. 299 رهبري: «امروز يكي از اهداف اساسي استكبار و امريكا در دنياي اسلام عبارت است از ايجاد اختلاف؛ بهترين وسيله هم ايجاد اختلاف بين شيعه و سني است. مي‏بينيد دست‏پروردگان استعمار در دنيا به مناسبت مسائل عراق چه حرفهايي مي‏زنند، چه سمپاشي‏هايي مي‏كنند و به خيال خودشان چه بذر نفاقي مي‏پراكنند. سالهاي متمادي است كه دست استعمار و دست قدرت‏طلبِ قدرتهاي فزون‏خواه غربي دارند اين كار را مي‏كنند. در حج، فرصت خوبي براي آن‏هاست تا شيعه را از سني، و سني را از شيعه عصباني كنند؛ آن را وادار كنند به مقدساتِ اين اهانت كند، اين را وادار كنند به مقدسات و محبوباتِ او اهانت كند. بايد هوشيار بود؛ مخصوص حج هم نيست؛ در همه دوران سال و در همه ميدانها بايد هوشيار بود. جنگ شيعه و سني، محبوب واقعي امريكاست. بعد از گذشت قرنها روبه‏روي هم بنشينند- مثل كساني كه در جنگ با همديگر روبه‏رو مي‏شوند- با دلهاي پُركينه نسبت به يكديگر حرف بزنند؛ اين او را سب كند، او اين را سب كند. هيچ بُعدي ندارد كه بخصوص در اين روزگارِ بسيار حساس، در مراسم حج كساني را اجير كنند، براي اينكه اين اختلاف را ايجاد كنند؛ شما بايد هوشيار باشيد؛ مردم هوشيار باشند؛ روحانيون‏ محترم كاروان‏ها بايد با احساس مسئوليتِ تمام نسبت به اين قضيه، متوجه باشند؛ بدانند دشمن چه مي‏خواهد.» [[354]](#footnote-355)

440 امام: «[وزير ارشاد اسلامي پيرامون تبليغات حج گفت: اين مسأله به عرض امام رسيد كه نظر به حساسيت امر تبليغ حج، و اينكه نوعاً علما و روحانيون عهده‏دار اين مسأله مهم هستند، و از سوي ديگر، مردم با توجه به تبعيت و علاقه‏اي كه نسبت به حضرت امام دارند از مواضع و دستورات نماينده امام در حج پيروي مي‏كنند، و بايد اين امر طوري باشد كه هماهنگي كامل بين كساني كه تبليغ به عهده آنهاست و نماينده امام، حاصل باشد. و اگر حضرت امام صلاح مي‏دانند مسئول تبليغات حج با موافقت نماينده حضرت امام در امر حج، مستقيماً وزير ارشاد متصدي اين امر بشود. امام فرمودند:] مصلحت اين است كه تبليغات بايد مستقيماً زير نظر روحانيت‏ باشد.»[[355]](#footnote-356)

11/2/2/3/3. حضور در كمسيون‌ها و شوراها

441 امام: «اين جانب حسابي به شماره 100 در تمام شعب بانك ملي افتتاح كرده و از همه كساني كه توانايي دارند دعوت مي‏كنم كه براي كمك به خانه‏سازي براي محرومان به اين حساب پول واريز كنند. و در هر محل از بين افراد صالح و مورد اعتماد، گروهي حد اقل مركب از سه نفر از مهندسان و كارشناسان شهرسازي و خانه‏سازي و يك نفر روحاني‏ و يك نماينده دولت انتخاب شوند تا با صرفه‏جويي و دقت كامل خانه‏هاي ارزان قيمتي بسازند و در اختيار محرومان قرار بدهند، و در اين طرح به هيچ وجه پولي در برابر خريد زمين پرداخت نشود.» [[356]](#footnote-357)

442 امام: «يك نكته را عرض كنم و آن اينكه اگر برنامه‏ريزي را بدون نظارت روحانيون‏ بكنند- يعني، متخصصيني كه از روحانيون‏ هستند- اين موجب اين مي‏شود كه برنامه را كه ريختيد ببريد مجلس، مجلس‏ رد كند؛ آنها قبول كردند، ببريد در كميسيوني كه تخصص در اين امر دارند، آنها رد كنند. از اينجا بگذرد، ببريد در شوراي نگهبان، آنجا رد كنند. اين اسباب اين مي‏شود كه كارها معطل بماند. شما در اين اجتماعاتي كه مي‏خواهيد بكنيد، روحانيوني كه در اين امر تخصص دارند، آنها را دعوت كنيد كه نظارت كنند كه يك وقت- خداي نخواسته- بر خلاف اسلام چيزي واقع نشود، كه اگر بر خلاف اسلام واقع بشود، جز اينكه شما زحمتتان هدر رفته است، كاري نكرده‏ايد؛ براي اينكه بالاخره وقتي رسيد به شوراي نگهبان، شوراي نگهبان رد مي‏كند. آن وقت شما مدتها زحمت كشيده‏ايد زحمتتان از بين رفته است، دوباره از سر بايد شروع كنيد. اين را از اول يك كسي كه تخصص داشته باشد در امور اسلامي و بينايي و توجه به مسائل كشور و به گرفتاريهايي كه امروز ما در كشور داريم، توجه به اين مسائل روي‏همرفته داشته باشد، آن هم حاضر باشد و با شما كمك كند و نظارت كند تا اينكه مسائل مطابق ارزشهاي اسلامي باشد. وقتي مطابق شد، ديگر آسان مي‏شود؛ مجلس كه برود مجلس قبول مي‏كند و شوراي نگهبان هم كه برود، شوراي نگهبان هم قبول مي‏كند. اين اسباب تند شدن كار مي‏شود. آن طور، اسباب اين مي‏شود كه كارها [به‏] تعويق بيفتد. و در حالي كه برنامه لازم داريم و محتاج است كشور ما به برنامه، چندين ماهي دست به دست برود، از اين كانال رد بشود، آن كانال رد كنند تا آخر هم به نتيجه نرسد. و اما اگر متخصصين در اصل برنامه‏ريزي، متخصصين در امور اسلامي، اينها با هم مجتمع بشوند و برنامه را درست بكنند كه مطابق ارزشهاي اسلامي باشد، آن وقت ديگر بزودي كار تمام مي‏شود و بهتر هم خواهد شد.» [[357]](#footnote-358)

12/2/2/3/3. صداوسيما

443 امام: «از اشخاص فاضل و دانشمند، از علما و اشخاص متنور الفكر، اشخاص هر طبقه‏اي بيايند صحبت بكنند و از آنها استفاده بكنيد. و بايد هم اين كار بشود.»[[358]](#footnote-359)

444 رهبري: «اگر شماها كه فيلمسازيد يا هنرمنديد يا بازيگريد يا كارگردانيد، از من بپرسيد كه ما ميخواهيم فيلم ديني درست كنيم، درباره چه موضوعي فيلم ديني درست كنيم؟ فرض كنيد در باب حجاب ميخواهيم مثلًا فيلم بسازيم، محتواي اين چه باشد، از كجا شروع كنيم، چي بيان كنيم به مردم؟ اعتقاد مردم را درباره مسئله توحيد يا مسئله نبوت يا مسئله ولايت يا مسئله ولايت فقيه يا مسئله امام ميخواهيم تقويت كنيم، موضوع و محتوا چه باشد؟ اين آدمي كه در محيط غير ديني پرورش پيدا كرده، هرگز علم دين نخوانده، خيلي‏شان با قرآن آشنا نيستند، با نهج‏البلاغه و حديث آشنا نيستند، چه ميدانند چه بايد بيايد در محتواي اين فيلمها. ما كه ميدانيم، بايد آماده كنيم و كمك كنيم. وقتي ما توانستيم اين فكرها را منظم كنيم، مرتب كنيم، منطقي كنيم، قابل فهم كنيم، باورپذير كنيم، آن را در مجموعه‏هائي در اختيار گذاشتيم، اين هنرمند وقتي ميخواند، خودش تحت تأثير قرار ميگيرد. لذا هنرمندي كه سابقه ديني و ريشه ديني دارد، انسان مي‏بيند فيلم خوبي هم اتفاقاً ميسازد؛ كه البته بندرت مواردي پيش مي‏آيد. پس كار ماست، كار روحانيت‏ است كه در اين زمينه اين كمبودها را برطرف كند.» [[359]](#footnote-360)

445 رهبري: «من در غياب شما معمولًا با آقايان روحانيون‏ و علما و حوزه‏ايها اين حرف را مي‏زنم و مي‏گويم كه اين آقايان حق دارند از شما گله كنند و بگويند كه اين حوزه علميه كجاست و چرا به ما كمك نمي‏كند. شما اين بار سنگين را بر دوش داريد؛ حقيقتاً بايد به شما كمك كنند؛ اين حق شماست كه اين را بخواهيد. ما بايد اعتراف كنيم كه كمك نمي‏شود» [[360]](#footnote-361)

13/2/2/3/3. مراكز نظامي

446 امام: «شما بايد توجه به اين معنا داشته باشيد كه اين جمهوري اسلامي مخلوط به يك قوايي است كه براي دنيا نمي‏تواند شناخت داشته باشد. اصلًا اين تركيب در دنيا سابقه نداشته است؛ تركيبي از ارتش و روحاني‏، تركيبي از ملّا و سپاهي، تركيبي از رئيس جمهور اين طور و رئيس مجلس آن طور و نخست وزير آن طور. اين تركيب سابقه ندارد و تركيب ناشناخته‏اي است. و لهذا، طرحهايي كه در دنيا به ضد اين انقلاب ريخته شده است و مي‏شود، از باب اينكه شناخت روي اين تركيب ندارند و سابقه به اين نحو اجتماع ندارند، خنثي مي‏شود.»[[361]](#footnote-362)

447 رهبري: «حضور مجموعهي به نام عقيدتي، سياسي در نيروهاي مسلح، يكي از الهامات الهي و از بركات پروردگار بر امام بزرگوار ما و مجموعه دست‏اندركار امور كشور بود. نقش روحانيون‏، نقش هدايت و دستگيري معنوي است. همه به روحاني‏ احتياج دارند- همچنان كه به طبيب احتياج دارند- و اگر روحاني‏ در هر نقطهي به وظايف خود عمل كند، آنجا را از لحاظ معنوي آباد خواهد كرد.» [[362]](#footnote-363)

448 امام: «و من اميدوارم كه اين پيوند محفوظ باشد؛ پيوند شما آقايان نيروي هوايي و دريايي و زميني و ساير قواي مسلح با روحانيين و پيوندتان با ملت. شما اين مطلب را بايد درست توجه بكنيد كه اين روحانيين كه در بين شما مي‏آيند و يك كارهايي را انجام مي‏دهند- در آن حدودي كه بايد انجام بدهند- اينها به صلاح هم شما و هم كشور و هم اسلام است. دستهايي مي‏خواستند كه شما را از روحانيين جدا كنند و ملت را به شما بدبين كنند. بايد شما توجه به اين معنا بكنيد كه اگر چنانچه روحانيون همراه شما باشند- البته آنها در حدود آن چيزي كه مأموريت دارند بايد عمل كنند و به قوّت خودش هم بايد باقي باشد- آنها پشتيبان شما هستند. وقتي كه نماينده روحانيين در پادگانها باشند، اين براي شما نفع دارد و اگر كسي اين معنا را بگويد كه اينها براي شما- مثلًا- ضرر دارد، اين صحيح نيست. ملت به واسطه همين معنا پشتيبان شما باقي مي‏ماند و من اميدوارم كه اين ارتباطي كه الآن حاصل است بين همه قشرها، اين ارتباط محفوظ بماند و كشور ما با همين ارتباط مي‏تواند پيش برود. اگر چنانچه- مثلًا- يك گله‏اي هم هست از بعضي از روحانيين جوان، اين را بايد [با] مراجعه به- مثلًا- من يا اشخاصي كه در آنجاها هستند [تا] حل بشود و حدود معلوم باشد. نه آقايان جلوگيري كنند از آن حدودي كه آنها بايد عمل بكنند و نه آنها تعدي كنند از آن حدودي كه دارند، به طوري كه هر كس مشخص باشد كه چه بايد بكند. روحاني‏ كه در آنجا بايد تبليغات بكند مشخص باشد و نبايد كسي جلوگيري از تبليغات او بكند، اگر يك وقت ديديد كه يك كسي گفت بايد جلوگيري كرد، بدانيد دشمن شماست، دوست شما نيست و آنها هم نبايد از آن حدودي كه دارند تجاوز كنند؛ براي اينكه تجاوز از حدود اسلام، جايز نيست، هر كسي حد خودش را بايد عمل بكند. و اين يك سفارشي است كه من به شما آقايان كه هستيد و همه قواي مسلح اين معنا را مي‏گويم كه اين در آن پادگانهايي كه مال لشكر هست، در قواي زميني، در آنجا از قراري كه شنيدم، يك مقدار بدرفتاري شده است با روحانيون، در صورتي كه روحانيون آنجا كه باشند پشتيباني شما را بيمه مي‏كنند، ملت پشتيبان شما خواهد بود و اگر اينها نباشند، براي شما يك چيزهايي درست مي‏كنند اشخاص كه شما را از چشم ملت بيندازند. آنها هم بايد در حدود خودشان، هم روحانييني كه هستند به آن مأموريتي كه دارند بايد عمل بكنند و تجاوز هيچ نكنند و هم آنها كه مشغول فعاليت خودشان هستند، جلوگيري نبايد بشود، مخصوصاً به آقاي ظهيرنژاد زيادتر اين مطلب گفته بشود. براي اينكه در حوزه قدرت ايشان يك مقداري با روحانيون رفتار خوش نشده است و اين به ضرر خود آقايان خواهد بود.» [[363]](#footnote-364)

449 رهبري: «دوگونه مي‏شود در عقيدتي، سياسي نيروي انتظامي حضور داشته باشيد: يك نوع، مطلوب است؛ يك نوع، كم‏اثر است؛ حالا آن نوع‏هايي كه مضر است، فعلًا محل كلام ما نيست. حضور كم‏اثر، چه نوع حضوري است؟ اين‏گونه است كه نيروي انتظامي مثل بقيه ادارات براي خودش يك كارهاي شكلي تعريف كند و آن‏ها را انجام دهد: اين كلاس را بايد شركت كنيد، اين آزمون را بايد بگذرانيد، براي درجه بايد اين شرايط را در خودتان تحصيل كنيد، احياناً نماز جماعت‏ بايد شركت كنيد؛ بيايند، بروند؛ نيروي انتظامي هم مثل بقيه ادارات فعاليت كند. در چنين حالتي، البته نيروي انتظامي كارهايي مي‏كند و تأثيراتي مي‏گذارد؛ اما سطحي است؛ اين از روحانيت‏ متوقع نيست. طور ديگر هم اين است كه حضور، به معناي حقيقي كلمه، روحاني‏ و معنوي باشد. نه اينكه آن وظايف را انجام ندهند؛ چرا، آن وظايف هم وظايفي است كه بايد انجام بگيرد؛ در آيين‏نامه‏ها آمده، در قانون آمده، جزو وظايف نيروي انتظامي است؛ ليكن ملات همه وظايف آن جريان معنوي، روي خوش روحاني‏، دلسوزي روحاني‏، استغناي نفس يك روحاني‏ و يك طلبه‏، و بي‏اعتنائي يك روحاني‏ به تشريفات و چيزهاي زيادي و زروزيورها زيورها و مال دنياست. اگر توانستيد اين را تأمين كنيد، آن حضور، مطلوب و ايده‏آل خواهد شد و اثر مي‏گذارد.»[[364]](#footnote-365)

450 رهبري: «روحاني‏ عقيدتي، سياسي- البته روحاني‏ كه من عرض مي‏كنم، بقيه برادران غير معمم‏ هم كه در عقيدتي، سياسي كار مي‏كنند، محكوم به همين احكامند؛ منتها در مورد روحاني‏ تأكيدش بيشتر است- نبايد خودش را جاي فرمانده بگذارد و فرماندهي كند؛ بايد توي مجموعه برود.» [[365]](#footnote-366)

451 رهبري: «فراتر از تفكيك مسئوليتها و مأموريتها و جدايي بين بخشهاي مختلف، مأموريتي هست كه آن مأموريت، مسأله اساسي است. براي انجام آن مأموريت، نيروي انتظامي و روحانيون‏ محترمي كه در اين نيرو مشغول انجام خدمتند، همه بايد مجتمعاً و مشتركاً كار كنند. آن مأموريت، عبارت است از حفظ امنيت اسلامي در محيط جامعه؛ اين اساسيترين كار نيروي انتظامي است؛ كار بسيار بزرگي هم هست.» [[366]](#footnote-367)

452 امام: «هر كاري را كه انسان عهده‏دار شد، مسئول آن كار است. مسئول است در اينكه به راستي و امانت عمل كند، و مسئول است در اينكه با جديت و فعاليت عمل كند و با خلوص براي خداي تبارك و تعالي. شمايي كه در ارتش سازمان ايدئولوژي را داريد و سازمان سياسي را داريد، الآن مسئول اين امر هستيد. همه جمعيت دنيا احتياج به تعليم و تربيت دارند. هيچ كس نمي‏تواند ادعا كند كه من ديگر احتياج ندارم به اينكه تعليم بشوم و تربيت بشوم. رسول خدا هم تا آخر احتياج داشت، منتها احتياج او را خدا رفع مي‏كرد.» [[367]](#footnote-368)

453 رهبري: «گسترش روح ايمان و تقوا در تمام رده‏هاي شماست. همه ما در اين كشور سالهاي متمادي زندگي كرده‏ايم و از فرهنگ و گذشته‏ها و انعكاسات ذهني مردم مطلعيم و مي‏دانيم كه اگر در گذشته در گوشهي از كشور فرمانده فعال مؤمن پاك‏دامني بود، مردم در آن منطقه، از آن نيروي انتظامي زيرفرماندهي آن شخص خشنود، بلكه به آن علاقه‏مند بودند. بعكس، هرجا فرماندهي سست‏ايمان و داراي ساير خصوصيات منفي بود كه ديگر لزومي ندارد تصريح بكنيم در آن منطقه مردم از آن نيروي انتظامي گله‏مند بودند. اين، مربوط به سالهاي پيش از انقلاب است؛ اما حالا كه بحمد اللّه تشكيلات انتظامي كشور، با ايجاد اين نيروي كنوني و يكپارچه، به بلوغ خود رسيده است، بايد كاري كنيد كه اين ايمان و اين طهارت و پاك‏دامني و اين بلندنظري در مقابل جان و مال و عِرض مردم و استغناي طبع از روي ايمان، همه‏گير و گسترده بشود. هرجا خلافش ديده شد، مسئولان نيرو بي‏محابا با آن برخورد كنند. البته سهم عقيدتي، سياسي در گسترش اين روحيه و اين احساس و اين ايمان، بايد سهم قابل توجهي باشد و إن شاء اللّه خواهد بود. اميدواريم كه برادران عزيز روحاني‏ موفق بشوند اين وظيفه را به بهترين وجهي انجام بدهند و ما در آينده نه‏چندان دور، نيرو را آن‏چنان كه مطلوب است، مشاهده كنيم.» [[368]](#footnote-369)

454 رهبري: «برادران عزيز روحاني‏ كه در سپاه، يا در بقيه نيروهاي مسلح تشريف دارند و بركات وجودشان بر اين جوانان مخلص و صالح افشانده مي‏شود، اين مسئوليت عظيم را بر دوش دارند كه مضاف بر عقايد و احكام، معنويات اسلام را تعليم بدهند و اخلاق را متذكر بشوند. اخلاق هم، درس نيست. درس اخلاق، يك علم است. آن چيزي كه لازم است، نصيحت است. همه ما به نصيحت احتياج داريم. بايد جوانان را نصيحت كنند و آنان را از تصرف هواي نفس، خودخواهي، بدنگري نسبت به مسائل و دستخوشِ شيطان شدن، دور نگهدارند. غير از اينكه بايد معلوماتشان را كامل كنند، معارفشان را بالا ببرند و قدرت تحليل سياسي بدهند.» [[369]](#footnote-370)

455 رهبري: «در اينجا، من به برادران عزيز روحاني‏ هم كه تشريف دارند، يك جمله عرض بكنم. مسئوليت حفظ معنويت و روح و حال اين برادران، به عهده شماست. انسان، سايش‏پذير است. هر انسان ديگري جز معصومين، در برخوردها و سايشها و اصطكاكها، ساييده و كم مي‏شود و برجستگي‏هاي روحيش تغيير مي‏كند؛ بايد مراقبش بود. اينكه ذكر دايمي گفته‏اند، براي خاطر اين است. انسان دائماً بايد متذكر باشد؛ و الّا خراب خواهد شد.» [[370]](#footnote-371)

456 رهبري: «سياسي، عقيدتي و بحثها و درسها و آموزش‏هاي اعتقادي، همه و همه مربوط به همين مركز معنوي و روحاني‏ است و برادراني كه در اين بخش كار مي‏كنند و نمايندگان مقام ولايت محسوب مي‏شوند، شأن والا و سهم وافري در اداره صحيح نظام سپاه پاسداران انقلاب اسلامي دارند. البته، آموزش‏هاي نظامي و فني به جاي خود و آموزش‏هاي ديني و اعتقادي و سياسي هم به جاي خود، هركدام بايستي به صورت كامل وجود داشته باشد.» [[371]](#footnote-372)

457 رهبري: «يك جمله را هم با برادران عزيز روحاني‏ در ميان مي‏گذارم. اگرچه حق اين عزيزان بيش از يك جمله است، منتها چون ذهنم بكلي به اين مسئله مصروف شده است، به عنوان اظهار علاقه و ارادت به آقايان مي‏گويم. برادران عزيز روحاني‏ كه در سرتاسر سپاه حضور دارند، بايستي اين نقش حساس و مهم را خيلي گرامي و عزيز بشمارند؛ زيرا حقيقتاً نقش تعيين‏كننده‏اي است و همان‏طور كه گفتم، قوام و شخصيت سپاه به معنويتش است، و اين معنويت از طريق شما آقايان و علماي محترم كه معلمان اخلاق و معنويت و تزكيه هستيد، قابل تأمين است.» [[372]](#footnote-373)

458 رهبري: «برادران عزيز روحاني‏ در عقيدتي، سياسي‏هاي نيروهاي انتظامي، نقش مهمي را مي‏توانند ايفا كنند، كه بحمد اللّه در ايجاد روح تقوا و پرهيز از زياده‏روي در هر امري، مشغول هستند.» [[373]](#footnote-374)

459 رهبري: «حالا شما جوانهاي عزيز كه در سپاه هستيد؛ روحانيون عزيز، علما، طلاب جوان و مؤمن و فعال كه در دفتر نمايندگي مشغول به كار هستيد، دو چيز را بدانيد: يكي اين‌كه همه‌تان خيلي كار داريد؛ هم جوانهاي سپاهي، هم روحانيون محترم؛ خيلي كار جلوتان داريد كه بايد انجام بدهيد. دوم اين‌كه بدانيد كه همت اگر بكنيد، اين كارها را حتماً ميتوانيد انجام بدهيد و يك برهه‌اي از زمان كه بگذرد، ناگهان مي‌بينيد در يك نقطه‌ي بالاتري قرار داريد؛ يعني پيشروندگي حتمي است. تلاش كه بود، همت كه بود، اميد كه بود، حتماً پيشروندگي هست؛ يعني برو برگرد ندارد.» [[374]](#footnote-375)

14/2/2/3/3. وزارت اطلاعات

460 امام: «از افتخارات جمهوري اسلامي اين است كه افراد متدين و متعهد و شخصيتهاي روحاني‏ در چنين وزارتخانه‏اي هستند. آقاي «ري‏شهري» را همه مي‏شناسيم كه شغل ايشان شغل ديگري است، ولي خدمت به اسلام كه از همه چيز لازمتر است، موجب شده است كه ايشان از كار اصليشان دست بردارند و به اين كار حساس مشغول باشند.» [[375]](#footnote-376)

15/2/2/3/3. شوراي نگهبان

461 امام: «لزوم تعيين صلاحيت كانديداهاي عضويت در شوراها از اين جهت، يك مسئوليتي الآن گردن همه ملت هست- كه شما هم از همان ملت هستيد و بحمد اللَّه پهلوانهاي ملت هستيد، و بعدها هم پهلوانتر مي‏شويد- اين مسئوليت بزرگ هست، كه ما الآن در يك وقتي واقع هستيم كه بسياري از ريشه‏هاي رژيم فاسد سابق در بين مردم هستند، و ممكن است كه خودشان را با ظاهرسازي جا بزنند. بايد شناسايي بشوند در هر شهرستاني كه ده، پانزده نفر مثلًا- حالا آن عددي كه بايد تعيين بكنند در آنجا- بايد انتخاب بشود، بايد اين شناسايي بشود. در بين روحانيون‏ يك نفر هست، خوب، هر كسي در شهرش مي‏داند كه كدام روحاني كسي است كه صلاحيت دارد براي اين كار؛ دلسوز براي ملت است. و از كسبه مثلًا، از اصناف، از تُجّار، از كارگرها، از كشاورزها، سابقه‏اش را بايد درست مردم بدانند كه اين در زمان طاغوت چه كاره بوده است، و سوابقش- سوابق خانوادگي‏اش- چه طور بوده است. اگر چنانچه دقت در اين امر نشود و مردم توجه به اين امر نكنند، مسئولند پيش خدا. اگر فردا يك گرفتاري براي ملت به واسطه اينها پيش بيايد، ماها كه مي‏خواهيم تعيين كنيم افراد را، مسئول هستيم، مسئوليت ما بزرگ است.»[[376]](#footnote-377)

462 امام: «آنچه مهم است اين است كه ما مي‏خواهيم مطابق شرع اسلام مسائل را پياده كنيم. پس اگر قبلًا اشتباه كرده باشيم بايد صريحاً بگوييم اشتباه نموده‏ايم. و عدول در بين فقها از فتوايي به فتواي ديگر درست همين معنا را دارد. وقتي فقيهي از فتواي خود برمي‏گردد يعني من در اين مسأله اشتباه نموده‏ام و به اشتباهم اقرار مي‏كنم. فقهاي شوراي نگهبان و اعضاي شوراي عالي قضائي هم بايد اين طور باشند كه اگر در مسئله‏اي اشتباه كردند صريحاً بگويند اشتباه كرديم و حرف خود را پس بگيرند، ما كه معصوم نيستيم. پيش از انقلاب من خيال مي‏كردم وقتي انقلاب پيروز شد افراد صالحي هستند كه كارها را طبق اسلام عمل كنند، لذا بارها گفتم روحانيون مي‏روند كارهاي خودشان را انجام مي‏دهند. بعد ديدم خير، اكثر آنها افراد ناصالحي بودند و ديدم حرفي كه زده‏ام درست نبوده است، آمدم صريحاً اعلام كردم من اشتباه كرده‏ام. اين براي اين است كه ما مي‏خواهيم اسلام را پياده كنيم. پس در اين رابطه ممكن است من ديروز حرفي را زده باشم و امروز حرف ديگري را و فردا حرف ديگري را، اين معنا ندارد كه من بگويم چون ديروز حرفي زده‏ام بايد روي همان حرف باقي بمانم امروز مي‏گويم ما دام كه احكام اسلام پياده نشده است و افراد صالحي نداشتيم تا طبق اسلام عمل كنند، علما بايد مشغول به كارهايشان باشند. اين شأني براي علما نيست كه رياست جمهوري و يا پست ديگري را داشته باشند. چون وظيفه است به اين كارها مي‏پردازند. خلاصه يك چيز را نبايد فراموش كنيم كه همه‏ مي‏خواهيم اسلام پياده شود.» [[377]](#footnote-378)

3/3/3. وظيفه نظارت روحانيت بر مسئولين نظام

463 امام: «روحاني مي‏گوييد كه بعد مي‏خواهد در دولت [وارد بشود] نمي‏خواهد نخست وزير بشود و نمي‏خواهد- عرض مي‏كنم كه- رئيس جمهور بشود و صلاحشان هم نيست كه اينها بشوند، لكن مراقبت دارد، نقش دارد. روحانيت در دولت نقش دارد، نه روحانيت دولت است. اين نقش از اول هم بوده است، منتها اين را كنارش زده بودند، حالا خدا يك مهلتي داده است. يك جمعيتي، اين مردم جمع شدند، هياهو كردند، اين هياهوهاست كه اين كارها را كرده است. جمع شدند هياهو كردند، حالا يك نقشي پيدا كرده روحانيت. همان نقشي كه براي روحانيت است كه بايد كنترل كند اين چيزها را، و الّا سررشته ندارد. مگر مي‏تواند كه يك روحاني برود رئيس فوج بشود. سررشته‏اي از اين كار ندارد. يك روحاني كه اطلاعاتش در باب يك اموري كم است، برود بخواهد آنها را بگيرد. اين معنا ندارد، اما روحاني چون موارد خطا و اشتباهي كه از قانون اسلام كه يك قانوني است كه اگر اجرا بشود، همه مقاصد براي ما حاصل مي‏شود اين مطلع است، اين سررشته‏دار اين قانون است، اين را قرارش دادند با آن همه قيودي كه همه‏اش قيود يك چيزي بوده است كه قرار دادند و ما هم تابعيم. لكن مسأله اين نيست. مسأله بالاتر از اين است. اما خوب البته ملت يك چيزي را كه خواستند ما همه تابع آن هستيم و يك‏ همچو روحاني اگر نقش داشته باشد در دولت، نمي‏گذارد ديگر نخست وزيرش، رئيس جمهورش هر جا كه ظلم ببيند، روحاني نقش دارد بر اينكه جلويش را بگيرد. و هر وقتي بخواهد يك قلدري پيش بيايد جلويش را مي‏گيرد. يك ديكتاتوري باشد جلويش را مي‏گيرد. مي‏خواهد خلاف آزادي باشد، جلويش را مي‏گيرد. بخواهد يك دولتي يك قراردادي با يك دولتي ببندد، كه اسباب اين بشود كه اين تابع آن بشود، پيوند آن بشود، پيوسته او بشود روحاني جلويش را مي‏گيرد. يك اصلي است كه اصل يك مملكت را اصلاح مي‏كند. اين يك اصل شريفي است كه اگر چنانچه ان شاء اللَّه تحقق پيدا بكند، همه امور ملت اصلاح مي‏شود. بنا بر اين اينكه شما سؤال كرديد كه آيا روحاني‏ مي‏خواهد به دولت منضم بشود يا چي؟ نه نمي‏خواهد دولت باشد اما خارج از دولت نيست. نه دولت است، نه خارج از دولت. دولت نيست يعني نمي‏خواهد برود در كاخ نخست‏وزيري بنشيند و كارهاي نخست‏وزيري را بكند. غير دولت نيست براي اينكه نخست وزير اگر پايش را كنار بگذارد اين جلويش را مي‏گيرد، مي‏تواند بگيرد. بنا بر اين نقش دارد و نقش ندارد.» [[378]](#footnote-379)

464 رهبري: «روحانيون‏ در محيطهاي مختلف، يكي از مهم‏ترين عوامل نهي از منكر و امر به معروفند.» [[379]](#footnote-380)

ر.ك. 376 امام: «اگر مقصود از اينكه نقش داشته باشد روحانيت، بله روحانيت نقش دارد. در حكومت هم نقش دارد. نمي‏خواهد حاكم بشود، لكن مي‏خواهد نقش داشته باشد. شما در همين قضيه رئيس جمهوري به ما پيشنهاد مي‏كردند كه، پيشنهاد كردند از اشخاص، حتي از دانشگاه به اينكه ما حالا بعد از مدتها فهميديم كه اطمينان به ديگران نيست. روحاني‏ باشد من مي‏گفتم نه، روحاني‏ نقش بايد داشته باشد، خودش رئيس جمهور نشود. لكن در رياست جمهور نقش بايد داشته باشد. كنترل بايد بكند. آن به منزله كنترل يك ملتي است. يك مملكتي است. نمي‏خواهد روحاني‏ رئيس- مثلًا فرض كنيد كه- رئيس دولت باشد. لكن نقش دارد در آن. اگر رئيس دولت بخواهد باشد كذا، پا را كج بگذارد اين جلويش را مي‏خواهد بگيرد.»[[380]](#footnote-381)

465 امام: «[روحانيت شيعه هميشه در رأس مبارزات بوده است، ولي آيا اين هم صحيح است كه روحانيت كه در جهان به اين پيچيدگي قادر به اداره مملكت نبوده، در كارهاي تكنيكي از غير روحاني استفاده نكنيم؟] - اين هم جزو تبليغات سوئي است كه بر ضد روحانيت مي‏شود. آيا آقاي كارتر كه رئيس جمهور است همه كارها را خودش در امريكا انجام مي‏دهد؟ نه، افرادي را وامي‏دارد كه كارها را انجام دهند. روحانيت نمي‏خواهد خودش كارخانه راه بيندازد يا طياره ببرد. اينهايي كه مي‏گويند روحانيت بايد دخالت نداشته باشد، نمي‏فهمند. يا مي‏فهمند و مردم را اغفال مي‏كنند. اين اشتباه است. روحانيت نظارت بر اوضاع دارد. كارها دست كارشناسهاي غير روحاني‏ است. روحانيون نظارتي بر امور دارند كه غلطكاري نشود. يك وقت كودتا نشود، يك وقت ظلم به مردم نشود. روحانيت مي‏خواهد جلو غارتگري و ستم و دزدي را بگيرد.» [[381]](#footnote-382)

ر.ك. 522 رهبري: «در محيطهاي غير شيعي هم، روحانيت‏، بخشي از دستگاه‏هاي دولتي است. اين، از نظر ما مردود است و قبول نداريم و آن را براي روحانيتْ‏ مضرّ مي‏دانيم. دستگاه‏هاي دولتي، نوسان و تلاطم دارند و آينده‏شان به طور دقيق قابل پيش بيني نيست. روحانيت‏ بايد هميشه امكان حضور قدرت‏مندانه نصيحت‏آميز يا دخالت‏آميز را براي خودش حفظ كند، و الّا نمي‏تواند كاري انجام دهد. اين خصلت هم، بااينكه بخشي از دولت يا حكومت باشد، نمي‏سازد. حوزه بايد مستقل باشد و اين، يك فرض است.»[[382]](#footnote-383)

466 امام: «الآن مكلّفيم ما، مسئوليم همه‏مان، همه‏مان مسئوليم، نه مسئول براي كار خودمان؛ مسئول كارهاي ديگران هم هستيم‏ «كلكم راع و كلكم مسئول عن رعيته» همه بايد نسبت به همه رعايت بكنند. همه بايد نسبت به ديگران. مسئوليت من هم گردن شماست؛ شما هم گردن من است. اگر من پايم را كج گذاشتم، شما مسئوليد اگر نگوييد چرا پايت را كج گذاشتي؟ بايد هجوم كنيد، نهي كنيد كه چرا؟ اگر خداي نخواسته يك معمّم در يك جا پايش را كج گذاشت، همه روحانيون بايد به او هجوم كنند كه چرا بر خلاف موازين؟ ساير مردم هم بايد بكنند. نهي از منكر اختصاص به روحاني ندارد؛ مال همه است. امت بايد نهي از منكر بكند؛ امر به معروف بكند.»[[383]](#footnote-384)

467 امام: «اين مطلب را بارها گفته‏ام كه روحانيون‏ بايد وضعي ارشادي داشته باشند، نه اينكه بخواهند حكومت كنند. كاري نبايد بكنيم كه مردم بگويند اينها دستشان به جايي نمي‏رسيد، حالا كه رسيد ديديد اين طور شدند. استبداد ديني خود تهمتي است كه از كنارش نبايد گذشت. راديوها مرتب از آن سخن مي‏گويند و ما را به خودكامگي متهم مي‏كنند. روحانيون‏ نبايد كاري كنند كه شاهد دست دشمن بدهند. دخالت ما بايد نهي از منكر و امر به معروف باشد، و الّا به استاندار بگوييم تو بايد اين كار را بكني، و الّا بگوييم از اينجا برو، اين اولًا تضعيف دولت است و از آن گذشته موجب مي‏شود كه مردم از روحانيون‏ متنفر شوند. اين موضوعات را بايد كاملًا در نظر داشته باشيم.»[[384]](#footnote-385)

ر.ك. 480 رهبري: «نسبت روحانيت‏ با نظام اسلامي، نسبت روشني است. نسبت روحانيت‏ و حوزه‏هاي علميه با نظام اسلامي، نسبت حمايت و نصيحت است. اين را توضيح خواهم داد. حمايت در كنار نصيحت، دفاع در كنار اصلاح.»[[385]](#footnote-386)

468 امام: «و اينكه روحانيون‏ در شوراي اقتصاد و برنامه‏ها نظارت مي‏كنند، از باب اين است كه آنها به امور شرعي توجه دارند و نظارت آنها باعث مي‏شود كه طرحي كه شما مي‏دهيد و براي تصويب به مجلس شوراي اسلامي و شوراي نگهبان مي‏رود، رد نشود و در نتيجه، كارها آسان شود و شما در برنامه‏هايتان معطل نمانيد.»[[386]](#footnote-387)

469 امام: «توجه داشته باشد كه اگر يكوقت مثلًا يك جمعيتي يا يك فردي، يك حكومتي پايش را كج گذاشت، همه اعتراض كنند و نگذارند كه واقع بشود. يا يك افراد غير صحيحي را چنانچه در مأموريتهايي گذاشتند و آقايان و علماي بلاد مي‏دانند كه اين فاسد است خودشان نروند سراغش، اطلاع بدهند به آنجاهايي كه بايد اينها را تغيير بدهند، و از آنها بخواهند كه تغيير بدهند. اگر خودشان بروند، و لو يك آدم فاسدي را خود آقايان بفرستند يا بروند و آن فاسد را از آنجا بيرون كنند، اين موجب وَهن مي‏شود براي اهل علم. اينها بايد ارشاد كنند دولت را. ارشاد كنند به اينكه اين مأموري كه اينجا فرستادي اشتباه بوده است و دولت را وادار كنند، مجلس را وادار كنند تا اينكه اصلاح‏ بشود. خودشان اگر بخواهند مستقيماً دخالت بكنند، موجب اين مي‏شود كه در بين مردم موهون بشوند، و شما حفظ حيثيت خودتان برايتان واجب است. هر مؤمني حفظ عِرض خودش برايش واجب است، لكن علما بيشتر مأمورند به اين امور. حجّت بر علما تمامتر است. اين وظيفه ماهاست كه بايد هر كسي شغل خودش را محترم بشمارد. دلسرد نشود امام جماعت از جماعتش، اهل منبر از منبرش، و- عرض مي‏كنم كه- مراجع از مرجعيتشان، علماي بلاد از مسائلي كه خودشان دارند. اينها بايد حفظ كنند آن چيزهايي كه مال خودشان است و حاضر باشند براي امور سياسي.» [[387]](#footnote-388)

470 امام: «بديهي است كه اگر شورايي از علما و دانشمندان اسلامي كه آشنايي كامل به موازين و قواعد اسلامي دارند بر دولت جمهوري اسلامي نظارت نكنند، معيارهاي اسلام ممكن است- و لو به علت عدم توجه و آگاهي به آنها- رعايت نشود.» [[388]](#footnote-389)

4/3/3. عدم عذر از كوتاهي در ياري نظام

471 امام: «از اين به بعد كه هيچ عذري، نه من دارم و نه شما و نه هيچ روحاني‏ و نه هيچ نويسنده و نه هيچ گوينده. بايد ما براي ادامه اين فريضه الهي، براي ادامه اين انقلاب اسلامي و جمهوري اسلامي كوشش كنيم و كوششمان را افزون كنيم؛ براي اينكه آنها، مخالفين ما، مخالفين اسلام كوشش‏شان را هر روز افزون مي‏كنند، هر روز توطئه‏هايشان را زياد مي‏كنند. ما هم بايد در مقابل آنها هر روز كوششمان را، دفاع از حق و حقيقت را افزون كنيم.» [[389]](#footnote-390)

472 رهبري: «عزيزان من! امروز دوران حاكميت اسلام است و اگر يك جاي كارمان لنگ باشد، هيچ عذري از ما پذيرفته نيست. در زمان طاغوت و حاكميت كفر، مي‏گفتيم وسايل و ابزار در اختيار ما نيست؛ ولي امروز علماي دين و روحانيون‏، نمي‏توانند اين حرف را بزنند. امروز، اگر جامعه علمي و ديني- يعني همين جامعه روحانيت‏ و علماي دين- به آنچه كه نياز زمان و كشور و جامعه و جهانِ اسلام است، كما هو حَقّه عمل نكنند، عذري پيش خداي متعال و تاريخ ندارند. در ذهن آيندگان، سؤال جدّي خواهد بود. به همين خاطر به اين چيزها بايد توجّه كنيم و اقدام لازم را انجام دهيم.» [[390]](#footnote-391)

473 امام: «شايد از همه قشرها، قشر روحاني مسئوليتش بيشتر باشد؛ براي اين كه، هر كس بيشتر نزديك به اسلام است بيشتر مورد مسئوليت است. انبيا از همه كس مسئوليت‏شان زيادتر بوده است. آنها در عين حالي كه مسئوليت‏شان از همه بيشتر بود، به آن امري كه وظيفه داشتند عمل كردند و هيچ قصوري نكردند. علماي هر ناحيه مسئوليت‏شان از ساير طوايف بيشتر است، اينها عذر ندارند، ممكن است كه بسياري از مردم عذر داشته باشند؛ يا عذر اينكه نمي‏دانستيم يا عذر اين كه نمي‏توانستيم كه هيچ كاري بكنيم. روحانيون‏ الآن در ايران هيچ عذري ندارند، براي اينكه، راه را مي‏دانند و مي‏توانند هم كار بكنند. اگر خداي نخواسته، در بين روحانيون‏ كسي از اشخاصي پيدا بشود كه بر خلاف عمل مي‏كند، اين يا از باب اين است كه با اصل مبناي اسلامي مخالف است يا نمي‏فهمد كه اين اسلام در اينجا وضعش چطور است.» [[391]](#footnote-392)

474 امام: «ما سابق اگر عذري داشتيم به اينكه قدرتها نمي‏گذارند ما كاري انجام بدهيم و قدرتهايي بودند كه مخالف بودند، علما را مانع مي‏شدند از اينكه در پستهاي خودشان، وظايف خودشان را انجام بدهند، امروز ديگر ما همچو عذري نداريم و همه آقايان در هر جا كه هستند، مي‏توانند كه مسائلشان را، مشكلاتشان را، مشكلات مردم را گوشزد كنند و مردم را هدايت كنند و همين طور دولت را هدايت كنند، ادارات را هدايت كنند و ان شاء اللَّه، من اميدوارم كه بزودي مشكلات رفع بشود.» [[392]](#footnote-393)

5/3/3. عدم دخالت در امور خارج از صلاحيت

475 امام: «تذكر اكيد به روحانيوني است كه در دادگاهها و كميته‏ها، جهاد سازندگي و ديگر ارگانها اشتغال به خدمت دارند، كه اولًا در اموري كه صلاحيت آن را ندارند به هيچ وجه دخالت نكنند كه دخالت آنان علاوه بر آنكه از جهت عدم صلاحيت آنان غير مشروع است، از جهت بدبين شدن ملت به روحانيت‏ و در نتيجه جدا شدن ملت از شما كه لطمه‏اي بزرگ به اسلام و كشور اسلامي مي‏باشد از گناهان بزرگ و نابخشودني است.» [[393]](#footnote-394)

ر.ك. 469 امام: «توجه داشته باشد كه اگر يكوقت مثلًا يك جمعيتي يا يك فردي، يك حكومتي پايش را كج گذاشت، همه اعتراض كنند و نگذارند كه واقع بشود. يا يك افراد غير صحيحي را چنانچه در مأموريتهايي گذاشتند و آقايان و علماي بلاد مي‏دانند كه اين فاسد است خودشان نروند سراغش، اطلاع بدهند به آنجاهايي كه بايد اينها را تغيير بدهند، و از آنها بخواهند كه تغيير بدهند. اگر خودشان بروند، و لو يك آدم فاسدي را خود آقايان بفرستند يا بروند و آن فاسد را از آنجا بيرون كنند، اين موجب وَهن مي‏شود براي اهل علم. اينها بايد ارشاد كنند دولت را. ارشاد كنند به اينكه اين مأموري كه اينجا فرستادي اشتباه بوده است و دولت را وادار كنند، مجلس را وادار كنند تا اينكه اصلاح‏ بشود. خودشان اگر بخواهند مستقيماً دخالت بكنند، موجب اين مي‏شود كه در بين مردم موهون بشوند، و شما حفظ حيثيت خودتان برايتان واجب است. هر مؤمني حفظ عِرض خودش برايش واجب است، لكن علما بيشتر مأمورند به اين امور. حجّت بر علما تمامتر است. اين وظيفه ماهاست كه بايد هر كسي شغل خودش را محترم بشمارد. دلسرد نشود امام جماعت از جماعتش، اهل منبر از منبرش، و- عرض مي‏كنم كه- مراجع از مرجعيتشان، علماي بلاد از مسائلي كه خودشان دارند. اينها بايد حفظ كنند آن چيزهايي كه مال خودشان است و حاضر باشند براي امور سياسي.» [[394]](#footnote-395)

ر.ك. 290 امام: «و اما ما هم بايد توجه زيادي داشته باشيم به اينكه در اين انقلاب حفظ حيثيت روحانيت، الآن بسته به وجود آقايان است و امروز با زمانهاي سابق خيلي فرق دارد. زمانهاي سابق در مقابل دولت ايران، در مقابل ايران، در مقابل اسلام، اشخاص زيادي نايستاده بودند، مختصر بود. امروز همه از هر جا كه ملاحظه مي‏كنيد حمله مي‏كنند، خصوصاً، به روحانيون‏؛ هي رژيم آخوندي چطور، رژيم آخوندي چطور. هر روز راجع به اين مسائل، آنها بدون اينكه يك دليلي داشته باشند حمله مي‏كنند. بايد ما فكر اين مطلب باشيم كه- خداي نخواسته- يك وقت بهانه‏اي دست اينها ندهيم. ما خدمت بكنيم؛ به ملت خدمت بكنيم، شما آقايان خدمت بكنيد به ملت. شماها ميل نداريد كه يك وقت- خداي نخواسته- خلافي پيش بيايد. اگر- فرض كنيد- در مركز يك خلافي پيش آمد مستقيماً دخالت نكنيد. همان طور كه آقا گفتند كه «نمي‏خواهم مستقيماً دخالت‏ كنيم» مستقيماً دخالت نكنيد و به دولت و به آنجاهايي كه بايد مراجعه بشود، به مركز قضاوت و امثال اينها مراجعه بفرماييد. ارشاد كنيد مردم را، مردم را دلگرم كنيد به انقلاب. الآن از همه جا دارند آيه يأس مي‏خوانند كه خير، ايران ورشكسته شده، ايران نمي‏تواند ديگر اداره كند، ايران چطور شده. اين حرفهايي كه خوب دشمنان دارند مي‏زنند، شما آقايان بايد جبران كنيد اين تبليغات را. آنها البته در سطح دنيا دارند تبليغ مي‏كنند و ما دستمان از آن تبليغات وسيع كوتاه است. اسباب آن تبليغات وسيع را نداريم، لكن حتي الامكان بايد تبليغ كنيم و در نمازهاي جمعه، در جماعات، در اينها مردم را مطمئن كنيم به اينكه جمهوري اسلامي خير است براي شما، اسلام خير است براي شما و مطمئن بكنيد به اينكه نمي‏خواهد دولتي كه الآن در جمهوري اسلامي هست يا كساني كه در بالا هستند و قضاوت دارند، اينها نمي‏خواهند بر خلاف اسلام عمل كنند.»[[395]](#footnote-396)

4/3. ضرورت تغيير محتواي نظام به تبع تغيير عنوان

476 امام: «رژيم ما ديگر رژيم سلطنتي نيست، جمهوري اسلامي است، اما آن قدري كه تا حالا واقع شده است همين است كه ما رأي داديم به يك مسئله‏اي، و دنيا هم ايران را شناخت به اينكه جمهوري اسلامي است. اما محتواي اين جمهوري اسلامي، كه يك مقداريش مربوط به دولت است و دستگاههاي دولتي كه آن الآن محل صحبت ما نيست، يك قسمت مهمش هم مربوط به اين بنگاه است: به اين بنگاه روحانيت‏ است. ما بايد اين بنگاه روحانيت‏ را يك كاري بكنيم كه اسلامي بشود؛ و ما بتوانيم بگوييم كه ما در جمهوري اسلامي واقع شديم. ما حالا ديگر آزاد هستيم، اختناق نداريم، و مسائل اسلامي را آن طور كه بايد مي‏گوييم، آن طور كه بايد عمل مي‏كنيم، پيشتر نمي‏توانستيم و آزاد نبوديم، منبر آزاد نبود، محراب آزاد نبود، حالا آزاد شديم، اما نه آزاد به اينكه حالا بخواهيم هر چه دلمان مي‏خواهد بگوييم و هر چه بخواهيم بكنيم. نه، آزاديم كه پيشتر نمي‏توانستيم عمل به اسلام [بكنيم‏] و مقاصد اسلامي را بگوييم، حال آزاديم كه مقاصد اسلامي را بگوييم. الآن همه چشمها دوخته شده است به اين مملكت. و شايد بيشتر به اين بنگاه كه اين‏ بنگاهي كه در اسلام در طبقه بالا واقع شده‏اند، مربّي هستند، تربيت مي‏خواهند بكنند، سخنگوي اسلام هستند، اينها چه مي‏كنند، وضع همان وضع است، و لفظ تغيير كرده است يا خير؟ حالا وضع را دارند تغيير مي‏دهند، محتوا را دارند تغيير مي‏دهند و متبدل شده‏اند، اين همين طوري كه حكومتشان، رژيمشان، متبدل شد از طاغوتي به رژيم اسلامي، اين قشر هم كه قشر روحاني باشند، اعم از مراجع اسلام، و از علماي اسلام و از خطباي اسلام، از همه اينها مسأله گوي اسلام، همه اينها كه در اين بنگاه واقع شده‏اند، نظرها الآن دوخته شده است به اينكه اينها چه مي‏كنند، الآن در چه حالي هستند، تغييري در روحيه اينها پيدا شده، در اعمال اينها پيدا شده است؟ يا اعمال همان اعمال و روحيه همان روحيه و يك لفظي را برداشتند و يك لفظ ديگر جايش گذاشتند. در دولت هم همين طور، در وزارتخانه‏ها هم همين طور، در ادارات دولتي هم همين طور، در ارتش هم همين طور، همه جا همين است مطلب.»[[396]](#footnote-397)

477 امام: «پاسدار، چه شماها كه با اسم پاسداري مشغول خدمت هستيد چه ساير قشرها، كه يكي‏اش هم قشر روحانيت است كه آنها هم پاسدار هستند و لو اين لفظ پاسدار بر آنها حالا اطلاق نمي‏شود، لكن به حسب واقع پاسدار از اسلام هستند؛ اگر اين جمعيت آن طوري كه بايد اين وجهه از انقلاب را، كه انقلاب آمدن يك رژيم عادل به جاي يك رژيم فاسد، اگر در اين مرحله كه آمدن يك رژيم، نشستن يك رژيم به جاي يك رژيم فاسد [است‏] مراعات نكنند آن جهت انقلابي را، مراعات نكنند آن عدالت اسلامي را- كه عدالت اسلامي از خود انسان شروع مي‏شود تا همه جا: عدالت در خود انسان، عدالت با رفيق، عدالت با همسايه، عدالت با هم محله، عدالت با همشهري، عدالت با هم استاني، عدالت با هم مملكتي، عدالت با همسايه‏هاي كشورهايي كه با ما هستند، عدالت با همه بشر، اگر اين معنا حاصل نشود، نه حكومت اسلامي است، نه پاسدارش پاسدار اسلام. به‏ مجرد اينكه من ادعا كنم كه پاسدار اسلام هستم، از باب اينكه يك نفر طلبه‏ هستم و طلبه‏ شغلش پاسداري است، مجرد اين تا يك نمونه‏اي نداشته باشد، نشانه و علامتي نداشته باشد، اين ادعاست، ادعايي كه بر فرض اينكه من بتوانم اين ادعا را به مردم جا بزنم، پيش خدا واضح است كه درست نيست.»[[397]](#footnote-398)

5/3. وظيفه حوزه علميه

478 امام: «روحانيوني كه در حوزه‏هاي علميه بوده‏اند و بزرگ شده‏اند در آنجا، اينها با مجاهدات مي‏توانند از آن محل خارج بشوند و در جاهاي ديگر خدمت كنند. همچه نيست كه بعض امثال منافقين تصور مي‏كنند كه حالا ديگر آخوندها مثلًا دستشان چه افتاده و چه مي‏خواهند بكنند. اينها الآن هم با مجاهده مي‏آيند، تكليف شرعي است كه امروز وارد بشوند در اين مسائل؛ نه اينكه مقام پيش آنها مطرح است. آنها سي سال، چهل سال در حوزه‏ها با آن وضع حوزه‏ها گذرانده‏اند و عادت كرده‏اند در آن محلها تشريف داشته باشند. و به حسب تربيتي كه در آنجا شده‏اند و در محيط آنجا بوده‏اند وضعشان اين طور است كه به حسب طبيعت اين طور نيست كه آنها دنبال اين باشند كه يك مقامي باشد، دنبال خدمت هستند. در اين خدمت اگر در حوزه‏ها باشد، در حوزه‏ها خدمت مي‏كنند، و اگر يك وقت تكليف ديدند كه در خارج حوزه‏ها باشد در خارج حوزه‏ها. و با اينكه قضاوت يك امري است كه به حسب حكم الهي حق روحانيون‏ است، و تا زماني كه رژيم سابق بود همان طوري كه همه را از حقوق خودشان محروم كرده بود اين حق الهي هم كه براي آنها در عين حالي كه رنج دارد، لكن حقش بود، بايد به آن قيام كنند، نمي‏توانند تخلف كنند. الآن هم كه آقايان در هر جا باشند و خدمت بكنند اين طور نيست كه بخواهند يك‏ جايي را قبضه كنند و يك جايي را بگيرند.» [[398]](#footnote-399)

479 رهبري: «عزيزان! طلاب‏ جوان! فضلا! توجه كنيد كه حوزه علميه- همان‏طور كه امام مكرر فرمودند- قاعده نظام جمهوري اسلامي است و همه چيز روي اين قاعده بنا شده و دوام خواهد يافت. اين قاعده بايد محكم باشد.» [[399]](#footnote-400)

480 رهبري: «نسبت روحانيت‏ با نظام اسلامي، نسبت روشني است. نسبت روحانيت‏ و حوزه‏هاي علميه با نظام اسلامي، نسبت حمايت و نصيحت است. اين را توضيح خواهم داد. حمايت در كنار نصيحت، دفاع در كنار اصلاح.» [[400]](#footnote-401)

481 امام: «تحصيل علم از اموري است كه واجب كفايي است و از امور مهم است، لكن اگر ما يك وقت احتياج داشتيم به اينكه علما و افراد مستعد الآن تحصيل علم را كنار بگذارند و بروند در جبهه‏ها و دلداري بدهند به اينها، هدايت كنند اينها را يا بروند به شهرهاي دور افتاده و هدايت كنند آنها را، اين مستحب بسيار بزرگ را بايد كنار بگذارند، بروند آن كار را انجام بدهند؛ براي اينكه آن واجب است. انجام بدهند، بعد كه آرامش حاصل شد برگردند آقايان تحصيل بكنند چنانچه همه متصديان روحاني كه هستند، الآن از باب اينكه مي‏بينند كه نمي‏تواند و نخواهد توانست كسان ديگر اداره اين كشور را آن طوري كه اسلام مي‏خواهد اداره بكند و ما تجربه كرديم كه نشد، اين آقايان با اينكه شغلشان اين نيست و حالا من عرض مي‏كنم كه بناي روحانيون‏ بر اين نيست كه حكومت را بگيرند. حكومت چيست؟ اما بناي روحانيون‏ بر اين نيست كه اسلام را حفظ كنند؟! ما گمان مي‏كرديم كه در بين روشنفكران ما- به اصطلاح- خوب، اشخاصي پيدا مي‏شوند كه متعهدند و حفظ مي‏كنند اين را. اگر حالا هم پيدا شد يك همچو اشخاصي، يك همچو جمعيتهايي، آقايان پستهاي مهمتر دارند، مي‏روند سراغ كارشان؛ آقاي هاشمي هم مي‏روند، آقاي خامنه‏اي هم مي‏روند و همه كساني كه متصدي هستند. اما، ما چه بكنيم؟ امروز وضع ما، وضع ايران، وضع گرفتاريهاي داخل و خارج به جوري است كه بدون اينها نمي‏شود اداره كرد اين مملكت را؛ يا مي‏كشانندش به طرف امريكا و يا كمونيسم؛ يا مي‏كشانندش به طرف امريكا و سرمايه داري يا مي‏كشانندش طرف كمونيسم و آن بساط، و ما لازم است برايمان حفظ كنيم.» [[401]](#footnote-402)

ر.ك. 297 امام: «از اين جهت لازم است كه آقايان، اينهايي كه قدرت بر اين معنا دارند كه تشريف ببرند در بلاد و در محالّي كه آشنا هستند يا غير آشنا، و مسائل را براي آنها بگويند و آنها را روشن كنند و دعوت كنند به اينكه رأي بدهيد به جمهوري اسلامي- اين هم با همين كلمه: نه يك حرف زيادتر و نه يك حرف كمتر- براي اينكه الآن شياطين افتاده‏اند دنبال اينكه «جمهوري» محض، همين جمهوري باشد، «جمهوري دمكراتيك» باشد و از اين حرفها، براي اينكه آقايان تشريف ببرند و رفع ابهام بكنند، اين خوب است. كه به همان طوري كه مدرسين محترمِ اينجا بنا دارند كه يك مثلًا هيأتهايي را به اطراف يا اشخاصي‏ را به اطراف بفرستند براي روشن كردن مردم، اين لازم است كه عمل بشود. و غصه نخوريد كه درستان تعطيل مي‏شود! ان شاء اللَّه مجال درس خواندن [داريد]- الحمد للَّه جوان هستيد و مجال درس خواندنتان هست. من هم يك طلبه‏ بودم كه وقتي ديدم وضع اين طوري است درسم را رها كردم و رفتم، و حالا هم آمدم پيش شما. الآن هم تعطيل هست. نه مطالعه دارم نه درس دارم. مشغول همين خدمت به شما آقايان هستم.» [[402]](#footnote-403)

482 امام: «يكوقت انسان درس را تعطيل مي‏كند براي اينكه برود تَعيش‏ بكند، براي اينكه برود تنبلي بكند؛ يكوقت درس را تعطيل مي‏كند براي خدا. همان طور كه درس خواندن براي خدا ثواب و اجر دارد و ارزنده است پيش خداي تبارك و تعالي، گاهي وقتها هم تعطيل درس و اشتغال به يك مطلب مهمي- بلكه مهمتر از درس- اين هم ارزنده است پيش خدا. الآن تعطيل شما و رفتن در اطراف و دهات دوردست، شهرها، دهات دوردست، مقصد، مقصدِ الهي است. فرق نگذاريد بين اينكه در يك شهرستاني برويد و با يك جمعيت انبوهي مواجه باشيد، يا در يك دهي برويد و با يك جمعيت كمي. وقتي بنا شد مقصد الهي باشد، ما بين اين و آن فرق نگذاريد بلكه گاهي آن اولي‏ است. در شهرستانها- خوب- اقشار زياد هستند، آمال زياد است، شايد هواي نفس در آنجا زيادتر باشد اما در قرا و قصبات و دهات دورافتاده اين مسائل كمتر است: هم افراد كم مي‏روند هم جمعيتهاي آنجا كم است، هم آنها از فقرا و- عرض مي‏كنم- مستمندان هستند؛ طمع بين آنها كمتر است. از اين جهت جنبه الهي آنجا بيشتر است. اين طور نباشد كه همه مجتمع بشوند در شهرهاي بزرگ. متفرق بشوند در شهرها و قصبات و دهات و- عرض كنم- قرا و همه جا، و همه را آگاه كنند كه رفراندم كه شد، همه بگويند جمهوري اسلامي مي‏خواهيم‏.»[[403]](#footnote-404)

483 امام: «آن نكته اين بود كه فقه و درس و بحث براي حفظ اسلام است. آن روزي كه اسلام محتاج به اين است كه فقها هم در ميدان بروند، بايد بروند. آن روزي كه اسلام محتاج به اين است كه حوزه‏ها تعطيل بشود و مشغول به يك كاري بشوند، براي حفظ بيضه اسلام بايد درسها تعطيل بشود. و امروز آن روزي است كه بسيار حساس است براي اسلام و مسلمين و ملت ما، كه شايد حساستر از اين موقع نباشد. و آن اين است كه سرنوشت مملكت اسلام بايد تعيين بشود.» [[404]](#footnote-405)

484 رهبري: «امام در همين نوشته‌اي كه در آذر 67 مرقوم كردند - يعني آخر عمرشان، تقريباً ده سال بعد از آن نوشته‌ي اول - از دانشجويان و طلاب ميخواهند كه بسيج تشكيل بدهند؛ بسيج دانشجو و بسيج طلبه. اين نشان‌دهنده‌ي اين است كه نيازي كه كشور به روحيه‌ي بسيجي دارد، مربوط ميشود به همه‌ي زمينه‌ها، از جمله زمينه‌هائي كه در قلمرو حوزه‌هاي علميه است و زمينه‌هائي كه در قلمرو دانشگاه‌هاست. امروز در حوزه‌ي علميه هم فضلاي بسيجي ما، علماي بزرگ بسيجي ما حضور دارند، افتخار هم ميكنند. امام هم افتخار ميكرد.» [[405]](#footnote-406)

1/5/3. تربيت قاضي و مبلّغ

ر.ك. 399 امام: «ما نه امروز مبلّغ داريم و نه قاضي داريم. يك عده مختصري، آن قدري كه ايران احتياج به مبلغ دارد، ندارد، حوزه‏ها ندارند. آن قدري كه قاضي لازم دارند، حوزه‏ها ندارند، حوزه‏ها تربيت قضات را نكرده‏اند، يك عده پيرمردها هستند لكن آنها نمي‏روند سراغ اين كارها. ما الآن نسل جوان را بايد براي قضاوت، براي تبليغ تربيت كنيم. براي قضاوت كه واجب است، واجب كفائي است براي همه، بايد تربيت كنيم كه اين واجب كفائي تحقق پيدا بكند، و براي تبليغ هم لازم است ما تبليغ بكنيم. آن هم جزو واجبات است كه ما از اسلام تبليغ بكنيم. آن چيزي كه وارد شده است در قرآن بايد تبليغ كرد به همه جا، و تبليغ لازمه‏اش اين است كه زبان بدانند. شما نمي‏توانيد برويد در انگلستان براي انگليسي‏ها با زبان فارسي تبليغ كنيد يا در امريكا اين طور يا در شوروي. شما بايد با زبان اهلي آنها تبليغ كنيد، و اين از امور لازمه‏اي است كه پيشتر نمي‏شد اسمش را برد، و حالا مي‏بينيم جزو لازم‏هاست و واجبات است كه بايد عمل بشود.» [[406]](#footnote-407)

485 امام: «قوه قضاييه كه امروز براي قضاي شرعي احتياج مبرم به افراد عالِم متقي با فضيلت دارد، حوزه‏هاي علميه در هر جا هستند، خصوصاً حوزه‏هاي بزرگ بايد اين مسأله را يك واجب كفايي شرعي مهم تلقي نمايند. و براي اين مقصد مهم اسلامي از علماي موجود در حوزه‏ها و شهرستانها دعوت نمايند. و همه علماي اعلام مي‏دانند كه قضا امر بسيار مهمي است كه در رژيمهاي طاغوتي به دست اشخاصي كه اكثريت آنان صلاحيت نداشته‏اند سپرده شده بود. در رژيم سابق ما معذور بوديم، چون اشخاص صلاحيتدار را در هيچ امري، چه رسد به قضاي شرعي، نمي‏پذيرفتند، ولي امروز كه قضاي اسلامي مي‏خواهد اجرا شود عذري نيست. و بر اشخاص صلاحيتدار واجب است تا حدّ كفايت به اين واجب عمل كنند و ديگران را هدايت نمايند و بسيج كنند. و نيز لازم است حضرات مدرسين‏ محترم حوزه‏ها و علماي اعلام و مجتهدين عظام، كتبي را كه به آنها «علوم غريبه» نام مي‏نهادند- زيرا در بحثها و حوزه‏هاي علمي منسي‏ بودند، چون محل ابتلا نبودند- امروز كه شديداً به آنها احتياج است، مثل كتاب قضا و شهادات و قصاص و حدود و ديات و ديگر كتب محل حاجت را مورد بحث و تدريس و تحقيق قرار دهند، كه در آينده مثل امروز گرفتار كمبود اشخاص نباشيم. اميد است براي رضاي خداي تعالي و براي عمل به وظيفه، به اين امر توجه زياد شود، و مسئله قضا كه امروز از مشكلات جمهوري اسلامي است به بركت مراجع بزرگ و علماي اعلام حل شود؛ و نيز شوراي قضايي قوانين مربوط به قضا را با جديت تهيه نمايند، و مجلس محترم هم تصويب اين قوانين شرعيه را مقدّم بر ساير كارها قرار دهند كه قضاي اسلامي در كشور اجرا شود.» [[407]](#footnote-408)

486 رهبري: «امروز هركس براي تعليم و تربيت وارد حوزه مي‏شود، بايد اين در ذهنش باشد كه من امروز به اندازه وسع و توانم، طلبه فاضل، مدرّس معروف، مرجع يا از اركان حوزه مي‏شوم تا به نظام جمهوري اسلامي و مسئولانش كمك كنم. طلبه‏ بايد از ابتدا تا پايان، اين روال و مسير را در نظر داشته باشد. اين، بايد در حوزه علميّه به يك فرهنگ تبديل شود.» [[408]](#footnote-409)

487 امام: «امروز ما قاضي لازم داريم. قضاوت، شما مي‏دانيد كه در طول مدت سلطنت، به دست روحانيون‏ نبود كه به حسب احكام اسلام مختص به آنهاست. قضاوت به يك صورت مشوه درآمده بود و قاضي يك آدمي بود كه به حسب اكثر كه به درد هيچ چيز نمي‏خورد «سيما قضا». امروز قضاوت احتياج دارد به افراد، به افراد حوزه‏هاي علميه هرجا كه هست، قم، مشهد، آذربايجان، هرجا كه حوزه علميه هست، اصفهان. علما و مدرسين‏ حوزه‏ها بايد قاضي تربيت كنند و اين يك واجب كفايي است براي همه. قضاوت يك واجب كفايي است كه اگر كسي بتواند انجام بدهد و به زمين بماند اين امر، معاقب است. اينكه «من حالا حالش را ندارم، قضاوت امر مشكلي است» اين حرفها عذر نيست. بايد همه افرادي كه خودشان را شايسته مي‏دانند بيايند و اين امر بزرگ را و اين امر زمين مانده را از زمين بردارند، اين بار را از زمين بردارند. و گويندگاني كه هرجا ما داريم، در سرتاسر كشور، چه گويندگاني كه از طبقه روحاني هستند و اهل منبر، و چه گويندگاني كه از ساير طبقات هستند، و نويسندگان در هر جا كه هستند، چه در حوزه‏هاي علميه و چه در دانشگاهها و چه در ساير جاها هستند، بايد با گفتار خودشان و نوشتار خودشان به اين كشور خدمت كنند. عذر نيست براي آنها كه چون من وارد يك شغلي نيستم پس نويسندگي هم نكنم. شغل، امروز يك امري است كه براي آن اشخاصي كه شايسته هستند و ايران احتياج به آن شغلها دارد، واجب كفايي است. واجب كفايي آن است كه به همه واجب است و چنانچه ترك بشود، همه معاقب هستند؛ لكن اگر يك عده‏اي قيام‏ كردند به آن امر، از ديگران ساقط مي‏شود. قضاوت از اين امرهاست. و رسيدگي به حال مستضعفان، رسيدگي به حال اينهايي كه در طول مدت سلطنت و خصوصاً اين رژيم اخير از هر چيز محروم بودند، اين هم يكي از اموري است كه آنهايي كه قدرت دارند به اينكه براي آنها خدمت كنند، خدمت يك امر لازمي است براي آنها و بايد خدمت كنند. و مسئله تبليغ كه يكي از امور بسيار مهم است و اكثر شما كه در اينجا تشريف داريد مورد عملتان هست.»[[409]](#footnote-410)

488 رهبري: «بايد طلاب‏ را براي نيازهاي جامعه تربيت كنند. اين جامعه احتياج به قاضي دارد. بايد دستگاهي در قم طلاب‏ را به سمت تربيت قاضي سوق بدهد. اين‏طور نباشد كه تربيت قاضي را هم حوزه به عهده ديگري واگذار بكند. جايي در حوزه باشد كه طلاب‏ را براي حضور در دستگاه‏هاي گوناگون اداري كشور مثل سازمانهاي عقيدتي، سياسي و ادارات مختلفي كه احتياج دارند سوق دهد. جايي باشد كه اشخاص و جمعي را به سمت پيدا كردن مسائل مهم كه نظام به آن‏ها نياز دارد سوق دهد.» [[410]](#footnote-411)

489 امام: «و من از حوزه‏هاي علميه و از علماي اعلامي كه در بلاد هستند و از فضلايي كه در حوزه‏ها هستند، از آنها مي‏خواهم كه در اين امور، در امور قضايي و در امور دادگستري به اين كشور كمك كنند. و حوزه‏ها مي‏توانند در عين حالي كه حوزه بقايش هست و بايد باشد، مي‏توانند عده به مقداري كه احتياج هست به قضاي، تحويل بدهند قاضي را، تربيت كنند قاضي را. اين يك امر مهمي است براي اسلام و براي مسلمين. اعراض مردم دست قضات است؛ بايد آنها را، هم تعليم كنند و هم تربيت كنند تا بيايند و خدمت كنند به اين كشور. و تمام اشخاصي كه هستند و هستيم و هستيد شما، تمام ما مسئول هستيم.» [[411]](#footnote-412)

490 امام: «از جمله كمبودهاي چشمگير كه پس از انقلاب ناگهان با آن مواجه شده و هستيم كمبود قاضي شرع و مبلّغ اسلامي است. امروز هزاران قاضي و مبلّغ مورد حاجت است، كه بايد با همت اكابر و علما و مدرسين‏ و فضلاي حوزه‏ها در سراسر كشور، خصوصاً قم، مشهد و شهرستانهاي بزرگ، تربيت شوند. از گوشه و كنار كشور قاضي مي‏خواهند و مبلّغ؛ و هر روز احتياجات روز افزون مي‏شود. حوزه‏هاي علميه بايد با صرف وقت براي اين امر بسيار مهم كوشش خستگي ناپذير نموده و بپاخيزند؛ البته در قم به همت فضلا و مدرسين‏ محترم اين امر شروع شده است لكن چون حجم كار بسيار زياد است، لازم است حوزه‏ها تعليماتشان را افزايش دهند كه آن شاء اللَّه اين كمبودها تا چند سال ديگر رفع شود.» [[412]](#footnote-413)

2/5/3. حفظ فقاهت در حوزه

491 امام: «حوزه‏هاي علميه امروز بايد بيشتر از سابق در مسائل اسلامي و فقه جديت نمايند، و مسأله فقه به همان نحوي كه مشايخ درست كرده‏اند، بايد محفوظ بماند. لكن الآن كه ايران به واسطه گرفتاري‏ها به اهل علم احتياج دارد، اگر چه به طور موقت آقايان بايد به‏ خدمت‏هايشان ادامه دهند، و درست است كه تحصيل فقه در اولويت است، اما همه اينها به خاطر حفظ اسلام است. و امروز اگر براي حفظ اسلام احتياج باشد كه آقايان به جبهه‏ها بروند و رزمندگان را تشويق بنمايند، بايد اين كار را انجام دهند. و همچنين امور قضايي از باب اينكه قضاوت و يادگيري آن از حوزه‏ها سلب شده بود، و كسي هم فكر دخالت در آن نمي‏كرد، و از اين جهت نقيصه زياد داشت و دارد. و با اينكه پيش از اين من اجازه نمي‏دادم كه با تقليد، قضاوت انجام شود، لكن چون كمبود داريم افرادي كه با تقليد مي‏توانند عهده‏دار اين مسأله باشند، مانعي ندارد. و شايد شما مطلع باشيد با آنكه شارع مقدس به امر قضا آن همه اهتمام داشته است، در سابق بر خلاف اين حتي يك عدّه كمونيست هم قضاوت مي‏كردند. و آقايان به خاطر اينكه اين منصب بزرگ به دست بي‏تقواها نيفتد بايد در اين امر شركت كنند. و ما تكليف داريم كه قضاوت و ساير جهات را حفظ كنيم، تا زماني كه جمهوري اسلامي در سير خود قرار بگيرد، آن گاه علما به پست‏هاي خودشان كه از همه شريفتر است برگردند. و من از ابتدا همين مطلب را مي‏گفتم كه علما شأنشان نيست مسئوليت دولتي بپذيرند؛ خيال مي‏كردم كه بدون آنها كارها درست مي‏شود. ولي پس از مدتي ديدم كه اگر به اين وضع باقي بمانيم، اصل اسلام هم در خطر مي‏افتد، و از آن مبناي اول برگشتم. و تا مادامي كه اينها اشخاص صالح را به جاي خود پيدا نكرده‏اند، بايد باشند.»[[413]](#footnote-414)

ر.ك. 269 امام: «لكن فقاهت كه اساس است سر جاي خودش بود و بايد باشد. و مسجدها [را] بايد محكم آقايان بگيرند.» [[414]](#footnote-415)

ر.ك. 356 امام: «بايد در عين حالي كه حضور داريد در صحنه سياست، و هر واقعه‏اي كه واقع مي‏شود شما توجه بايد داشته باشيد كه اين واقعه آيا به نفع ملت است يا نه، لكن حوزه‏هاي فقاهت را به همان قوّت خودش حفظ كنيد. اين فقه است كه اسلام را حفظ كرده و تا آخر حفظ مي‏كند ان شاء اللَّه. و از اين شغلي كه داريد و از اين راهي كه داريد منحرف نشويد، و برويد يك كارهايي كه شما نبايد بكنيد، مثلًا يك معمّمي چهار تا هم پاسدار داشته باشد، و يا هر كاري دلش مي‏خواهد بكند، يك كسي هم يك كميته درست كند و چند تا پاسبان و هر كاري مي‏خواهد بكند. اينها يك طرحي است كه ريخته‏اند براي اينكه شما را از صحنه خارج كنند. وارد يك صحنه‏اي مي‏كنند كه شما را بكلي خارج كنند. همچو مي‏كنند كه هي بيايند فرياد بزنند كه امان از اين آخوندها كه در كميته‏ها هستند و در دادگاهها هستند. اگر دو تا، سه تا قضيه بر خلاف واقع شد، آنها هم قضاياي زيادي را كه صحيح واقع مي‏شود، پايمال مي‏كنند. بايد در عين حالي كه هر كس به شغل خودش بايد مشغول باشد، و هر كسي بايد همان كاري كه دارد خوب انجام بدهد، لكن حاضر باشد در مملكت و غايب نباشد از سياستي كه در مملكت مي‏گذرد.»[[415]](#footnote-416)

3/5/3. آموزش زبان خارجي

492 رهبري: «طلّاب‏ بايد زبانهاي زنده دنيا را هم بدانند و دانستن حد اقل يك زبان زنده از زبانهاي موجود دنيا، جزو چيزهايي است كه براي طلّاب‏ علوم ديني لازم و ابزار حتمي كار است. اين هم بايستي در حوزه رواج پيدا كند. خوشبختانه طلّاب‏ غالباً جوان هستند و قدرت فراگيري زبان در آن‏ها زياد است؛ اين كار بايد إن شاء اللَّه در حوزه‏ها رواج پيدا كند.» [[416]](#footnote-417)

ر.ك. 399 امام: «ما نه امروز مبلّغ داريم و نه قاضي داريم. يك عده مختصري، آن قدري كه ايران احتياج به مبلغ دارد، ندارد، حوزه‏ها ندارند. آن قدري كه قاضي لازم دارند، حوزه‏ها ندارند، حوزه‏ها تربيت قضات را نكرده‏اند، يك عده پيرمردها هستند لكن آنها نمي‏روند سراغ اين كارها. ما الآن نسل جوان را بايد براي قضاوت، براي تبليغ تربيت كنيم. براي قضاوت كه واجب است، واجب كفائي است براي همه، بايد تربيت كنيم كه اين واجب كفائي تحقق پيدا بكند، و براي تبليغ هم لازم است ما تبليغ بكنيم. آن هم جزو واجبات است كه ما از اسلام تبليغ بكنيم. آن چيزي كه وارد شده است در قرآن بايد تبليغ كرد به همه جا، و تبليغ لازمه‏اش اين است كه زبان بدانند. شما نمي‏توانيد برويد در انگلستان براي انگليسي‏ها با زبان فارسي تبليغ كنيد يا در امريكا اين طور يا در شوروي. شما بايد با زبان اهلي آنها تبليغ كنيد، و اين از امور لازمه‏اي است كه پيشتر نمي‏شد اسمش را برد، و حالا مي‏بينيم جزو لازم‏هاست و واجبات است كه بايد عمل بشود.» [[417]](#footnote-418)

4/5/3. توجه به تهذيب طلاّب

493 امام: «اگر خداي نخواسته، به واسطه اعمال روحانيون‏، در عقايد بعض اشخاص ضعيف كه هستند، سستي پيدا بشود، آن وقت اين چه مصيبتي است كه ما تحملش را بايد بكنيم. اين يك باب واسعي است كه در حوزه‏ها بايد اشخاص متقي و اشخاص آشناي به حقايق اسلام، طلبه‏ها را تربيت كنند و آقاياني هم كه در بلاد هستند دوستان خودشان را، طلبه‏هايي كه در آنجا هستند، جوان‏هايي كه آنجا هستند، آنها را ارشاد كنند به اينكه مبادا خداي نخواسته، يك وقت از اين زي طلبگي خارج بشوند و خروج آنها موجب تزلزل عقيدتي در مردم بشود.» [[418]](#footnote-419)

5/5/3. پرهيز از تشريفات در حوزه علميه

494 امام: «مسأله ديگر، مسأله تشريفات حوزه‏هاي روحانيت‏ است كه دارد زياد مي‏شود. وقتي تشريفات زياد شد، محتوا كنار مي‏رود. وقتي ساختمانها و ماشينها و دم و دستگاهها زياد شود، موجب مي‏شود بنيه فقهي اسلام صدمه ببيند، يعني با اين بساطها نمي‏شود شيخ مرتضي و صاحب جواهر تحويل جامعه داد. اين موجب نگراني است و واقعاً نمي‏دانم با اين وضع چه كنم. اين تشريفات اسباب آن مي‏شود كه روحانيت‏ شكست بخورد. زندگي صاحب جواهر را با زندگي روحانيون‏ امروز كه بسنجيم، خوب مي‏فهميم كه چه ضربه‏اي‏ به دست خودمان به خودمان مي‏زنيم‏» [[419]](#footnote-420)

495 امام: «آقايان علماي اعلام و مدرسين محترم كه خير خواهان اسلام و كشورهاي اسلامي هستند، توجه عميق كنند كه مبادا تشريفات و توجه به ساختمانهاي متعدد براي مقاصد سياسي و اجتماعي اسلام، آنان را از مسئله مهم اصلي حوزه‏ها كه اشتغال به علوم رايج اسلامي و خصوصاً فقه و مبادي آن به طريق سنتي است، اغفال كند، و مبادا خداي نخواسته اشتغال به مبادي و مقدمات موجب شود كه از غايت اصلي كه ابقا و رشد تحقيقات علوم اسلامي، خصوصاً فقه به طريقه سلف صالح و بزرگان مشايخ همچون «شيخ الطائفه» و أمثاله- رضوان اللَّه تعالي عليهم- و در متأخرين همچون «صاحب جواهر» و شيخ بزرگوار «انصاري» - عليهم رضوان اللَّه تعالي- بازدارد. اسلام اگر خداي نخواسته هر چيز از دستش برود ولي فقهش به طريقه موروث از فقهاي بزرگ بماند، به راه خود ادامه خواهد داد. ولي اگر همه چيز به دستش آيد و خداي نخواسته فقهش به همان طريقه سلف صالح از دستش برود، راه حق را نتواند ادامه داد و به تباهي خواهد كشيد. و با آنكه مي‏دانيم مراجع عظام و علماي اعلام و مدرسين‏ عاليقدر- دامت بركات وجودهم- توجه به اين امر دارند، لكن خوف آن است كه اگر تشريفات و زرق و برقهاي شبيه به قطب ماديت رواج پيدا كند، در نسلهاي بعد اثر گذارد و خداي نخواسته آنچه از آن مي‏ترسيم به سر حوزه‏ها بيايد. لازم است آقاياني كه در اين امور دست دارند و متصدي اين مسائل هستند توجه كنند كه حد افراط را جلوگيري كنند، و هر چه مي‏كنند در خدمت حوزه‏هاي علمي و در خدمت اسلام و علوم اسلامي باشد، و كارها تعديل شود و از افراط و تفريط احتراز گردد.»[[420]](#footnote-421)

6/5/3. تشكيل اتاق‌هاي فكر ديني

496 رهبري: «ما اگر چنانچه به دستگاه‏هاي تبليغاتي‏مان اعتراض ميكنيم، مي‏بينيم اينها گاهي اوقات به خاطر اعتراض و تشري كه ما ميزنيم، يك حركتي ديني هم انجام ميدهند، بد از آب در مي‏آيد؛ يك كاري هم انجام ميدهند، محتواش خراب در مي‏آيد، اين به خاطر اين است كه اشراف علمي كه فقط مختص روحانيت‏ است در اين مورد، وجود ندارد. حوزه‏هاي علميه نقش‏شان در صدا و سيما فقط اين نيست كه يك واعظ خوش‏زباني بيايد آنجا، مردم را نصيحت كند؛ نه، حوزه علميه بايد كميته‏ها تشكيل بدهند، مجموعه‏ها تشكيل بدهند، اتاق فكرهاي ديني تشكيل بدهند، راجع به مسائل گوناگون بنويسند، بحث كنند، تحليل كنند، تحقيق كنند و محصولات اينها را بدهند بيرون. فضا وقتي كه درست شد، طبعاً اثر ميگذارد. روي بازي هنرمند هم اثر ميگذارد.»[[421]](#footnote-422)

497 رهبري: «ما امروز در باب اداره كشور به مسائلي برخورد مي‏كنيم كه مشكلات و معضلات ديني و فقهي ماست؛ ما پاسخ اين‏ها را مي‏خواهيم، اما كسي جواب‏گو نيست. بايد خودمان بنشينيم، يا آقايي را ببينيم و از او بخواهيم، يا فرضاً بگوييم در كتابها بگردند و جواب اين مسئله را پيدا كنند. بايد دستگاهي آماده باشد و تمام مشكلات و معضلات نظام را پيش‏بيني كند؛ نسبت به آن‏ها فكر كند، راه حل ارائه كند و جواب و پاسخ آماده را براي آن آماده نمايد. اين، جزو وظايف حوزه‏هاي علميه است؛ لذا متعلق به اسلام است، و اسلام آن چيزي است كه حوزه علميه براي آن به وجود آمده است.»[[422]](#footnote-423)

7/5/3. جمع‌آوري آمار و اطلاعات روحانيت

498 رهبري: «يكي از كارهائي كه در سازماندهي حوزه لازم است، آمارگيري است، كه من اشاره‏اي كردم وسط صحبت دوستان. ما از حوزه آمار درستي نداريم. به طريق اولي، آن‏وقت از مجموعه روحانيت‏ در كشور آمار درستي نداريم. تعداد روحانيون‏ در كشور، حدود تحصيلي اين‏ها، ميزان فضل اين‏ها، توانائيهاي تبليغي اين‏ها، تأثيرگذاري اين‏ها در محيطشان؛ اين‏ها چيزهائي است كه اصلًا در آمارهاي ما، در اطلاعات ما منعكس نيست؛ ما آمارگيري نداريم. آمارگيري هم يك دانش است. يكي از كارهائي كه بايد حتماً انجام بگيرد، سريع هم بايد شروع بشود و چند سال هم طول خواهد كشيد، اما بركاتش خيلي زياد خواهد بود، همين مسئله آمارگيري است. از طلاب‏ حوزه، از سطوحشان، از مقدار و اندازه دركشان از درسي كه خوانده‏اند، پيشرفت تحصيلي‏شان، از اين‏ها آمارگيري داشته باشيم، بدانيم زيردست مجموعه مديريت حوزه چيست، با چي مي‏خواهد كار كند. اين كمبود را هم ما داريم كه البته آن‏وقت دنبال آمارگيري، نظام ارزشيابي پيش مي‏آيد؛ اين هم يكي از چيزهائي است كه در مسئله سازماندهي عرض مي‏كنيم.» [[423]](#footnote-424)

8/5/3. مديريت تبليغ

499 رهبري: «مسئول دين‏داري مردم، روحانيت‏ است. روحانيت‏ هم مولود و ساخته دست حوزه علميه است. با اين نگاه مسئوليت را بسنجيد؛ اين‏جوري توزين بكنيم مسئوليت را تا بفهميم بر دوش ما، بار سنگيني كه هست، چيست.»[[424]](#footnote-425)

500 رهبري: «مركزي لازم است، براي اينكه اين‏گونه چيزها خُلقيّات روحي جامعه و ملت، خُلقيّات سياسي و اجتماعي، يا خُلقيّات رفتاري را بحث كنند و در موردش به تصميم‏گيري بپردازند. نه اينكه بخواهيم بگوييم هر كاري در زمينه‏هاي فرهنگ عمومي بخواهد انجام گيرد، بايد بيايد از اينجا رخصت بطلبد؛ نه. الآن روحانيت‏ معظّم و دستگاه‏هاي تبليغاتي كشور كه دولتي هم نيستند و مردمي‏اند، كارهاي فراواني در اين زمينه مي‏كنند؛ احتياج هم ندارند كه از جايي استيذان كنند كه اين حرف را بزنيم، يا نزنيم. اما اگر حقيقتاً يك دستگاه متفكّر و جامعِ همه خصوصيات و بيننده همه كمبودها و نيازها وجود داشته باشد كه بتواند خلأها را بفهمد، بعد اگر به اين نتيجه رسيد كه در كشور، اين كمبود از لحاظ اخلاقي وجود دارد، ببيند آيا جاي اين هست كه به دستگاه‏هاي تبليغاتي كشور فرضاً به سازمان تبليغات، يا به دستگاه اعزام مبلّغ در قم توصيه كند، يا نظر كارشناسي بدهد كه به نظر ما چنانچه مبلّغين در اين ماه رمضان، يا در اين يك سال، يا در اين برهه از زمان، روي اين مسئله تكيه كنند، خوب است؛ خيلي به سود كشور خواهد بود.» [[425]](#footnote-426)

501 رهبري: «مسأله نياز حوزه فراتر از اين‏هاست. ما انواع روحانيون‏ در سطوح گوناگون و با تخصّصها و تواناييهاي مختلف نياز داريم. استعدادها مختلف است. بايد استعدادها شناخته شود، درسها خوانده شود، دوره‏ها از هم تفكيك شوند و فضلاي جوان در حوزه به كار گرفته شوند؛ چون بركات زيادي از اين گروه عايد خواهد شد. حوزه علميّه بايد مثل يك كارخانه تأمين‏كننده نيازهاي جامعه، مرتّب كار كند و محصول خود را كه همان محقّقان و مبلّغان و مدرّسان و مؤلّفان و انواع قشرهاي روحاني هستند، بيرون دهد. حوزه بايد برنامه‏ريزي كند و مشخص باشد كه مثلًا پنج سال ديگر چه تعداد مبلّغِ مناسب براي مناطق گوناگون دنيا و داخل كشور تربيت مي‏شود. همچنين در زمينه مسائل قرآني و تفسير و ديگر علوم حوزوي و نيز تربيت مدرّس براي دانشگاهها و دروس معارف اسلامي و نيز تربيت محقّق و مؤلّف براي پاسخگويي و مقابله با شبهات، برنامه‏ريزي منظّم و مرتّبي داشته باشد.» [[426]](#footnote-427)

502 رهبري: «تبليغ كه اولي‏ترين كار ماست، حوزه علميه قم اين كار را نمي‏كند! با زحمت و تلاش زياد، در فصل تابستان و يا به مناسبتي، آقايان عدهي را براي تبليغ مي‏فرستند؛ بنده هم پشتيباني و كمك مي‏كنم و بر اين معنا اصرار مي‏ورزم. ما در اين دو، سه‏ساله، از سازمان تبليغات و دفتر تبليغات خواهش كرديم، عدهي را فرستادند؛ ولي اين كافي نيست. جاهايي هست كه اصلًا روحاني‏ پايش به آنجا نمي‏رسد! در سفر به استان بوشهر به منطقه‏اي رفتيم و وارد ده بزرگي شديم؛ گفتيم روحاني‏ و عالم شما كيست؟ گفتند ما روحاني‏ نداريم! پرسيديم چرا؟ گفتند نمي‏آيند بمانند! من از شما سؤال مي‏كنم كه چرا نمي‏رويد بمانيد؟ اين واقعاً سؤال جدي است؛ چرا نمي‏رويد بمانيد؟ برويد در يك ده بمانيد؛ چه اشكالي دارد؟ حوزه نمي‏تواند براي اين‏طور جاها مبلّغ بفرستد.» [[427]](#footnote-428)

503 رهبري: «فهم سياسي و هدايت سياسي حوزه، بايستي بسيار سطح بالا باشد. امروز طلاب و فضلاي حوزه علميه، در سرتاسر كشور منتشر مي‏شوند. اين‏طور نيست كه مردم از آن‏ها بخواهند، برايشان فقط مسئله و رساله توضيح بدهند اگرچه آن را هم مي‏خواهند، آن هم نياز مردم است بلكه امروز راجع به مسائل منطقه و سياستهاي گوناگون جهاني و مسائل داخلي هم از روحاني سؤال مي‏كنند. اگر سؤال هم نكنند، او بايد متصدي پاسخگويي بشود. امروز روحاني‏ امام‏جمعه است؛ يعني حاكم فكري و معنوي بر آن شهر يا استاني كه او امام‏جمعه آنجاست. امام‏جمعه كه فقط يك پيش‏نماز نيست. امروز، روحاني‏ در دانشگاهها نماينده است؛ يعني كسي كه دين را در دانشگاهها بايد معرفي كند.»[[428]](#footnote-429)

6/3. تلاش استكبار جهاني عليه نظام و روحانيت

504 امام: «دستهاي مرموز جهانخواران به وسيله اشخاص و گروههايي كه در قشرهاي ملتهاي اسلامي نفوذ كرده‏اند در طول ساليان دراز يك برنامه‏اي را انجام دادند. و مع الأسف انجام گرفت، و ثمرات خبيث خودش را تحويل ملتها داد. و آن اين معنا كه روحانيون بايد در مساجد و در حجره‏ها و در زاويه‏هاي منزوي باشند؛ و تمام كار آنها اين است كه پير مردانشان از منزل به مسجد و از مسجد به منزل بروند، و بر كنار از جامعه و بي‏توجه به چيزهايي كه بر جامعه مي‏گذرد باشند. حتي دخالت در امور اجتماعي و سياسي كشور يك ننگي بود، و خلاف عدالت و مقام روحانيت! وظيفه جوانهاي روحاني هم خزيدن در گوشه مدارس و حجره‏هاي مرطوب، و فقط تحصيل علوم [بود] آن هم نه آنچه مربوط به جامعه است و نه آنكه مربوط به سياست جامعه. حتي لباس جُندي جزء چيزهايي حساب مي‏شد كه اگر روحاني آن لباس را به تن كند از عدالت خارج مي‏شود! دخالت در امور سياسي يك وضعي تعبير شده بود كه اين بر خلاف روحانيت است؛ و فلان آقا كه سياسي است ديگر نبايد در جرگه روحانيت باشد. اين امري بود براي منزوي‏ كردن روحانيت و كشاندن آنها به گوشه‏هاي انزوا و حجره‏هاي مدارس و گوشه‏هاي مسجد. طرح‏ريزي شده بود و در باور اكثر روحانيون و اكثر قريب به اتفاق ملت [بود] اگر يك امري كه مربوط به سياست، مربوط به اجتماع، مربوط به گرفتاريهاي سياسي و اجتماعي اسلام و كشور اسلام بود، روحاني‏ نبايد دخالت كند! اين امر را از اروپا گرفته بودند، آنها هم روحانيت خودشان را منزوي كرده بودند تا هر كاري كه مي‏خواهند به سر ملتها بياورند و كسي نباشد چرا بگويد. در اينجا هم، در مملكت ما در بلاد ديگر اسلامي هم، همين نقشه بود. روحانيين اگر دخالت در يك امر سياسي مي‏كردند، ملت به آنها ايراد مي‏گرفت؛ خود روحانيين هم ايراد مي‏گرفتند. آنها بايد منعزل‏ باشند از سياست و از گرفتاريهاي اسلام و مسلمين؛ و اين امور بايد به دست سلاطين و وابستگان به آنها سپرده بشود. اين يك نقشه‏اي بود كه سالهاي طولاني كشيده شده بود، و استفاده‏هاي بزرگي هم كردند. اگر اين نقشه نبود يا به ثمر نرسيده بود، كشور ما و كشورهاي اسلامي، كه روحاني‏شان بايد در امور كشور دخالت كنند و بايد سياست مُدُن را در رأس برنامه‏هاي خودشان بگذارند، اين گرفتاريها را پيدا نمي‏كرد. آنها خوب فهميده بودند كه اين طايفه كه پيش مردم هستند و نفوذ دارند و كليد باب ملّت هستند، بايد به طوري عمل بشود كه ملّت هم اجازه ندهد به اينها كه در امور سياسي دخالت كنند؛ و خودشان هم باورشان بيايد كه نبايد در امور سياسي دخالت كنند. همان طوري كه غربيها اين مطلب را نسبت به كليسا انجام دادند و كليسا منعزل شد از ملتها، اين امر در اينجا هم به دست آنها انجام گرفت و ما را به اينجا رساند.» [[429]](#footnote-430)

505 رهبري: «دشمن انقلاب، جامعه روحانيت‏ را در صورتي تحمل مي‏كند كه روحانيون‏ از دخالت در امور سياست و حضور در صحنه‏هاي انقلاب كنار بكشند و مانند جمعي از روحانيون‏ بي‏خبر و متحجرِ گذشته و حال، به كنج مدارس و مساجد اكتفا كنند و كشور و زندگي مردم را به آنان بسپارند»[[430]](#footnote-431)

506 رهبري: «با بي‏طرف ماندن روحانيت‏ در مسائل چالشي اساسي، موجب نميشود كه دشمن روحانيت‏ و دشمن دين هم بي‏طرف و ساكت بماند؛ «و من نام لمنم عنه». اگر روحانيت‏ شيعه در مقابل حوادث خصمانه‏اي كه براي او پيش مي‏آيد، احساس مسئوليت نكند، وارد ميدان نشود، ظرفيت خود را بروز ندهد، كار بزرگي را كه بر عهده اوست، انجام ندهد، اين موجب نميشود كه دشمن، دشمني خود را متوقف كند؛ بعكس، هر وقت آنها در ما احساس ضعف كردند، جلو آمدند؛ هر وقت احساس انفعال كردند، به فعاليت خودشان افزودند و پيش آمدند. غربي‏ها ظرفيت عظيم فكر شيعه براي مواجهه با ظلم جهاني و استكبار جهاني را از مدتها پيش فهميده‏اند؛ از قضاياي عراق، از قضاياي تنباكو؛ لذا آنها ساكت‏بشو نيستند؛ آنها به تجاوز خود، به پيشروي خود ادامه ميدهند. سكوت و بي‏طرفي علما و روحانيون‏ و حوزه‏هاي علميه به هيچ وجه نميتواند دشمني دشمن را متوقف كند. بنابراين حركت حوزه‏هاي علميه، بي‏طرف نماندن حوزه‏هاي علميه در قبال حوادث جهاني، در قبال مسائل چالشي ملي و بين‏المللي يك ضرورتي است كه نميشود از آن غافل شد.» [[431]](#footnote-432)

507 امام: «امروز نقشه دقيقتر از آن وقت است. امروز طرحهايي كه اينها مي‏خواهند پياده كنند از آن وقت شديدتر است و ما بايد بيشتر چشم و گوشمان را باز كنيم. شما امروز هم مي‏بينيد كه چهار نفر، ده نفر روحاني‏ كه با كمال صداقت دارند خدمت به اين انقلاب مي‏كنند، از هر گوشه صدا مي‏شود كه حكومت آخوندي! اين زمزمه‏ها تازه كم كم همان نقشه‏هاي سابق است. آن وقت هم يكدفعه نشد. ابتدا كم كم، يكي يكي، دوتا دوتا اهل علم بلاد را، اهل منبر بلاد را انتقاد كردند؛ گفتند، گفتند، روزنامه‏ها بعد شروع كردند و نطقها و مجالس و اينها درست كردند و بعد هم كار خودشان را انجام دادند. حالا هم اين نقشه هست در كار.»[[432]](#footnote-433)

508 امام: «يك آقايي يك كاري، يك آخوندي يك كاري كرد، يك شخصي يك كاري كرد، مي‏گويند آخوندها اين طور. اين همان نقشه است كه پاسدار را و ارتش را و ژاندارمري را و قواي مسلح را و شما را از هم جدا كند و از چشم ملت بيندازد، تا آنها وقتي كاري مي‏خواهند بكنند. نه قوه روحاني‏ در كار باشد كه مردم را هدايت كند و بسيج كند، و نه قوه مسلّح، قواي مسلّحي باشند كه كاري انجام بدهند، همه را مقابل هم نگه دارند.» [[433]](#footnote-434)

509 امام: «از اول هم هدف، روحاني بود. قضيه برداشتن عمامه روحاني- كه نمي‏توانست يك آخوند از توي خيابان بيايد، براي اينكه مي‏ريختند و عمامه‏اش را مي‏خواستند بردارند و يا بر مي‏داشتند- اين يك چيزي نبود كه مِن باب اتفاق شده باشد، يك نقشه‏اي بود كه مي‏ديدند كه اين عمامه خيلي كار از آن مي‏آيد؛ مردم عقيده دارند به اينها و اينها وقتي يك چيزي را بگويند، از آنها گوش مي‏كنند. از اول، دنبال اين افتادند كه اينها را به زمين بزنند تا وقتي كه بخواهند همه نفت ما را ببرند و همه چيزهاي زيرزميني ما را ببرند و جوانهاي ما را هم به نابودي بكشند، يك كسي نباشد بگويد: چرا. اينها ديدند كه «چرا» از دهان روحاني‏ هي در مي‏آمد. توي مجلسش هم كه بود، يك روحاني‏ بود پا مي‏شد مي‏گفت: چرا؟ زمان رضا خان هم كه همه نَفَسها قطع شده بود، باز روحاني‏ بود كه هي قيام مي‏كرد و چرا مي‏گفت.» [[434]](#footnote-435)

510 رهبري: «اگر بحث سياستهاي جهاني و استكبار جهاني و امريكاي با آن عظمتِ ظاهري بشود و بگويند اين‏ها با شما مخالفند، شما نبايد بگوييد مگر من چه كسي هستم كه با من مخالفند؛ من يك طلبه گوشه مدرسه آقاي آخوند در همدان هستم. من مي‏خواهم بگويم اين فكر اشتباه است. اين‏ها با يك‌يك شما نه تنها مخالفند، بلكه دشمن‏اند. به هركدام از شماها به چشم منبعي براي روشنگري و افشاگري نگاه مي‏كنند؛ كه اگر اين منبع فعال شود و كار بكند و باطن و استعداد و ظرفيت خودش را بروز دهد، كار بر استكبار دشمن دشوار خواهد شد. از نظر آن‏ها هريك از شما بالقوه يك امام خميني هستيد. اين‏ها با يك‌يك عمامه‏به‏سرها و طلبه‏ها و روحانيون‏ دشمن‏اند؛ چرا؟ چون بناي كار آن‏ها بر ظلمات، بر چشم‏بندي و بر كتمان حقيقت و پرده روي كار كشيدن است.»[[435]](#footnote-436)

511 رهبري: «عزيزان من! روحانيت‏ بايد بداند كه نظام و جامعه اسلامي، اگر خود را به گونه‏اي كه اسلام فرموده است شكل دهد، و عوامل بقا را در خود فراهم كند، هيچ نيرويي در دنيا قادر به مقابله با آن نخواهد بود؛ نه نيروي مادّي و نه نيروي نظامي، كه پيوسته تهديد مي‏كنند هواپيما مي‏آيد؛ موشك مي‏آيد، چه مي‏آيد، چه مي‏آيد. مگر مي‏توانند؟! ايادي استكبار به مدّت هشت سال كشور ما را تهديد كردند و به تهديدهاي خود، جامه عمل هم پوشاندند. در طي اين مدّت چه غلطي كردند كه بعد از اين بتوانند بكنند؟! امروز استكبار جهاني، نيروي علمي و خيل رجل خود را بسيج كرده تا بلكه بتواند با تفكّر و فرهنگ و ابزار دانش، تفكّر اسلامي را متزلزل كند. اما با اين ترفند هم، نخواهد توانست كاري از پيش ببرد. البته، شرط ناكامي و ناتواني استكبار اين است كه در اينجا، همان‏گونه كه اسلام فرموده است، عمل شود. يعني: «ادْعُ الي سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْموعِظَةِ الْحَسَنَةِ.» در اين صورت، حتّي با ابزارهاي فساد هم نخواهد توانست كاري كند.»[[436]](#footnote-437)

512 رهبري: «وقتي درگيري داريد، بايد بيدار باشيد. درگيري به اختيار من و شما نيست. دشمن ميخواهد درگيري داشته باشد؛ حالا درگيري سياسي، درگيري امنيتي، درگيري اقتصادي. همه‌اش درگيري نظامي هم نيست. وقتي درگيري هست، بايد بيدار بود. جوانها بيدار باشند، روحانيت بيدار باشد، دانشگاه بيدار باشد، مسئولين كشور بيدار باشند. بيداري مسئولين به اين است كه هرچه ميتوانند، به مردم خدمت كنند، كار كنند؛ و هرچه ميتوانند، اين يكپارچگي را - كه مثل خاري در چشم دشمنان است - حفظ كنند.» [[437]](#footnote-438)

513 امام: «اكنون ما بايد از آن توطئه‏ها و مفاسدي كه از انزواي متدينين پيش آمد و سيلي‏اي كه اسلام و مسلمين خوردند عبرت بگيريم؛ و بدانيم و بفهميم كه نظام اسلام و اجراي احكام آسماني آن و مصالح ملت و كشور اسلامي و حفظ آن از دستبرد اجانب بستگي به‏ دخالت اقشار ملت و بويژه روحانيون‏ محترم و مراجع معظّم دارد. و اگر خداي نخواسته بر اسلام يا كشور اسلامي، از ناحيه عدم دخالت در سرنوشت جامعه، لطمه و صدمه‏اي وارد شود، يك يك تمام ملت در پيشگاه خداي قهّارِ توانا مسئول خواهيم بود؛ و نسلهاي آينده، كه ممكن است از كناره‏گيريهاي كنوني مورد هزار گونه تجاوز واقع شوند، ما را نبخشند. پس، يكي از وظايف مهم شرعي و عقلي ما براي حفظ اسلام و مصالح كشور، حضور در حوزه‏هاي انتخابيه، و رأي دادن به نمايندگان صالح كاردان و مطلع بر اوضاع سياسي جهان و ساير چيزهايي كه كشور به آنها احتياج دارد مي‏باشد؛ چه از روحانيون‏ باشند، چه نباشند. و مجلس چنانچه محتاج به علما و روحانيون‏ مطلع از احكام شرعي و سياسي اسلام است، محتاج به متخصصين رشته‏هاي مختلفي است كه كشور احتياج به آنها دارد.» [[438]](#footnote-439)

1/6/3. ندادن بهانه به دست دشمن

514 امام: «من تمام نگرانيم اين است كه ما روحانيون، معمَّمين- كه بايد به حسب وظايف الهي كه داريم پاسدار اسلام باشيم و اسلام را به آن طوري كه هست عرضه كنيم- من خوف اين را دارم كه آنهايي كه مي‏خواهند با ما مناقشه كنند- و اگر ديده باشيد، مناقشه مي‏كنند. و اخيراً هم جزوه نوشته‏اند راجع به اين- يك وقت خداي نخواسته از طرف ما هم بهانه‏اي دست آنها داده بشود، حالا كه بهانه ندارند مي‏گويند كه روحانيون استبداد مي‏كنند! روحانيون مي‏خواهند فرصت طلبي بكنند؛ روحانيون مي‏خواهند قبضه بكنند همه چيز حكومت را؛ روحانيون انحصارطلب هستند؛ قشر مذهبي انحصارطلب است! و اين حرفهاي نامربوطي كه هر كس توي خانه‏اي مي‏نشيند و مي‏نويسد، بدون اينكه نظر كند كه روحانيون تا حالا چه كرده‏اند، و حالا در چه حالي هستند. خدمات روحانيون در پيشبرد نهضت‏ اينها غافل از اين هستند كه اين روحانيون بودند كه شما را از اين زاويه‏ها بيرون‏ كشيدند؛ و الّا شما مدفون بوديد. شما اشخاصي بوديد كه يا طرفدار رژيم بوديد- و با صراحت به من بعض سران شما مي‏گفتند كه رژيم باشد- و يا اگر طرفدار هم نبوديد، جرأت يك كلمه گفتن نمي‏كرديد، جرأت اينكه قلم برداريد و يك مقاله بنويسيد، يك سطر بنويسيد، نداشتيد. شما را رژيم سابق مدفون كرده بوده؛ و روحانيون شما را از زير خاك بيرون آوردند. اين روحانيوني كه شما حالا مي‏گوييد انحصار طلب‏اند، اينها شما را از انحصار بيرون آوردند. اينها حصر را برداشتند؛ نه اينكه منحصر كردند. حالا هم كه بيش از يك ميليون از مردم عادي و اشخاصي كه بسياريشان زيادي و فقط بخور و بخواب هستند در ادارات ما هستند، در سرتاسر كشور بيشمارند ببينند اگر پنجاه نفر روحاني‏ را در اداره ديدند، آن وقت بگويند انحصارطلب! اين نهضت را با قدرت روحانيت و اسلام- كه ملت ما اسلامي بودند و علاقه به اسلام و كاركنان اسلام داشتند- به اينجا رساندند.» [[439]](#footnote-440)

515 امام: «در هر جا هر دادگاه انقلابي هست چون اينها به اسم اسلام است، الآن به اسم جمهوري اسلام است، از اين جهت وظيفه، هم براي آقايان علما- كه در رأس هستند- و هم براي پاسدارهاي محترم- كه برادر هستند- و هم براي دادگاهها و كميته‏ها، يك وظيفه سنگين اسلامي است. اگر حالا در يك همچو موقعي كه همه چيز بايد اسلامي باشد و در خارج و داخل جمهوري اسلامي ثبت شده است، اگر حالا خداي نخواسته يك چيزي واقع بشود از بعض كميته‏ها، از بعض دادگاهها، از بعض پاسدارها، و اينها، خصوصاً چنانچه خداي نخواسته از بعض مثلًا كساني كه مُلبَّس به لباس روحانيت‏ هستند، اين يك بهانه‏اي دست دشمنها مي‏دهد كه اسلام را با آن بهانه و با اين ترتيب؛ يك طور ديگري معرفي كنند.» [[440]](#footnote-441)

516 امام: «دشمنها چشمها را دوخته‏اند كه از روحانيت چيزي ببينند و آن را بزرگ كنند و به اسلام نسبت بدهند. اگر امروز از شما، از علما، خداي نخواسته از علماي اسلام، از فضلاي انام‏ يك امر خلاف صادر بشود، دشمنهاي شما آن را هزار امر مي‏كنند، و با هياهو و جنجال به اسلام نسبت مي‏دهند مي‏گويند جمهوري اسلامي هم مثل ساير رژيمهاست. اين مسئوليت، مسئوليت بزرگي است.»[[441]](#footnote-442)

517 امام: «لكن اگر امروز خداي نخواسته در طبقات مردم، خصوصاً در طبقات روحانيين‏ كه آنها در رأس هستند و آنها نماينده اسلام هستند، اگر خداي نخواسته بعض اشخاص ملبس به لباس روحانيين‏ يك كاري بكنند به اسم روحاني، يك كاري بكنند به اسم كميته كذا، و اين كار بر خلاف موازين شرعيه باشد، اين را ديگر نمي‏آيند حساب كنند به اينكه اين رژيم طاغوتي است؛ مي‏گويند رژيم اسلامي است و اين هم كارهايش! اين هم حرفهايي است .... مسئله خطرناك در نظام جمهوري اسلامي‏ و لهذا امروز يك مسئله خطرناكي مطرح است. ما آن وقت اگر شكست خورده بوديم از طاغوت، هيچ ابايي نداشتيم؛ خوب ما شكست خورديم؛ حضرت امير- سلام اللَّه عليه- هم از معاويه شكست خورد. آن ابايي نبود؛ خوب ما يك مطلبي را مي‏گفتيم، مطلب حقي داشتيم مي‏گفتيم، نتوانستيم پيش ببريم؛ آنها غلبه كردند بر ما. اما امروز مسأله آن نيست. امروز يك صفحه ديگري در كار است. و آن اين است كه مسلمين، ملت ما، شكست داد طاغوت را، و رأي داد به جمهوري اسلامي، و شد مملكت مملكت اسلامي؛ اگر امروز ما يك خطاهايي بكنيم كه دشمنهاي ما در خارج دامن به آن بزنند، در داخل دامن به آن بزنند، و منعكس كنند در خارج و داخل به اينكه اسلام هم مثل ساير مكتبها بلكه پايينتر از او، اين شكست شكستي است كه جبران ناپذير است.» [[442]](#footnote-443)

2/6/3. شناسايي عوامل نفوذي دشمن در روحانيت

518 امام: «من به سرتاسر كشور ايران، به سرتاسر روحانيون ايران، اين خطر را، كه براي اسلام پيش آمده و براي روحانيت پيش آمده، مي‏گويم به شما و حجّت را بر همه تمام مي‏كنم: اين آخوندهايي كه خودشان را جا زدند و مي‏روند و مردم را آزار مي‏دهند و اذيت مي‏كنند، بدون يك مجوّز شرعي الهي، اينها را از خودشان برانند. اينها نماينده من نيستند. اينها با اسم نماينده فلان، مي‏خواهند كار را شلوغ بكنند تا اينكه ملت بگويند كه خوب، اين هم اين به اصطلاح اين اشخاص!» [[443]](#footnote-444)

519 امام: «همان طوري كه دولتهاي بزرگ اين طور هستند. آنها يكدفعه يك كسي را نمي‏آورند خلق الساعه در اينجا بگذارند كه كار انجام بدهد. آنها از اولي كه نقشه استعمار همه جا را كشيدند، در هر جايي مأموريني دارند بسيار مقدس، بسيار خوب، در لباس مليت، در لباس روحانيت‏؛ در همه چيزها دارند آنها. يكوقت آدم مي‏بيند كه اين آدمي كه سي سال مي‏گفت كه آي ملت، ملت كذا، يكوقت بختيار از كار درمي‏آيد. بايد خيلي توجه به اين معنا داشته باشيد كه اينها، از آنهائي نباشند كه در آن آنها باشد. ممكن است يك وقت يك جمعيتي را منحرف كنند با تبليغات و با [اين‏] چيزها.» [[444]](#footnote-445)

7/3. استقلال حوزه و روحانيت

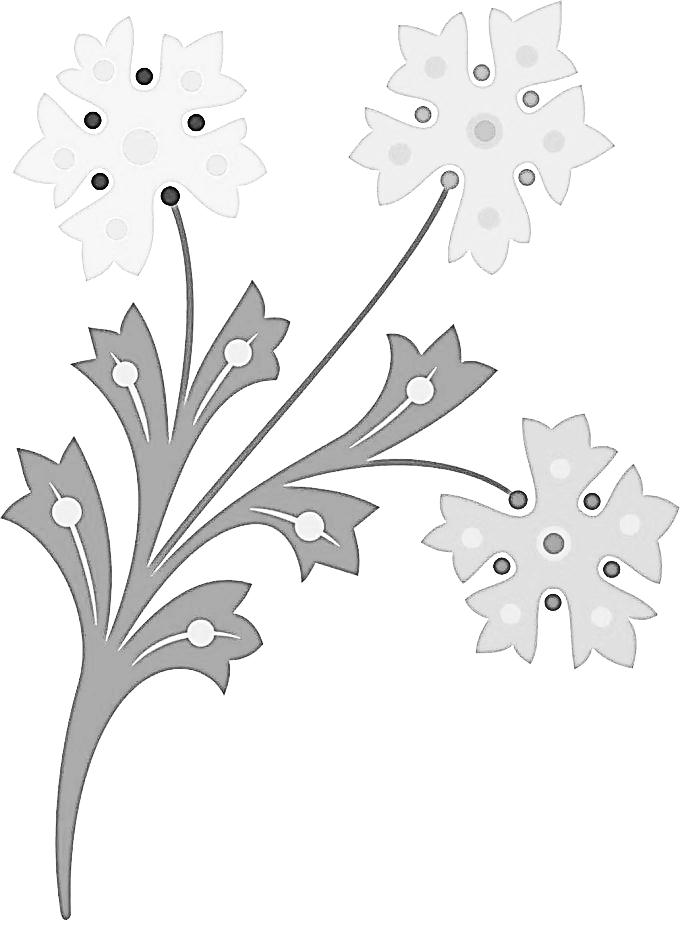
520 رهبري: «امروز روحانيت در كشور ما يك نقش ممتاز و بي‏نظيري دارد. اين كه مي‏گوييم «امروز»، اين نه به خاطر فقط شرايط خاص جمهوري اسلامي است؛ بلكه اساساً روحانيت‏ شيعه همواره خصوصيتي منحصر بفرد داشته است و امروز هم كه نظام جمهوري اسلامي برپاست و مسئولان آن بعضاً از خود اين حوزه‏ها برخاسته‏اند و صبغه روحانيت‏ و ديني در اين حكومت مشهود است، باز حوزه‏هاي علميه شيعه همان خصوصيت را حفظ كرده‏اند. آن خصوصيت چيست؟ آن عبارت است از «استقلال و مردمي بودن».»[[445]](#footnote-446)

521 رهبري: «روحانيت‏ شيعه زير بار هيچ زور و قدرتي نمي‏رود و مرعوب نمي‏شود. روحانيت‏ شيعه اگر احساس تكليفي كرد، ملاحظه كسي را نمي‏كند. نه اينكه استثناء ندارد؛ چرا، استثناء هست. آدم بد همه جا هست؛ در ميان اولاد پيغمبران و ائمه هم آدم بد داشتيم؛ اما طبع روحانيت‏ شيعه اين است. روحانيت‏ شيعه براي نماز جمعه‏اش، از اداره به او كاغذنوشته نمي‏دهند.» [[446]](#footnote-447)

522 رهبري: «در محيطهاي غير شيعي هم، روحانيت‏، بخشي از دستگاه‏هاي دولتي است. اين، از نظر ما مردود است و قبول نداريم و آن را براي روحانيتْ‏ مضرّ مي‏دانيم. دستگاه‏هاي دولتي، نوسان و تلاطم دارند و آينده‏شان به طور دقيق قابل پيش بيني نيست. روحانيت‏ بايد هميشه امكان حضور قدرت‏مندانه نصيحت‏آميز يا دخالت‏آميز را براي خودش حفظ كند، و الّا نمي‏تواند كاري انجام دهد. اين خصلت هم، بااينكه بخشي از دولت يا حكومت باشد، نمي‏سازد. حوزه بايد مستقل باشد و اين، يك فرض است.» [[447]](#footnote-448)

523 رهبري: «تا وقتي‏كه روحانيت‏ هست، در واقع يك سازمان مركزي وجود دارد كه مردم آن را به نام دين مي‏شناسند و از طريق آن، سخن دين را مي‏شنوند. دين را نمي‏توان از ميان زندگي، دلها و مغزهاي مردم زدود. سازماني را كه به هيچك از دستگاه‏هاي قدرت از لحاظ مالي متّكي نيست، نمي‏شود به راحتي از ميان برد. روحانيتِ‏ برادران اهل سنّت ما در كشورهاي اسلامي، نان‏خور دستگاه‏هاست و نمي‏تواند با دستگاه‏ها مخالفت كند. روحانيت‏ مسيحي هم چيزي شبيه به همين است. خصوصيت روحانيت‏ شيعه اين بوده كه از لحاظ مالي و ارتزاق زندگي، به دستگاه‏هاي حاكم متّكي نبوده است. لذا زبانشان باز بوده است.» [[448]](#footnote-449)

524 رهبري: «يك موضع‏گيري، موضع‏گيري وابستگي به دستگاه است؛ يعني عضو دولت بودن. ما در معارف شيعي، يا در واقعيت درخشان حوزه‏هاي علمي شيعي خودمان، چنين چيزي را نداريم. حوزه علميه، يك دستگاه علمي روحاني‏ است؛ نبايد و نمي‏تواند سازماني از سازمانهاي دولتي بشود؛ حتّي اگر آن دولت، دولت جمهوري اسلامي باشد؛ اين اعتقاد من است؛ بر اين اعتقاد پافشاري هم دارم. دولت جمهوري اسلامي، دولت امام زمان است؛ اما اگر حوزه علميه بخواهد بماند و رشد كند و بالندگي داشته باشد و توقعاتي كه از او هست، برآورده كند، نمي‏تواند حتّي عضوي از همين دولت باشد؛ اين يك شكل است، كه ما اين شكل را رد مي‏كنيم.» [[449]](#footnote-450)



**اصطلاحات**

**آباد كردن**

|  |  |
| --- | --- |
| 143 ر ب خ | 270 ر ب ط |
| 271 م ب ط |  |

**آبرو (آبروي اسلام، آبروي روحانيت)**

|  |  |
| --- | --- |
| 112 ر ب ط | 115 م ب ط |
| 122 م ب ط | 124 م ب ط |
| 129 ر ب ط | 130 ر ب ط |
| 131 ر ب ط | 132 ر ب ط |
| 134 ر ب ط | 147 م ب خ |
| 156 ر ب ط | 159 ر ب ط |
| 160 م ن ط | 163 م ب ط |
| 164 م ب ط | 166 م ب ط |
| 174 م ب ط | 196 م ب ط |
| 232 ر ب ط | 257 ر ب ط |
| 261 م ب ط | 274 ر ب ط |
| 352 م ب خ | 365 م ب ط |
| 382 ر ب ط | 396 ر ب ط |
| 469 م ب ط | 515 م ب ط |

**آخوند**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 118 م ب ط | 121 م ب ط |
| 124 م ب ط | 163 م ب ط |
| 168 م ب ط | 174 م ب ط |
| 176 م ب ط | 192 ر ب ط |
| 201 م ب ط | 203 م ب ط |
| 275 ر ب ط | 290 م ب ط |
| 311 م ب خ | 312 ر ب ط |
| 314 ر ب ط | 316 ر ب ط |
| 319 م ب ط | 322 م ب ط |
| 328 م ب ط | 330 م ب خ |
| 334 م ب ط | 338 م ب ط |
| 341 م ق ب ط | 345 م ق ب ط |
| 346 م ب ط | 348 م ب ط |
| 349 م ب ط | 350 م ق ب ط |
| 351 م ب ط | 352 م ب خ |
| 355 م ب ط | 356 م ب ط |
| 383 م ب خ | 423 م ب ط |
| 424 م ب ط | 436 ر ب ط |
| 478 م ب ط | 507 م ب ط |
| 508 م ب ط | 509 م ب ط |
| 510 ر ب ط | 518 م ب ط |

**آخوند سياسي**

|  |  |
| --- | --- |
| 174 م ب ط | 203 م ب ط |
| 312 ر ب ط | 314 ر ب ط |
| 346 م ب ط | 348 م ب ط |
| 349 م ب ط | 350 م ق ب ط |
| 351 م ب ط | 423 م ب ط |

**آدم**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 126 م ب ط |
| 143 ر ب خ | 163 م ب ط |
| 164 م ب ط | 165 م ب ط |
| 168 م ب ط | 178 م ب ط |
| 188 م ب ط | 202 م ب ط |
| 205 ر ب ط | 260 ر ب ط |
| 263 م ب ط | 275 ر ب ط |
| 315 م ب ط | 323 م ب ط |
| 365 م ب ط | 383 م ب خ |
| 400 م ب ط | 407 م ب ط |
| 413 م ب ط | 432 م ب ط |
| 444 ر ب ط | 469 م ب ط |
| 487 م ب ط | 519 م ب ط |
| 521 ر ب ط |  |

**آدم‌سازي**

|  |  |
| --- | --- |
| 260 ر ب ط |  |

**آرامش**

|  |  |
| --- | --- |
| 293 ر ب ط |  |

**آزادي**

|  |  |
| --- | --- |
| 196 م ب ط | 476 م ب ط |

**آسايش‌طلبي**

|  |  |
| --- | --- |
| 157 ر ب ط |  |

**آسيب**

|  |  |
| --- | --- |
| 132 ر ب ط | 135 ر ب ط |
| 143 ر ب خ | 236 ر ب ط |
| 251 ر ب ط |  |

**آگاهي**

|  |  |
| --- | --- |
| 203 م ب ط | 206 ر ب ط |
| 226 ر ب ط | 280 ر ب ط |
| 282 م ب ط | 284 م ن ط |
| 286 م ب ط | 331 ر ب ط |
| 415 ر ب ط | 434 ر ب ط |

**آمادگي**

|  |  |
| --- | --- |
| 237 ر ب ط |  |

**آمار**

|  |  |
| --- | --- |
| 498 ر ب ط |  |

**آموزش**

|  |  |
| --- | --- |
| 209 ر ب ط | 228 ر ب ط |
| 404 ر ن ك | 405 ر ن ك |
| 428 ر ب ط | 456 ر ب ط |

**آموزش و پرورش**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 228 ر ب ط | 427 م ن ط |
| 428 ر ب ط |  |

**ابزار**

|  |  |
| --- | --- |
| 240 ر ب ط | 242 ر ب ط |
| 472 ر ب ط | 492 ر ب ط |
| 511 ر ب ط |  |

**ابلاغ**

|  |  |
| --- | --- |
| 235 ر ب ط |  |

**اثرگذاري (كم‌اثر، تأثير)**

|  |  |
| --- | --- |
| 103 ر ب ك | 114 ر ب ط |
| 148 ر ب ط | 194 ر ب ط |
| 249 ر ب ط | 449 ر ب ط |

**اجتهاد**

|  |  |
| --- | --- |
| 111 ر ب ط | 391 م ن ط |

**اجرايي**

|  |  |
| --- | --- |
| 383 م ب خ | 384 م ب ط |
| 385 م ب ط | 462 م ب ط |
| 481 م ب ط | 491 م ب ط |

**اختلاف**

|  |  |
| --- | --- |
| 120 م ب ط | 122 م ب ط |
| 149 م ب ط | 168 م ب ط |
| 188 م ب ط | 199 ر ب ط |
| 233 م ق ب ط | 251 ر ب ط |
| 271 م ب ط | 298 م ب ط |
| 299 ر ب ط | 300 م ب ط |
| 301 ر ب ط | 302 ر ب ك |
| 303 م ب ط | 306 ر ب ط |
| 307 ر ب ط | 308 ر ب ط |
| 418 ر ب ط | 432 م ب ط |
| 450 ر ب ط | 508 م ب ط |

**اختلال**

|  |  |
| --- | --- |
| 293 ر ب ط |  |

**اخلاص**

|  |  |
| --- | --- |
| 111 ر ب ط | 132 ر ب ط |
| 184 ر ب ط | 185 ر ب ط |
| 194 ر ب ط | 197 ر ب ط |
| 229 ر ب ط |  |

**اخلاق**

|  |  |
| --- | --- |
| 105 م ب ط | 111 ر ب ط |
| 120 م ب ط | 140 ر ب ك |
| 148 ر ب ط | 199 ر ب ط |
| 229 ر ب ط | 243 ر ب ط |
| 248 ر ب ط | 250 ر ب ط |
| 262 ر ب ط | 281 ر ب ط |
| 323 م ب ط | 346 م ب ط |
| 411 ر ب ط | 438 م ن ط |
| 454 ر ب ط | 457 ر ب ط |
| 500 ر ب ط |  |

**اداره**

|  |  |
| --- | --- |
| 106 ر ب ط | 141 م ن ط |
| 143 ر ب خ | 152 ر ب ط |
| 168 م ب ط | 212 ر ب ط |
| 285 ر ب ط | 290 م ب ط |
| 311 م ب خ | 336 ر ب ط |
| 349 م ب ط | 367 م ب ط |
| 369 ر ب ك | 373 م ق ب ط |
| 378 م ب ط | 383 م ب خ |
| 385 م ب ط | 391 م ن ط |
| 416 ر ب ط | 437 م ب ط |
| 439 م ن ط | 456 ر ب ط |
| 465 م ب ط | 481 م ب ط |
| 497 ر ب ط | 514 م ب ط |
| 521 ر ب ط |  |

**اذان**

|  |  |
| --- | --- |
| 270 ر ب ط | 272 ر ب ط |
| 274 ر ب ط | 426 ر ب ط |

**ارتباط**

|  |  |
| --- | --- |
| 151 ر ب ط | 216 ر ب ط |
| 223 ر ب ط | 241 ر ب ط |
| 256 ر ب ط | 284 م ن ط |
| 287 ر ب ط | 377 م ب ط |
| 407 م ب ط | 436 ر ب ط |
| 448 م ب خ |  |

**ارزش**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 142 ر ب ط | 143 ر ب خ |
| 144 م ن ط | 157 ر ب ط |
| 184 ر ب ط | 212 ر ب ط |
| 214 ر ب خ | 222 ر ب ط |
| 231 ر ب ط | 244 ر ب ط |
| 312 ر ب ط | 391 م ن ط |
| 408 ر ب ط | 409 ر ب ط |
| 426 ر ب ط | 438 م ن ط |
| 442 م ب ط | 498 ر ب ط |

**ارزشيابي**

|  |  |
| --- | --- |
| 498 ر ب ط |  |

**ارشاد**

|  |  |
| --- | --- |
| 149 م ب ط | 170 م ب ط |
| 200 م ق ن ك | 201 م ب ط |
| 253 ر ب ط | 286 م ب ط |
| 290 م ب ط | 372 م ق ب ك |
| 375 م ق ب ك | 383 م ب خ |
| 391 م ن ط | 406 م ن ط |
| 425 م ب ط | 440 م ب ط |
| 467 م ب ط | 469 م ب ط |
| 493 م ب ط |  |

**ارواح**

|  |  |
| --- | --- |
| 276 م ن ط | 288 م ب ط |
| 354 م ب ط | 363 م ب ط |

**استبداد**

|  |  |
| --- | --- |
| 172 م ب ط | 313 م ب ط |
| 321 ر ب ط | 467 م ب ط |
| 514 م ب ط |  |

**استحكام**

|  |  |
| --- | --- |
| 134 ر ب ط | 306 ر ب ط |
| 479 ر ب ك |  |

**استعداد**

|  |  |
| --- | --- |
| 228 ر ب ط | 251 ر ب ط |
| 501 ر ب ط | 510 ر ب ط |

**استقامت**

|  |  |
| --- | --- |
| 288 م ب ط | 292 م ب ط |

**استقلال (وابستگي)**

|  |  |
| --- | --- |
| 142 ر ب ط | 287 ر ب ط |
| 310 ر ب ط | 368 ر ب ط |
| 436 ر ب ط | 520 ر ب ط |
| 521 ر ب ط | 522 ر ب ط |
| 523 ر ب ط | 524 ر ب ط |

**استكبار**

|  |  |
| --- | --- |
| 206 ر ب ط | 227 ر ب ط |
| 299 ر ب ط | 321 ر ب ط |
| 324 ر ب ط | 357 ر ب ط |
| 506 ر ب ط | 510 ر ب ط |
| 511 ر ب ط |  |

**استنباط**

|  |  |
| --- | --- |
| 227 ر ب ط | 336 ر ب ط |

**اسلام**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 104 م ب ط |
| 105 م ب ط | 108 ر ب ط |
| 110 ر ب ك | 112 ر ب ط |
| 113 ر ب ك | 115 م ب ط |
| 116 م ب ط | 118 م ب ط |
| 119 م ب ط | 120 م ب ط |
| 121 م ب ط | 122 م ب ط |
| 123 م ب ط | 124 م ب ط |
| 125 م ب ط | 126 م ب ط |
| 127 م ب ط | 128 م ب ط |
| 131 ر ب ط | 134 ر ب ط |
| 135 ر ب ط | 136 ر ب ط |
| 137 ر ب ط | 138 ر ب ط |
| 141 م ن ط | 142 ر ب ط |
| 143 ر ب خ | 144 م ن ط |
| 147 م ب خ | 148 ر ب ط |
| 149 م ب ط | 154 ر ب ط |
| 155 م ب ك | 157 ر ب ط |
| 158 ر ب ط | 159 ر ب ط |
| 160 م ن ط | 161 م ب ط |
| 162 م ب ط | 163 م ب ط |
| 164 م ب ط | 165 م ب ط |
| 166 م ب ط | 167 م ب ط |
| 168 م ب ط | 169 م ب ط |
| 170 م ب ط | 171 م ب ط |
| 172 م ب ط | 174 م ب ط |
| 175 م ب خ | 177 م ب ط |
| 178 م ب ط | 180 م ب ط |
| 183 م ب ط | 188 م ب ط |
| 189 ر ب ط | 191 م ب ط |
| 193 م ب ط | 196 م ب ط |
| 200 م ق ن ك | 202 م ب ط |
| 205 ر ب ط | 206 ر ب ط |
| 208 ر ب ط | 210 م ن ط |
| 212 ر ب ط | 214 ر ب خ |
| 223 ر ب ط | 226 ر ب ط |
| 227 ر ب ط | 229 ر ب ط |
| 230 م ب ط | 231 ر ب ط |
| 232 ر ب ط | 235 ر ب ط |
| 237 ر ب ط | 244 ر ب ط |
| 246 ر ب ط | 247 ر ب ط |
| 248 ر ب ط | 253 ر ب ط |
| 254 ر ب ط | 255 ر ب ط |
| 258 ر ب ط | 259 م ب ط |
| 261 م ب ط | 262 ر ب ط |
| 263 م ب ط | 266 م ن ط |
| 267 م ب ط | 270 ر ب ط |
| 271 م ب ط | 274 ر ب ط |
| 283 ر ب ط | 284 م ن ط |
| 286 م ب ط | 290 م ب ط |
| 292 م ب ط | 294 م ن ط |
| 297 م ب ط | 298 م ب ط |
| 299 ر ب ط | 300 م ب ط |
| 303 م ب ط | 306 ر ب ط |
| 309 م ب ط | 310 ر ب ط |
| 311 م ب خ | 312 ر ب ط |
| 314 ر ب ط | 315 م ب ط |
| 316 ر ب ط | 317 م ب ط |
| 319 م ب ط | 321 ر ب ط |
| 323 م ب ط | 324 ر ب ط |
| 326 م ب ط | 328 م ب ط |
| 330 م ب خ | 332 م ب ط |
| 333 م ب خ | 334 م ب ط |
| 335 م ب ط | 338 م ب ط |
| 339 م ق ب ط | 341 م ق ب ط |
| 342 م ب ط | 343 م ب ط |
| 344 م ن ك | 345 م ق ب ط |
| 346 م ب ط | 349 م ب ط |
| 350 م ق ب ط | 352 م ب خ |
| 353 م ن ط | 354 م ب ط |
| 355 م ب ط | 356 م ب ط |
| 360 م ب ط | 361 ر ب ط |
| 363 م ب ط | 365 م ب ط |
| 369 ر ب ك | 370 م ب ط |
| 382 ر ب ط | 383 م ب خ |
| 384 م ب ط | 385 م ب ط |
| 386 م ب ط | 388 ر ب ط |
| 389 ر ب ط | 390 ر ب ك |
| 391 م ن ط | 392 ر ب ط |
| 394 م ب ط | 399 م ب ط |
| 401 م ب ط | 403 م ن ط |
| 408 ر ب ط | 416 ر ب ط |
| 420 ر ب ط | 423 م ب ط |
| 424 م ب ط | 427 م ن ط |
| 429 م ن ط | 431 ر ب ط |
| 434 ر ب ط | 435 م ب ط |
| 437 م ب ط | 438 م ن ط |
| 439 م ن ط | 440 م ب ط |
| 442 م ب ط | 446 م ب ط |
| 448 م ب خ | 451 ر ب ط |
| 454 ر ب ط | 456 ر ب ط |
| 460 م ب ط | 462 م ب ط |
| 463 م ب ط | 468 م ب ط |
| 470 م ق ب ط | 471 م ب ط |
| 472 ر ب ط | 473 م ب ط |
| 475 م ن ط | 476 م ب ط |
| 477 م ب ط | 479 ر ب ك |
| 480 ر ب ك | 481 م ب ط |
| 482 م ب ط | 483 م ب ط |
| 485 م ن ط | 486 ر ب ط |
| 487 م ب ط | 489 م ب ط |
| 490 م ن ط | 491 م ب ط |
| 493 م ب ط | 494 م ب ط |
| 495 م ن ط | 497 ر ب ط |
| 501 ر ب ط | 504 م ب خ |
| 511 ر ب ط | 513 م ن ط |
| 514 م ب ط | 515 م ب ط |
| 516 م ب ط | 517 م ب ط |
| 518 م ب ط | 520 ر ب ط |
| 523 ر ب ط | 524 ر ب ط |

**اشتباهات**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 210 م ن ط | 233 م ق ب ط |
| 303 م ب ط | 304 ر ب ط |
| 306 ر ب ط |  |

**اشتغال**

|  |  |
| --- | --- |
| 170 م ب ط | 225 م ن ط |
| 252 ر ب ط | 268 ر ن ك |
| 284 م ن ط | 365 م ب ط |
| 391 م ن ط | 475 م ن ط |
| 482 م ب ط | 495 م ن ط |

**اصلاح**

|  |  |
| --- | --- |
| 111 ر ب ط | 143 ر ب خ |
| 163 م ب ط | 176 م ب ط |
| 229 ر ب ط | 255 ر ب ط |
| 259 م ب ط | 308 ر ب ط |
| 388 ر ب ط | 429 م ن ط |
| 463 م ب ط | 469 م ب ط |
| 480 ر ب ك |  |

**اصيل**

|  |  |
| --- | --- |
| 160 م ن ط | 241 ر ب ط |

**اطمينان**

|  |  |
| --- | --- |
| 216 ر ب ط | 289 ر ب ط |
| 293 ر ب ط | 327 ر ب ط |
| 376 م ب ط | 397 م ب ط |
| 419 ر ب ط |  |

**اعتقاد**

|  |  |
| --- | --- |
| 172 م ب ط | 213 ر ب ط |
| 227 ر ب ط | 250 ر ب ط |
| 253 ر ب ط | 257 ر ب ط |
| 306 ر ب ط | 340 م ق ب ط |
| 382 ر ب ط | 419 ر ب ط |
| 436 ر ب ط | 444 ر ب ط |
| 456 ر ب ط | 524 ر ب ط |

**اعتماد**

|  |  |
| --- | --- |
| 108 ر ب ط | 159 ر ب ط |
| 257 ر ب ط | 285 ر ب ط |
| 289 ر ب ط | 296 م ب ك |
| 419 ر ب ط | 441 م ن ط |

**اقتصاد**

|  |  |
| --- | --- |
| 262 ر ب ط | 368 ر ب ط |
| 381 ر ب ط | 429 م ن ط |
| 468 م ب ط | 512 ر ب ط |

**امامت جماعت (امام جماعت، ائمه جماعات)**

|  |  |
| --- | --- |
| 106 ر ب ط | 137 ر ب ط |
| 204 ر ب ط | 205 ر ب ط |
| 268 ر ن ك | 270 ر ب ط |
| 272 ر ب ط | 273 ر ب ط |
| 364 ر ب ط | 404 ر ن ك |
| 405 ر ن ك | 418 ر ب ط |

**امامت جمعه (امام جمعه، ائمه جمعه)**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 181 م ب ط |
| 265 م ب ط | 270 ر ب ط |
| 289 ر ب ط | 290 م ب ط |
| 352 م ب خ | 382 ر ب ط |
| 391 م ن ط | 430 م ب ط |
| 431 ر ب ط | 432 م ب ط |
| 433 ر ب ط | 434 ر ب ط |
| 435 م ب ط | 436 ر ب ط |
| 437 م ب ط | 438 م ن ط |
| 503 ر ب ط |  |

**امر به معروف**

|  |  |
| --- | --- |
| 116 م ب ط | 312 ر ب ط |
| 388 ر ب ط | 464 ر ب ك |
| 466 م ب ط | 467 م ب ط |
| 469 م ب ط |  |

**امنيت**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 152 ر ب ط | 153 ر ب ط |
| 333 م ب خ | 451 ر ب ط |
| 512 ر ب ط |  |

**اميد**

|  |  |
| --- | --- |
| 112 ر ب ط | 143 ر ب خ |
| 157 ر ب ط | 210 م ن ط |
| 235 ر ب ط | 276 م ن ط |
| 289 ر ب ط | 290 م ب ط |
| 311 م ب خ | 347 م ب ط |
| 353 م ن ط | 363 م ب ط |
| 419 ر ب ط | 430 م ب ط |
| 431 ر ب ط | 439 م ن ط |
| 448 م ب خ | 453 ر ب ط |
| 459 ر ب ط | 474 م ب ط |
| 485 م ن ط |  |

**انبياء (پيامبر، پيامبران)**

|  |  |
| --- | --- |
| 108 ر ب ط | 119 م ب ط |
| 124 م ب ط | 125 م ب ط |
| 129 ر ب ط | 136 ر ب ط |
| 141 م ن ط | 177 م ب ط |
| 231 ر ب ط | 248 ر ب ط |
| 254 ر ب ط | 281 ر ب ط |
| 309 م ب ط | 311 م ب خ |
| 326 م ب ط | 328 م ب ط |
| 330 م ب خ | 332 م ب ط |
| 333 م ب خ | 342 م ب ط |
| 365 م ب ط | 413 م ب ط |
| 473 م ب ط |  |

**انتخابات (نامزدها)**

|  |  |
| --- | --- |
| 285 ر ب ط | 295 م ن ط |
| 296 م ب ك | 297 م ب ط |
| 423 م ب ط | 461 م ب ط |
| 513 م ن ط |  |

**انحراف**

|  |  |
| --- | --- |
| 105 م ب ط | 111 ر ب ط |
| 123 م ب ط | 187 ر ب ط |
| 201 م ب ط | 210 م ن ط |
| 314 ر ب ط | 320 م ب ط |
| 321 ر ب ط | 324 ر ب ط |
| 352 م ب خ | 406 م ن ط |

**انذار**

|  |  |
| --- | --- |
| 229 ر ب ط | 248 ر ب ط |

**انزوا**

|  |  |
| --- | --- |
| 315 م ب ط | 317 م ب ط |
| 326 م ب ط | 343 م ب ط |
| 352 م ب خ | 504 م ب خ |
| 513 م ن ط |  |

**انقلاب**

|  |  |
| --- | --- |
| 104 م ب ط | 110 ر ب ك |
| 131 ر ب ط | 132 ر ب ط |
| 134 ر ب ط | 135 ر ب ط |
| 137 ر ب ط | 138 ر ب ط |
| 143 ر ب خ | 159 ر ب ط |
| 160 م ن ط | 163 م ب ط |
| 175 م ب خ | 184 ر ب ط |
| 205 ر ب ط | 208 ر ب ط |
| 218 ر ب ط | 227 ر ب ط |
| 250 ر ب ط | 258 ر ب ط |
| 262 ر ب ط | 263 م ب ط |
| 266 م ن ط | 267 م ب ط |
| 274 ر ب ط | 282 م ب ط |
| 283 ر ب ط | 284 م ن ط |
| 290 م ب ط | 312 ر ب ط |
| 313 م ب ط | 314 ر ب ط |
| 318 ر ب ط | 329 ر ب ط |
| 353 م ن ط | 357 ر ب ط |
| 380 ر ب ط | 382 ر ب ط |
| 392 ر ب ط | 396 ر ب ط |
| 401 م ب ط | 403 م ن ط |
| 408 ر ب ط | 411 ر ب ط |
| 412 ر ب ط | 416 ر ب ط |
| 437 م ب ط | 439 م ن ط |
| 446 م ب ط | 453 ر ب ط |
| 456 ر ب ط | 462 م ب ط |
| 471 م ب ط | 477 م ب ط |
| 490 م ن ط | 505 ر ن ط |
| 507 م ب ط | 515 م ب ط |
| 520 ر ب ط |  |

**اهانت**

|  |  |
| --- | --- |
| 119 م ب ط | 299 ر ب ط |
| 300 م ب ط | 308 ر ب ط |

**اهل سنّت**

|  |  |
| --- | --- |
| 523 ر ب ط |  |

**اهل علم**

|  |  |
| --- | --- |
| 105 م ب ط | 147 م ب خ |
| 173 م ب ط | 311 م ب خ |
| 319 م ب ط | 395 م ب ط |
| 469 م ب ط | 491 م ب ط |
| 507 م ب ط |  |

**اوقاف**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 439 م ن ط |  |

**ايمان**

|  |  |
| --- | --- |
| 122 م ب ط | 151 ر ب ط |
| 175 م ب خ | 184 ر ب ط |
| 188 م ب ط | 211 ر ب ك |
| 215 ر ب ك | 227 ر ب ط |
| 229 ر ب ط | 251 ر ب ط |
| 253 ر ب ط | 257 ر ب ط |
| 258 ر ب ط | 270 ر ب ط |
| 279 ر ب ط | 382 ر ب ط |
| 453 ر ب ط | 481 م ب ط |

**باطن**

|  |  |
| --- | --- |
| 108 ر ب ط | 122 م ب ط |
| 188 م ب ط | 318 ر ب ط |
| 510 ر ب ط |  |

**بذل جان**

|  |  |
| --- | --- |
| 316 ر ب ط |  |

**برخورد پدرانه**

|  |  |
| --- | --- |
| 295 م ن ط | 432 م ب ط |

**برخورد مناسب**

|  |  |
| --- | --- |
| 210 م ن ط | 222 ر ب ط |
| 281 ر ب ط |  |

**برنامه‌ريزي**

|  |  |
| --- | --- |
| 273 ر ب ط | 501 ر ب ط |

**بسيجي**

|  |  |
| --- | --- |
| 484 ر ب ط |  |

**بشر**

|  |  |
| --- | --- |
| 227 ر ب ط | 237 ر ب ط |
| 267 م ب ط | 429 م ن ط |
| 477 م ب ط |  |

**بصيرت**

|  |  |
| --- | --- |
| 280 ر ب ط |  |

**بلاد**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 168 م ب ط | 233 م ق ب ط |
| 246 ر ب ط | 259 م ب ط |
| 265 م ب ط | 297 م ب ط |
| 400 م ب ط | 469 م ب ط |
| 489 م ب ط | 493 م ب ط |
| 504 م ب خ | 507 م ب ط |

**بنگاه روحانيت**

|  |  |
| --- | --- |
| 476 م ب ط |  |

**بني‌اميه و بني‌عباس**

|  |  |
| --- | --- |
| 127 م ب ط | 325 م ب ط |
| 326 م ب ط |  |

**بهانه**

|  |  |
| --- | --- |
| 105 م ب ط | 118 م ب ط |
| 161 م ب ط | 163 م ب ط |
| 177 م ب ط | 271 م ب ط |
| 290 م ب ط | 352 م ب خ |
| 354 م ب ط | 363 م ب ط |
| 391 م ن ط | 401 م ب ط |
| 514 م ب ط | 515 م ب ط |
| 516 م ب ط | 517 م ب ط |

**بوستان**

|  |  |
| --- | --- |
| 238 ر ن ط |  |

**بي‌تفاوتي**

|  |  |
| --- | --- |
| 135 ر ب ط | 138 ر ب ط |
| 258 ر ب ط | 298 م ب ط |
| 312 ر ب ط | 361 ر ب ط |
| 371 م ق ب ك | 372 م ق ب ك |
| 373 م ق ب ط | 374 م ق ب ك |
| 506 ر ب ط |  |

**بي‌خبري**

|  |  |
| --- | --- |
| 387 ر ب ط |  |

**پاسدار (پاسداري)**

|  |  |
| --- | --- |
| 104 م ب ط | 118 م ب ط |
| 125 م ب ط | 135 ر ب ط |
| 163 م ب ط | 166 م ب ط |
| 168 م ب ط | 169 م ب ط |
| 175 م ب خ | 178 م ب ط |
| 329 ر ب ط | 356 م ب ط |
| 370 م ب ط | 390 ر ب ك |
| 437 م ب ط | 456 ر ب ط |
| 477 م ب ط | 508 م ب ط |
| 514 م ب ط | 515 م ب ط |

**پرورش**

|  |  |
| --- | --- |
| 228 ر ب ط | 260 ر ب ط |
| 409 ر ب ط | 428 ر ب ط |
| 444 ر ب ط |  |

**پيشگيري**

|  |  |
| --- | --- |
| 214 ر ب خ | 252 ر ب ط |

**پيكار نظري**

|  |  |
| --- | --- |
| 253 ر ب ط |  |

**پيكان (خودروي پيكان)**

|  |  |
| --- | --- |
| 147 م ب خ | 153 ر ب ط |

**تبليغ**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 106 ر ب ط |
| 114 ر ب ط | 122 م ب ط |
| 141 م ن ط | 144 م ن ط |
| 148 ر ب ط | 161 م ب ط |
| 173 م ب ط | 184 ر ب ط |
| 185 ر ب ط | 192 ر ب ط |
| 202 م ب ط | 203 م ب ط |
| 213 ر ب ط | 216 ر ب ط |
| 217 ر ب ط | 218 ر ب ط |
| 219 ر ب ط | 220 ر ب ط |
| 221 ر ب ط | 223 ر ب ط |
| 224 ر ب ط | 225 م ن ط |
| 228 ر ب ط | 229 ر ب ط |
| 230 م ب ط | 231 ر ب ط |
| 232 ر ب ط | 233 م ق ب ط |
| 234 ر ب ط | 235 ر ب ط |
| 236 ر ب ط | 238 ر ن ط |
| 239 ر ن ك | 240 ر ب ط |
| 242 ر ب ط | 243 ر ب ط |
| 244 ر ب ط | 245 ر ب ط |
| 246 ر ب ط | 247 ر ب ط |
| 249 ر ب ط | 251 ر ب ط |
| 253 ر ب ط | 254 ر ب ط |
| 256 ر ب ط | 257 ر ب ط |
| 260 ر ب ط | 272 ر ب ط |
| 273 ر ب ط | 277 ر ب ط |
| 282 م ب ط | 284 م ن ط |
| 286 م ب ط | 287 ر ب ط |
| 290 م ب ط | 293 ر ب ط |
| 297 م ب ط | 313 م ب ط |
| 321 ر ب ط | 323 م ب ط |
| 338 م ب ط | 339 م ق ب ط |
| 340 م ق ب ط | 351 م ب ط |
| 352 م ب خ | 358 م ب ط |
| 364 ر ب ط | 365 م ب ط |
| 367 م ب ط | 382 ر ب ط |
| 397 م ب ط | 399 م ب ط |
| 427 م ن ط | 440 م ب ط |
| 448 م ب خ | 465 م ب ط |
| 472 ر ب ط | 482 م ب ط |
| 487 م ب ط | 490 م ن ط |
| 496 ر ب ط | 498 ر ب ط |
| 500 ر ب ط | 501 ر ب ط |
| 502 ر ب ط | 519 م ب ط |

**تجربيات**

|  |  |
| --- | --- |
| 304 ر ب ط |  |

**تحريك انگيزه**

|  |  |
| --- | --- |
| 359 ر ب ط |  |

**تحصيل (درس خواندن)**

|  |  |
| --- | --- |
| 105 م ب ط | 145 ر ب ط |
| 214 ر ب خ | 223 ر ب ط |
| 224 ر ب ط | 234 ر ب ط |
| 247 ر ب ط | 252 ر ب ط |
| 352 م ب خ | 383 م ب خ |
| 400 م ب ط | 407 م ب ط |
| 410 م ب ط | 427 م ن ط |
| 438 م ن ط | 449 ر ب ط |
| 481 م ب ط | 491 م ب ط |
| 498 ر ب ط | 504 م ب خ |

**تحليل**

|  |  |
| --- | --- |
| 204 ر ب ط | 207 ر ب ط |
| 208 ر ب ط | 227 ر ب ط |
| 255 ر ب ط | 454 ر ب ط |
| 496 ر ب ط |  |

**تخلّف (خلاف)**

|  |  |
| --- | --- |
| 105 م ب ط | 116 م ب ط |
| 117 م ب ك | 118 م ب ط |
| 119 م ب ط | 121 م ب ط |
| 122 م ب ط | 123 م ب ط |
| 124 م ب ط | 125 م ب ط |
| 126 م ب ط | 160 م ن ط |
| 161 م ب ط | 162 م ب ط |
| 163 م ب ط | 164 م ب ط |
| 165 م ب ط | 166 م ب ط |
| 167 م ب ط | 168 م ب ط |
| 169 م ب ط | 170 م ب ط |
| 171 م ب ط | 172 م ب ط |
| 175 م ب خ | 177 م ب ط |
| 178 م ب ط | 179 م ب ط |
| 180 م ب ط | 192 ر ب ط |
| 193 م ب ط | 352 م ب خ |
| 354 م ب ط | 363 م ب ط |
| 437 م ب ط | 473 م ب ط |
| 493 م ب ط | 515 م ب ط |
| 516 م ب ط | 517 م ب ط |
| 518 م ب ط |  |

**تدريج**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 130 ر ب ط | 131 ر ب ط |
| 294 م ن ط | 361 ر ب ط |
| 388 ر ب ط | 394 م ب ط |
| 407 م ب ط |  |

**تدريس**

|  |  |
| --- | --- |
| 114 ر ب ط | 352 م ب خ |
| 382 ر ب ط | 485 م ن ط |

**تربيت**

|  |  |
| --- | --- |
| 105 م ب ط | 175 م ب خ |
| 183 م ب ط | 191 م ب ط |
| 193 م ب ط | 210 م ن ط |
| 214 ر ب خ | 221 ر ب ط |
| 234 ر ب ط | 259 م ب ط |
| 262 ر ب ط | 263 م ب ط |
| 266 م ن ط | 350 م ق ب ط |
| 399 م ب ط | 427 م ن ط |
| 438 م ن ط | 452 م ب ط |
| 476 م ب ط | 478 م ب ط |
| 485 م ن ط | 486 ر ب ط |
| 487 م ب ط | 488 ر ب ط |
| 489 م ب ط | 490 م ن ط |
| 493 م ب ط | 501 ر ب ط |

**تزلزل مكتب**

|  |  |
| --- | --- |
| 117 م ب ك |  |

**تسهيلات**

|  |  |
| --- | --- |
| 245 ر ب ط |  |

**تشريفات**

|  |  |
| --- | --- |
| 143 ر ب خ | 147 م ب خ |
| 152 ر ب ط | 155 م ب ك |
| 396 ر ب ط | 449 ر ب ط |
| 494 م ب ط | 495 م ن ط |

**تشكّل**

|  |  |
| --- | --- |
| 304 ر ب ط | 411 ر ب ط |

**تشويش اذهان**

|  |  |
| --- | --- |
| 308 ر ب ط |  |

**تصميم‌گيري**

|  |  |
| --- | --- |
| 220 ر ب ط |  |

**تعطيل كردن درس**

|  |  |
| --- | --- |
| 297 م ب ط | 482 م ب ط |
| 483 م ب ط |  |

**تعميق و تداوم**

|  |  |
| --- | --- |
| 262 ر ب ط |  |

**تقوا**

|  |  |
| --- | --- |
| 105 م ب ط | 108 ر ب ط |
| 111 ر ب ط | 131 ر ب ط |
| 132 ر ب ط | 154 ر ب ط |
| 157 ر ب ط | 158 ر ب ط |
| 159 ر ب ط | 190 ر ب ط |
| 195 ر ب ط | 198 ر ب ط |
| 279 ر ب ط | 343 م ب ط |
| 380 ر ب ط | 416 ر ب ط |
| 432 م ب ط | 434 ر ب ط |
| 453 ر ب ط | 458 ر ب ك |
| 491 م ب ط |  |

**تقويت روحيه داخلي**

|  |  |
| --- | --- |
|  | 291 ر ب ط |

**تكليف (وظيفه)**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 104 م ب ط |
| 105 م ب ط | 108 ر ب ط |
| 109 ر ب ط | 111 ر ب ط |
| 127 م ب ط | 134 ر ب ط |
| 136 ر ب ط | 138 ر ب ط |
| 143 ر ب خ | 145 ر ب ط |
| 151 ر ب ط | 157 ر ب ط |
| 158 ر ب ط | 161 م ب ط |
| 168 م ب ط | 183 م ب ط |
| 185 ر ب ط | 193 م ب ط |
| 197 ر ب ط | 222 ر ب ط |
| 227 ر ب ط | 231 ر ب ط |
| 232 ر ب ط | 235 ر ب ط |
| 248 ر ب ط | 250 ر ب ط |
| 254 ر ب ط | 258 ر ب ط |
| 265 م ب ط | 274 ر ب ط |
| 281 ر ب ط | 285 ر ب ط |
| 298 م ب ط | 318 ر ب ط |
| 327 ر ب ط | 329 ر ب ط |
| 342 م ب ط | 352 م ب خ |
| 364 ر ب ط | 365 م ب ط |
| 366 ر ب ط | 380 ر ب ط |
| 382 ر ب ط | 388 ر ب ط |
| 389 ر ب ط | 390 ر ب ك |
| 392 ر ب ط | 402 م ب ك |
| 410 م ب ط | 419 ر ب ط |
| 422 م ب ط | 453 ر ب ط |
| 478 م ب ط | 486 ر ب ط |
| 491 م ب ط | 497 ر ب ط |
| 521 ر ب ط |  |

**تكيه‌گاه**

|  |  |
| --- | --- |
| 416 ر ب ط | 418 ر ب ط |
| 419 ر ب ط | 479 ر ب ك |

**تلاش (حركت، تحرّك)**

|  |  |
| --- | --- |
| 111 ر ب ط | 114 ر ب ط |
| 136 ر ب ط | 156 ر ب ط |
| 157 ر ب ط | 207 ر ب ط |
| 214 ر ب خ | 223 ر ب ط |
| 226 ر ب ط | 232 ر ب ط |
| 236 ر ب ط | 253 ر ب ط |
| 255 ر ب ط | 262 ر ب ط |
| 266 م ن ط | 267 م ب ط |
| 312 ر ب ط | 329 ر ب ط |
| 359 ر ب ط | 361 ر ب ط |
| 366 ر ب ط | 380 ر ب ط |
| 401 م ب ط | 459 ر ب ط |
| 471 م ب ط | 502 ر ب ط |

**تنازع**

|  |  |
| --- | --- |
| 158 ر ب ط |  |

**تنوّع تخصص‌ها**

|  |  |
| --- | --- |
| 501 ر ب ط |  |

**تهاجم فرهنگي**

|  |  |
| --- | --- |
| 229 ر ب ط |  |

**تهذيب**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 105 م ب ط |
| 120 م ب ط | 175 م ب خ |
| 178 م ب ط | 183 م ب ط |
| 188 م ب ط | 191 م ب ط |
| 193 م ب ط | 252 ر ب ط |
| 265 م ب ط | 323 م ب ط |
| 352 م ب خ | 478 م ب ط |

**توطئه**

|  |  |
| --- | --- |
| 172 م ب ط | 173 م ب ط |
| 315 م ب ط | 319 م ب ط |
| 320 م ب ط | 353 م ن ط |
| 406 م ن ط | 410 م ب ط |
| 425 م ب ط | 427 م ن ط |
| 471 م ب ط | 513 م ن ط |

**توفيق**

|  |  |
| --- | --- |
| 136 ر ب ط | 194 ر ب ط |
| 403 م ن ط | 419 ر ب ط |
| 439 م ن ط |  |

**توقع**

|  |  |
| --- | --- |
| 112 ر ب ط | 130 ر ب ط |
| 143 ر ب خ | 147 م ب خ |
| 169 م ب ط | 272 ر ب ط |
| 382 ر ب ط | 414 ر ب ط |
| 415 ر ب ط | 449 ر ب ط |
| 524 ر ب ط |  |

**ثروت‌اندوزي**

|  |  |
| --- | --- |
| 145 ر ب ط |  |

**جامعه (اجتماعي)**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 105 م ب ط | 110 ر ب ك |
| 131 ر ب ط | 134 ر ب ط |
| 145 ر ب ط | 147 م ب خ |
| 157 ر ب ط | 158 ر ب ط |
| 163 م ب ط | 170 م ب ط |
| 183 م ب ط | 191 م ب ط |
| 193 م ب ط | 206 ر ب ط |
| 208 ر ب ط | 214 ر ب خ |
| 219 ر ب ط | 220 ر ب ط |
| 227 ر ب ط | 231 ر ب ط |
| 232 ر ب ط | 237 ر ب ط |
| 243 ر ب ط | 247 ر ب ط |
| 255 ر ب ط | 259 م ب ط |
| 260 ر ب ط | 265 م ب ط |
| 281 ر ب ط | 283 ر ب ط |
| 294 م ن ط | 308 ر ب ط |
| 311 م ب خ | 321 ر ب ط |
| 323 م ب ط | 328 م ب ط |
| 330 م ب خ | 332 م ب ط |
| 333 م ب خ | 336 ر ب ط |
| 338 م ب ط | 340 م ق ب ط |
| 349 م ب ط | 350 م ق ب ط |
| 351 م ب ط | 352 م ب خ |
| 354 م ب ط | 362 م ب ط |
| 363 م ب ط | 364 ر ب ط |
| 365 م ب ط | 369 ر ب ك |
| 377 م ب ط | 380 ر ب ط |
| 382 ر ب ط | 392 ر ب ط |
| 406 م ن ط | 410 م ب ط |
| 429 م ن ط | 434 ر ب ط |
| 437 م ب ط | 451 ر ب ط |
| 472 ر ب ط | 488 ر ب ط |
| 494 م ب ط | 500 ر ب ط |
| 501 ر ب ط | 504 م ب خ |
| 505 ر ن ط | 511 ر ب ط |
| 513 م ن ط |  |

**جبران**

|  |  |
| --- | --- |
| 119 م ب ط | 159 ر ب ط |
| 179 م ب ط | 284 م ن ط |
| 290 م ب ط | 294 م ن ط |
| 380 ر ب ط | 517 م ب ط |

**جبهه**

|  |  |
| --- | --- |
| 137 ر ب ط | 184 ر ب ط |
| 206 ر ب ط | 225 م ن ط |
| 425 م ب ط | 481 م ب ط |
| 491 م ب ط |  |

**جذب**

|  |  |
| --- | --- |
| 150 ر ب ط | 257 ر ب ط |
| 398 ر ب ط | 417 ر ب ط |
| 434 ر ب ط |  |

**جريان‌شناسي**

|  |  |
| --- | --- |
| 207 ر ب ط | 216 ر ب ط |
| 217 ر ب ط |  |

**جلوافتادن**

|  |  |
| --- | --- |
| 280 ر ب ط | 426 ر ب ط |

**جنبه الهي**

|  |  |
| --- | --- |
| 231 ر ب ط |  |

**جنبه انساني**

|  |  |
| --- | --- |
| 231 ر ب ط |  |

**جهاني**

|  |  |
| --- | --- |
| 207 ر ب ط | 284 م ن ط |

**جوانان**

|  |  |
| --- | --- |
| 142 ر ب ط | 198 ر ب ط |
| 208 ر ب ط | 210 م ن ط |
| 211 ر ب ك | 214 ر ب خ |
| 215 ر ب ك | 218 ر ب ط |
| 219 ر ب ط | 222 ر ب ط |
| 228 ر ب ط | 236 ر ب ط |
| 244 ر ب ط | 251 ر ب ط |
| 257 ر ب ط | 262 ر ب ط |
| 307 ر ب ط | 353 م ن ط |
| 409 ر ب ط | 416 ر ب ط |
| 454 ر ب ط |  |

**چهره به چهره**

|  |  |
| --- | --- |
| 213 ر ب ط | 240 ر ب ط |
| 241 ر ب ط | 242 ر ب ط |
| 243 ر ب ط | 249 ر ب ط |
| 277 ر ب ط | 279 ر ب ط |

**حاكميت اسلام**

|  |  |
| --- | --- |
| 316 ر ب ط | 321 ر ب ط |
| 472 ر ب ط |  |

**حج (روحاني كاروان)**

|  |  |
| --- | --- |
| 261 م ب ط | 299 ر ب ط |
| 343 م ب ط | 352 م ب خ |
| 397 م ب ط | 403 م ن ط |
| 412 ر ب ط | 440 م ب ط |
| 444 ر ب ط | 469 م ب ط |
| 490 م ن ط | 504 م ب خ |
| 505 ر ن ط | 518 م ب ط |

**حراست**

|  |  |
| --- | --- |
| 157 ر ب ط | 389 ر ب ط |

**حضور**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 212 ر ب ط | 225 م ن ط |
| 239 ر ن ك | 242 ر ب ط |
| 249 ر ب ط | 251 ر ب ط |
| 258 ر ب ط | 272 ر ب ط |
| 298 م ب ط | 318 ر ب ط |
| 331 ر ب ط | 356 م ب ط |
| 357 ر ب ط | 358 م ب ط |
| 359 ر ب ط | 360 م ب ط |
| 362 م ب ط | 364 ر ب ط |
| 378 م ب ط | 396 ر ب ط |
| 408 ر ب ط | 411 ر ب ط |
| 420 ر ب ط | 426 ر ب ط |
| 433 ر ب ط | 441 م ن ط |
| 442 م ب ط | 447 ر ب ط |
| 449 ر ب ط | 457 ر ب ط |
| 484 ر ب ط | 488 ر ب ط |
| 505 ر ن ط | 513 م ن ط |
| 522 ر ب ط |  |

**حفظ**

|  |  |
| --- | --- |
| 102 ر ب ط | 105 م ب ط |
| 121 م ب ط | 128 م ب ط |
| 130 ر ب ط | 132 ر ب ط |
| 135 ر ب ط | 140 ر ب ك |
| 147 م ب خ | 156 ر ب ط |
| 157 ر ب ط | 163 م ب ط |
| 164 م ب ط | 166 م ب ط |
| 175 م ب خ | 177 م ب ط |
| 178 م ب ط | 180 م ب ط |
| 183 م ب ط | 184 ر ب ط |
| 193 م ب ط | 202 م ب ط |
| 213 ر ب ط | 227 ر ب ط |
| 230 م ب ط | 248 ر ب ط |
| 251 ر ب ط | 257 ر ب ط |
| 258 ر ب ط | 267 م ب ط |
| 271 م ب ط | 274 ر ب ط |
| 275 ر ب ط | 278 ر ب ط |
| 279 ر ب ط | 285 ر ب ط |
| 288 م ب ط | 290 م ب ط |
| 292 م ب ط | 298 م ب ط |
| 305 م ب ط | 306 ر ب ط |
| 322 م ب ط | 354 م ب ط |
| 356 م ب ط | 363 م ب ط |
| 388 ر ب ط | 396 ر ب ط |
| 401 م ب ط | 436 ر ب ط |
| 451 ر ب ط | 455 ر ب ط |
| 469 م ب ط | 481 م ب ط |
| 483 م ب ط | 491 م ب ط |
| 512 ر ب ط | 513 م ن ط |
| 520 ر ب ط | 522 ر ب ط |

**حقيقت**

|  |  |
| --- | --- |
| 143 ر ب خ | 146 ر ب ط |
| 184 ر ب ط | 226 ر ب ط |
| 227 ر ب ط | 262 ر ب ط |
| 310 ر ب ط | 312 ر ب ط |
| 389 ر ب ط | 426 ر ب ط |
| 445 ر ب ط | 457 ر ب ط |
| 471 م ب ط | 500 ر ب ط |
| 510 ر ب ط |  |

**حكم واقعي الهي**

|  |  |
| --- | --- |
|  | 223 ر ب ط |

**حكومت**

|  |  |
| --- | --- |
| 122 م ب ط | 136 ر ب ط |
| 137 ر ب ط | 138 ر ب ط |
| 143 ر ب خ | 254 ر ب ط |
| 283 ر ب ط | 311 م ب خ |
| 312 ر ب ط | 314 ر ب ط |
| 319 م ب ط | 320 م ب ط |
| 321 ر ب ط | 323 م ب ط |
| 324 ر ب ط | 326 م ب ط |
| 330 م ب خ | 332 م ب ط |
| 335 م ب ط | 338 م ب ط |
| 339 م ق ب ط | 340 م ق ب ط |
| 341 م ق ب ط | 342 م ب ط |
| 345 م ق ب ط | 347 م ب ط |
| 351 م ب ط | 352 م ب خ |
| 361 ر ب ط | 371 م ق ب ك |
| 372 م ق ب ك | 374 م ق ب ك |
| 375 م ق ب ك | 376 م ب ط |
| 381 ر ب ط | 383 م ب خ |
| 387 ر ب ط | 391 م ن ط |
| 392 ر ب ط | 434 ر ب ط |
| 435 م ب ط | 467 م ب ط |
| 469 م ب ط | 476 م ب ط |
| 477 م ب ط | 481 م ب ط |
| 507 م ب ط | 514 م ب ط |
| 520 ر ب ط | 522 ر ب ط |

**حل**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 131 ر ب ط |
| 145 ر ب ط | 153 ر ب ط |
| 157 ر ب ط | 204 ر ب ط |
| 207 ر ب ط | 208 ر ب ط |
| 223 ر ب ط | 227 ر ب ط |
| 252 ر ب ط | 255 ر ب ط |
| 259 م ب ط | 267 م ب ط |
| 274 ر ب ط | 311 م ب خ |
| 330 م ب خ | 355 م ب ط |
| 383 م ب خ | 385 م ب ط |
| 400 م ب ط | 432 م ب ط |
| 441 م ن ط | 448 م ب خ |
| 449 ر ب ط | 454 ر ب ط |
| 476 م ب ط | 477 م ب ط |
| 478 م ب ط | 485 م ن ط |
| 496 ر ب ط | 497 ر ب ط |

**حمايت**

|  |  |
| --- | --- |
| 136 ر ب ط | 137 ر ب ط |
| 144 م ن ط | 232 ر ب ط |
| 312 ر ب ط | 314 ر ب ط |
| 361 ر ب ط | 480 ر ب ك |

**حوادث**

|  |  |
| --- | --- |
| 207 ر ب ط | 214 ر ب خ |
| 229 ر ب ط | 258 ر ب ط |
| 283 ر ب ط | 323 م ب ط |
| 353 م ن ط | 357 ر ب ط |
| 506 ر ب ط |  |

**حوزه علميه**

|  |  |
| --- | --- |
| 114 ر ب ط | 145 ر ب ط |
| 211 ر ب ك | 213 ر ب ط |
| 216 ر ب ط | 217 ر ب ط |
| 224 ر ب ط | 225 م ن ط |
| 239 ر ن ك | 243 ر ب ط |
| 246 ر ب ط | 253 ر ب ط |
| 307 ر ب ط | 310 ر ب ط |
| 312 ر ب ط | 361 ر ب ط |
| 391 م ن ط | 414 ر ب ط |
| 415 ر ب ط | 420 ر ب ط |
| 426 ر ب ط | 431 ر ب ط |
| 445 ر ب ط | 479 ر ب ك |
| 480 ر ب ك | 484 ر ب ط |
| 487 م ب ط | 491 م ب ط |
| 492 ر ب ط | 494 م ب ط |
| 495 م ن ط | 496 ر ب ط |
| 497 ر ب ط | 498 ر ب ط |
| 499 ر ب ك | 501 ر ب ط |
| 502 ر ب ط | 503 ر ب ط |
| 506 ر ب ط | 523 ر ب ط |
| 524 ر ب ط |  |

**حوزوي**

|  |  |
| --- | --- |
| 501 ر ب ط |  |

**حيات**

|  |  |
| --- | --- |
| 225 م ن ط | 226 ر ب ط |
| 231 ر ب ط | 276 م ن ط |
| 321 ر ب ط | 429 م ن ط |

**حيثيت**

|  |  |
| --- | --- |
| 132 ر ب ط | 135 ر ب ط |
| 144 م ن ط | 147 م ب خ |
| 156 ر ب ط | 164 م ب ط |
| 166 م ب ط | 175 م ب خ |
| 176 م ب ط | 290 م ب ط |
| 302 ر ب ك | 317 م ب ط |
| 383 م ب خ | 396 ر ب ط |
| 401 م ب ط | 469 م ب ط |

**خائن**

|  |  |
| --- | --- |
| 187 ر ب ط | 423 م ب ط |

**خادم**

|  |  |
| --- | --- |
| 135 ر ب ط | 137 ر ب ط |
| 169 م ب ط | 227 ر ب ط |
| 312 ر ب ط | 423 م ب ط |

**خارج**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 114 ر ب ط | 119 م ب ط |
| 123 م ب ط | 141 م ن ط |
| 149 م ب ط | 159 ر ب ط |
| 175 م ب خ | 184 ر ب ط |
| 186 م ب ط | 208 ر ب ط |
| 214 ر ب خ | 229 ر ب ط |
| 271 م ب ط | 275 ر ب ط |
| 284 م ن ط | 285 ر ب ط |
| 286 م ب ط | 294 م ن ط |
| 313 م ب ط | 321 ر ب ط |
| 328 م ب ط | 351 م ب ط |
| 352 م ب خ | 354 م ب ط |
| 356 م ب ط | 363 م ب ط |
| 365 م ب ط | 366 ر ب ط |
| 373 م ق ب ط | 383 م ب خ |
| 385 م ب ط | 432 م ب ط |
| 435 م ب ط | 463 م ب ط |
| 478 م ب ط | 481 م ب ط |
| 493 م ب ط | 504 م ب خ |
| 515 م ب ط | 517 م ب ط |

**خبرگان**

|  |  |
| --- | --- |
| 165 م ب ط | 283 ر ب ط |
| 422 م ب ط | 423 م ب ط |
| 424 م ب ط |  |

**خدمت**

|  |  |
| --- | --- |
| 136 ر ب ط | 137 ر ب ط |
| 141 م ن ط | 147 م ب خ |
| 161 م ب ط | 163 م ب ط |
| 186 م ب ط | 187 ر ب ط |
| 196 م ب ط | 214 ر ب خ |
| 255 ر ب ط | 288 م ب ط |
| 290 م ب ط | 294 م ن ط |
| 297 م ب ط | 333 م ب خ |
| 336 ر ب ط | 352 م ب خ |
| 355 م ب ط | 382 ر ب ط |
| 391 م ن ط | 392 ر ب ط |
| 421 م ب ط | 438 م ن ط |
| 451 ر ب ط | 460 م ب ط |
| 471 م ب ط | 475 م ن ط |
| 477 م ب ط | 478 م ب ط |
| 486 ر ب ط | 487 م ب ط |
| 489 م ب ط | 491 م ب ط |
| 495 م ن ط | 507 م ب ط |
| 512 ر ب ط | 514 م ب ط |

**خرابي**

|  |  |
| --- | --- |
| 190 ر ب ط | 455 ر ب ط |

**خسارت**

|  |  |
| --- | --- |
| 213 ر ب ط | 231 ر ب ط |
| 310 ر ب ط |  |

**خشوع**

|  |  |
| --- | --- |
| 195 ر ب ط | 198 ر ب ط |

**خلأ**

|  |  |
| --- | --- |
| 222 ر ب ط | 412 ر ب ط |
| 414 ر ب ط | 500 ر ب ط |

**خواص**

|  |  |
| --- | --- |
| 205 ر ب ط |  |

**خودپرستي**

|  |  |
| --- | --- |
| 158 ر ب ط |  |

**خودسازي**

|  |  |
| --- | --- |
| 190 ر ب ط | 251 ر ب ط |

**خودكفايي**

|  |  |
| --- | --- |
| 368 ر ب ط |  |

**خيانت**

|  |  |
| --- | --- |
| 123 م ب ط | 144 م ن ط |
| 174 م ب ط | 196 م ب ط |
| 352 م ب خ | 437 م ب ط |

**دادگاه ويژه**

|  |  |
| --- | --- |
| 174 م ب ط | 192 ر ب ط |

**دانشگاه (دانشجو، دفتر نمايندگي)**

|  |  |
| --- | --- |
| 192 ر ب ط | 196 م ب ط |
| 207 ر ب ط | 208 ر ب ط |
| 210 م ن ط | 212 ر ب ط |
| 215 ر ب ك | 223 ر ب ط |
| 228 ر ب ط | 229 ر ب ط |
| 247 ر ب ط | 250 ر ب ط |
| 266 م ن ط | 352 م ب خ |
| 376 م ب ط | 403 م ن ط |
| 404 ر ن ك | 405 ر ن ك |
| 406 م ن ط | 407 م ب ط |
| 408 ر ب ط | 409 ر ب ط |
| 410 م ب ط | 411 ر ب ط |
| 412 ر ب ط | 413 م ب ط |
| 414 ر ب ط | 415 ر ب ط |
| 416 ر ب ط | 417 ر ب ط |
| 418 ر ب ط | 419 ر ب ط |
| 420 ر ب ط | 427 م ن ط |
| 484 ر ب ط | 487 م ب ط |
| 501 ر ب ط | 503 ر ب ط |
| 512 ر ب ط |  |

**داوطلبي**

|  |  |
| --- | --- |
| 398 ر ب ط |  |

**دخالت (عدم دخالت)**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 121 م ب ط | 147 م ب خ |
| 152 ر ب ط | 203 م ب ط |
| 208 ر ب ط | 290 م ب ط |
| 294 م ن ط | 306 ر ب ط |
| 309 م ب ط | 311 م ب خ |
| 313 م ب ط | 317 م ب ط |
| 318 ر ب ط | 319 م ب ط |
| 320 م ب ط | 321 ر ب ط |
| 322 م ب ط | 323 م ب ط |
| 326 م ب ط | 328 م ب ط |
| 330 م ب خ | 332 م ب ط |
| 333 م ب خ | 334 م ب ط |
| 337 م ب ط | 338 م ب ط |
| 339 م ق ب ط | 340 م ق ب ط |
| 341 م ق ب ط | 342 م ب ط |
| 343 م ب ط | 345 م ق ب ط |
| 346 م ب ط | 347 م ب ط |
| 349 م ب ط | 350 م ق ب ط |
| 351 م ب ط | 358 م ب ط |
| 362 م ب ط | 365 م ب ط |
| 376 م ب ط | 381 ر ب ط |
| 419 ر ب ط | 435 م ب ط |
| 448 م ب خ | 450 ر ب ط |
| 465 م ب ط | 467 م ب ط |
| 469 م ب ط | 475 م ن ط |
| 491 م ب ط | 504 م ب خ |
| 505 ر ن ط | 513 م ن ط |
| 522 ر ب ط |  |

**درمان**

|  |  |
| --- | --- |
| 214 ر ب خ | 252 ر ب ط |
| 429 م ن ط |  |

**دستگاه قضايي (قضاوت، قضا)**

|  |  |
| --- | --- |
| 115 م ب ط | 137 ر ب ط |
| 160 م ن ط | 165 م ب ط |
| 166 م ب ط | 172 م ب ط |
| 197 ر ب ط | 205 ر ب ط |
| 207 ر ب ط | 214 ر ب خ |
| 223 ر ب ط | 258 ر ب ط |
| 267 م ب ط | 285 ر ب ط |
| 287 ر ب ط | 290 م ب ط |
| 313 م ب ط | 352 م ب خ |
| 356 م ب ط | 365 م ب ط |
| 380 ر ب ط | 382 ر ب ط |
| 391 م ن ط | 392 ر ب ط |
| 393 م ب ك | 394 م ب ط |
| 395 م ب ط | 396 ر ب ط |
| 397 م ب ط | 398 ر ب ط |
| 399 م ب ط | 400 م ب ط |
| 401 م ب ط | 402 م ب ك |
| 462 م ب ط | 475 م ن ط |
| 478 م ب ط | 485 م ن ط |
| 487 م ب ط | 489 م ب ط |
| 490 م ن ط | 491 م ب ط |
| 506 ر ب ط | 515 م ب ط |

**دشمن**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 105 م ب ط | 106 ر ب ط |
| 119 م ب ط | 122 م ب ط |
| 136 ر ب ط | 141 م ن ط |
| 144 م ن ط | 160 م ن ط |
| 161 م ب ط | 163 م ب ط |
| 165 م ب ط | 166 م ب ط |
| 168 م ب ط | 172 م ب ط |
| 173 م ب ط | 189 ر ب ط |
| 206 ر ب ط | 208 ر ب ط |
| 219 ر ب ط | 229 ر ب ط |
| 251 ر ب ط | 262 ر ب ط |
| 284 م ن ط | 287 ر ب ط |
| 290 م ب ط | 294 م ن ط |
| 299 ر ب ط | 305 م ب ط |
| 311 م ب خ | 313 م ب ط |
| 314 ر ب ط | 315 م ب ط |
| 317 م ب ط | 321 ر ب ط |
| 324 ر ب ط | 325 م ب ط |
| 338 م ب ط | 343 م ب ط |
| 348 م ب ط | 349 م ب ط |
| 351 م ب ط | 352 م ب خ |
| 355 م ب ط | 356 م ب ط |
| 357 ر ب ط | 358 م ب ط |
| 359 ر ب ط | 363 م ب ط |
| 365 م ب ط | 366 ر ب ط |
| 370 م ب ط | 401 م ب ط |
| 407 م ب ط | 410 م ب ط |
| 427 م ن ط | 448 م ب خ |
| 467 م ب ط | 471 م ب ط |
| 504 م ب خ | 505 ر ن ط |
| 506 ر ب ط | 507 م ب ط |
| 508 م ب ط | 509 م ب ط |
| 510 ر ب ط | 512 ر ب ط |
| 513 م ن ط | 514 م ب ط |
| 515 م ب ط | 516 م ب ط |
| 517 م ب ط | 519 م ب ط |

**دفاع**

|  |  |
| --- | --- |
| 137 ر ب ط | 158 ر ب ط |
| 174 م ب ط | 189 ر ب ط |
| 217 ر ب ط | 253 ر ب ط |
| 284 م ن ط | 312 ر ب ط |
| 343 م ب ط | 389 ر ب ط |
| 471 م ب ط | 480 ر ب ك |

**دلسوزي**

|  |  |
| --- | --- |
| 144 م ن ط | 449 ر ب ط |

**دنيا**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 107 ر ب ط | 120 م ب ط |
| 122 م ب ط | 125 م ب ط |
| 127 م ب ط | 141 م ن ط |
| 142 ر ب ط | 143 ر ب خ |
| 144 م ن ط | 145 ر ب ط |
| 146 ر ب ط | 147 م ب خ |
| 148 ر ب ط | 150 ر ب ط |
| 151 ر ب ط | 154 ر ب ط |
| 155 م ب ك | 156 ر ب ط |
| 157 ر ب ط | 158 ر ب ط |
| 168 م ب ط | 174 م ب ط |
| 175 م ب خ | 183 م ب ط |
| 187 ر ب ط | 188 م ب ط |
| 189 ر ب ط | 193 م ب ط |
| 199 ر ب ط | 209 ر ب ط |
| 217 ر ب ط | 222 ر ب ط |
| 226 ر ب ط | 227 ر ب ط |
| 235 ر ب ط | 251 ر ب ط |
| 270 ر ب ط | 287 ر ب ط |
| 290 م ب ط | 293 ر ب ط |
| 299 ر ب ط | 324 ر ب ط |
| 335 م ب ط | 353 م ن ط |
| 366 ر ب ط | 396 ر ب ط |
| 446 م ب ط | 449 ر ب ط |
| 452 م ب ط | 476 م ب ط |
| 492 ر ب ط | 501 ر ب ط |
| 511 ر ب ط |  |

**دولت**

|  |  |
| --- | --- |
| 141 م ن ط | 143 ر ب خ |
| 147 م ب خ | 152 ر ب ط |
| 153 ر ب ط | 212 ر ب ط |
| 228 ر ب ط | 229 ر ب ط |
| 250 ر ب ط | 253 ر ب ط |
| 260 ر ب ط | 261 م ب ط |
| 268 ر ن ك | 275 ر ب ط |
| 287 ر ب ط | 290 م ب ط |
| 317 م ب ط | 326 م ب ط |
| 328 م ب ط | 332 م ب ط |
| 333 م ب خ | 349 م ب ط |
| 358 م ب ط | 368 ر ب ط |
| 372 م ق ب ك | 375 م ق ب ك |
| 376 م ب ط | 377 م ب ط |
| 379 ر ب ط | 380 ر ب ط |
| 381 ر ب ط | 382 ر ب ط |
| 386 م ب ط | 412 ر ب ط |
| 416 ر ب ط | 422 م ب ط |
| 430 م ب ط | 437 م ب ط |
| 441 م ن ط | 446 م ب ط |
| 463 م ب ط | 467 م ب ط |
| 469 م ب ط | 470 م ق ب ط |
| 474 م ب ط | 475 م ن ط |
| 476 م ب ط | 491 م ب ط |
| 500 ر ب ط | 519 م ب ط |
| 522 ر ب ط | 523 ر ب ط |
| 524 ر ب ط |  |

**ديكتاتوري**

|  |  |
| --- | --- |
| 105 م ب ط | 118 م ب ط |
| 124 م ب ط | 168 م ب ط |
| 352 م ب خ | 354 م ب ط |
| 355 م ب ط | 363 م ب ط |

**دين**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 106 ر ب ط | 108 ر ب ط |
| 109 ر ب ط | 111 ر ب ط |
| 112 ر ب ط | 114 ر ب ط |
| 120 م ب ط | 130 ر ب ط |
| 131 ر ب ط | 135 ر ب ط |
| 136 ر ب ط | 138 ر ب ط |
| 142 ر ب ط | 147 م ب خ |
| 148 ر ب ط | 150 ر ب ط |
| 158 ر ب ط | 160 م ن ط |
| 162 م ب ط | 184 ر ب ط |
| 195 ر ب ط | 211 ر ب ك |
| 213 ر ب ط | 217 ر ب ط |
| 220 ر ب ط | 221 ر ب ط |
| 225 م ن ط | 228 ر ب ط |
| 229 ر ب ط | 232 ر ب ط |
| 234 ر ب ط | 236 ر ب ط |
| 239 ر ن ك | 241 ر ب ط |
| 242 ر ب ط | 244 ر ب ط |
| 245 ر ب ط | 246 ر ب ط |
| 247 ر ب ط | 248 ر ب ط |
| 250 ر ب ط | 252 ر ب ط |
| 254 ر ب ط | 257 ر ب ط |
| 260 ر ب ط | 268 ر ن ك |
| 278 ر ب ط | 279 ر ب ط |
| 283 ر ب ط | 287 ر ب ط |
| 310 ر ب ط | 311 م ب خ |
| 312 ر ب ط | 314 ر ب ط |
| 316 ر ب ط | 321 ر ب ط |
| 324 ر ب ط | 325 م ب ط |
| 330 م ب خ | 331 ر ب ط |
| 334 م ب ط | 335 م ب ط |
| 336 ر ب ط | 338 م ب ط |
| 341 م ق ب ط | 345 م ق ب ط |
| 350 م ق ب ط | 359 ر ب ط |
| 361 ر ب ط | 364 ر ب ط |
| 383 م ب خ | 385 م ب ط |
| 406 م ن ط | 409 ر ب ط |
| 411 ر ب ط | 412 ر ب ط |
| 415 ر ب ط | 416 ر ب ط |
| 420 ر ب ط | 433 ر ب ط |
| 435 م ب ط | 442 م ب ط |
| 444 ر ب ط | 456 ر ب ط |
| 460 م ب ط | 467 م ب ط |
| 472 ر ب ط | 485 م ن ط |
| 492 ر ب ط | 496 ر ب ط |
| 497 ر ب ط | 499 ر ب ك |
| 503 ر ب ط | 506 ر ب ط |
| 513 م ن ط | 520 ر ب ط |
| 523 ر ب ط |  |

**رضايت**

|  |  |
| --- | --- |
| 324 ر ب ط |  |

**رضايت الهي**

|  |  |
| --- | --- |
| 318 ر ب ط |  |

**رمضان**

|  |  |
| --- | --- |
| 500 ر ب ط |  |

**روايات**

|  |  |
| --- | --- |
| 108 ر ب ط | 145 ر ب ط |
| 174 م ب ط | 255 ر ب ط |
| 333 م ب خ |  |

**روحاني**

|  |  |
| --- | --- |
| 115 م ب ط | 197 ر ب ط |
| 207 ر ب ط | 255 ر ب ط |
| 280 ر ب ط | 315 م ب ط |
| 362 م ب ط | 365 م ب ط |
| 428 ر ب ط | 517 م ب ط |

**روحانيت**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 102 ر ب ط |
| 104 م ب ط | 106 ر ب ط |
| 111 ر ب ط | 112 ر ب ط |
| 118 م ب ط | 121 م ب ط |
| 123 م ب ط | 129 ر ب ط |
| 130 ر ب ط | 131 ر ب ط |
| 132 ر ب ط | 134 ر ب ط |
| 135 ر ب ط | 136 ر ب ط |
| 141 م ن ط | 144 م ن ط |
| 147 م ب خ | 149 م ب ط |
| 151 ر ب ط | 156 ر ب ط |
| 159 ر ب ط | 160 م ن ط |
| 161 م ب ط | 162 م ب ط |
| 163 م ب ط | 164 م ب ط |
| 166 م ب ط | 167 م ب ط |
| 170 م ب ط | 172 م ب ط |
| 173 م ب ط | 175 م ب خ |
| 176 م ب ط | 177 م ب ط |
| 178 م ب ط | 183 م ب ط |
| 185 ر ب ط | 186 م ب ط |
| 187 ر ب ط | 189 ر ب ط |
| 192 ر ب ط | 193 م ب ط |
| 202 م ب ط | 204 ر ب ط |
| 208 ر ب ط | 211 ر ب ك |
| 213 ر ب ط | 227 ر ب ط |
| 228 ر ب ط | 231 ر ب ط |
| 232 ر ب ط | 235 ر ب ط |
| 237 ر ب ط | 241 ر ب ط |
| 243 ر ب ط | 248 ر ب ط |
| 250 ر ب ط | 251 ر ب ط |
| 252 ر ب ط | 257 ر ب ط |
| 258 ر ب ط | 260 ر ب ط |
| 264 م ب ك | 271 م ب ط |
| 275 ر ب ط | 279 ر ب ط |
| 281 ر ب ط | 287 ر ب ط |
| 290 م ب ط | 294 م ن ط |
| 298 م ب ط | 302 ر ب ك |
| 303 م ب ط | 306 ر ب ط |
| 310 ر ب ط | 312 ر ب ط |
| 314 ر ب ط | 317 م ب ط |
| 323 م ب ط | 325 م ب ط |
| 335 م ب ط | 337 م ب ط |
| 339 م ق ب ط | 340 م ق ب ط |
| 344 م ن ك | 352 م ب خ |
| 354 م ب ط | 358 م ب ط |
| 359 ر ب ط | 361 ر ب ط |
| 363 م ب ط | 364 ر ب ط |
| 367 م ب ط | 368 ر ب ط |
| 370 م ب ط | 376 م ب ط |
| 381 ر ب ط | 382 ر ب ط |
| 389 ر ب ط | 390 ر ب ك |
| 391 م ن ط | 394 م ب ط |
| 396 ر ب ط | 397 م ب ط |
| 401 م ب ط | 411 ر ب ط |
| 414 ر ب ط | 421 م ب ط |
| 422 م ب ط | 429 م ن ط |
| 430 م ب ط | 431 ر ب ط |
| 438 م ن ط | 440 م ب ط |
| 444 ر ب ط | 449 ر ب ط |
| 463 م ب ط | 465 م ب ط |
| 472 ر ب ط | 475 م ن ط |
| 476 م ب ط | 477 م ب ط |
| 480 ر ب ك | 494 م ب ط |
| 496 ر ب ط | 498 ر ب ط |
| 499 ر ب ك | 500 ر ب ط |
| 504 م ب خ | 505 ر ن ط |
| 506 ر ب ط | 511 ر ب ط |
| 512 ر ب ط | 514 م ب ط |
| 515 م ب ط | 516 م ب ط |
| 518 م ب ط | 519 م ب ط |
| 520 ر ب ط | 521 ر ب ط |
| 522 ر ب ط | 523 ر ب ط |

**روحانيون**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 110 ر ب ك |
| 111 ر ب ط | 118 م ب ط |
| 124 م ب ط | 133 ر ب ط |
| 141 م ن ط | 144 م ن ط |
| 145 ر ب ط | 146 ر ب ط |
| 154 ر ب ط | 157 ر ب ط |
| 159 ر ب ط | 161 م ب ط |
| 164 م ب ط | 166 م ب ط |
| 168 م ب ط | 171 م ب ط |
| 173 م ب ط | 178 م ب ط |
| 179 م ب ط | 182 ر ب ط |
| 186 م ب ط | 187 ر ب ط |
| 188 م ب ط | 196 م ب ط |
| 203 م ب ط | 204 ر ب ط |
| 209 ر ب ط | 210 م ن ط |
| 212 ر ب ط | 215 ر ب ك |
| 222 ر ب ط | 229 ر ب ط |
| 230 م ب ط | 232 ر ب ط |
| 238 ر ن ط | 244 ر ب ط |
| 251 ر ب ط | 254 ر ب ط |
| 256 ر ب ط | 262 ر ب ط |
| 270 ر ب ط | 273 ر ب ط |
| 275 ر ب ط | 276 م ن ط |
| 279 ر ب ط | 281 ر ب ط |
| 282 م ب ط | 284 م ن ط |
| 285 ر ب ط | 290 م ب ط |
| 291 ر ب ط | 292 م ب ط |
| 294 م ن ط | 295 م ن ط |
| 298 م ب ط | 299 ر ب ط |
| 300 م ب ط | 304 ر ب ط |
| 305 م ب ط | 311 م ب خ |
| 313 م ب ط | 317 م ب ط |
| 318 ر ب ط | 323 م ب ط |
| 325 م ب ط | 326 م ب ط |
| 330 م ب خ | 332 م ب ط |
| 335 م ب ط | 337 م ب ط |
| 343 م ب ط | 351 م ب ط |
| 352 م ب خ | 353 م ن ط |
| 354 م ب ط | 355 م ب ط |
| 358 م ب ط | 360 م ب ط |
| 363 م ب ط | 364 ر ب ط |
| 371 م ق ب ك | 372 م ق ب ك |
| 373 م ق ب ط | 375 م ق ب ك |
| 378 م ب ط | 381 ر ب ط |
| 382 ر ب ط | 383 م ب خ |
| 385 م ب ط | 386 م ب ط |
| 388 ر ب ط | 391 م ن ط |
| 392 ر ب ط | 402 م ب ك |
| 404 ر ن ك | 405 ر ن ك |
| 406 م ن ط | 408 ر ب ط |
| 410 م ب ط | 411 ر ب ط |
| 413 م ب ط | 414 ر ب ط |
| 421 م ب ط | 425 م ب ط |
| 427 م ن ط | 432 م ب ط |
| 437 م ب ط | 438 م ن ط |
| 440 م ب ط | 442 م ب ط |
| 445 ر ب ط | 447 ر ب ط |
| 448 م ب خ | 451 ر ب ط |
| 459 ر ب ط | 461 م ب ط |
| 462 م ب ط | 464 ر ب ك |
| 465 م ب ط | 466 م ب ط |
| 467 م ب ط | 468 م ب ط |
| 472 ر ب ط | 473 م ب ط |
| 475 م ن ط | 478 م ب ط |
| 481 م ب ط | 487 م ب ط |
| 493 م ب ط | 494 م ب ط |
| 498 ر ب ط | 501 ر ب ط |
| 504 م ب خ | 505 ر ن ط |
| 506 ر ب ط | 510 ر ب ط |
| 513 م ن ط | 514 م ب ط |
| 518 م ب ط |  |

**روستا**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 224 ر ب ط | 229 ر ب ط |
| 238 ر ن ط | 239 ر ن ك |
| 245 ر ب ط | 247 ر ب ط |
| 298 م ب ط | 502 ر ب ط |

**روشنگري**

|  |  |
| --- | --- |
| 510 ر ب ط |  |

**رياست جمهوري**

|  |  |
| --- | --- |
| 285 ر ب ط |  |

**زبان خارجي**

|  |  |
| --- | --- |
| 399 م ب ط | 492 ر ب ط |

**زبدگان**

|  |  |
| --- | --- |
| 199 ر ب ط | 220 ر ب ط |
| 250 ر ب ط | 316 ر ب ط |

**زمان‌شناسي**

|  |  |
| --- | --- |
| 206 ر ب ط | 207 ر ب ط |

**زهد**

|  |  |
| --- | --- |
| 141 م ن ط | 144 م ن ط |
| 145 ر ب ط | 146 ر ب ط |
| 150 ر ب ط | 151 ر ب ط |
| 152 ر ب ط | 156 ر ب ط |
| 192 ر ب ط | 387 ر ب ط |

**زي طلبگي**

|  |  |
| --- | --- |
| 149 م ب ط |  |

**ساده‌زيستي**

|  |  |
| --- | --- |
| 141 م ن ط | 143 ر ب خ |
| 147 م ب خ | 322 م ب ط |

**سازماندهي**

|  |  |
| --- | --- |
| 498 ر ب ط |  |

**سرمايه‌داري**

|  |  |
| --- | --- |
| 139 م ن ك | 144 م ن ط |

**سياست (سياسي)**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 114 ر ب ط | 136 ر ب ط |
| 143 ر ب خ | 158 ر ب ط |
| 184 ر ب ط | 204 ر ب ط |
| 208 ر ب ط | 281 ر ب ط |
| 294 م ن ط | 308 ر ب ط |
| 309 م ب ط | 311 م ب خ |
| 313 م ب ط | 316 ر ب ط |
| 317 م ب ط | 319 م ب ط |
| 321 ر ب ط | 323 م ب ط |
| 324 ر ب ط | 325 م ب ط |
| 326 م ب ط | 330 م ب خ |
| 331 ر ب ط | 332 م ب ط |
| 333 م ب خ | 334 م ب ط |
| 335 م ب ط | 336 ر ب ط |
| 338 م ب ط | 339 م ق ب ط |
| 340 م ق ب ط | 341 م ق ب ط |
| 345 م ق ب ط | 346 م ب ط |
| 347 م ب ط | 349 م ب ط |
| 350 م ق ب ط | 351 م ب ط |
| 356 م ب ط | 358 م ب ط |
| 364 ر ب ط | 365 م ب ط |
| 368 ر ب ط | 387 ر ب ط |
| 415 ر ب ط | 429 م ن ط |
| 503 ر ب ط | 504 م ب خ |
| 505 ر ن ط | 510 ر ب ط |
| 512 ر ب ط |  |

**شأن (شأن لباس، شأن روحانيت)**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 102 ر ب ط |
| 109 ر ب ط | 140 ر ب ك |
| 141 م ن ط | 147 م ب خ |
| 156 ر ب ط | 159 ر ب ط |
| 164 م ب ط | 204 ر ب ط |
| 279 ر ب ط | 293 ر ب ط |
| 311 م ب خ | 323 م ب ط |
| 330 م ب خ | 333 م ب خ |
| 339 م ق ب ط | 432 م ب ط |
| 456 ر ب ط | 462 م ب ط |
| 491 م ب ط |  |

**شبهات (شبهه)**

|  |  |
| --- | --- |
| 143 ر ب خ | 211 ر ب ك |
| 214 ر ب خ | 217 ر ب ط |
| 219 ر ب ط | 222 ر ب ط |
| 223 ر ب ط | 236 ر ب ط |
| 252 ر ب ط | 497 ر ب ط |
| 501 ر ب ط |  |

**شغل**

|  |  |
| --- | --- |
| 102 ر ب ط | 107 ر ب ط |
| 108 ر ب ط | 170 م ب ط |
| 177 م ب ط | 178 م ب ط |
| 184 ر ب ط | 200 م ق ن ك |
| 201 م ب ط | 202 م ب ط |
| 205 ر ب ط | 309 م ب ط |
| 351 م ب ط | 356 م ب ط |
| 358 م ب ط | 371 م ق ب ك |
| 383 م ب خ | 385 م ب ط |
| 413 م ب ط | 437 م ب ط |
| 438 م ن ط | 460 م ب ط |
| 469 م ب ط | 477 م ب ط |
| 481 م ب ط | 487 م ب ط |

**شكست (شكست اسلام، شكست روحانيت، شكست نظام)**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 118 م ب ط |
| 119 م ب ط | 120 م ب ط |
| 122 م ب ط | 123 م ب ط |
| 125 م ب ط | 130 ر ب ط |
| 149 م ب ط | 155 م ب ك |
| 164 م ب ط | 166 م ب ط |
| 167 م ب ط | 168 م ب ط |
| 179 م ب ط | 183 م ب ط |
| 184 ر ب ط | 193 م ب ط |
| 289 ر ب ط | 290 م ب ط |
| 303 م ب ط | 305 م ب ط |
| 352 م ب خ | 355 م ب ط |
| 386 م ب ط | 410 م ب ط |
| 494 م ب ط | 517 م ب ط |

**شهادت**

|  |  |
| --- | --- |
| 119 م ب ط | 168 م ب ط |
| 214 ر ب خ | 230 م ب ط |
| 287 ر ب ط | 316 ر ب ط |

**شهرت**

|  |  |
| --- | --- |
| 120 م ب ط | 133 ر ب ط |
| 320 م ب ط |  |

**شهرستان**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 163 م ب ط | 224 ر ب ط |
| 234 ر ب ط | 244 ر ب ط |
| 245 ر ب ط | 270 ر ب ط |
| 353 م ن ط | 425 م ب ط |
| 461 م ب ط | 482 م ب ط |
| 485 م ن ط | 490 م ن ط |
| 502 ر ب ط |  |

**شوراي عالي انقلاب فرهنگي**

|  |  |
| --- | --- |
|  | 403 م ن ط |

**شيوه‌هاي نو**

|  |  |
| --- | --- |
| 213 ر ب ط | 251 ر ب ط |

**صداقت**

|  |  |
| --- | --- |
| 184 ر ب ط | 194 ر ب ط |
| 507 م ب ط |  |

**صداوسيما**

|  |  |
| --- | --- |
| 228 ر ب ط | 249 ر ب ط |
| 253 ر ب ط | 443 م ب ك |
| 445 ر ب ط |  |

**طلاّب (طلبه)**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 105 م ب ط |
| 120 م ب ط | 127 م ب ط |
| 134 ر ب ط | 166 م ب ط |
| 181 م ب ط | 183 م ب ط |
| 188 م ب ط | 193 م ب ط |
| 195 ر ب ط | 196 م ب ط |
| 198 ر ب ط | 204 ر ب ط |
| 214 ر ب خ | 224 ر ب ط |
| 233 م ق ب ط | 235 ر ب ط |
| 239 ر ن ك | 260 ر ب ط |
| 266 م ن ط | 297 م ب ط |
| 307 ر ب ط | 320 م ب ط |
| 322 م ب ط | 331 ر ب ط |
| 357 ر ب ط | 391 م ن ط |
| 414 ر ب ط | 426 ر ب ط |
| 449 ر ب ط | 459 ر ب ط |
| 477 م ب ط | 479 ر ب ك |
| 484 ر ب ط | 486 ر ب ط |
| 488 ر ب ط | 493 م ب ط |
| 498 ر ب ط | 503 ر ب ط |
| 510 ر ب ط |  |

**عالم**

|  |  |
| --- | --- |
| 106 ر ب ط | 108 ر ب ط |
| 109 ر ب ط | 114 ر ب ط |
| 129 ر ب ط | 130 ر ب ط |
| 138 ر ب ط | 154 ر ب ط |
| 157 ر ب ط | 160 م ن ط |
| 164 م ب ط | 165 م ب ط |
| 195 ر ب ط | 200 م ق ن ك |
| 207 ر ب ط | 216 ر ب ط |
| 221 ر ب ط | 223 ر ب ط |
| 226 ر ب ط | 234 ر ب ط |
| 247 ر ب ط | 248 ر ب ط |
| 275 ر ب ط | 312 ر ب ط |
| 321 ر ب ط | 322 م ب ط |
| 349 م ب ط | 364 ر ب ط |
| 419 ر ب ط | 434 ر ب ط |
| 502 ر ب ط |  |

**عامه مردم**

|  |  |
| --- | --- |
| 220 ر ب ط | 429 م ن ط |

**عبادت**

|  |  |
| --- | --- |
| 136 ر ب ط | 145 ر ب ط |
| 334 م ب ط | 341 م ق ب ط |
| 349 م ب ط |  |

**عدالت**

|  |  |
| --- | --- |
| 144 م ن ط | 186 م ب ط |
| 196 م ب ط | 227 ر ب ط |
| 263 م ب ط | 311 م ب خ |
| 320 م ب ط | 330 م ب خ |
| 338 م ب ط | 365 م ب ط |
| 392 ر ب ط | 412 ر ب ط |
| 429 م ن ط | 477 م ب ط |
| 504 م ب خ |  |

**عذر (عدم عذر)**

|  |  |
| --- | --- |
| 294 م ن ط | 391 م ن ط |
| 400 م ب ط | 471 م ب ط |
| 472 ر ب ط | 473 م ب ط |
| 474 م ب ط | 485 م ن ط |
| 487 م ب ط |  |

**عقل**

|  |  |
| --- | --- |
| 214 ر ب خ | 237 ر ب ط |
| 252 ر ب ط | 311 م ب خ |
| 326 م ب ط | 330 م ب خ |
| 386 م ب ط | 416 ر ب ط |
| 513 م ن ط |  |

**علم (اهل علم)**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 108 ر ب ط | 114 ر ب ط |
| 136 ر ب ط | 147 م ب خ |
| 151 ر ب ط | 155 م ب ك |
| 156 ر ب ط | 157 ر ب ط |
| 189 ر ب ط | 192 ر ب ط |
| 195 ر ب ط | 200 م ق ن ك |
| 207 ر ب ط | 211 ر ب ك |
| 213 ر ب ط | 214 ر ب خ |
| 217 ر ب ط | 223 ر ب ط |
| 227 ر ب ط | 233 م ق ب ط |
| 239 ر ن ك | 243 ر ب ط |
| 247 ر ب ط | 249 ر ب ط |
| 251 ر ب ط | 293 ر ب ط |
| 301 ر ب ط | 320 م ب ط |
| 323 م ب ط | 330 م ب خ |
| 341 م ق ب ط | 343 م ب ط |
| 347 م ب ط | 351 م ب ط |
| 382 ر ب ط | 387 ر ب ط |
| 393 م ب ك | 395 م ب ط |
| 421 م ب ط | 426 ر ب ط |
| 431 ر ب ط | 438 م ن ط |
| 444 ر ب ط | 454 ر ب ط |
| 478 م ب ط | 479 ر ب ك |
| 480 ر ب ك | 486 ر ب ط |
| 496 ر ب ط | 497 ر ب ط |
| 499 ر ب ك | 501 ر ب ط |
| 502 ر ب ط | 503 ر ب ط |
| 507 م ب ط | 511 ر ب ط |
| 520 ر ب ط | 524 ر ب ط |

**علما**

|  |  |
| --- | --- |
| 105 م ب ط | 106 ر ب ط |
| 109 ر ب ط | 111 ر ب ط |
| 112 ر ب ط | 125 م ب ط |
| 126 م ب ط | 131 ر ب ط |
| 132 ر ب ط | 134 ر ب ط |
| 141 م ن ط | 145 ر ب ط |
| 146 ر ب ط | 150 ر ب ط |
| 158 ر ب ط | 160 م ن ط |
| 165 م ب ط | 170 م ب ط |
| 173 م ب ط | 180 م ب ط |
| 184 ر ب ط | 188 م ب ط |
| 191 م ب ط | 194 ر ب ط |
| 198 ر ب ط | 199 ر ب ط |
| 206 ر ب ط | 210 م ن ط |
| 219 ر ب ط | 220 ر ب ط |
| 221 ر ب ط | 222 ر ب ط |
| 225 م ن ط | 226 ر ب ط |
| 231 ر ب ط | 232 ر ب ط |
| 234 ر ب ط | 235 ر ب ط |
| 244 ر ب ط | 245 ر ب ط |
| 248 ر ب ط | 252 ر ب ط |
| 253 ر ب ط | 254 ر ب ط |
| 255 ر ب ط | 262 ر ب ط |
| 265 م ب ط | 266 م ن ط |
| 267 م ب ط | 268 ر ن ك |
| 273 ر ب ط | 278 ر ب ط |
| 283 ر ب ط | 285 ر ب ط |
| 296 م ب ك | 310 ر ب ط |
| 311 م ب خ | 312 ر ب ط |
| 313 م ب ط | 314 ر ب ط |
| 319 م ب ط | 321 ر ب ط |
| 322 م ب ط | 327 ر ب ط |
| 329 ر ب ط | 331 ر ب ط |
| 332 م ب ط | 336 ر ب ط |
| 344 م ن ك | 361 ر ب ط |
| 362 م ب ط | 365 م ب ط |
| 366 ر ب ط | 369 ر ب ك |
| 370 م ب ط | 374 م ق ب ك |
| 383 م ب خ | 384 م ب ط |
| 385 م ب ط | 386 م ب ط |
| 391 م ن ط | 392 ر ب ط |
| 397 م ب ط | 398 ر ب ط |
| 400 م ب ط | 404 ر ن ك |
| 405 ر ن ك | 420 ر ب ط |
| 422 م ب ط | 423 م ب ط |
| 429 م ن ط | 434 ر ب ط |
| 440 م ب ط | 443 م ب ك |
| 445 ر ب ط | 457 ر ب ط |
| 459 ر ب ط | 462 م ب ط |
| 469 م ب ط | 470 م ق ب ط |
| 472 ر ب ط | 473 م ب ط |
| 474 م ب ط | 476 م ب ط |
| 481 م ب ط | 484 ر ب ط |
| 485 م ن ط | 487 م ب ط |
| 489 م ب ط | 490 م ن ط |
| 491 م ب ط | 495 م ن ط |
| 506 ر ب ط | 513 م ن ط |
| 515 م ب ط | 516 م ب ط |

**عمل**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 104 م ب ط | 105 م ب ط |
| 112 ر ب ط | 116 م ب ط |
| 118 م ب ط | 128 م ب ط |
| 129 ر ب ط | 132 ر ب ط |
| 134 ر ب ط | 143 ر ب خ |
| 144 م ن ط | 146 ر ب ط |
| 148 ر ب ط | 151 ر ب ط |
| 156 ر ب ط | 157 ر ب ط |
| 158 ر ب ط | 159 ر ب ط |
| 164 م ب ط | 166 م ب ط |
| 167 م ب ط | 169 م ب ط |
| 170 م ب ط | 172 م ب ط |
| 174 م ب ط | 175 م ب خ |
| 177 م ب ط | 178 م ب ط |
| 180 م ب ط | 184 ر ب ط |
| 188 م ب ط | 189 ر ب ط |
| 194 ر ب ط | 196 م ب ط |
| 199 ر ب ط | 201 م ب ط |
| 216 ر ب ط | 229 ر ب ط |
| 230 م ب ط | 248 ر ب ط |
| 250 ر ب ط | 251 ر ب ط |
| 258 ر ب ط | 262 ر ب ط |
| 263 م ب ط | 274 ر ب ط |
| 279 ر ب ط | 281 ر ب ط |
| 290 م ب ط | 297 م ب ط |
| 311 م ب خ | 318 ر ب ط |
| 336 ر ب ط | 352 م ب خ |
| 381 ر ب ط | 382 ر ب ط |
| 383 م ب خ | 384 م ب ط |
| 399 م ب ط | 400 م ب ط |
| 401 م ب ط | 408 ر ب ط |
| 413 م ب ط | 418 ر ب ط |
| 427 م ن ط | 429 م ن ط |
| 434 ر ب ط | 436 ر ب ط |
| 447 ر ب ط | 448 م ب خ |
| 452 م ب ط | 462 م ب ط |
| 472 ر ب ط | 473 م ب ط |
| 476 م ب ط | 485 م ن ط |
| 487 م ب ط | 504 م ب خ |
| 511 ر ب ط |  |

**عوامل بقا**

|  |  |
| --- | --- |
| 511 ر ب ط |  |

**غفلت**

|  |  |
| --- | --- |
| 102 ر ب ط | 132 ر ب ط |
| 323 م ب ط | 353 م ن ط |
| 358 م ب ط | 387 ر ب ط |

**فراتر (اولويت بيشتر)**

|  |  |
| --- | --- |
| 302 ر ب ك | 451 ر ب ط |
| 501 ر ب ط |  |

**فراگيري**

|  |  |
| --- | --- |
| 302 ر ب ك |  |

**فرصت**

|  |  |
| --- | --- |
| 105 م ب ط | 173 م ب ط |
| 185 ر ب ط | 209 ر ب ط |
| 229 ر ب ط | 235 ر ب ط |
| 284 م ن ط | 299 ر ب ط |
| 320 م ب ط | 359 ر ب ط |
| 366 ر ب ط | 391 م ن ط |
| 404 ر ن ك | 405 ر ن ك |
| 514 م ب ط |  |

**فرهنگ**

|  |  |
| --- | --- |
| 500 ر ب ط |  |

**فريب**

|  |  |
| --- | --- |
| 353 م ن ط |  |

**فساد (فاسد)**

|  |  |
| --- | --- |
| 164 م ب ط | 174 م ب ط |
| 182 ر ب ط | 192 ر ب ط |
| 226 ر ب ط | 328 م ب ط |
| 332 م ب ط | 341 م ق ب ط |
| 388 ر ب ط | 394 م ب ط |
| 461 م ب ط | 469 م ب ط |
| 477 م ب ط | 511 ر ب ط |
| 513 م ن ط |  |

**فقر (فقرا)**

|  |  |
| --- | --- |
| 329 ر ب ط | 381 ر ب ط |
| 429 م ن ط | 482 م ب ط |

**فقه (تفقه)**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 109 ر ب ط | 111 ر ب ط |
| 136 ر ب ط | 214 ر ب خ |
| 227 ر ب ط | 247 ر ب ط |
| 252 ر ب ط | 269 م ب ك |
| 311 م ب خ | 320 م ب ط |
| 323 م ب ط | 336 ر ب ط |
| 349 م ب ط | 356 م ب ط |
| 358 م ب ط | 429 م ن ط |
| 462 م ب ط | 483 م ب ط |
| 491 م ب ط | 494 م ب ط |
| 495 م ن ط | 497 ر ب ط |

**فكر**

|  |  |
| --- | --- |
| 111 ر ب ط | 119 م ب ط |
| 125 م ب ط | 129 ر ب ط |
| 134 ر ب ط | 142 ر ب ط |
| 143 ر ب خ | 157 ر ب ط |
| 158 ر ب ط | 163 م ب ط |
| 173 م ب ط | 191 م ب ط |
| 194 ر ب ط | 199 ر ب ط |
| 202 م ب ط | 210 م ن ط |
| 211 ر ب ك | 214 ر ب خ |
| 215 ر ب ك | 216 ر ب ط |
| 217 ر ب ط | 221 ر ب ط |
| 222 ر ب ط | 223 ر ب ط |
| 226 ر ب ط | 229 ر ب ط |
| 244 ر ب ط | 247 ر ب ط |
| 252 ر ب ط | 253 ر ب ط |
| 254 ر ب ط | 290 م ب ط |
| 293 ر ب ط | 304 ر ب ط |
| 305 م ب ط | 308 ر ب ط |
| 313 م ب ط | 314 ر ب ط |
| 316 ر ب ط | 317 م ب ط |
| 319 م ب ط | 321 ر ب ط |
| 331 ر ب ط | 336 ر ب ط |
| 370 م ب ط | 373 م ق ب ط |
| 381 ر ب ط | 398 ر ب ط |
| 400 م ب ط | 406 م ن ط |
| 408 ر ب ط | 410 م ب ط |
| 411 ر ب ط | 415 ر ب ط |
| 418 ر ب ط | 427 م ن ط |
| 429 م ن ط | 435 م ب ط |
| 443 م ب ك | 444 ر ب ط |
| 481 م ب ط | 491 م ب ط |
| 496 ر ب ط | 497 ر ب ط |
| 503 ر ب ط | 506 ر ب ط |
| 510 ر ب ط |  |

**قاضي**

|  |  |
| --- | --- |
| 281 ر ب ط | 394 م ب ط |
| 399 م ب ط | 488 ر ب ط |
| 490 م ن ط |  |

**قداست**

|  |  |
| --- | --- |
| 102 ر ب ط | 114 ر ب ط |
| 140 ر ب ك | 306 ر ب ط |
| 311 م ب خ | 318 ر ب ط |
| 324 ر ب ط | 347 م ب ط |

**قدرت (قدرت‌طلبي)**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 118 م ب ط |
| 124 م ب ط | 128 م ب ط |
| 129 ر ب ط | 133 ر ب ط |
| 136 ر ب ط | 159 ر ب ط |
| 172 م ب ط | 173 م ب ط |
| 181 م ب ط | 192 ر ب ط |
| 199 ر ب ط | 201 م ب ط |
| 204 ر ب ط | 209 ر ب ط |
| 227 ر ب ط | 253 ر ب ط |
| 271 م ب ط | 294 م ن ط |
| 297 م ب ط | 299 ر ب ط |
| 311 م ب خ | 313 م ب ط |
| 317 م ب ط | 319 م ب ط |
| 321 ر ب ط | 326 م ب ط |
| 327 ر ب ط | 339 م ق ب ط |
| 351 م ب ط | 352 م ب خ |
| 354 م ب ط | 355 م ب ط |
| 363 م ب ط | 365 م ب ط |
| 383 م ب خ | 385 م ب ط |
| 391 م ن ط | 448 م ب خ |
| 454 ر ب ط | 474 م ب ط |
| 487 م ب ط | 492 ر ب ط |
| 514 م ب ط | 521 ر ب ط |
| 522 ر ب ط | 523 ر ب ط |

**قرآن (كتاب و سنّت)**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 106 ر ب ط | 120 م ب ط |
| 123 م ب ط | 125 م ب ط |
| 136 ر ب ط | 137 ر ب ط |
| 154 ر ب ط | 160 م ن ط |
| 178 م ب ط | 188 م ب ط |
| 214 ر ب خ | 227 ر ب ط |
| 231 ر ب ط | 237 ر ب ط |
| 248 ر ب ط | 255 ر ب ط |
| 311 م ب خ | 341 م ق ب ط |
| 349 م ب ط | 350 م ق ب ط |
| 392 ر ب ط | 399 م ب ط |
| 413 م ب ط | 444 ر ب ط |
| 501 ر ب ط |  |

**قناعت**

|  |  |
| --- | --- |
| 140 ر ب ك |  |

**قيام**

|  |  |
| --- | --- |
| 138 ر ب ط | 280 ر ب ط |
| 327 ر ب ط | 328 م ب ط |
| 329 ر ب ط | 338 م ب ط |
| 478 م ب ط | 487 م ب ط |
| 509 م ب ط |  |

**كارخانه**

|  |  |
| --- | --- |
| 147 م ب خ | 212 ر ب ط |
| 352 م ب خ | 367 م ب ط |
| 465 م ب ط | 501 ر ب ط |

**كمك**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 138 ر ب ط | 160 م ن ط |
| 209 ر ب ط | 275 ر ب ط |
| 285 ر ب ط | 287 ر ب ط |
| 329 ر ب ط | 366 ر ب ط |
| 386 م ب ط | 394 م ب ط |
| 411 ر ب ط | 420 ر ب ط |
| 441 م ن ط | 442 م ب ط |
| 444 ر ب ط | 445 ر ب ط |
| 486 ر ب ط | 489 م ب ط |
| 502 ر ب ط |  |

**لباس جندي**

|  |  |
| --- | --- |
| 320 م ب ط |  |

**لباس روحانيت**

|  |  |
| --- | --- |
| 104 م ب ط | 107 ر ب ط |
| 108 ر ب ط | 109 ر ب ط |
| 110 ر ب ك | 111 ر ب ط |
| 112 ر ب ط | 113 ر ب ك |
| 172 م ب ط | 178 م ب ط |
| 202 م ب ط | 515 م ب ط |
| 519 م ب ط |  |

**مبلغ**

|  |  |
| --- | --- |
| 399 م ب ط | 500 ر ب ط |

**متحجّر**

|  |  |
| --- | --- |
| 505 ر ن ط |  |

**مجاهدت**

|  |  |
| --- | --- |
| 132 ر ب ط | 229 ر ب ط |
| 312 ر ب ط | 329 ر ب ط |
| 366 ر ب ط |  |

**مجلس**

|  |  |
| --- | --- |
| 131 ر ب ط | 165 م ب ط |
| 186 م ب ط | 252 ر ب ط |
| 294 م ن ط | 308 ر ب ط |
| 311 م ب خ | 323 م ب ط |
| 330 م ب خ | 333 م ب خ |
| 352 م ب خ | 358 م ب ط |
| 380 ر ب ط | 386 م ب ط |
| 421 م ب ط | 422 م ب ط |
| 423 م ب ط | 424 م ب ط |
| 430 م ب ط | 438 م ن ط |
| 442 م ب ط | 446 م ب ط |
| 468 م ب ط | 469 م ب ط |
| 485 م ن ط | 509 م ب ط |
| 513 م ن ط |  |

**محتوا**

|  |  |
| --- | --- |
| 119 م ب ط | 212 ر ب ط |
| 218 ر ب ط | 236 ر ب ط |
| 251 ر ب ط | 261 م ب ط |
| 273 ر ب ط | 323 م ب ط |
| 338 م ب ط | 363 م ب ط |
| 444 ر ب ط | 476 م ب ط |
| 494 م ب ط | 496 ر ب ط |

**محرّم**

|  |  |
| --- | --- |
| 230 م ب ط | 247 ر ب ط |
| 256 ر ب ط | 287 ر ب ط |

**مخاطب‌شناسي**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 210 م ن ط | 216 ر ب ط |
| 217 ر ب ط | 218 ر ب ط |
| 220 ر ب ط | 221 ر ب ط |
| 223 ر ب ط | 224 ر ب ط |
| 236 ر ب ط |  |

**مدرس (مدرسه، مُدرّس، مدرسين)**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 181 م ب ط |
| 183 م ب ط | 188 م ب ط |
| 193 م ب ط | 265 م ب ط |
| 297 م ب ط | 319 م ب ط |
| 358 م ب ط | 400 م ب ط |
| 428 ر ب ط | 485 م ن ط |
| 487 م ب ط | 490 م ن ط |
| 495 م ن ط | 510 ر ب ط |

**مدرن**

|  |  |
| --- | --- |
| 244 ر ب ط | 293 ر ب ط |

**مراجع**

|  |  |
| --- | --- |
| 243 ر ب ط | 266 م ن ط |
| 277 ر ب ط | 285 ر ب ط |
| 290 م ب ط | 294 م ن ط |
| 323 م ب ط | 382 ر ب ط |
| 409 ر ب ط | 417 ر ب ط |
| 431 ر ب ط | 448 م ب خ |
| 469 م ب ط | 476 م ب ط |
| 485 م ن ط | 495 م ن ط |
| 513 م ن ط |  |

**مراقبت**

|  |  |
| --- | --- |
| 106 ر ب ط | 110 ر ب ك |
| 129 ر ب ط | 130 ر ب ط |
| 199 ر ب ط | 201 م ب ط |
| 416 ر ب ط | 463 م ب ط |

**مردم**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 102 ر ب ط |
| 108 ر ب ط | 109 ر ب ط |
| 112 ر ب ط | 118 م ب ط |
| 119 م ب ط | 120 م ب ط |
| 125 م ب ط | 126 م ب ط |
| 130 ر ب ط | 131 ر ب ط |
| 143 ر ب خ | 147 م ب خ |
| 149 م ب ط | 151 ر ب ط |
| 153 ر ب ط | 154 ر ب ط |
| 156 ر ب ط | 158 ر ب ط |
| 159 ر ب ط | 164 م ب ط |
| 165 م ب ط | 167 م ب ط |
| 170 م ب ط | 171 م ب ط |
| 172 م ب ط | 173 م ب ط |
| 174 م ب ط | 175 م ب خ |
| 178 م ب ط | 179 م ب ط |
| 183 م ب ط | 184 ر ب ط |
| 186 م ب ط | 187 ر ب ط |
| 188 م ب ط | 191 م ب ط |
| 193 م ب ط | 201 م ب ط |
| 203 م ب ط | 208 ر ب ط |
| 213 ر ب ط | 218 ر ب ط |
| 219 ر ب ط | 220 ر ب ط |
| 224 ر ب ط | 229 ر ب ط |
| 230 م ب ط | 234 ر ب ط |
| 236 ر ب ط | 240 ر ب ط |
| 241 ر ب ط | 242 ر ب ط |
| 247 ر ب ط | 248 ر ب ط |
| 249 ر ب ط | 250 ر ب ط |
| 251 ر ب ط | 252 ر ب ط |
| 253 ر ب ط | 254 ر ب ط |
| 257 ر ب ط | 258 ر ب ط |
| 259 م ب ط | 262 ر ب ط |
| 270 ر ب ط | 271 م ب ط |
| 272 ر ب ط | 275 ر ب ط |
| 276 م ن ط | 277 ر ب ط |
| 278 ر ب ط | 279 ر ب ط |
| 280 ر ب ط | 281 ر ب ط |
| 282 م ب ط | 283 ر ب ط |
| 285 ر ب ط | 287 ر ب ط |
| 288 م ب ط | 289 ر ب ط |
| 290 م ب ط | 292 م ب ط |
| 296 م ب ك | 297 م ب ط |
| 298 م ب ط | 299 ر ب ط |
| 300 م ب ط | 301 ر ب ط |
| 304 ر ب ط | 306 ر ب ط |
| 308 ر ب ط | 309 م ب ط |
| 310 ر ب ط | 311 م ب خ |
| 313 م ب ط | 317 م ب ط |
| 319 م ب ط | 321 ر ب ط |
| 322 م ب ط | 323 م ب ط |
| 324 ر ب ط | 326 م ب ط |
| 327 ر ب ط | 328 م ب ط |
| 329 ر ب ط | 333 م ب خ |
| 334 م ب ط | 336 ر ب ط |
| 337 م ب ط | 339 م ق ب ط |
| 340 م ق ب ط | 341 م ق ب ط |
| 342 م ب ط | 346 م ب ط |
| 349 م ب ط | 351 م ب ط |
| 352 م ب خ | 353 م ن ط |
| 354 م ب ط | 355 م ب ط |
| 358 م ب ط | 360 م ب ط |
| 363 م ب ط | 369 ر ب ك |
| 374 م ق ب ك | 377 م ب ط |
| 378 م ب ط | 380 ر ب ط |
| 381 ر ب ط | 382 ر ب ط |
| 388 ر ب ط | 391 م ن ط |
| 401 م ب ط | 421 م ب ط |
| 423 م ب ط | 424 م ب ط |
| 425 م ب ط | 429 م ن ط |
| 430 م ب ط | 431 ر ب ط |
| 432 م ب ط | 433 ر ب ط |
| 434 ر ب ط | 435 م ب ط |
| 436 ر ب ط | 438 م ن ط |
| 440 م ب ط | 444 ر ب ط |
| 453 ر ب ط | 461 م ب ط |
| 463 م ب ط | 465 م ب ط |
| 466 م ب ط | 467 م ب ط |
| 469 م ب ط | 473 م ب ط |
| 474 م ب ط | 477 م ب ط |
| 489 م ب ط | 493 م ب ط |
| 496 ر ب ط | 499 ر ب ك |
| 500 ر ب ط | 503 ر ب ط |
| 504 م ب خ | 505 ر ن ط |
| 508 م ب ط | 509 م ب ط |
| 512 ر ب ط | 514 م ب ط |
| 517 م ب ط | 518 م ب ط |
| 520 ر ب ط | 523 ر ب ط |

**مسأله**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 105 م ب ط | 125 م ب ط |
| 138 ر ب ط | 157 ر ب ط |
| 172 م ب ط | 180 م ب ط |
| 214 ر ب خ | 230 م ب ط |
| 231 ر ب ط | 263 م ب ط |
| 311 م ب خ | 319 م ب ط |
| 323 م ب ط | 325 م ب ط |
| 328 م ب ط | 330 م ب خ |
| 333 م ب خ | 338 م ب ط |
| 348 م ب ط | 351 م ب ط |
| 352 م ب خ | 353 م ن ط |
| 355 م ب ط | 357 ر ب ط |
| 358 م ب ط | 365 م ب ط |
| 383 م ب خ | 397 م ب ط |
| 398 ر ب ط | 400 م ب ط |
| 412 ر ب ط | 419 ر ب ط |
| 423 م ب ط | 440 م ب ط |
| 451 ر ب ط | 462 م ب ط |
| 463 م ب ط | 476 م ب ط |
| 485 م ن ط | 491 م ب ط |
| 494 م ب ط | 501 ر ب ط |
| 517 م ب ط |  |

**مسئوليت**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 108 ر ب ط |
| 109 ر ب ط | 111 ر ب ط |
| 116 م ب ط | 121 م ب ط |
| 123 م ب ط | 124 م ب ط |
| 133 ر ب ط | 144 م ن ط |
| 163 م ب ط | 175 م ب خ |
| 176 م ب ط | 177 م ب ط |
| 178 م ب ط | 188 م ب ط |
| 191 م ب ط | 201 م ب ط |
| 202 م ب ط | 210 م ن ط |
| 215 ر ب ك | 244 ر ب ط |
| 252 ر ب ط | 253 ر ب ط |
| 258 ر ب ط | 275 ر ب ط |
| 299 ر ب ط | 312 ر ب ط |
| 354 م ب ط | 357 ر ب ط |
| 361 ر ب ط | 363 م ب ط |
| 364 ر ب ط | 365 م ب ط |
| 366 ر ب ط | 370 م ب ط |
| 379 ر ب ط | 380 ر ب ط |
| 390 ر ب ك | 391 م ن ط |
| 401 م ب ط | 408 ر ب ط |
| 410 م ب ط | 413 م ب ط |
| 434 ر ب ط | 437 م ب ط |
| 451 ر ب ط | 454 ر ب ط |
| 455 ر ب ط | 461 م ب ط |
| 466 م ب ط | 473 م ب ط |
| 491 م ب ط | 499 ر ب ك |
| 506 ر ب ط | 516 م ب ط |

**مسئولين**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 106 ر ب ط | 109 ر ب ط |
| 143 ر ب خ | 152 ر ب ط |
| 153 ر ب ط | 154 ر ب ط |
| 197 ر ب ط | 228 ر ب ط |
| 229 ر ب ط | 244 ر ب ط |
| 260 ر ب ط | 262 ر ب ط |
| 274 ر ب ط | 275 ر ب ط |
| 289 ر ب ط | 291 ر ب ط |
| 312 ر ب ط | 314 ر ب ط |
| 364 ر ب ط | 369 ر ب ك |
| 379 ر ب ط | 380 ر ب ط |
| 381 ر ب ط | 382 ر ب ط |
| 434 ر ب ط | 488 ر ب ط |
| 512 ر ب ط | 520 ر ب ط |

**مستقر**

|  |  |
| --- | --- |
| 173 م ب ط | 238 ر ن ط |
| 246 ر ب ط |  |

**مسجد (مساجد)**

|  |  |
| --- | --- |
| 137 ر ب ط | 175 م ب خ |
| 213 ر ب ط | 229 ر ب ط |
| 241 ر ب ط | 267 م ب ط |
| 268 ر ن ك | 269 م ب ك |
| 270 ر ب ط | 271 م ب ط |
| 272 ر ب ط | 273 ر ب ط |
| 292 م ب ط | 311 م ب خ |
| 315 م ب ط | 317 م ب ط |
| 318 ر ب ط | 323 م ب ط |
| 326 م ب ط | 330 م ب خ |
| 334 م ب ط | 335 م ب ط |
| 339 م ق ب ط | 340 م ق ب ط |
| 341 م ق ب ط | 351 م ب ط |
| 352 م ب خ | 383 م ب خ |
| 385 م ب ط | 417 ر ب ط |
| 418 ر ب ط | 419 ر ب ط |
| 435 م ب ط | 504 م ب خ |

**مسيحيت**

|  |  |
| --- | --- |
| 523 ر ب ط |  |

**مشروطه**

|  |  |
| --- | --- |
| 172 م ب ط | 258 ر ب ط |
| 313 م ب ط |  |

**مضاعف**

|  |  |
| --- | --- |
| 108 ر ب ط | 129 ر ب ط |
| 132 ر ب ط | 235 ر ب ط |
| 244 ر ب ط | 249 ر ب ط |
| 364 ر ب ط |  |

**معارف**

|  |  |
| --- | --- |
| 184 ر ب ط | 189 ر ب ط |
| 210 م ن ط | 212 ر ب ط |
| 227 ر ب ط | 237 ر ب ط |
| 243 ر ب ط | 247 ر ب ط |
| 252 ر ب ط | 254 ر ب ط |
| 419 ر ب ط | 454 ر ب ط |
| 501 ر ب ط | 524 ر ب ط |

**معمم**

|  |  |
| --- | --- |
| 107 ر ب ط | 108 ر ب ط |
| 113 ر ب ك | 126 م ب ط |
| 132 ر ب ط | 158 ر ب ط |
| 173 م ب ط | 174 م ب ط |
| 179 م ب ط | 180 م ب ط |
| 240 ر ب ط | 249 ر ب ط |
| 251 ر ب ط | 289 ر ب ط |
| 291 ر ب ط | 364 ر ب ط |
| 388 ر ب ط | 395 م ب ط |
| 450 ر ب ط |  |

**معنويت**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 108 ر ب ط | 114 ر ب ط |
| 158 ر ب ط | 186 م ب ط |
| 195 ر ب ط | 198 ر ب ط |
| 239 ر ن ك | 382 ر ب ط |
| 455 ر ب ط | 457 ر ب ط |

**ملّت**

|  |  |
| --- | --- |
| 107 ر ب ط | 122 م ب ط |
| 123 م ب ط | 131 ر ب ط |
| 160 م ن ط | 161 م ب ط |
| 162 م ب ط | 163 م ب ط |
| 164 م ب ط | 171 م ب ط |
| 173 م ب ط | 180 م ب ط |
| 183 م ب ط | 184 ر ب ط |
| 191 م ب ط | 193 م ب ط |
| 196 م ب ط | 200 م ق ن ك |
| 201 م ب ط | 226 ر ب ط |
| 227 ر ب ط | 251 ر ب ط |
| 261 م ب ط | 266 م ن ط |
| 267 م ب ط | 284 م ن ط |
| 286 م ب ط | 287 ر ب ط |
| 288 م ب ط | 290 م ب ط |
| 292 م ب ط | 294 م ن ط |
| 305 م ب ط | 309 م ب ط |
| 311 م ب خ | 313 م ب ط |
| 316 ر ب ط | 317 م ب ط |
| 321 ر ب ط | 323 م ب ط |
| 324 ر ب ط | 330 م ب خ |
| 332 م ب ط | 341 م ق ب ط |
| 348 م ب ط | 349 م ب ط |
| 351 م ب ط | 352 م ب خ |
| 353 م ن ط | 354 م ب ط |
| 356 م ب ط | 358 م ب ط |
| 360 م ب ط | 363 م ب ط |
| 365 م ب ط | 370 م ب ط |
| 371 م ق ب ك | 373 م ق ب ط |
| 376 م ب ط | 383 م ب خ |
| 385 م ب ط | 394 م ب ط |
| 422 م ب ط | 423 م ب ط |
| 429 م ن ط | 430 م ب ط |
| 432 م ب ط | 434 ر ب ط |
| 437 م ب ط | 438 م ن ط |
| 448 م ب خ | 461 م ب ط |
| 463 م ب ط | 475 م ن ط |
| 483 م ب ط | 487 م ب ط |
| 500 ر ب ط | 504 م ب خ |
| 508 م ب ط | 513 م ن ط |
| 514 م ب ط | 517 م ب ط |
| 518 م ب ط | 519 م ب ط |

**منبر**

|  |  |
| --- | --- |
| 137 ر ب ط | 202 م ب ط |
| 213 ر ب ط | 218 ر ب ط |
| 229 ر ب ط | 236 ر ب ط |
| 240 ر ب ط | 242 ر ب ط |
| 247 ر ب ط | 249 ر ب ط |
| 257 ر ب ط | 271 م ب ط |
| 303 م ب ط | 311 م ب خ |
| 323 م ب ط | 355 م ب ط |
| 382 ر ب ط | 428 ر ب ط |
| 469 م ب ط | 476 م ب ط |
| 487 م ب ط | 507 م ب ط |

**موفقيّت**

|  |  |
| --- | --- |
| 262 ر ب ط |  |

**نجات**

|  |  |
| --- | --- |
| 201 م ب ط | 227 ر ب ط |
| 264 م ب ك | 276 م ن ط |
| 386 م ب ط |  |

**نصيحت**

|  |  |
| --- | --- |
| 175 م ب خ | 243 ر ب ط |
| 281 ر ب ط | 352 م ب خ |
| 454 ر ب ط | 480 ر ب ك |
| 496 ر ب ط | 522 ر ب ط |

**نظارت**

|  |  |
| --- | --- |
| 165 م ب ط | 175 م ب خ |
| 180 م ب ط | 263 م ب ط |
| 290 م ب ط | 337 م ب ط |
| 371 م ق ب ك | 374 م ق ب ك |
| 376 م ب ط | 378 م ب ط |
| 383 م ب خ | 385 م ب ط |
| 442 م ب ط | 465 م ب ط |
| 468 م ب ط | 470 م ق ب ط |

**نظام**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 108 ر ب ط | 113 ر ب ك |
| 137 ر ب ط | 138 ر ب ط |
| 141 م ن ط | 148 ر ب ط |
| 154 ر ب ط | 157 ر ب ط |
| 158 ر ب ط | 159 ر ب ط |
| 196 م ب ط | 197 ر ب ط |
| 208 ر ب ط | 209 ر ب ط |
| 226 ر ب ط | 232 ر ب ط |
| 238 ر ن ط | 253 ر ب ط |
| 262 ر ب ط | 274 ر ب ط |
| 283 ر ب ط | 306 ر ب ط |
| 310 ر ب ط | 312 ر ب ط |
| 314 ر ب ط | 326 م ب ط |
| 336 ر ب ط | 340 م ق ب ط |
| 360 م ب ط | 361 ر ب ط |
| 363 م ب ط | 364 ر ب ط |
| 369 ر ب ك | 378 م ب ط |
| 380 ر ب ط | 382 ر ب ط |
| 388 ر ب ط | 389 ر ب ط |
| 390 ر ب ك | 391 م ن ط |
| 420 ر ب ط | 431 ر ب ط |
| 434 ر ب ط | 437 م ب ط |
| 456 ر ب ط | 479 ر ب ك |
| 480 ر ب ك | 486 ر ب ط |
| 488 ر ب ط | 497 ر ب ط |
| 498 ر ب ط | 511 ر ب ط |
| 512 ر ب ط | 513 م ن ط |
| 517 م ب ط | 520 ر ب ط |

**نظامي (مراكز نظامي، نيروي انتظامي، عقيدتي‌سياسي)**

|  |  |
| --- | --- |
| 152 ر ب ط | 160 م ن ط |
| 166 م ب ط | 172 م ب ط |
| 197 ر ب ط | 209 ر ب ط |
| 212 ر ب ط | 223 ر ب ط |
| 238 ر ن ط | 356 م ب ط |
| 446 م ب ط | 447 ر ب ط |
| 448 م ب خ | 449 ر ب ط |
| 450 ر ب ط | 451 ر ب ط |
| 452 م ب ط | 453 ر ب ط |
| 454 ر ب ط | 455 ر ب ط |
| 456 ر ب ط | 457 ر ب ط |
| 458 ر ب ك | 459 ر ب ط |
| 475 م ن ط | 488 ر ب ط |
| 508 م ب ط | 512 ر ب ط |
| 515 م ب ط |  |

**نفاق**

|  |  |
| --- | --- |
| 188 م ب ط | 299 ر ب ط |

**نفوذ**

|  |  |
| --- | --- |
| 106 ر ب ط | 121 م ب ط |
| 144 م ن ط | 164 م ب ط |
| 171 م ب ط | 191 م ب ط |
| 192 ر ب ط | 206 ر ب ط |
| 294 م ن ط | 401 م ب ط |
| 416 ر ب ط | 429 م ن ط |
| 504 م ب خ | 518 م ب ط |
| 519 م ب ط |  |

**نماز (اقامه نماز)**

|  |  |
| --- | --- |
| 108 ر ب ط | 190 ر ب ط |
| 204 ر ب ط | 205 ر ب ط |
| 238 ر ن ط | 239 ر ن ك |
| 268 ر ن ك | 270 ر ب ط |
| 272 ر ب ط | 290 م ب ط |
| 301 ر ب ط | 311 م ب خ |
| 315 م ب ط | 326 م ب ط |
| 330 م ب خ | 334 م ب ط |
| 338 م ب ط | 339 م ق ب ط |
| 340 م ق ب ط | 341 م ق ب ط |
| 346 م ب ط | 351 م ب ط |
| 364 ر ب ط | 365 م ب ط |
| 400 م ب ط | 418 ر ب ط |
| 428 ر ب ط | 432 م ب ط |
| 433 ر ب ط | 435 م ب ط |
| 449 ر ب ط | 503 ر ب ط |
| 521 ر ب ط |  |

**نيازسنجي**

|  |  |
| --- | --- |
| 206 ر ب ط | 219 ر ب ط |
| 223 ر ب ط | 224 ر ب ط |
| 237 ر ب ط | 488 ر ب ط |
| 503 ر ب ط |  |

**هجرت**

|  |  |
| --- | --- |
| 238 ر ن ط | 245 ر ب ط |
| 246 ر ب ط | 502 ر ب ط |

**هدايت**

**م 🡐 منبع امام ر 🡐 منبع رهبري ق 🡐 قبل از انقلاب ب 🡐 بيانات يا سخنراني**

**ك 🡐 مطلب كوتاه ط 🡐 مطلب طولاني خ 🡐 مطلب خيلي طولاني ن 🡐 نوشته، پيام و مكتوبات**

|  |  |
| --- | --- |
| 141 م ن ط | 184 ر ب ط |
| 200 م ق ن ك | 201 م ب ط |
| 210 م ن ط | 213 ر ب ط |
| 229 ر ب ط | 236 ر ب ط |
| 248 ر ب ط | 255 ر ب ط |
| 283 ر ب ط | 285 ر ب ط |
| 297 م ب ط | 333 م ب خ |
| 351 م ب ط | 353 م ن ط |
| 366 ر ب ط | 367 م ب ط |
| 375 م ق ب ك | 425 م ب ط |
| 433 ر ب ط | 435 م ب ط |
| 447 ر ب ط | 474 م ب ط |
| 481 م ب ط | 482 م ب ط |
| 485 م ن ط | 503 ر ب ط |
| 508 م ب ط |  |

**هدف ائمه**

|  |  |
| --- | --- |
| 138 ر ب ط |  |

**هدف مقدّس**

|  |  |
| --- | --- |
| 114 ر ب ط |  |

**هشياري**

|  |  |
| --- | --- |
| 366 ر ب ط | 512 ر ب ط |

**همفكري**

|  |  |
| --- | --- |
| 304 ر ب ط |  |

**همّت**

|  |  |
| --- | --- |
| 160 م ن ط | 221 ر ب ط |
| 232 ر ب ط | 245 ر ب ط |
| 248 ر ب ط | 314 ر ب ط |
| 396 ر ب ط | 397 م ب ط |
| 401 م ب ط | 427 م ن ط |
| 459 ر ب ط | 467 م ب ط |
| 481 م ب ط | 482 م ب ط |
| 490 م ن ط |  |

**هنر (فيلم)**

|  |  |
| --- | --- |
| 209 ر ب ط | 240 ر ب ط |
| 253 ر ب ط | 255 ر ب ط |
| 414 ر ب ط | 444 ر ب ط |
| 496 ر ب ط |  |

**هويّت**

|  |  |
| --- | --- |
| 103 ر ب ك | 275 ر ب ط |

**هيتلر**

|  |  |
| --- | --- |
| 116 م ب ط |  |

**واقعه (حوادث واقعه)**

|  |  |
| --- | --- |
| 223 ر ب ط | 323 م ب ط |
| 356 م ب ط |  |

**وحدت**

|  |  |
| --- | --- |
| 101 م ب ط | 120 م ب ط |
| 266 م ن ط | 298 م ب ط |
| 300 م ب ط | 301 ر ب ط |
| 302 ر ب ك | 303 م ب ط |
| 304 ر ب ط | 305 م ب ط |
| 306 ر ب ط | 308 ر ب ط |
| 331 ر ب ط | 336 ر ب ط |
| 410 م ب ط | 413 م ب ط |
| 420 ر ب ط | 432 م ب ط |
| 512 ر ب ط |  |

**وزارت اطلاعات**

|  |  |
| --- | --- |
| 460 م ب ط |  |

**ولايت فقيه**

|  |  |
| --- | --- |
| 444 ر ب ط | 463 م ب ط |

پايان

1. سخنراني در جمع علما و روحانيون شيعه و سني‏، 16 ارديبهشت 1364 (صحيفه نور، ج19، ص248) [↑](#footnote-ref-2)
2. ديدار با روحانيون (17 آبان 1385) [↑](#footnote-ref-3)
3. بيانات در ديدار مسئولان عقيدتي، سياسي نيروي انتظامي (23 دي 1383) [↑](#footnote-ref-4)
4. سخنراني در جمع پاسداران و روحانيون تربت حيدريه‏، 13 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص421) [↑](#footnote-ref-5)
5. سخنراني در جمع علما و روحانيون اصفهان‏، 5 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص302) [↑](#footnote-ref-6)
6. بيانات در ديدار روحانيان و مبلغان اعزامي به مناسبت فرارسيدن ماه مبارك رمضان (17 بهمن 1372) [↑](#footnote-ref-7)
7. سخنراني در مراسم عمامه‏گذاري گروهي از طلاب و اهداي جوايز به طلاب نمونه حوزه علميه قم، در خجسته سالروز ميلاد حضرت مهدي(عجل الله تعالي فرجه) (30 بهمن 1370) [↑](#footnote-ref-8)
8. همان [↑](#footnote-ref-9)
9. سخنراني در جمع روحانيون و طلاب حوزه علميه و ائمه جمعه و جماعات استان بوشهر (11 دي 1370) [↑](#footnote-ref-10)
10. سخنراني در ديدار با خانواده‏هاي معظم شهدا و جانبازان شهرهاي خوي، بندر گناوه و استانهاي مازندران و آذربايجان غربي، گروههايي از دانشجويان، جمعي از مهاجران جنگ تحميلي، كشاورزان و مسئولان هيئتهاي هفت‏نفره واگذاري زمين (2 خرداد 1369) [↑](#footnote-ref-11)
11. سخنراني در جمع فضلا و طلاب و روحانيون مشهد (4 فروردين 1369) [↑](#footnote-ref-12)
12. سخنراني در مراسم عمامه‏گذاري گروهي از طلاب (26 دي 1368) [↑](#footnote-ref-13)
13. سخنراني در ديدار با اعضاي جامعه روحانيت مبارز و مجمع روحانيون مبارز تهران، علما و ائمه جماعت و جامعه وعاظ تهران و اعضاي شوراي هماهنگي سازمان تبليغات اسلامي، در آستانه ماه محرم (11 مرداد 1368) [↑](#footnote-ref-14)
14. بيانات مقام معظم رهبري در آغاز درس خارج فقه (28 شهريور 1378) [↑](#footnote-ref-15)
15. سخنراني در جمع روحانيون تهران‏، 10 تير 1360 (صحيفه نور، ج15، ص9) [↑](#footnote-ref-16)
16. سخنراني در جمع روحانيون، پرسنل كميته و سپاه‏، 15 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص511) [↑](#footnote-ref-17)
17. سخنراني در جمع پاسداران و روحانيون تربت حيدريه‏، 13 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص421) [↑](#footnote-ref-18)
18. سخنراني در جمع هيأت بحريني و روحانيون كردستان‏، 12 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص370) [↑](#footnote-ref-19)
19. سخنراني در جمع اهالي اردكان فارس‏، 3 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص275) [↑](#footnote-ref-20)
20. سخنراني در جمع علما و اقشار مختلف مردم‏، 11 اسفند 1357 (صحيفه نور، ج6، ص284) [↑](#footnote-ref-21)
21. سخنراني در جمع روحانيون اروميه‏، 10 دي 1358 (صحيفه نور، ج11، ص500) [↑](#footnote-ref-22)
22. همان [↑](#footnote-ref-23)
23. سخنراني در جمع اقشار مختلف مردم‏، 23 شهريور 1358 (صحيفه نور، ج9، ص539) [↑](#footnote-ref-24)
24. سخنراني در جمع بانوان لنگرود و پرسنل سپاه پاسداران همدان‏، 2 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص258) [↑](#footnote-ref-25)
25. همان [↑](#footnote-ref-26)
26. سخنراني در جمع روحانيون، پاسداران و اهالي كرج‏، 8 خرداد 1358 (صحيفه نور، ج8، ص4) [↑](#footnote-ref-27)
27. همان [↑](#footnote-ref-28)
28. همان [↑](#footnote-ref-29)
29. بيانات در ديدار ائمه جماعات و روحانيون و مبلغين، در آستانه ماه مبارك رمضان (25 بهمن 1371) [↑](#footnote-ref-30)
30. همان [↑](#footnote-ref-31)
31. همان [↑](#footnote-ref-32)
32. سخنراني در ديدار با جمعي از روحانيون، ائمه جماعات و وعاظ نقاط مختلف كشور، در آستانه ماه مبارك رمضان (22 اسفند 1369) [↑](#footnote-ref-33)
33. سخنراني در جمع فضلا و طلاب و روحانيون مشهد (4 فروردين 1369) [↑](#footnote-ref-34)
34. سخنراني در مراسم بيعت گروه كثيري از ائمه جمعه و روحانيون استان مازندران و اصفهان و علما و طلاب كشورهاي اسلامي مقيم ايران (4 تير 1368) [↑](#footnote-ref-35)
35. بيانات در ديدار طلاب، فضلا و اساتيد حوزه علميه قم (29 مهر 1389) [↑](#footnote-ref-36)
36. بيانات در ديدار روحانيون و طلاب ايراني و خارجي در صحن«مدرسه فيضيه قم» (16 آذر 1374) [↑](#footnote-ref-37)
37. سخنراني در جمع علما و روحانيون استان لرستان (30 مرداد 1370) [↑](#footnote-ref-38)
38. همان [↑](#footnote-ref-39)
39. نامه به جامعه مدرسين حوزه علميه قم‏، 3 تير 1367 (صحيفه نور، ج21، ص614) [↑](#footnote-ref-40)
40. ديدار با روحانيون (17 آبان 1385) [↑](#footnote-ref-41)
41. پيام به مسلمانان ايران و جهان و زائران بيت اللَّه الحرام‏، 6 مرداد 1366 (صحيفه نور، ج20، ص311) [↑](#footnote-ref-42)
42. بيانات در ديدار اعضاي هيئت علمي كنگره امام خميني(ره) (4 بهمن 1378) [↑](#footnote-ref-43)
43. بيانات مقام معظم رهبري در ديدار شركت‏كنندگان در همايش آسيب‏شناسي انقلاب (15 اسفند 1377) [↑](#footnote-ref-44)
44. پيام به ملت ايران در سالگرد كشتار خونين مكه، 29 تير 1367 (صحيفه نور، ج21، ص74) [↑](#footnote-ref-45)
45. بيانات در آغاز درس خارج فقه (14 شهريور 1374) [↑](#footnote-ref-46)
46. سخنراني در ديدار با فرماندهان و مسئولان سازمان عقيدتي، سياسي نواحي مختلف نيروي انتظامي در سراسر كشور (2 بهمن 1370) [↑](#footnote-ref-47)
47. سخنراني در جمع اعضاي مجلس خبرگان‏، 25 تير 1364 (صحيفه نور، ج19، ص317) [↑](#footnote-ref-48)
48. سخنراني در ديدار با فرماندهان و مسئولان سازمان عقيدتي، سياسي نواحي مختلف نيروي انتظامي در سراسر كشور (2 بهمن 1370) [↑](#footnote-ref-49)
49. سخنراني در جمع نمايندگان مجلس خبرگان‏، 28 تير 1362 (صحيفه نور، ج18، ص18) [↑](#footnote-ref-50)
50. سخنراني در جمع روحانيون و طلاب حوزه علميه و ائمه جمعه و جماعات استان بوشهر (11 دي 1370) [↑](#footnote-ref-51)
51. سخنراني در جمع علما و روحانيون استان لرستان (30 مرداد 1370) [↑](#footnote-ref-52)
52. سخنراني در ديدار با مسئولان و كارگزاران نظام جمهوري اسلامي ايران (23 مرداد 1370) [↑](#footnote-ref-53)
53. همان [↑](#footnote-ref-54)
54. سخنراني در ديدار با مسئولان و كارگزاران نظام جمهوري اسلامي ايران (23 مرداد 1370) [↑](#footnote-ref-55)
55. سخنراني در جمع مسئولان نظام جمهوري اسلامي‏، 1 فروردين 1362 (صحيفه نور، ج17، ص375) [↑](#footnote-ref-56)
56. سخنراني در ديدار با جمعي از روحانيون، ائمه جماعات و وعاظ نقاط مختلف كشور، در آستانه ماه مبارك رمضان (22 اسفند 1369) [↑](#footnote-ref-57)
57. سخنراني در ديدار با روحانيون و طلاب آزاده (5 آبان 1369) [↑](#footnote-ref-58)
58. سخنراني در ديدار با روحانيون و ائمه جمعه و جماعات استان مازندران (22 ارديبهشت 1369) [↑](#footnote-ref-59)
59. سخنراني در ديدار با اعضاي جامعه روحانيت مبارز و مجمع روحانيون مبارز تهران، علما و ائمه جماعت و جامعه وعاظ تهران و اعضاي شوراي هماهنگي سازمان تبليغات اسلامي، در آستانه ماه محرم (11 مرداد 1368) [↑](#footnote-ref-60)
60. پيام هفت ماده‏اي به ملّت ايران‏، 12 فروردين 1360 (صحيفه نور، ج14، ص250) [↑](#footnote-ref-61)
61. سخنراني در جمع روحانيون دفتر تبليغات حوزه‏هاي علميه‏، 14 اسفند 1359 (صحيفه نور، ج14، ص189) [↑](#footnote-ref-62)
62. سخنراني در جمع نمايندگان مجلس شوراي اسلامي‏، 6 خرداد 1360 (صحيفه نور، ج14، ص371) [↑](#footnote-ref-63)
63. سخنراني در جمع فرماندهان كميته‏ها، 29 ارديبهشت 1359 (صحيفه نور، ج12، ص309) [↑](#footnote-ref-64)
64. سخنراني در جمع پاسداران‏، 25 آذر 1358 (صحيفه نور، ج11، ص250) [↑](#footnote-ref-65)
65. سخنراني در جمع روحانيون شرق تهران‏، 5 مهر 1358 (صحيفه نور، ج10، ص144) [↑](#footnote-ref-66)
66. همان [↑](#footnote-ref-67)
67. سخنراني در جمع روحانيون تبريز، 18 شهريور 1358 (صحيفه نور، ج9، ص476) [↑](#footnote-ref-68)
68. سخنراني در جمع پاسداران و روحانيون تربت حيدريه‏، 13 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص420) [↑](#footnote-ref-69)
69. سخنراني در جمع هيأت بحريني و روحانيون كردستان‏، 12 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص371) [↑](#footnote-ref-70)
70. سخنراني در جمع ائمه جمعه و جماعات استانهاي خراسان، باختران، فارس و ...، 21 خرداد 1362 (صحيفه نور، ج17، ص492) [↑](#footnote-ref-71)
71. سخنراني در جمع اعضاي شوراي اسلامي كارگران و پرسنل ارتش‏، 4 تير 1359 (صحيفه نور، ج12، ص468) [↑](#footnote-ref-72)
72. سخنراني در جمع اقشار مختلف مردم‏، 26 آبان 1359 (صحيفه نور، ج13، ص357) [↑](#footnote-ref-73)
73. سخنراني در جمع روحانيون و ائمه جماعات‏، 20 تير 1359 (صحيفه نور، ج13، ص10) [↑](#footnote-ref-74)
74. سخنراني در جمع اعضاي سمينار دادگاههاي انقلاب‏، 20 مهر 1358 (صحيفه نور، ج10، ص278) [↑](#footnote-ref-75)
75. سخنراني در جمع روحانيون تهران‏، 22 شهريور 1358 (صحيفه نور، ج9، ص510) [↑](#footnote-ref-76)
76. همان [↑](#footnote-ref-77)
77. سخنراني در جمع روحانيون تبريز، 18 شهريور 1358 (صحيفه نور، ج9، ص475) [↑](#footnote-ref-78)
78. سخنراني در جمع پرسنل سپاه پاسداران همدان‏، 4 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص279) [↑](#footnote-ref-79)
79. سخنراني در جمع اهالي اردكان فارس‏، 3 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص274) [↑](#footnote-ref-80)
80. سخنراني در جمع روحانيون، پاسداران و اهالي كرج‏، 8 خرداد 1358 (صحيفه نور، ج8، ص5) [↑](#footnote-ref-81)
81. سخنراني در جمع علما و روحانيون شيعه و سني‏، 16 ارديبهشت 1364 (صحيفه نور، ج19، ص249) [↑](#footnote-ref-82)
82. بيانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجويان دانشگاه صنعتي اميركبير (22 اسفند 1379) [↑](#footnote-ref-83)
83. سخنراني در جمع طلاّب حوزه علميه‏، 26 شهريور 1358 (صحيفه نور، ج10، ص24) [↑](#footnote-ref-84)
84. بيانات در ديدار جمع زيادي از روحانيون، فضلا و مبلغان اسلامي در آستانه ماه مبارك رمضان (27 دي 1374) [↑](#footnote-ref-85)
85. همان [↑](#footnote-ref-86)
86. سخنراني در جمع قضات شوراي عالي قضايي و ديوان عالي كشور، 19 دي 1361 (صحيفه نور، ج17، ص228) [↑](#footnote-ref-87)
87. بيانات در ديدار دانش‏آموزان و دانشجويان (10 آبان 1374) [↑](#footnote-ref-88)
88. سخنراني در جمع روحانيون اروميه‏، 10 دي 1358 (صحيفه نور، ج11، ص502) [↑](#footnote-ref-89)
89. سخنراني در ديدار با روحانيون و مبلغان، در آستانه ماه محرم (20 تير 1370) [↑](#footnote-ref-90)
90. بيانات در ديدار با فرماندهان و جمعي از پاسداران كميته‏هاي انقلاب اسلامي (10 دي 1369) [↑](#footnote-ref-91)
91. سخنراني در جمع روحانيون اروميه‏، 10 دي 1358 (صحيفه نور، ج11، ص498) [↑](#footnote-ref-92)
92. بيانات در ديدار با مسئولان دادگاه و دادسراي ويژه روحانيت (13 آبان 1369) [↑](#footnote-ref-93)
93. سخنراني در جمع طلاّب حوزه علميه‏، 26 شهريور 1358 (صحيفه نور، ج10، ص24) [↑](#footnote-ref-94)
94. سخنراني در ديدار با ميهمانان خارجي مراسم اولين سالگرد ارتحال امام خميني(ره) (16 خرداد 1369) [↑](#footnote-ref-95)
95. بيانات در جمع علما و روحانيون شيعه و سني (20 مهر 1390) [↑](#footnote-ref-96)
96. سخنراني در جمع پرسنل نيروي هوايي و دريايي‏، 11 خرداد 1358 (صحيفه نور، ج8، ص37) [↑](#footnote-ref-97)
97. بيانات در ديدار اعضاي مجلس خبرگان (18 اسفند 1390) [↑](#footnote-ref-98)
98. بيانات در جمع علما و روحانيون شيعه و سني (20 مهر 1390) [↑](#footnote-ref-99)
99. بيانات در ديدار اعضاي مجلس خبرگان رهبري (19 اسفند 1389) [↑](#footnote-ref-100)
100. تلگراف به محمد رضا پهلوي در اعتراض به عملكرد اسد الله علم، 15 آبان 1341 (صحيفه نور، ج1، ص88) [↑](#footnote-ref-101)
101. سخنراني در جمع روحانيون و طلاّب مدرسه ولي عصر تبريز، 2 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص261) [↑](#footnote-ref-102)
102. سخنراني در جمع وعّاظ تهران‏، 17 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص522) [↑](#footnote-ref-103)
103. سخنراني در جمع دانشجويان كاشان‏، 3 مرداد 1358 (صحيفه نور، ج9، ص243) [↑](#footnote-ref-104)
104. ديدار با روحانيون (17 آبان 1385) [↑](#footnote-ref-105)
105. بيانات در جمع فرماندهان لشكر 27 محمد رسول الله(ص) (20 خرداد 1375) [↑](#footnote-ref-106)
106. سخنراني در مراسم بيعت مدرسان، فضلا و طلاب حوزه علميه مشهد، به همراه نماينده ولي فقيه در خراسان و توليت آستان قدس رضوي (20 تير 1368) [↑](#footnote-ref-107)
107. بيانات در ديدار جمعي از اساتيد دانشگاهها (2 شهريور 1390) [↑](#footnote-ref-108)
108. بيانات در خطبه‏هاي نماز جمعه (19 رمضان 1416 - 20 بهمن 1374) [↑](#footnote-ref-109)
109. بيانات در ديدار با فرمانده و جمعي از روحانيون رزمي، تبليغي تيپ مستقل 83 امام جعفر صادق(ع) (11 آذر 1370) [↑](#footnote-ref-110)
110. پيام به ملت ايران در سالگرد كشتار خونين مكه، 29 تير 1367 (صحيفه نور، ج21، ص74) [↑](#footnote-ref-111)
111. بيانات در اجتماع بزرگ مردم قم (27 مهر 1389) [↑](#footnote-ref-112)
112. بيانات در ديدار علما و روحانيون كرمان (11 ارديبهشت 1384) [↑](#footnote-ref-113)
113. همان [↑](#footnote-ref-114)
114. بيانات در ديدار علما و روحانيون استان همدان (15 تير 1383) [↑](#footnote-ref-115)
115. بيانات در ديدار جوانان و فرهنگيان در مصلاي رشت (12 ارديبهشت 1380) [↑](#footnote-ref-116)
116. بيانات مقام معظم رهبري در آغاز درس خارج فقه (28 شهريور 1378) [↑](#footnote-ref-117)
117. همان [↑](#footnote-ref-118)
118. بيانات در ديدار علما و روحانيون در آستانه ماه محرم (2 ارديبهشت 1377) [↑](#footnote-ref-119)
119. بيانات در ديدار با علما و روحانيون در آستانه ماه مبارك رمضان (3 دي 1376) [↑](#footnote-ref-120)
120. بيانات در ديدار جمع زيادي از روحانيون، فضلا و مبلغان اسلامي در آستانه ماه مبارك رمضان (27 دي 1374) [↑](#footnote-ref-121)
121. همان [↑](#footnote-ref-122)
122. بيانات در جمع علما، طلاب و روحانيان، در آستانه ماه«محرم» (26 خرداد 1372) [↑](#footnote-ref-123)
123. بيانات در ديدار ائمه جماعات و روحانيون و مبلغين، در آستانه ماه مبارك رمضان (25 بهمن 1371) [↑](#footnote-ref-124)
124. بيانات در جمع علما و روحانيون شيعه و سني (20 مهر 1390) [↑](#footnote-ref-125)
125. پيام به شوراي عالي تبليغات اسلامي‏، 12 تير 1361 (صحيفه نور، ج16، ص370) [↑](#footnote-ref-126)
126. بيانات در ديدار كارگزاران نظام به مناسبت هفدهم ربيع‏الاول (31 خرداد 1379) [↑](#footnote-ref-127)
127. سخنراني در ديدار با روحانيون و طلاب آزاده (5 آبان 1369) [↑](#footnote-ref-128)
128. بيانات در ديدار با جوانان در مصلاي بزرگ تهران (1 ارديبهشت 1379) [↑](#footnote-ref-129)
129. بيانات در ديدار علما و روحانيون و مبلغان در آستانه ماه محرم‏الحرام (23 فروردين 1378) [↑](#footnote-ref-130)
130. سخنراني در جمع روحانيون قم، تهران و آذربايجان‏، 25 مهر 1361 (صحيفه نور، ج17، ص57) [↑](#footnote-ref-131)
131. بيانات در ديدار علما و روحانيون در آستانه ماه محرم (2 ارديبهشت 1377) [↑](#footnote-ref-132)
132. بيانات در ديدار جمع زيادي از روحانيون، فضلا و مبلغان اسلامي در آستانه ماه مبارك رمضان (27 دي 1374) [↑](#footnote-ref-133)
133. سخنراني در جمع طلاّب و كاركنان شركت نفت‏، 17 بهمن 1357 (صحيفه نور، ج6، ص84) [↑](#footnote-ref-134)
134. سخنراني در جمع خطبا و وعاظ در آستانه ماه محرم‏، 13 مهر 1362 (صحيفه نور، ج18، ص174) [↑](#footnote-ref-135)
135. بيانات در ديدار جمع زيادي از روحانيون، فضلا و مبلغان اسلامي در آستانه ماه مبارك رمضان (27 دي 1374) [↑](#footnote-ref-136)
136. بيانات در جمع علما و روحانيون شيعه و سني (20 مهر 1390) [↑](#footnote-ref-137)
137. بيانات در ديدار علما و روحانيون در آستانه ماه محرم (2 ارديبهشت 1377) [↑](#footnote-ref-138)
138. بيانات در جمع علما و روحانيون شيعه و سني (20 مهر 1390) [↑](#footnote-ref-139)
139. پيام به اجلاس سراسري نماز (15 شهريور 1380) [↑](#footnote-ref-140)
140. پيام به اجلاس نماز (18 شهريور 1377) [↑](#footnote-ref-141)
141. بيانات در ديدار با جمعي از طلاب و روحانيون (22 آذر 1388) [↑](#footnote-ref-142)
142. ديدار با روحانيون (17 آبان 1385) [↑](#footnote-ref-143)
143. بيانات در ديدار علما و روحانيون در آستانه ماه محرم (2 ارديبهشت 1377) [↑](#footnote-ref-144)
144. بيانات در ديدار با علما و روحانيون در آستانه ماه مبارك رمضان (3 دي 1376) [↑](#footnote-ref-145)
145. بيانات در اجتماع باشكوه مردم كرج (24 مهر 1376) [↑](#footnote-ref-146)
146. بيانات در شروع درس«خارج فقه» (20 شهريور 1373) [↑](#footnote-ref-147)
147. همان [↑](#footnote-ref-148)
148. سخنراني در ديدار با روحانيون و مبلغان، در آستانه ماه محرم (20 تير 1370) [↑](#footnote-ref-149)
149. سخنراني در ديدار با جمعي از روحانيون، ائمه جماعات و وعاظ نقاط مختلف كشور، در آستانه ماه مبارك رمضان (22 اسفند 1369) [↑](#footnote-ref-150)
150. سخنراني در ديدار با اعضاي جامعه روحانيت مبارز و مجمع روحانيون مبارز تهران، علما و ائمه جماعت و جامعه وعاظ تهران و اعضاي شوراي هماهنگي سازمان تبليغات اسلامي، در آستانه ماه محرم (11 مرداد 1368) [↑](#footnote-ref-151)
151. بيانات در ديدار اعضاي مجلس خبرگان رهبري (25 شهريور 1389) [↑](#footnote-ref-152)
152. بيانات در ديدار علما و روحانيون كرمان (11 ارديبهشت 1384) [↑](#footnote-ref-153)
153. بيانات در ديدار علما و روحانيون استان همدان (15 تير 1383) [↑](#footnote-ref-154)
154. بيانات در ديدار اعضاي مجلس خبرگان (15 شهريور 1380) [↑](#footnote-ref-155)
155. بيانات در ديدار روحانيون و مبلغان در آستانه ماه مبارك رمضان (23 آذر 1377) [↑](#footnote-ref-156)
156. بيانات در ديدار وزير و مسئولان«وزارت ارشاد» و اعضاي«شوراهاي فرهنگ عمومي كشور» (19 تير 1374) [↑](#footnote-ref-157)
157. بيانات در جمع روحانيون استان«كهكيلويه و بويراحمد» در آستانه ماه محرم (17 خرداد 1373) [↑](#footnote-ref-158)
158. سخنراني در آغاز هفتمين گردهمايي ائمه جمعه سراسر كشور (25 شهريور 1370) [↑](#footnote-ref-159)
159. سخنراني در ديدار با روحانيون و مبلغان، در آستانه ماه محرم (20 تير 1370) [↑](#footnote-ref-160)
160. سخنراني در جمع فرهنگيان محلات‏، 3 دي 1358 (صحيفه نور، ج11، ص394) [↑](#footnote-ref-161)
161. بيانات در جمع علما و مدرسان و فضلاي حوزه علميه قم، در خجسته سالروز ميلاد حضرت مهدي(عجل الله تعالي فرجه) (30 بهمن 1370) [↑](#footnote-ref-162)
162. سخنراني در جمع مديران كاروانهاي حج كل كشور، 8 مهر 1358 (صحيفه نور، ج10، ص176) [↑](#footnote-ref-163)
163. بيانات در ديدار با اعضاي مجلس خبرگان (1 اسفند 1369) [↑](#footnote-ref-164)
164. سخنراني در جمع پاسداران‏، 2 مهر 1358 (صحيفه نور، ج10، ص110) [↑](#footnote-ref-165)
165. سخنراني در جمع دانشجويان دانشكده پليس‏، 21 خرداد 1358 (صحيفه نور، ج8، ص93) [↑](#footnote-ref-166)
166. سخنراني در جمع اعضاي مجلس خبرگان و ائمه جمعه كل كشور، 14 بهمن 1363 (صحيفه نور، ج19، ص134) [↑](#footnote-ref-167)
167. پيام به ملّت ايران در پنجمين سالگرد پيروزي انقلاب‏، 22 بهمن 1362 (صحيفه نور، ج18، ص328) [↑](#footnote-ref-168)
168. سخنراني در جمع روحانيون تهران‏، 10 تير 1360 (صحيفه نور، ج15، ص14) [↑](#footnote-ref-169)
169. پيام به اجلاس نماز (18 شهريور 1377) [↑](#footnote-ref-170)
170. سخنراني در جمع روحانيون و ائمه جماعات‏، 20 تير 1359 (صحيفه نور، ج13، ص12) [↑](#footnote-ref-171)
171. بيانات در ديدار شركت‏كنندگان در هفدهمين اجلاس سراسري نماز (29 آبان 1387) [↑](#footnote-ref-172)
172. سخنراني در جمع روحانيون تبريز، 18 شهريور 1358 (صحيفه نور، ج9، ص477) [↑](#footnote-ref-173)
173. سخنراني در ديدار با جمعي از روحانيون، ائمه جماعات و وعاظ نقاط مختلف كشور در آستانه ماه مبارك رمضان (14 اسفند 1370) [↑](#footnote-ref-174)
174. همان [↑](#footnote-ref-175)
175. سخنراني در جمع روحانيون و طلاب حوزه علميه و ائمه جمعه و جماعات استان بوشهر (11 دي 1370) [↑](#footnote-ref-176)
176. بيانات در ديدار اعضا دفاتر نمايندگي رهبري در دانشگاهها (20 تير 1389) [↑](#footnote-ref-177)
177. نامه به آقاي محمد علي صدوقي، 26 آذر 1365 (صحيفه نور، ج20، ص171) [↑](#footnote-ref-178)
178. بيانات در ديدار مسئولان عقيدتي، سياسي نيروي انتظامي (23 دي 1383) [↑](#footnote-ref-179)
179. بيانات در ديدار با امام‏جمعه، علما و روحانيون كرمان (20 آبان 1370) [↑](#footnote-ref-180)
180. مصاحبه با مجله«اشترن»، 26 دي 1357 (صحيفه نور، ج5، ص482) [↑](#footnote-ref-181)
181. سخنراني در ديدار با اعضاي جامعه روحانيت مبارز و مجمع روحانيون مبارز تهران، علما و ائمه جماعت و جامعه وعاظ تهران و اعضاي شوراي هماهنگي سازمان تبليغات اسلامي، در آستانه ماه محرم (11 مرداد 1368) [↑](#footnote-ref-182)
182. بيانات در ديدار مردم پاوه (25 مهر 1390) [↑](#footnote-ref-183)
183. سخنراني در جمع مسئولان وزارت امور خارجه‏، 11 آبان 1364 (صحيفه نور، ج19، ص412) [↑](#footnote-ref-184)
184. بيانات در جمع علما و روحانيون شيعه و سني (20 مهر 1390) [↑](#footnote-ref-185)
185. سخنراني در جمع ائمه جمعه سراسر كشور، 22 مهر 1361 (صحيفه نور، ج17، ص43) [↑](#footnote-ref-186)
186. بيانات در ديدار اعضاي مجلس خبرگان رهبري (6 اسفند 1388) [↑](#footnote-ref-187)
187. پيام به مسلمانان جهان و زائران بيت الله الحرام، 29 شهريور 1361 (صحيفه نور، ج16، ص510) [↑](#footnote-ref-188)
188. بيانات مقام معظم رهبري در ديدار با روحانيان و مبلغان اعزامي در آستانه ماه محرم‏الحرام (13 ارديبهشت 1376) [↑](#footnote-ref-189)
189. سخنراني در جمع اعضاي شوراي عالي تبليغات اسلامي‏، 26 ارديبهشت 1361 (صحيفه نور، ج16، ص252) [↑](#footnote-ref-190)
190. بيانات در ديدار روحانيون و مبلغان، در آستانه«ماه محرم» (26 ارديبهشت 1375) [↑](#footnote-ref-191)
191. سخنراني در جمع روحانيون تبريز، 18 شهريور 1358 (صحيفه نور، ج9، ص478) [↑](#footnote-ref-192)
192. بيانات در ديدار اعضاي مجلس خبرگان رهبري (25 شهريور 1389) [↑](#footnote-ref-193)
193. سخنراني در جمع ائمه جمعه مازندران و دشت گرگان‏، 19 اسفند 1360 (صحيفه نور، ج16، ص97) [↑](#footnote-ref-194)
194. بيانات در ديدار اعضاي مجلس خبرگان رهبري (25 شهريور 1389) [↑](#footnote-ref-195)
195. سخنراني در جمع روحانيون تبريز، 18 شهريور 1358 (صحيفه نور، ج9، ص479) [↑](#footnote-ref-196)
196. بيانات در ديدار روحانيون و مبلغان در آستانه ماه مبارك رمضان (23 آذر 1377) [↑](#footnote-ref-197)
197. وصيتنامه سياسي- الهي، 19 آذر 1366 (صحيفه نور، ج21، ص393) [↑](#footnote-ref-198)
198. نامه به تعدادي از نمايندگان مجلس، 10 تير 1366 (صحيفه نور، ج20، ص294) [↑](#footnote-ref-199)
199. بيانات در جمع اعضاي شوراي نگهبان‏، 20 آذر 1362 (صحيفه نور، ج18، ص242) [↑](#footnote-ref-200)
200. سخنراني در جمع روحانيون‏، 15 اسفند 1357 (صحيفه نور، ج6، ص324) [↑](#footnote-ref-201)
201. همان [↑](#footnote-ref-202)
202. سخنراني در جمع مسئولان نظام در عيد سعيد فطر، 19 خرداد 1365 (صحيفه نور، ج20، ص56) [↑](#footnote-ref-203)
203. بيانات در ديدار دست‏اندركاران مراسم حج (30 آذر 1383) [↑](#footnote-ref-204)
204. سخنراني در جمع اعضاي مجلس خبرگان‏، 11 تير 1366 (صحيفه نور، ج20، ص300) [↑](#footnote-ref-205)
205. سخنراني در جمع روحانيون و طلاب حوزه علميه و ائمه جمعه و جماعات استان بوشهر (11 دي 1370) [↑](#footnote-ref-206)
206. بيانات در ديدار با امام‏جمعه، علما و روحانيون كرمان (20 آبان 1370) [↑](#footnote-ref-207)
207. سخنراني در جمع روحانيون تبريز، 18 شهريور 1358 (صحيفه نور، ج9، ص477) [↑](#footnote-ref-208)
208. بيانات در ديدار با امام‏جمعه، علما و روحانيون كرمان (20 آبان 1370) [↑](#footnote-ref-209)
209. سخنراني در جمع علما و اقشار مختلف مردم‏، 11 اسفند 1357 (صحيفه نور، ج6، ص285) [↑](#footnote-ref-210)
210. بيانات در ديدار با امام‏جمعه، علما و روحانيون كرمان (20 آبان 1370) [↑](#footnote-ref-211)
211. سخنراني در جمع طلاّب و كاركنان شركت نفت‏، 17 بهمن 1357 (صحيفه نور، ج6، ص84) [↑](#footnote-ref-212)
212. بيانات در آغاز درس خارج فقه (31 شهريور 1370) [↑](#footnote-ref-213)
213. سخنراني در ديدار با مسئولان و كارگزاران نظام جمهوري اسلامي ايران (23 مرداد 1370) [↑](#footnote-ref-214)
214. سخنراني در جمع ائمه جمعه سراسر كشور، 3 دي 1359 (صحيفه نور، ج13، ص431) [↑](#footnote-ref-215)
215. بيانات در ديدار طلاب، فضلا و اساتيد حوزه علميه قم (29 مهر 1389) [↑](#footnote-ref-216)
216. سخنرانى در جمع روحانيون تهران‏، 10 تير 1360 (صحيفه نور، ج15، ص10) [↑](#footnote-ref-217)
217. بيانات در ديدار طلاب، فضلا و اساتيد حوزه علميه قم (29 مهر 1389) [↑](#footnote-ref-218)
218. سخنراني در جمع وعاظ تهران‏، 4 آبان 1360 (صحيفه نور، ج15، ص327) [↑](#footnote-ref-219)
219. بيانات در ديدار طلاب، فضلا و اساتيد حوزه علميه قم (29 مهر 1389) [↑](#footnote-ref-220)
220. سخنراني در جمع اقشار مختلف مردم‏، 26 آبان 1359 (صحيفه نور، ج13، ص359) [↑](#footnote-ref-221)
221. بيانات در ديدار نمايندگان مجلس شوراي اسلامي (7 خرداد 1382) [↑](#footnote-ref-222)
222. سخنراني در جمع فارغ التحصيلان دانشكده افسري‏، 25 آبان 1359 (صحيفه نور، ج13، ص348) [↑](#footnote-ref-223)
223. بيانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران (22 ارديبهشت 1377) [↑](#footnote-ref-224)
224. سخنراني در جمع مسئولان نظام به مناسبت عيد غدير، 2 شهريور 1365 (صحيفه نور، ج20، ص116) [↑](#footnote-ref-225)
225. همان [↑](#footnote-ref-226)
226. بيانات در ديدار كارگزاران نظام، به مناسبت«عيد غدير» (18 ارديبهشت 1375) [↑](#footnote-ref-227)
227. سخنراني در جمع اعضاي شوراي مركزي ائمه جمعه‏، 4 خرداد 1362 (صحيفه نور، ج17، ص452) [↑](#footnote-ref-228)
228. سخنراني در جمع جامعه وعّاظ تهران‏، 27 خرداد 1358 (صحيفه نور، ج8، ص186) [↑](#footnote-ref-229)
229. بيانات در ديدار كارگزاران نظام، به مناسبت«عيد غدير» (18 ارديبهشت 1375) [↑](#footnote-ref-230)
230. سخنراني در جمع ائمه جمعه استان بوشهر، 25 مرداد 1361 (صحيفه نور، ج16، ص418) [↑](#footnote-ref-231)
231. سخنراني در جمع مسئولان و كاركنان آستان قدس رضوي‏، 3 مرداد 1361 (صحيفه نور، ج16، ص388) [↑](#footnote-ref-232)
232. سخنراني در جمع روحانيون و طلاب حوزه علميه و ائمه جمعه و جماعات استان بوشهر (11 دي 1370) [↑](#footnote-ref-233)
233. سخنراني در جمع ائمه جماعات خراسان و روحانيون‏، 18 شهريور 1360 (صحيفه نور، ج15، ص213) [↑](#footnote-ref-234)
234. سخنراني در جمع روحانيون و طلاب حوزه علميه و ائمه جمعه و جماعات استان بوشهر (11 دي 1370) [↑](#footnote-ref-235)
235. سخنرانى در جمع روحانيون تهران‏، 10 تير 1360 (صحيفه نور، ج15، ص10) [↑](#footnote-ref-236)
236. بيانات در آغاز درس خارج فقه (31 شهريور 1370) [↑](#footnote-ref-237)
237. سخنراني در جمع ائمه جمعه سراسر كشور، 3 دي 1359 (صحيفه نور، ج13، ص431) [↑](#footnote-ref-238)
238. همان [↑](#footnote-ref-239)
239. بيانات خطاب به حامد الگار متفكر مسلمان امريكايي‏، 7 دي 1358 (صحيفه نور، ج11، ص462) [↑](#footnote-ref-240)
240. سخنراني در جمع اهالي كنگاور، 25 آذر 1358 (صحيفه نور، ج11، ص263) [↑](#footnote-ref-241)
241. بيانات در آغاز درس خارج فقه (31 شهريور 1370) [↑](#footnote-ref-242)
242. مصاحبه با روزنامه «لوموند»، 9 آذر 1358 (صحيفه نور، ج11، ص162) [↑](#footnote-ref-243)
243. سخنراني در جمع هيأت قائميه تهران‏، 8 خرداد 1358 (صحيفه نور، ج8، ص12) [↑](#footnote-ref-244)
244. سخنراني در پاريس، 23 مهر 1357 (صحيفه نور، ج4، ص16) [↑](#footnote-ref-245)
245. همان [↑](#footnote-ref-246)
246. سخنراني در مسجد شيخ انصاري نجف، 6 مهر 1356 (صحيفه نور، ج3، ص227) [↑](#footnote-ref-247)
247. سخنراني در جمع مسئولان وزارت اطلاعات‏، 19 اسفند 1363 (صحيفه نور، ج19، ص180) [↑](#footnote-ref-248)
248. سخنراني در جمع روحانيون دفتر تبليغات حوزه‏هاي علميه‏، 14 اسفند 1359 (صحيفه نور، ج14، ص185) [↑](#footnote-ref-249)
249. پيام(منشور روحانيت) به روحانيون، مراجع، مدرسين، طلاب و ائمه جمعه و جماعات، 3 اسفند 1367 (صحيفه نور، ج21، ص273) [↑](#footnote-ref-250)
250. سخنراني در جمع روحانيون‏، 14 بهمن 1357 (صحيفه نور، ج6، ص42) [↑](#footnote-ref-251)
251. سخنراني در جمع هيأت فاطميون تهران‏، 4 مهر 1358 (صحيفه نور، ج10، ص124) [↑](#footnote-ref-252)
252. سخنراني در جمع روحانيون تهران‏، 10 تير 1360 (صحيفه نور، ج15، ص10) [↑](#footnote-ref-253)
253. بيانات خطاب به حامد الگار متفكر مسلمان امريكايي‏، 7 دي 1358 (صحيفه نور، ج11، ص461) [↑](#footnote-ref-254)
254. سخنراني در جمع علما و اقشار مختلف مردم‏، 11 اسفند 1357 (صحيفه نور، ج6، ص286) [↑](#footnote-ref-255)
255. سخنراني در جمع روحانيون‏، 14 بهمن 1357 (صحيفه نور، ج6، ص41) [↑](#footnote-ref-256)
256. سخنراني در جمع ائمه جمعه سراسر كشور، 3 دي 1359 (صحيفه نور، ج13، ص429) [↑](#footnote-ref-257)
257. سخنرانى در جمع روحانيون دفتر تبليغات حوزه‏هاى علميه‏، 14 اسفند 1359 (صحيفه نور، ج14، ص187) [↑](#footnote-ref-258)
258. وصيتنامه سياسي- الهي، 19 آذر 1366 (صحيفه نور، ج21، ص393) [↑](#footnote-ref-259)
259. سخنراني در جمع روحانيون تبريز، 18 شهريور 1358 (صحيفه نور، ج9، ص474) [↑](#footnote-ref-260)
260. سخنراني در جمع پاسداران قم و كارمندان شركت نفت آبادان‏، 5 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص297) [↑](#footnote-ref-261)
261. سخنراني در جمع روحانيون و ائمه جماعات‏، 20 تير 1359 (صحيفه نور، ج13، ص12) [↑](#footnote-ref-262)
262. سخنراني در ديدار با مجمع نمايندگان طلاب و فضلاي حوزه علميه قم (4 بهمن 1369) [↑](#footnote-ref-263)
263. سخنراني در جمع روحانيون و ائمه جماعات‏، 20 تير 1359 (صحيفه نور، ج13، ص11) [↑](#footnote-ref-264)
264. بيانات در ديدار طلاب، فضلا و اساتيد حوزه علميه قم (29 مهر 1389) [↑](#footnote-ref-265)
265. سخنراني در جمع مسئولان و اعضاي جهاد سازندگي‏، 1 خرداد 1362 (صحيفه نور، ج17، ص448) [↑](#footnote-ref-266)
266. بيانات در جمع علما و مدرسان و فضلاي حوزه علميه قم، در خجسته سالروز ميلاد حضرت مهدي(عجل الله تعالي فرجه) (30 بهمن 1370) [↑](#footnote-ref-267)
267. سخنراني در جمع روحانيون تهران‏، 10 تير 1360 (صحيفه نور، ج15، ص10) [↑](#footnote-ref-268)
268. سخنراني در جمع روحانيون تبريز، 18 شهريور 1358 (صحيفه نور، ج9، ص474) [↑](#footnote-ref-269)
269. سخنراني در مراسم عمامه‏گذاري گروهي از طلاب و اهداي جوايز به طلاب نمونه حوزه علميه قم، در خجسته سالروز ميلاد حضرت مهدي(عجل الله تعالي فرجه) (30 بهمن 1370) [↑](#footnote-ref-270)
270. سخنراني در جمع روحانيون تهران‏، 10 تير 1360 (صحيفه نور، ج15، ص9) [↑](#footnote-ref-271)
271. سخنراني در جمع روحانيون و طلاب حوزه علميه و ائمه جمعه و جماعات استان بوشهر (11 دي 1370) [↑](#footnote-ref-272)
272. مصاحبه با روزنامه «لوموند»، 9 آذر 1358 (صحيفه نور، ج11، ص162) [↑](#footnote-ref-273)
273. سخنراني در جمع فضلا و طلاب و روحانيون مشهد (4 فروردين 1369) [↑](#footnote-ref-274)
274. سخنراني در مراسم بيعت مدرسان، فضلا و طلاب حوزه علميه مشهد، به همراه نماينده ولي فقيه در خراسان و توليت آستان قدس رضوي (20 تير 1368) [↑](#footnote-ref-275)
275. سخنراني در جمع روحانيون اروميه‏، 10 دي 1358 (صحيفه نور، ج11، ص498) [↑](#footnote-ref-276)
276. مصاحبه با مجله«اشترن»، 26 دي 1357 (صحيفه نور، ج5، ص482) [↑](#footnote-ref-277)
277. مصاحبه با روزنامه «استريت تايمز»، 25 دي 1357 (صحيفه نور، ج5، ص471) [↑](#footnote-ref-278)
278. گفتگو با نويسنده فرانسوي، دي 1357 (صحيفه نور، ج5، ص307) [↑](#footnote-ref-279)
279. مصاحبه با خبرگزاري رويتر، 4 آبان 1357 (صحيفه نور، ج4، ص159) [↑](#footnote-ref-280)
280. مصاحبه با روزنامه«اكونوميست»، 18 دي 1357 (صحيفه نور، ج5، ص382) [↑](#footnote-ref-281)
281. بيانات خطاب به حامد الگار متفكر مسلمان امريكايي‏، 7 دي 1358 (صحيفه نور، ج11، ص463) [↑](#footnote-ref-282)
282. سخنراني در جمع مسئولان وزارت امور خارجه‏، 11 آبان 1364 (صحيفه نور، ج19، ص412) [↑](#footnote-ref-283)
283. سخنراني در جمع دانشجويان ايراني مقيم امريكا و كانادا، 2 مرداد 1358 (صحيفه نور، ج9، ص225) [↑](#footnote-ref-284)
284. ديدار با روحانيون (17 آبان 1385) [↑](#footnote-ref-285)
285. بيانات در ديدار مسئولان و كارگزاران نظام (11 آبان 1382) [↑](#footnote-ref-286)
286. بيانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجويان دانشگاه صنعتي اميركبير (22 اسفند 1379) [↑](#footnote-ref-287)
287. سخنراني در جمع علما و روحانيون استان لرستان (30 مرداد 1370) [↑](#footnote-ref-288)
288. سخنراني در جمع ائمه جماعات و وعاظ تهران و قم‏، 31 خرداد 1361 (صحيفه نور، ج16، ص348) [↑](#footnote-ref-289)
289. سخنراني در جمع ائمه جمعه سراسر كشور، 3 دي 1359 (صحيفه نور، ج13، ص433) [↑](#footnote-ref-290)
290. سخنراني در جمع ائمه جماعات و وعاظ تهران و قم‏، 31 خرداد 1361 (صحيفه نور، ج16، ص348) [↑](#footnote-ref-291)
291. بيانات در جمع اعضاي شوراي نگهبان‏، 20 آذر 1362 (صحيفه نور، ج18، ص241) [↑](#footnote-ref-292)
292. سخنراني در جمع خانواده و طلاّب مدرسه شهيد قدوسي‏، 13 شهريور 1362 (صحيفه نور، ج18، ص100) [↑](#footnote-ref-293)
293. سخنراني در جمع مسئولان كشور، 9 شهريور 1361 (صحيفه نور، ج16، ص464) [↑](#footnote-ref-294)
294. سخنراني در جمع اعضاي هيأت دولت‏، 9 آبان 1364 (صحيفه نور، ج19، ص408) [↑](#footnote-ref-295)
295. بيانات در ديدار روحانيون و طلاب ايراني و خارجي در صحن«مدرسه فيضيه قم» (16 آذر 1374) [↑](#footnote-ref-296)
296. سخنراني در ديدار با جمعي از روحانيون، ائمه جماعات و وعاظ نقاط مختلف كشور در آستانه ماه مبارك رمضان (14 اسفند 1370) [↑](#footnote-ref-297)
297. بيانات در ديدار با امام‏جمعه، علما و روحانيون كرمان (20 آبان 1370) [↑](#footnote-ref-298)
298. سخنراني در جمع فضلا و طلاب و روحانيون مشهد (4 فروردين 1369) [↑](#footnote-ref-299)
299. پيام(منشور روحانيت) به روحانيون، مراجع، مدرسين، طلاب و ائمه جمعه و جماعات، 3 اسفند 1367 (صحيفه نور، ج21، ص273) [↑](#footnote-ref-300)
300. بيانات در ديدار با رئيس و مسئولان قوه قضائيه (4 تير 1369) [↑](#footnote-ref-301)
301. سخنراني در جمع مسئولان نظام جمهوري اسلامي‏، 1 فروردين 1362 (صحيفه نور، ج17، ص378) [↑](#footnote-ref-302)
302. سخنراني در جمع ائمه جمعه آذربايجان‏، 24 فروردين 1361 (صحيفه نور، ج16، ص188) [↑](#footnote-ref-303)
303. سخنراني در جمع مسئولان نظام جمهوري اسلامي‏، 1 فروردين 1362 (صحيفه نور، ج17، ص378) [↑](#footnote-ref-304)
304. بيانات در ديدار با رئيس و مسئولان قوه قضائيه (4 تير 1369) [↑](#footnote-ref-305)
305. سخنراني در جمع روحانيون تهران‏، 10 تير 1360 (صحيفه نور، ج15، ص9) [↑](#footnote-ref-306)
306. سخنراني در جمع ائمه جمعه مراكز استانها، 4 آبان 1362 (صحيفه نور، ج18، ص195) [↑](#footnote-ref-307)
307. بيانات در ديدار با رئيس و مسئولان قوه قضائيه (20 شهريور 1368) [↑](#footnote-ref-308)
308. سخنراني در جمع اعضاي ستاد انقلاب فرهنگي‏، 15 شهريور 1362 (صحيفه نور، ج18، ص104) [↑](#footnote-ref-309)
309. سخنراني در جمع مسئولان كاروانهاي حج‏، 31 مرداد 1361 (صحيفه نور، ج16، ص422) [↑](#footnote-ref-310)
310. سخنراني در جمع قضات شرع دادگاههاي انقلاب، 11 اسفند 1360 (صحيفه نور، ج16، ص79) [↑](#footnote-ref-311)
311. سخنراني در جمع روحانيون آذربايجان شرقي و غربي‏، 21 ارديبهشت 1360 (صحيفه نور، ج14، ص335) [↑](#footnote-ref-312)
312. نامه به رئيس شوراي عالي انقلاب فرهنگي، 17 فروردين 1368 (صحيفه نور، ج21، ص343) [↑](#footnote-ref-313)
313. پيام به سومين سمينار نماز (16 شهريور 1372) [↑](#footnote-ref-314)
314. پيام به اجلاس نماز (16 شهريور 1371) [↑](#footnote-ref-315)
315. وصيتنامه سياسي- الهي، 19 آذر 1366 (صحيفه نور، ج21، ص393) [↑](#footnote-ref-316)
316. سخنراني در جمع مسئولان دانشگاهها، 23 خرداد 1360 (صحيفه نور، ج14، ص426) [↑](#footnote-ref-317)
317. بيانات در ديدار اعضا دفاتر نمايندگي رهبري در دانشگاهها (20 تير 1389) [↑](#footnote-ref-318)
318. بيانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تربيت مدرس (12 شهريور 1377) [↑](#footnote-ref-319)
319. سخنراني در جمع دانشجويان مشهد، 14 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص464) [↑](#footnote-ref-320)
320. بيانات در ديدار دانشجويان، به مناسبت«روز وحدت حوزه و دانشگاه» (24 آذر 1372) [↑](#footnote-ref-321)
321. بيانات در ديدار با مدير مسئول، سردبير و اعضاي هيئت تحريريه مجله حوزه (28 بهمن 1370) [↑](#footnote-ref-322)
322. سخنراني در جمع وزير فرهنگ و رؤساي دانشگاهها، 3 خرداد 1358 (صحيفه نور، ج7، ص467) [↑](#footnote-ref-323)
323. بيانات در ديدار با مدير مسئول، سردبير و اعضاي هيئت تحريريه مجله حوزه (28 بهمن 1370) [↑](#footnote-ref-324)
324. سخنراني در ديدار با مجمع نمايندگان طلاب و فضلاي حوزه علميه قم (4 بهمن 1369) [↑](#footnote-ref-325)
325. بيانات در ديدار با اعضاي شوراي مركزي نمايندگان ولي فقيه در دانشگاههاي كشور و مسئولان دفاتر نمايندگي (8 مهر 1369) [↑](#footnote-ref-326)
326. همان [↑](#footnote-ref-327)
327. همان [↑](#footnote-ref-328)
328. بيانات در ديدار با اعضاي شوراي مركزي نمايندگان ولي فقيه در دانشگاههاي كشور و مسئولان دفاتر نمايندگي (8 مهر 1369) [↑](#footnote-ref-329)
329. سخنراني در ديدار با جمع كثيري از دانشگاهيان و طلاب حوزه‏هاي علميه (29 آذر 1368) [↑](#footnote-ref-330)
330. سخنراني در جمع پرسنل نيروي هوايي و كاركنان هواپيمايي‏، 19 بهمن 1361 (صحيفه نور، ج17، ص294) [↑](#footnote-ref-331)
331. پيام به ملّت ايران در پنجمين سالگرد پيروزي انقلاب‏، 22 بهمن 1362 (صحيفه نور، ج18، ص328) [↑](#footnote-ref-332)
332. سخنراني در جمع نمايندگاني از اقليتهاي مذهبي‏، 27 آبان 1361 (صحيفه نور، ج17، ص101) [↑](#footnote-ref-333)
333. سخنراني در جمع اعضاي خبرگان و حزب جمهوري‏، 23 شهريور 1358 (صحيفه نور، ج9، ص530) [↑](#footnote-ref-334)
334. بيانات در ديدار اعضاي مجلس خبرگان رهبري (6 اسفند 1388) [↑](#footnote-ref-335)
335. سخنراني در جمع اعضاي خبرگان و حزب جمهوري‏، 23 شهريور 1358 (صحيفه نور، ج9، ص523) [↑](#footnote-ref-336)
336. سخنراني در جمع خطبا و وعاظ در آستانه ماه محرم‏، 13 مهر 1362 (صحيفه نور، ج18، ص174) [↑](#footnote-ref-337)
337. سخنراني در ديدار با مجمع نمايندگان طلاب و فضلاي حوزه علميه قم (4 بهمن 1369) [↑](#footnote-ref-338)
338. وصيتنامه سياسي- الهي، 19 آذر 1366 (صحيفه نور، ج21، ص393) [↑](#footnote-ref-339)
339. بيانات در ديدار با اساتيد و نخبگان حوزه علميه قم (3 آبان 1389) [↑](#footnote-ref-340)
340. پيام به مسلمانان ايران و جهان و زائران بيت الله الحرام، 6 مرداد 1366 (صحيفه نور، ج20، ص311) [↑](#footnote-ref-341)
341. سخنراني در جمع ائمه جمعه مراكز استانها، 4 آبان 1362 (صحيفه نور، ج18، ص195) [↑](#footnote-ref-342)
342. سخنراني در آغاز هفتمين گردهمايي ائمه جمعه سراسر كشور (25 شهريور 1370) [↑](#footnote-ref-343)
343. سخنراني در جمع علما و روحانيون شيعه و سني‏، 16 ارديبهشت 1364 (صحيفه نور، ج19، ص250) [↑](#footnote-ref-344)
344. سخنراني در ديدار با ائمه جمعه سراسر كشور (7 خرداد 1369) [↑](#footnote-ref-345)
345. همان [↑](#footnote-ref-346)
346. سخنراني در جمع اعضاي شوراي مركزي ائمه جمعه‏، 4 خرداد 1362 (صحيفه نور، ج17، ص452) [↑](#footnote-ref-347)
347. سخنراني در مراسم بيعت ائمه جمعه سراسر كشور به اتفاق رئيس مجلس خبرگان (12 تير 1368) [↑](#footnote-ref-348)
348. سخنراني در جمع ائمه جمعه سراسر كشور، 3 دي 1359 (صحيفه نور، ج13، ص435) [↑](#footnote-ref-349)
349. سخنراني در آغاز هفتمين گردهمايي ائمه جمعه سراسر كشور (25 شهريور 1370) [↑](#footnote-ref-350)
350. پيام به ملّت ايران در پنجمين سالگرد پيروزي انقلاب‏، 22 بهمن 1362 (صحيفه نور، ج18، ص328) [↑](#footnote-ref-351)
351. بيانات در ديدار شركت‏كنندگان در هفدهمين اجلاس سراسري نماز (29 آبان 1387) [↑](#footnote-ref-352)
352. حكم انتصاب آقاي امام جماراني به سمت نماينده ولي فقيه در اوقاف، 26 مرداد 1359 (صحيفه نور، ج13، ص122) [↑](#footnote-ref-353)
353. سخنراني در جمع مديران كاروانهاي حج كل كشور، 8 مهر 1358 (صحيفه نور، ج10، ص176) [↑](#footnote-ref-354)
354. بيانات در ديدار دست‏اندركاران مراسم حج (30 آذر 1383) [↑](#footnote-ref-355)
355. بيانات خطاب به مسئولان مؤسسه كيهان، 13 دي 1361 (صحيفه نور، ج17، ص215) [↑](#footnote-ref-356)
356. پيام به ملت ايران، 21 فروردين 1358 (صحيفه نور، ج6، ص518) [↑](#footnote-ref-357)
357. سخنراني در جمع ائمه جمعه استان همدان‏، 11 آذر 1361 (صحيفه نور، ج17، ص121) [↑](#footnote-ref-358)
358. سخنراني در جمع شوراي 5 نفره صدا و سيما، 18 آذر 1358 (صحيفه نور، ج11، ص196) [↑](#footnote-ref-359)
359. بيانات در ديدار اعضاي مجلس خبرگان رهبري (25 شهريور 1389) [↑](#footnote-ref-360)
360. بيانات در ديدار با اعضاي«گروه ويژه» و«گروه معارف اسلامي» صداي جمهوري اسلامي ايران (13 اسفند 1370) [↑](#footnote-ref-361)
361. سخنراني در جمع دانشجويان دانشكده افسري ارتش‏، 11 مهر 1361 (صحيفه نور، ج17، ص22) [↑](#footnote-ref-362)
362. بيانات در ديدار مسئولان عقيدتي، سياسي نيروي انتظامي (23 دي 1383) [↑](#footnote-ref-363)
363. سخنراني در جمع پرسنل نيروي هوايي‏، 18 فروردين 1360 (صحيفه نور، ج14، ص265) [↑](#footnote-ref-364)
364. بيانات در ديدار مسئولان عقيدتي، سياسي نيروي انتظامي (23 دي 1383) [↑](#footnote-ref-365)
365. همان [↑](#footnote-ref-366)
366. سخنراني در ديدار با فرماندهان و مسئولان سازمان عقيدتي، سياسي نواحي مختلف نيروي انتظامي در سراسر كشور (2 بهمن 1370) [↑](#footnote-ref-367)
367. سخنراني در جمع كاركنان صنايع دفاع‏، 26 دي 1361 (صحيفه نور، ج17، ص237) [↑](#footnote-ref-368)
368. سخنراني در ديدار با فرماندهان نيروي انتظامي سراسر كشور، به‏مناسبت عيد سعيد فطر (27 فروردين 1370) [↑](#footnote-ref-369)
369. سخنراني در ديدار با فرماندهان و جمعي از پاسداران سپاه و كميته انقلاب اسلامي، مسئولان دفاتر نمايندگي ولي فقيه در سپاه و خانواده‏هاي معظم شهدا، در سالروز ميلاد امام حسين(ع) و روز پاسدار (29 بهمن 1369) [↑](#footnote-ref-370)
370. بيانات در ديدار با فرماندهان و جمعي از پاسداران كميته‏هاي انقلاب اسلامي (10 دي 1369) [↑](#footnote-ref-371)
371. سخنراني در مراسم ششمين دوره فرماندهي و ستاد دانشگاه امام حسين(ع) (29 آبان 1368) [↑](#footnote-ref-372)
372. سخنراني در مراسم بيعت فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامي (19 تير 1368) [↑](#footnote-ref-373)
373. سخنراني در مراسم بيعت فرماندهان، نمايندگان ولي فقيه و مسئولان عقيدتي، سياسي ژاندارمري و شهرباني، و رئيس و پرسنل سازمان پليس قضائي كشور (28 خرداد 1368) [↑](#footnote-ref-374)
374. بيانات در ديدار فرماندهان سپاه پاسداران (13 تير 1390) [↑](#footnote-ref-375)
375. سخنراني در جمع مسئولان وزارت اطلاعات‏، 19 اسفند 1363 (صحيفه نور، ج19، ص179) [↑](#footnote-ref-376)
376. سخنراني در جمع ورزشكاران و قهرمانان كشور، 17 مهر 1358 (صحيفه نور، ج10، ص251) [↑](#footnote-ref-377)
377. بيانات در جمع اعضاي شوراي نگهبان‏، 20 آذر 1362 (صحيفه نور، ج18، ص241) [↑](#footnote-ref-378)
378. بيانات خطاب به حامد الگار متفكر مسلمان امريكايي‏، 7 دي 1358 (صحيفه نور، ج11، ص465) [↑](#footnote-ref-379)
379. بيانات مقام معظم رهبري در ديدار علما و روحانيان (7 مرداد 1371) [↑](#footnote-ref-380)
380. بيانات خطاب به حامد الگار متفكر مسلمان امريكايي‏، 7 دي 1358 (صحيفه نور، ج11، ص463) [↑](#footnote-ref-381)
381. مصاحبه با روزنامه «لوموند»، 9 آذر 1358 (صحيفه نور، ج11، ص162) [↑](#footnote-ref-382)
382. بيانات در ديدار روحانيون و طلاب ايراني و خارجي در صحن«مدرسه فيضيه قم» (16 آذر 1374) [↑](#footnote-ref-383)
383. سخنراني در جمع روحانيون، پرسنل كميته و سپاه‏، 15 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص487) [↑](#footnote-ref-384)
384. سخنراني در جمع فقها و حقوقدانان شوراي نگهبان‏، 11 شهريور 1363 (صحيفه نور، ج19، ص42) [↑](#footnote-ref-385)
385. بيانات در ديدار طلاب، فضلا و اساتيد حوزه علميه قم (29 مهر 1389) [↑](#footnote-ref-386)
386. بيانات در جمع سرپرست و معاونان سازمان برنامه و بودجه‏، 17 مهر 1361 (صحيفه نور، ج17، ص33) [↑](#footnote-ref-387)
387. سخنراني در جمع روحانيون و ائمه جماعات‏، 20 تير 1359 (صحيفه نور، ج13، ص14) [↑](#footnote-ref-388)
388. مصاحبه با روزنامه«تمپو»، 23 دي 1357 (صحيفه نور، ج5، ص436) [↑](#footnote-ref-389)
389. سخنراني در جمع وعاظ تهران‏، 4 آبان 1360 (صحيفه نور، ج15، ص329) [↑](#footnote-ref-390)
390. بيانات در ديدار جمع زيادي از روحانيون، فضلا و مبلغان اسلامي در آستانه ماه مبارك رمضان (27 دي 1374) [↑](#footnote-ref-391)
391. سخنراني در جمع علما و روحانيون شيعه و سني‏، 16 ارديبهشت 1364 (صحيفه نور، ج19، ص247) [↑](#footnote-ref-392)
392. سخنراني در جمع ائمه جمعه استان يزد و هرمزگان‏، 10 آذر 1360 (صحيفه نور، ج15، ص397) [↑](#footnote-ref-393)
393. پيام به ملت ايران و مسلمانان جهان(توصيه‏هاي نه‏گانه به ملت)، 22 بهمن 1359 (صحيفه نور، ج14، ص71) [↑](#footnote-ref-394)
394. سخنراني در جمع روحانيون و ائمه جماعات‏، 20 تير 1359 (صحيفه نور، ج13، ص14) [↑](#footnote-ref-395)
395. سخنراني در جمع ائمه جمعه مازندران و دشت گرگان‏، 19 اسفند 1360 (صحيفه نور، ج16، ص97) [↑](#footnote-ref-396)
396. سخنراني در جمع وعّاظ تهران‏، 17 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص522) [↑](#footnote-ref-397)
397. سخنراني در جمع پرسنل كميته انقلاب اسلامي تهران‏، 6 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص318) [↑](#footnote-ref-398)
398. سخنراني در جمع قضات شوراي عالي قضايي و ديوان عالي كشور، 19 دي 1361 (صحيفه نور، ج17، ص227) [↑](#footnote-ref-399)
399. سخنراني در مراسم بيعت هزاران تن از طلاب، فضلا و اساتيد حوزه علميه قم و روحانيون بيست كشور جهان (22 خرداد 1368) [↑](#footnote-ref-400)
400. بيانات در ديدار طلاب، فضلا و اساتيد حوزه علميه قم (29 مهر 1389) [↑](#footnote-ref-401)
401. سخنراني در جمع مسئولان كشور، 9 شهريور 1361 (صحيفه نور، ج16، ص464) [↑](#footnote-ref-402)
402. سخنراني در جمع روحانيون‏، 15 اسفند 1357 (صحيفه نور، ج6، ص324) [↑](#footnote-ref-403)
403. همان [↑](#footnote-ref-404)
404. همان [↑](#footnote-ref-405)
405. بيانات رهبر معظم انقلا در ديدار بسيجيان استان كرمانشاه (22 مهر 1390) [↑](#footnote-ref-406)
406. سخنراني در جمع اعضاي ستاد انقلاب فرهنگي‏، 15 شهريور 1362 (صحيفه نور، ج18، ص104) [↑](#footnote-ref-407)
407. پيام به ملت ايران و مسئولين نظام، 22 بهمن 1361 (صحيفه نور، ج17، ص316) [↑](#footnote-ref-408)
408. بيانات در ديدار روحانيون و طلاب ايراني و خارجي در صحن«مدرسه فيضيه قم» (16 آذر 1374) [↑](#footnote-ref-409)
409. سخنراني در جمع كاركنان صنايع دفاع‏، 26 دي 1361 (صحيفه نور، ج17، ص236) [↑](#footnote-ref-410)
410. بيانات در آغاز درس خارج فقه (31 شهريور 1370) [↑](#footnote-ref-411)
411. سخنراني در جمع كاركنان صنايع دفاع‏، 26 دي 1361 (صحيفه نور، ج17، ص239) [↑](#footnote-ref-412)
412. پيام به ملّت ايران به مناسبت سالگرد پيروزي انقلاب‏، 22 بهمن 1360 (صحيفه نور، ج16، ص42) [↑](#footnote-ref-413)
413. سخنراني در جمع خانواده و طلاّب مدرسه شهيد قدوسي‏، 13 شهريور 1362 (صحيفه نور، ج18، ص100) [↑](#footnote-ref-414)
414. سخنراني در جمع روحانيون و ائمه جماعات‏، 20 تير 1359 (صحيفه نور، ج13، ص12) [↑](#footnote-ref-415)
415. همان [↑](#footnote-ref-416)
416. بيانات مقام معظم رهبري در آغاز درس خارج فقه (28 شهريور 1378) [↑](#footnote-ref-417)
417. سخنراني در جمع اعضاي ستاد انقلاب فرهنگي‏، 15 شهريور 1362 (صحيفه نور، ج18، ص104) [↑](#footnote-ref-418)
418. سخنراني در جمع نمايندگان مجلس خبرگان‏، 28 تير 1362 (صحيفه نور، ج18، ص15) [↑](#footnote-ref-419)
419. سخنراني در جمع فقها و حقوقدانان شوراي نگهبان‏، 11 شهريور 1363 (صحيفه نور، ج19، ص42) [↑](#footnote-ref-420)
420. پيام به ملت ايران و مسئولين نظام، 22 بهمن 1361 (صحيفه نور، ج17، ص316) [↑](#footnote-ref-421)
421. بيانات در ديدار اعضاي مجلس خبرگان رهبري (25 شهريور 1389) [↑](#footnote-ref-422)
422. بيانات در آغاز درس خارج فقه (31 شهريور 1370) [↑](#footnote-ref-423)
423. بيانات رهبر معظم انقلاب در ديدار جمعي از اساتيد، فضلا، مبلغان و پژوهشگران حوزه‏هاي علميه كشور (8 آذر 1386) [↑](#footnote-ref-424)
424. همان [↑](#footnote-ref-425)
425. بيانات در ديدار با اعضاي شوراي عالي انقلاب فرهنگي (4 بهمن 1376) [↑](#footnote-ref-426)
426. بيانات در آغاز درس خارج فقه (14 شهريور 1374) [↑](#footnote-ref-427)
427. بيانات در جمع علما و مدرسان و فضلاي حوزه علميه قم، در خجسته سالروز ميلاد حضرت مهدي(عجل الله تعالي فرجه) (30 بهمن 1370) [↑](#footnote-ref-428)
428. سخنراني در ديدار با مجمع نمايندگان طلاب و فضلاي حوزه علميه قم (4 بهمن 1369) [↑](#footnote-ref-429)
429. سخنراني در جمع روحانيون دفتر تبليغات حوزه‏هاي علميه‏، 14 اسفند 1359 (صحيفه نور، ج14، ص184) [↑](#footnote-ref-430)
430. پيام به مناسبت اولين سالگرد ارتحال حضرت امام خميني(ره) (10 خرداد 1369) [↑](#footnote-ref-431)
431. بيانات در ديدار طلاب، فضلا و اساتيد حوزه علميه قم (29 مهر 1389) [↑](#footnote-ref-432)
432. سخنراني در جمع خطيبان مذهبي در آستانه ماه محرّم‏، 14 آبان 1359 (صحيفه نور، ج13، ص321) [↑](#footnote-ref-433)
433. سخنراني در جمع روحانيون و ائمه جماعات‏، 20 تير 1359 (صحيفه نور، ج13، ص19) [↑](#footnote-ref-434)
434. سخنراني در جمع دانشجويان دانشگاه تهران‏، 14 خرداد 1359 (صحيفه نور، ج12، ص388) [↑](#footnote-ref-435)
435. بيانات در ديدار علما و روحانيون استان همدان (15 تير 1383) [↑](#footnote-ref-436)
436. بيانات در ديدار روحانيون و مبلغان، در آستانه«ماه محرم» (26 ارديبهشت 1375) [↑](#footnote-ref-437)
437. بيانات در ديدار مردم قم در سالروز قيام 19 دي (19 دي 1389) [↑](#footnote-ref-438)
438. پيام به ملّت ايران در پنجمين سالگرد پيروزي انقلاب‏، 22 بهمن 1362 (صحيفه نور، ج18، ص328) [↑](#footnote-ref-439)
439. سخنراني در جمع روحانيون شرق تهران‏، 5 مهر 1358 (صحيفه نور، ج10، ص140) [↑](#footnote-ref-440)
440. سخنراني در جمع روحانيون تجريش‏، 19 مهر 1358 (صحيفه نور، ج10، ص264) [↑](#footnote-ref-441)
441. سخنراني در جمع روحانيون كاشان، رفسنجان و پاكستان‏، 28 تير 1358 (صحيفه نور، ج9، ص150) [↑](#footnote-ref-442)
442. سخنراني در جمع اهالي اردكان فارس‏، 3 تير 1358 (صحيفه نور، ج8، ص272) [↑](#footnote-ref-443)
443. سخنراني در جمع اعضاي شوراي اسلامي كارگران و پرسنل ارتش‏، 4 تير 1359 (صحيفه نور، ج12، ص468) [↑](#footnote-ref-444)
444. سخنراني در جمع اعضاي شوراي مركزي حزب جمهوري‏، 17 شهريور 1360 (صحيفه نور، ج15، ص202) [↑](#footnote-ref-445)
445. ديدار با روحانيون (17 آبان 1385) [↑](#footnote-ref-446)
446. بيانات در ديدار علما و روحانيون استان همدان (15 تير 1383) [↑](#footnote-ref-447)
447. بيانات در ديدار روحانيون و طلاب ايراني و خارجي در صحن«مدرسه فيضيه قم» (16 آذر 1374) [↑](#footnote-ref-448)
448. بيانات در ديدار دانش‏آموزان و دانشجويان (10 آبان 1374) [↑](#footnote-ref-449)
449. بيانات در جمع علما و مدرسان و فضلاي حوزه علميه قم، در خجسته سالروز ميلاد حضرت مهدي(عجل الله تعالي فرجه) (30 بهمن 1370) [↑](#footnote-ref-450)